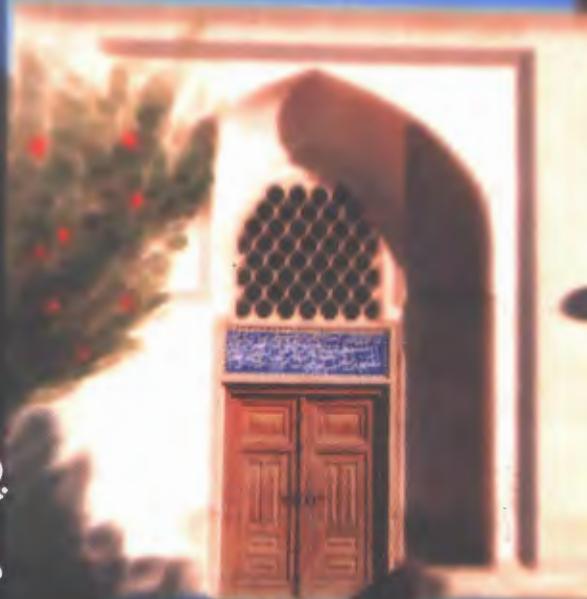


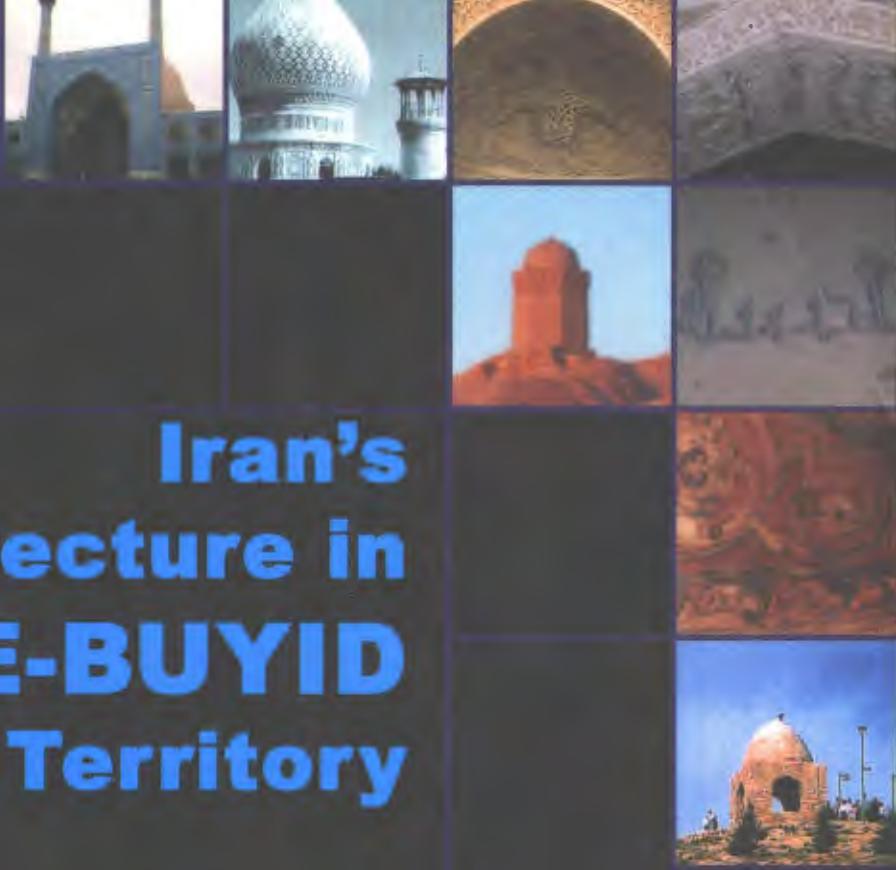
معماری ایران

در قلمرو

آل بویه

پژوهش و گردآوری:
میترا آزاد





Iran's Architecture in AL-E-BUYID Territory

by:
Mithra Azad



معماری ایران در قلمرو آن بوده

بزوهش و گردآور

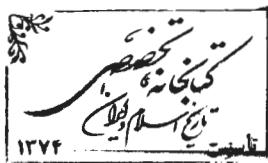
ایران

-

۲

۱۱

سے مال سالہ جو



اسکن شد

معماری ایران

در قلمرو آل بویه

تألیف:

میترا آزاد

آزاد، میترا، ۱۳۴۶
معماری ایران در قلمرو آل بویه/ تهیه کننده: میترا آزاد. - تهران: کلیدر، ۱۳۸۱.
۲۴۰ ص: مصور
۱۵۰۰ ریال: ISBN ۹۶۴-۷۶۵۰-۰۸-۶
فهرستنامه بر اساس اطلاعات فیبا کتابتاری به صورت زیرنویس. ۱.معماری -- ایران -- تاریخ. ۲.معماری اسلامی -- ایران -- تاریخ. ۳.معماری دیلمان. الف.عنوان
۷۲۰/۹۰۰ NA ۱۴۸۰/آم۶
۸۱-۲۷۲۸۵ کتابخانه ملی ایران



معماری ایران در قلمرو آل بویه

مؤلف: میترا آزاد

ناشر: کلیدر

طرح جلد: محمد هاتف کشادی

صفحه‌آرایی: ارگ رسانه

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: تیزهوش

چاپ: ستاره

صحافی: صدف

چاپ نخست: آبان ۱۳۸۱

شابک: ۶-۰۸-۹۶۴-۷۶۵۰-۰۸-۶ ISBN: 964-7650-08-6

همه حقوق چاپ و نشر و هرگونه بهره‌برداری برای مؤلف محفوظ است.

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

تقدیم به مادرم که نخستین آموزگارم بود.

فهرست

۱۱.....	پیش‌گفتار
۱۳.....	دیباچه
۱۹.....	فصل اول: چگونگی روی کار آمدن خاندان بويه
۲۱.....	- اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران تا پایان قرن سوم هجری
۲۳.....	۱- چگونگی روی کار آمدن خاندان بويه
۲۵.....	۲- آل بويه در عراق
۲۵.....	۳- آل بويه در فارس
۳۵.....	فصل دوم: شکوفایی فرهنگی در عهد آل بويه
۳۷.....	۱- شکوفایی فرهنگی در عهد آل بويه
۴۱.....	۲- عصر رنسانس اسلامی
۴۴.....	۳- ریشه‌های شکوفایی فرهنگی
۴۷.....	۴- روابط و مناسبات آل بويه با خلفای عباسی
۴۹.....	۵- سیاست مذهبی آل بويه
۵۱.....	۶- میراث ملی آل بويه
۵۲.....	۷- بغداد در دوران حکومت آل بويه
۵۳.....	۸- تاریخ نگاران و علماء و ادباء در دوره آل بويه
۶۰.....	۹- علمای بزرگ دوران آل بويه
۷۲.....	۱۰- فرقه‌های مهم اسلامی ایران در دوران آل بويه
۷۴.....	۱۱- مذاهب اهل سنت
۷۵.....	۱۲- مذاهب اربعه
۷۵.....	۱۳- فرق شیعه
۷۹.....	فصل سوم: معماری و کتیبه‌نگاری دوره آل بويه

- معماری و کتیبه‌نگاری دوره آل بویه ۸۱	
۳-۱. بنای دوره آل بویه در فارس ۹۰	
۱-۱-۳. بندامیر ۹۰	
۲-۱-۳. مزار شاه میر علی حمزه ۹۰	
۳-۱-۳. مسجد جامع نیریز ۹۱	
۴-۱-۳. کتیبه عضدالدوله در تخت جمشید ۹۲	
۵-۱-۳. مسجد جامع سیراف ۹۴	
۲-۳. معماری آل بویه در اصفهان و یزد و کرمان ۹۵	
۱-۲-۳. مسجد جامع اصفهان ۹۵	
۲-۲-۳. مسجد جورجیر اصفهان ۹۶	
۳-۲-۳. نقوش سر در مسجد جامع جورجیر ۹۷	
۴-۲-۳. پل شهرستان ۹۹	
۵-۲-۳. مسجد جامع نایین ۱۰۰	
۶-۲-۳. کتیبه‌های مسجد جامع نائین ۱۰۱	
۷-۲-۳. تزئینات مسجد جامع نایین ۱۰۳	
۸-۲-۳. مسجد محمدیه نایین ۱۰۳	
۹-۲-۳. کتیبه‌های محمدیه نایین ۱۰۴	
۱۰-۲-۳. مسجد جامع نظر ۱۰۵	
۱۱-۲-۳. گنبد دوره دیلمی ۱۰۷	
۱۲-۲-۳. بقیه دوازده امام یزد ۱۰۸	
۱۳-۲-۳. مسجد جامع عتیق یزد ۱۱۰	
۱۴-۲-۳. گنبد علی ۱۱۰	
۱۵-۲-۳. قدمگاه علی بن موسی الرضا(ع) فراشا ۱۱۲	
۳-۳. آثار معماری آل بویه در ری، طبرستان، همدان ۱۱۴	
۱-۳-۳. قلعه طبرک ری ۱۱۵	
۲-۳-۳. آرامگاه حضرت عبدالعظیم و امامزاده حمزه ۱۱۸	
۳-۳-۳. امامزاده طاهر ۱۱۹	
۴-۳-۳. بقیه امامزاده عبدالله ۱۱۹	
۵-۳-۳. بقیه بی شهربانو ۱۲۰	

۱۲۱ ۶. بقعة ابن بابویه	۳-۳-۳
۱۲۱ ۷. مقبره مرداویج زیاری	۳-۳-۳
۱۲۲ ۸. گنبد فخرالدوله	۳-۳-۳
۱۲۳ ۹. برج نقاره خانه	۳-۳-۳
۱۲۴ ۱۰. محراب مکشوفه مسجد ری	۳-۳-۳
۱۲۴ ۱۱. کتیبه های محراب	۳-۳-۳
۱۲۵ ۱۲. برج رسگت	۳-۳-۳
۱۲۶ ۱۳. برج لاچیم	۳-۳-۳
۱۲۸ ۱۴. برج رادگان	۳-۳-۳
۱۲۹ ۱۵. مسجد اسپیه مزگت در دهکده کیش خاله دیناچال	۳-۳-۳
۱۳۲ ۱۶. مسجد جامع قروه	۳-۳-۳
۱۳۴ ۱۷. محراب مسجد جامع قروه	۳-۳-۳
۱۳۵ ۱۸. کتیبه خط کوفی مسجد جامع ساوه	۳-۳-۳
۱۳۹ نتیجه گیری	
۱۴۹ کتابنامه	
۱۵۳ فهرست تصاویر	
۱۰۹ تصاویر	

پیش‌گفتار

دین مقدس اسلام، چه در بد و ظهر و چه در گسترش سریع خود در سطح جهان، در برخورد با فرهنگ و تمدن موجود در جوامع گوناگون روشی ویژه در پیش گرفت: به جای آنکه از بن با این فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در افتاد، در بطن آنها حلول کرد و آنها را از درون دگرگون ساخت. از این رو، اگر تاریخ فرهنگ و تمدن هر یک از جوامع اسلامی در خود آنها به صورت طولی مطالعه شود، نوعی پیوستگی میان مظاهر فرهنگی آنها - از جمله مصادیق فرهنگ مادی، یعنی آثار هنر و معماری - در پیش و پس از اسلام دیده می‌شود. از سوی دیگر در بررسی هم‌زمان فرهنگ مادی همه مناطق جهان اسلام نوعی مشابهت و مناسبت و هم‌خانوادگی در میان آنها، از شرق تا غرب، از مرزهای چین و هند تا شمال افریقا و اسپانیا مشاهده می‌شود.

در ایران نیز، اسلام به جای مخالفت با فرهنگ و مظاهر فرهنگی ایرانیان، در دل آنها حلول و آنها را از درون دگرگون کرد؛ و به عبارتی میراث فرهنگ ایرانی را از آن

خود ساخت. کیفیت این تصرف ظریف فرهنگی در مطالعه تاریخ و فرهنگ ایران بس مهم و آموزنش است.

بدیهی است با آنچه گفتیم و با چنین دیدگاهی، نسبت میان معماری ایران در قبل و بعد از اسلام صورتی دیگر می‌یابد. با این دیدگاه نه انکار جنبه "اسلامی" در معماری ایرانی پس از اسلام و انتساب همه حیثیت معماری ایرانی به دوران باستان وجهه‌ای محققانه دارد، و نه رد عنصر ایرانی در معماری اسلامی ایران اعتباری عالمانه. آنچه لازمه دقت نظر و تأمل عالمانه است، بررسی کیفیت تغییر معماری ایران بر اثر حلول اسلام در آن و نیز کیفیت تأثیر معماری ایرانی، در حکم نمونه‌ای از فرهنگ ایرانی، در بنا کردن تمدن اسلامی است.

برای چنین مطالعه‌ای، بررسی آثار هنر و معماری قرون اولیه اسلام، یعنی قرون اول تا چهارم هجری (هفتم تا دهم میلادی) حائز بیشترین اهمیت است، زیرا تحول ذکر شده درست در همان زمان صورت گرفت. از قضاء در بررسی فرهنگ و معماری ایران و اسلام، این دوره بیش از همه دوران‌ها مغفول مانده است. شاید سبب این غفلت دشواری پژوهش در این دوران باشد که خود از علل گوناگونی چون بُعد زمان، گستردگی جغرافیایی امپراتوری اسلامی در قرون اولیه، و قلت متون و آثار هنر و معماری به جا مانده از آن دوران برمی‌خیزد.

از این رو اهتمام به پژوهش در این دوران، که دوره آل بویه بخش مهم و حساسی از آن است، اهتمامی خجسته و شایسته تقدیر است. کتاب حاضر در زمرة این پژوهش‌هاست و امید است مقدمه‌ای برای جستجوی منابع دست اول و گسترش اطلاعات و نقد آراء موجود، چه توسط مؤلف محترم کتاب و چه سایر محققان واقع گردد.

سید محمد بهشتی

تهران - آبان ۱۳۸۱

دیباچه

دوران آل بویه در شکل‌گیری هنر اسلامی نقش بسزایی داشته و به واقع یک دوره رنسانس و نوزاپی علمی، فرهنگی و هنری می‌باشد که بر خلاف اهمیتی که داشته، به خوبی‌شناسایی نشده است. آثار هنری این دوره در اثر عدم وجود پژوهش کافی عموماً ناشناخته و گاه به دوران دیگر نسبت داده شده‌اند.

یکی از ویژگی‌های مهم و بارز هنر آل بویه وجود مفاهیم و عناصر مذهبی است و می‌توان آثار به جای مانده از این دوران را به عنوان آثار هنر دینی و از طرفی شیعی به حساب آورد در این گذر نقش هنر مذهبی و حضور فعال هنرمندان مذهبی آل بویه در دوران شکل‌گیری هنر اسلامی قابل توجه و ارزنده است. اهدافی که در این تحقیق مد نظر بوده است:

- ۱- بررسی وضعیت تاریخی و فرهنگی - هنری دوره آل بویه.
- ۲- شناخت شهرهای عمدۀ آل بویه و بناهای این دوره.

۳- شناخت انواع کتیبه بنها از نظر نوع خطوط و مضامین کتیبه ها.

بیشترین تحقیقات انجام شده در مورد دوره آل بویه به تحقیقات تاریخی مربوط می شود. از جمله کتاب های با ارزش کتاب آفای علی اصغر فقیهی با عنوان آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر می باشد و کتاب دیگر مربوط به سید احمد رضا خضری با عنوان تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه از انتشارات سمت می باشد. از کتاب های دیگر و از منابع مهم، کتاب سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع از دائره المعارف تشیع چاپ انتشارات علمی و فرهنگی می باشد. کتاب احیاء فرهنگی در عهد آل بویه و انسان گرایی در عصر رنسانس اسلامی نوشته آفای جوول، ل، کرمر (Joel L.Kramer) با دیدگاه مقایسه ای بین رنسانس اسلامی و رنسانس ایتالیا و به شکوفایی فرهنگی در این دوره پرداخته است.

در فصل اول این پژوهش جهت ورود به عرصه هنر معماری و کتیبه نگاری، ویژگی های تاریخی این دوره بررسی شده است که با توجه به مراکز اصلی قدرت و شهرهای مهم قلمرو آل بویه تکثیک شده است. بدین ترتیب ولایات ری؛ اصفهان، شیراز، شوش، استخر، گرگان، سیراف، کرمان عمده ترین مراکز و شهرهای این دوران بودند. مراکز عمده سفال و شیشه و فلزکاری در طبرستان و ری و بافت پارچه در ری و شوش و شوستر بودند.

از لحاظ شهرهایی که در عصر آل بویه به شیعه اختصاص داشت، شهر قم در درجه اول قرار دارد. دین اسلام با مذهب تشیع وارد آن شد. شهر دیگر کرج ابودلف (احتمالاً کروهروド فعلی نزدیک اراک) و آوه (بین قم و ساوه)، تفرش، فراهان، و شهر ری در مازندران نزدیک ساری به نام (بروزن برد) و شهرهای آمل و ساوه نیز از مراکز شیعه بودند. در شهرهای بزرگ همچون ری محله هایی مخصوص شیعیان وجود داشت مانند محله مسلح گاه در ری و محله کرخ در بغداد و محله های نیز در شهر قزوین به شیعه اختصاص داشت.

فصل دوم به ریشه‌های شکوفایی فرهنگی و زمینه‌های آن اختصاص دارد. نکته بارز و نقطه قوت حکومت روش اندیش آل بویه، حضور علماء و ادباء و تاریخ‌نگاران بی‌شماری در این دوره می‌باشد که این دوره را به دوره رنسانس فرهنگی و علمی و حتی هنری تبدیل کرده است.

در دوره آل بویه مرکز حکومت یعنی شهر بغداد مرکز امپراطوری عظیمی بود که قلمرو آن از اسپانیا تا هندوستان را شامل می‌شد و میعادگاه دانشورانی با سوابق مختلف فرهنگی و حتی دینی از گوشه و کنار عالم بود. آل بویه که شیعیانی آزاد اندیش و دارای سنت‌ها و مواریث فرهنگی ایرانی بودند به پیشرفت فلسفه و علم و ترویج شعر و ادبیات صمیمانه خدمت کردند. توسعه سریع مراکز ولایات و دربار محلی مانند شیراز و ری و اصفهان و همدان به این رقابت و پیشرفت علوم و هنرها کمک کرد.

حضور فلاسفه بزرگ جهانی در این دوره همچون فارابی، ابن سینا و دانشمندانی چون ذکریای رازی که قرنه اقتدار علمی خود را در جهان حفظ کردند همچون نگینی بر تارک این دوره می‌درخشد و در مقایسه با رنسانس ایتالیا که فاقد چنین فیلسوفان و دانشمندان بزرگ جهانی بود، عرضه اندام می‌کند.^۱

تعداد بیشمار فضلا و ادباء و تاریخ‌نگاران و دانشمندان که در فصل دوم به اختصار در مورد آنها و تأثیراتشان توضیحاتی داده شده، بیانگر این مطلب است که بیشترین حجم تولیدات فرهنگی و حتی علمی جهان اسلام در این دوره بوده است و می‌توان ادعا کرد که دیگر هیچ دوره‌ای از این نظر به پای آن نرسیده است.

از نظر تولیدات کتاب‌های تفسیر و حدیث شیعه نیز این دوره نگین افتخار فرهنگ شیعه می‌باشد. حضور مفسران شیعی مانند، کلینی، ابن با بویه یا شیخ صدق، شیخ مفید، شیخ طوسی و شریف مرتضی و شریف رضی گواه این مدعاست.

۱ جونل، ل. کمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه محمد حنایی کاشانی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۵، صص ۸۰-۷۶.

آغاز تاریخ نگاری عالم اسلام و بویژه تاریخ شیعه نیز در این دوره بوسیله شیعیان ایرانی الاصل آغاز گشت. تأثیف کتب اربعة عالم تشیع و بویژه گرد آوری نهج البلاغه توسط شریف رضی (سید رضی) از افتخارات این دوره است.^۱

حضور وزرای دانشمند آل بویه از جمله ابن عمید که شیعه مذهب بود و در فلسفه، ادبیات، علوم، ریاضیات و علم مکانیک که به اختراع سلاحها و ابزار و ادوات می‌انجامید و در طراحی و علم مناظر و مرايا بی نظیر بود. او همچنین جنگجوی بی‌همتایی نیز بود و در نقشه‌های جنگی و دفاعی باعث پیروزی های درخشنان آل بویه گردید.

در این دوره برای نخستین بار یاد بود عاشورا، شهادت حسین بن علی با عزاداری عمومی در دهم محرم سال ۳۵۲ هق. برگزار شد.

- زیارت مشاهد متبرکه و ساخت حرم حضرت امام حسین و حضرت علی (ع) نیز به دستور امرای آل بویه انجام گرفت آل بویه به شیعیان امامی اجازه می‌دادند تا با پذیرفتن منصب‌هایی در اداره حکومت مقاصد خویش را پیش ببرند، بدان امید که راه نفوذ تسنن را کاهش دهند.

مهم‌ترین توفیق شیعیان در عهد آل بویه اجازه تظاهر علی به عقایدشان بدون نیاز به تلقیه بود. در این دوره تشیع امامی بی‌آنکه مذهب رسمی حکومت اعلام شود، مرسوم شد و اشخاص با فرهنگ و بازرگانان و عملان دولتی را شیفته خود کرد.

علنی کردن شعارهای شیعه نیز در این دوره اتفاق افتاد. گفتن جمله حی علی خیر العمل در اذان و شهادت به ولایت علی (ع) در اذان به این دوره، مربوط می‌شود. فرقه های مهم اسلامی در ایران در زمان آل بویه از سه شعبه بزرگ اهل تشیع، اهل سنت و خوارج بودند. خوارج بیشتر در سیستان و کرمان و برخی در فارس و عراق بودند

۱ محمد حسین متابغ فریدنی، تاریخ نگاری شیعیان – سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع، دایره المعارف تشیع، چاپخانه علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳، صص ۳۷۸-۳۷۷

مذاهب اهل سنت شامل مذهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی بودند و مذاهب شیعه نیز سه فرقه اثنی عشری، اسماعیلیه و زیدیه بودند. در دوره آل بویه در بغداد تشیع امامی مذهب مسلط بود.^۲

فصل سوم به خصوصیات معماری بناها و کیبینگاری و انواع خطوط به کار رفته و مضامین نهفته در آنها می‌پردازد.

آل بویه به آبادانی و شهر سازی توجه زیادی نشان دادند. ساختن بناهای عام المتفعله مانند سدها و بندها و پل ها، و تأسیسات آبرسانی هم چون نهر رکن آباد شیراز و ساخت بیمارستانها و جذب پزشکان معروف در آنها و ساخت قلعه های حکومتی از جمله قلعه طبرک در ری و در اصفهان و قهندز شیراز و ساخت بقاع متبرکه همچون کربلا و نجف و مقابر در ری و فارس و ساخت کاروانسراهای بیشمار در مسیر راه زائران کربلا و وجود کتابخانه های معظم مانند کتابخانه عضدالدوله در شیراز و کتابخانه ری که از تمام کتابخانه های قاره اروپا بیشتر کتاب داشت. کتابخانه اصفهان و ساوه نیز از کتابخانه های مهم آن دوران بود.^۱

در کتابخانه بهاءالدوله پسر عضدالدوله بیست و نه جز از قرآن به خط ابن مقله وجود داشت و جزء سی ام را ابن بوآب (ابوالحسن علی بن هلال) نوشته بود.

در مورد ویژگی های سبکی معماری آل بویه میتوان گفت که هنوز اقتدار معماري ساساني جلوه گری می کند بطوری که به سختی می توان معماری قرون اولیه و معماري ساساني را از یکدیگر تمیز داد. چهار طاقی و گنبد بنای مقبره بی شهربانو مربوط به دوره آل بویه از نظر مواد و مصالح، تکنیک ساخت و تنشبات کاملاً مشابه چهار طاقی های بناهای ساسانی است و این ابهام را بر جای می گذارد که احتمالاً بر روی یک

۲. ناصرالدین شاه حسینی، تمدن و فرهنگ ایران از آغاز تا دوره پهلوی، انتشارات دانشگاه سپاهیان انقلاب، چاپ سوم، ۱۳۵۶، صص ۲۲۷-۲۲۶.

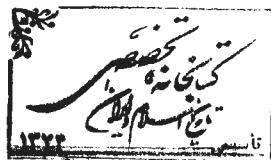
۱. عبدالحسین زرین کوب، تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۷، صص ۴۸۲-۴۸۱.

بنای ساسانی و با همان شیوه و مواد ساخته شده است و یا اینکه اصل بنا ساسانی بوده و در قرن چهارم مرمت شده است. در جداول شماره ۱ الی ۳ نام بناهای این دوره با نوع کاربری آنها مشخص شده است.

در پایان از استاد محترم دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، سرکار خانم دکتر مهناز شایسته‌فر که استاد راهنمای اینجانب در گردآوری این پژوهش بودند بسیار سپاسگزارم. از جانب آقای مهندس سید محمد بهشتی ریاست محترم سازمان میراث فرهنگی کشور که راهنمایی‌های ایشان در جهت ارائه بهتر این تحقیق سودمند بود. از آقای نویسی و صندوق تعاون سازمان، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی به ویژه خانم خورشید زینعلی، آقای شروین خسروی، سعید خودداری نائینی و فرید خدارحمی به خاطر در اختیار گذاردن تصاویر ارزشمند سپاسگزارم. در پایان از اساتید محترم تقاضا می‌کنم با راهنمایی خود مرا در جهت تکمیل این پژوهش یاری نمایند.

میترا آزاد

زمستان ۸۱



(۱۳۲۲) (۱۳۲۲)

چگونگی روی کار آمدن خاندان بویه

- اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران تا پایان قرن سوم هجری

قرون اولیه هجری در ایران یکی از شکوفاترین دوران‌های علمی فرهنگی و هنری بوده است. پیش از پرداختن به چگونگی روی کار آمدن خاندان آل بویه و عظمت فرهنگی آن دوره به اجمال اوضاع اجتماعی فرهنگی ایران در آن زمان بررسی می‌شود.

هنگام فتح ایران به دست سپاهیان اسلام در سرزمین شاهنشاهی ساسانی، آئین‌های زرده‌شده و مسیحی و مانوی و مزدکی و بودائی و یهود رواج داشت. در آغاز حمله سپاهیان اسلام به ایران سراسر این سرزمین به یکباره مسلمان نشدند بلکه این امر تدریجی صورت پذیرفت. در آغاز کار عده‌ای از کشاورزان و اهل حرف و صنایع بر اثر فشارهای اجتماعی آن دوره به اسلام گرویدند و باقی مردم دین خود را حفظ کردند.

اوخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم مردم به علل گوناگون بدین اسلام درآمدند. یکی از مهمترین دلایل، فرار از جزیه سنگینی بود که غیرمسلمانان می‌بایست به حکام اموی پردازنند. خراج سنگین باعث ضعف بنیه مالی مردم می‌شد به طوری که از اواسط دوره

بنی‌امیه رها کردن دین قدیم و قبول اسلام امری متداول گردید. نکته جالب توجهه این است که برخی از خلفاء و عمال حکومت اموی از این امر راضی نبودند زیرا باعث کم شدن درآمد حکومت می‌گردید. ولی بعضی از آنها مانند عمر بن عبدالعزیز از این موضوع استقبال کردند و عده کثیری از غیرمسلمانان، آیین اسلام را پذیرفتند تا از بار سنگین جزیه و خراج رهایی یابند. امر دیگری که ایرانیان را به قبول کیش اسلام ترغیب می‌کرد ورود در خدمات اداری و درباری و سیاسی در اوایل عهد بنی عباس است. بسیاری از اشخاصی که برای ورود در خدمات اداری ظاهر به اسلام می‌کردند واقعاً مسلمان نبودند و یا متهم به الحاد و زندقه بودند مانند برامکه، عبدالله بن المقفع، افشن، مازیار و غیره....

عله کثیر دیگری هم اندک‌اندک در طول چهار قرن بر اثر تبلیغ و یا بر اثر معاشرت و مجاورت با مسلمین به دین اسلام درآمدند و تنها این دسته است که می‌توان آنها را مؤمنان و معتقدان واقعی دین اسلام در آن روزگار دانست. به همین علت در اواخر قرن چهارم اکثریت ایرانیان قبول اسلام کرده و دست از ادیان پیشین برداشتند. با این همه در پایان قرن چهارم و آغاز قرن پنجم عده کثیری از زرتشتیان و عیسویان و پیروان برخی ادیان دیگر در ایران به ویژه در فارس و خراسان و ماوراءالنهر و طبرستان و دیلمان به آزادی تمام مراسم دینی خود را ادا می‌کردند. هر چه بر عمر اسلام در ایران افزوده شد بر درجه اعتقاد مردم و تعصب عامه به آیین اسلام اضافه گشت و از شماره پیروان ادیان دیگر کاسته شد.^۱ با این حال تداوم خط و لهجه پهلوی در میان ایرانیان غیرمسلمان و مسلمان تا حدود قرن پنجم از میان نرفت. چنانکه در فصل سوم نیز آمده است در برخی نواحی ایران کتیبه‌های ابینه را علاوه بر خط عربی (کوفی) به خط پهلوی می‌نوشتند. مانند برج لاجیم که در سال ۴۱۳ بنا شده است. کتب

۱. ذبح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، جلد اول، چاپ پنجم، ۱۳۵۶، ص ۴۱، الی ۴۶.

زیادی نیز در این دوره از پهلوی به عربی ترجمه شد.^۱

۱- چگونگی روی کار آمدن خاندان بویه

جد خاندان بویه، ابوشجاع بویه، پسر فنا خسرو دیلمی است که از میان یکی از طوایف دیلمی به نام شیر ذیل آوند برخاسته است. همزمان، در آن دوره عده‌ای از قهرمانان و بزرگان منطقه گیل و دیلم چون ماکان و اسفار و مرداویج برخیفه عباسی شوریدند. ابوشجاع به همراه پسرانش بخاطر خستگی از کارهای سخت و کم درآمد، به خدمات لشگری درآمد و در این میان، علی و برادرش حسن به صفت سپاهیان ماکان کاکی، فرمانده بلند پایه سپاه سامانی پیوستند. چون نیروی ماکان رو به ضعف نهاد آنها به خدمت مرداویج در آمدند. مرداویج امارت کرج ابی‌دلف (بین ساوه و همدان) را به برادر بزرگتر علی واگذار کرد. توفیقات روزافزون علی مرداویج را نگران کرد بدین سبب در صدد برآمد که او را از ادامه کار باز دارد. علی که به موقع از سوءظن و تصمیم خطرناک مرداویج آگاه گردید و به همراه یاران خویش به اصفهان رفت و سپاه مظفرین یاقوت حاکم اصفهان را درهم شکست و پس از دو ماه، به دلیل هجوم سپاه و لشگر اصفهان را به قصد فارس رها کرد. اما در همین زمان پیمان اتحاد و دوستی میان مرداویج و یاقوت به امضاء رسید، علی به همراه یارانش عازم کرمان شد. اما یاقوت با سپاهی بزرگ در منطقه بیضاء راه را بر او بست. سپاه علی با آنکه از نظر نیرو و تعداد اندک بود با شجاعت و پایمردی لشگر یاقوت را درهم کوبید (جامدالثانی ۳۲۲) و باروبنۀ او را به دست آورد و یاقوت را تا شیراز دنبال کرد و خود برآنجا دست یافت. او خلیفه الراضی بالله، را با وعده سالانه هشت میلیون درهم خشنود کرد و خلعت و لوای امارت فارس را از طرف ابن مقله و توسط ابو عیسی یحیی بن ابراهیم مالکی در شوال ۳۲۲ ق. از وی دریافت کرد. در واقع پس از تصرف شیراز، قدرت آل بویه استوار

۱. ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات ایران، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.

گردید.^۱

خلیفه و همه داعیه داران قدرت وجود این رقیب تازه نفس را در عرصه سیاست پذیرفتند. در این دوره پیمان آشتی میان مرداویج و یاقوت کارگزار خلیفه در خوزستان بر هم خورد و سپاه مرداویج اهواز، ایذه، رامهرمز و عسکر مکرم را اشغال کرد و یاقوت از خوزستان عقب نشست و به واسطه گریخت. پیروزی‌های مرداویج برای علی بسیار تهدیدآمیز بود. علی با جی فراوان نزد مرداویج فرستاد و برادرش، حسن را به گروگان روانه اصفهان کرد و نام مرداویج را در خطبه نماز یاد کرد. اما مرداویج در سال ۳۲۳ ق. بر اثر یک حادثه ناگهانی به قتل رسید. و ستاره اقبال بویهان درخشیدن گرفت. پس از این واقعه، علی بن بویه سپاه یاقوت را در هم شکست و بخشهایی از خوزستان را به دست آورد. یاقوت به عسکر مکرم گریخت و بر اثر نیرنگ و توطنه ابوعبدالله بریدی در سال ۳۲۴ ق. به قتل رسید.^۲

سپاهیان ترک مرداویج به علی بن بویه و ابن رائق پیوستند. ماکان کاکی سپاه و شمگیر زیاری را شکست داد و او را از ری و نیشابور براند.

حسن بن بویه که در اصفهان گروگان مانده بود به نزد برادرش علی بازگشت و با سپاهی بزرگ مأمور تصرف اصفهان گردید. به این ترتیب علی بن بویه در فارس و برادرش حسن در اصفهان مستقر شدند و تصمیم گرفتند که برادر کوچک خود احمد را به کرمان فرستند.^۳

در سال ۳۲۴ ق. علی بن بویه، برادر کوچکترش احمد را با لشگری انبوه به تسخیر کرمان فرستاد. او در جنگ با طوایف کوچ و بلوج شکست خورد و دست چپش قطع گردید. و به فارس بازگشت. علی برای جبران شکست کرمان احمد را به همراه

۱. علی اصغر، فقیهی، آل بویه، اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر، انتشارات صبا، ۱۳۶۸، ص ۹۲-۹۳.

۲. سیداحمدرضا خضری، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، انتشارات سمت، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵.

۳. سیداحمد رضا خضری، تاریخ خلافت عباسی، ص ۱۴۶.

ابو عبدالله بریدی به خوزستان فرستاد و احمد بجکم را شکست داد و بر اهواز دست یافت. وشمگیر زیاری که بیشتر قلمرو زیاریان را از دست داده بود در سال ۳۲۷ ق. به اصفهان حمله کرد و آن شهر را از دست حسن بن بویه خارج کرد اما یک سال بعد، حسن به کمک برادرش علی، اصفهان را از چنگ زیاریان بیرون آورد.^۱

۱- آل بویه در عراق

از سال ۳۲۸ تا ۳۳۳ ق. بارها احمد به عراق حمله کرد و هر بار موقعیت بهتری بدست آورد. به دنبال قتل بجکم (۳۲۹ق) و کشته شدن ابن رائق (۳۳۰ق) و مرگ ابو عبدالله بریدی (۳۳۲ق) در حالی که دستگاه خلافت دچار اغتشاش، هرج و مرجی وصف ناپذیر بود، احمد بن بویه آهنگ تصرف بغداد کرد و در جمادی الاولی سال ۳۳۴ ق. وارد بغداد شد. خلیفه مستکفى و ابن شیرزاد امیرالامرا ا او و دیگر سرداران ترک به موصل گریختند. ولی خلیفه از موصل بازگشت و بیعت احمد را با خرسندی پذیرفت و او را به امیرالامرا بیگزید و به او لقب معزالدوله داد، همچنین برادر بزرگ او علی را عمادالدوله و برادر دیگرش حسن را رکن الدوله نامید. القاب آنها بر سکه‌ها ضرب شد و خلعت و لوای فرماندهی به آنان اعطا شد. بدین ترتیب برای نخستین بار یکی از سلسله‌های ایرانی توانست عراق و دارالخلافة عباسی را زیر سلطه خود بگیرد و بیش از یک قرن تعیین کننده سیاست‌های دستگاه خلافت عباسی باشد.^۲

۲- آل بویه در فارس

بنیانگذار دولت بویه در منطقه فارس علی عمادالدوله بود. در بخش اول چگونگی تصرف شیراز در سال ۳۲۲ ق. بدست علی بیان شد. او در همان شهر مستقر شد و

۱. علی اصغر، فقیهی، آل بویه، صص ۱۰۸-۱۰۹.

۲. سیداحمد رضا، خضری، تاریخ خلافت عباسی، ص ۱۴۷ به نقل از تجارب الامم. (ابوعلی احمد بن مسکویه، تجارب الامم، مصر، مطبوعه الشرکه التمدن الصناعیه، ۱۳۲۲ق).

لشکرکشی‌های مکرر بویهیان را هدایت و رهبری کرد. تصرف اصفهان و ری به دست حسن و تسلط احمد بر کرمان، خوزستان و دارالخلافه، همه با هدایت و حمایت علی صورت پذیرفت. به گفته مورخان، علی عmadالدوله مردی با تدبیر و گشاده دست بود و دیگر برادران از او کاملاً اطاعت می‌کردند و در واقع احمد (معزالدوله) در بغداد به نیابت از او فرمان می‌راند و این وفاق و احترام و اطاعت از بزرگتر رمز اقتدار دولت بویه بود. علی چون فرزندی نداشت، پسر ارشد رکن‌الدوله به نام فنا خسرو را به شیراز فراخواند و او را در نهایت ادب و احترام به جانشینی گماشت و در سال ۳۳۸ ق. در سن ۵۹ سالگی در گذشت.^۱

عضدادالدوله (۳۷۲-۳۳۸ ق) فناخسرو: پسر رکن‌الدوله در سال ۳۲۷ ق، در چهارده سالگی به درخواست عmadالدوله در شیراز جانشینی وی را به عهده گرفت. او به یاری پدرش و عمویش معزالدوله و پایمردی ابوالفضل بن عیید شورشها، از جمله شورش بکا، پسر ونداد خورشید دیلمی را فرونشاند.

فناخسرو پس از سرکوب مخالفان روابط خود را با خلیفه بهبود بخشید و فرستادگان خلیفه را در سال ۳۴۹ ق. با آغوش باز پذیرفت و چنان کرد که در سال ۳۵۲ ق. المطیع به او لقب عضدادالدوله بخشید. عضدادالدوله در سال ۳۳۵ ق. به عمان و سیراف لشکر کشید و آنجا را تسخیر کرد و چندی بعد راهی کرمان شد و پس از سرکوب طوایف شورشی و سرکش بلوج، کرمان را از چنگ کارگزاران سامانی بیرون آورد (۳۵۷ ق). و امارت آنجا را به پسرش ابوالفوارس شیر ذیل (شیردل) داد، و فردی را به نیابت برآنجا گماشت. در این دوره بغداد در دست عزالدوله بختیار، جانشین معزالدوله بود و در آتش اختلاف میان ترکان و دیلمیان از یک سو و شیعیان و سینیان از سویی دیگر می‌سوخت. عضدادالدوله برای مقابله با حمله تجاوزگران رومی به نصیبین و

۱. سیداحمد رضا خضری، تاریخ خلافت عباسی، صص ۱۵۰-۱۴۹.

دیار بکر حمله کرد و سپس برای کمک به عزالدوله عازم بغداد شد. او شورش ترکان به سرکردگی الفتگین را در هم کویید و با جلال و شکوه وارد بغداد شد و خلیفه الطائع را که به تکریت رفته بود و به بغداد بازآورد و با تکریم برتحت نشاند.^۱

او مخفیانه و به کمک مزدورانش رابطه خلیفه و عزالدوله را بر هم زد و خود به اشاره خلیفه، عزالدوله را بازداشت کرد و برتحت نشاند. وقتی خبر این توطئه به گوش رکن‌الدوله رسید، از بی وفایی پسر به شدت برآشفت و او را تهدید کرد که به زودی برای تنبیه وی عازم عراق خواهد شد. چون برخی از شهرهای تحت فرمان عضدادوله دچار آشوب گردیده بود، او با عزالدوله از در آشتنی در آمد و حکومت بغداد را به وی برگرداند و عازم فارس شد و با میانجیگری ابن عمید، در اصفهان با پدر ملاقات کرد و به جانشینی پدر نیز برگزیده شد و دو برادرش مؤید الدوله و فخرالدوله ملزم به اطاعت از وی شدند.^۲

رکن‌الدوله در سال ۳۶۶ ق. در گذشت و عضدادوله را برای تصرف قلمرو عزالدوله آزاد گذاشت. او با خلیفه ارتباط برقرار کرد و در اواخر سال ۳۶۶ ق. به سوی عراق حرکت کرد و در اهواز سپاه عزالدوله را در هم شکست و روانه بغداد شد. عزالدوله به موصل گریخت و در حمله مجددی به بغداد شکست خورد و به فرمان عضدادوله به قتل رسید. (۳۶۷ق). عضدادوله پس از این پیروزی به قلمرو حمدانیان حمله کرد و موصل و میافارقین و آمد و بخشهایی از دیار بکر و دیار مضر را تصرف کرد.^۳

عضدادوله در سال ۳۶۹ ق. به همدان مقر حکومت برادرش فخرالدوله حمله کرد. فخرالدوله همدان را رها کرد و به نزد قابوس بن وشمگیر پناه برد - آنگاه همدان و

۱. سیداحمد رضا خضری، تاریخ خلافت عباسی، صص ۱۵۰-۱۵۱.

۲. علی اصغر قبیلی، آل بویه، صص ۲۱۰-۲۱۷.

۳. سیداحمدرضا خضری، تاریخ خلافت عباسی، ص ۱۵۱.

نهاوند را به برادرش مؤیدالدوله داد و دینور و کرمانشاه را به تصرف خود درآورد. در سال ۳۷۰ ق. برای تأمین امنیت مرزهای عراق به تحрیکات کردان حسنیه بربزیکانی خاتمه بخشید. عضدادوله در آخرین حمله لشکری به فرماندهی مؤیدالدوله را به جنگ قابوس فرستاد و مؤیدالدوله وارد استرآباد شد و قابوس را تا نیشابور عقب راند. قابوس و فخرالدوله از نوح بن منصور سامانی درخواست پناهندگی کردند و مؤیدالدوله سپاه بزرگ سامانی را درهم شکست و در حال تسخیر خراسان بود که خبر مرگ عضدادوله به وی رسید و او را از ادامه کار نا امید ساخت. عضدادوله در سال ۳۷۲ ق. در سن ۴۸ سالگی بر اثر بیماری صرع درگذشت. پیکر او را ابتدا در بغداد و سپس در کنار مرقد حضرت علی(ع) در نجف به خاک سپردنده.^۱

عضدادوله به دلیل فتوحات گسترده و حمایت از اهل علم و ادب و ساختن بنای ماندگار و بذل و بخشش‌های شاهانه، بی‌گمان قدرتمندترین امیرآل بویه است. گروهی از بزرگترین دانشمندان و ادبیان قرن چهارم هجری، نظیر ابوالطیب متتبی، ابوعلی فارسی، عبدالرحمن صوفی، علی بن عباس اهوازی از مقربین دستگاه او بودند، او بنای بزرگ و مهمی از خود به جای گذاشت که ساختن بارگاه بر قبور ائمه، خاصه حضرت علی(ع) و امام حسین(ع) و بنای بیمارستان عضدی و سد امیر روی رودخانه کر و آب انبارها و کاروانسراهای بیشمار است.

(شرف الدوله ۳۷۹-۳۷۲ ق.) - پس از مرگ عضدادوله، سپاه و بزرگان دیلم پسر او ابوکالیجار مرزبان را با لقب صمصم الدوله به امارت انتخاب کردند. اما برادر دیگرش ابوالفوارس شیردل که با لقب شرفالدوله بر کرمان فرمان می‌راند به شیراز دست یافت و به جای پدر نشست و نام صمصم الدوله را از خطبه بینداخت و پس از چندی بصره و اهواز را تسخیر کرد و سپاه صمصم الدوله را درهم کوبید و در سال

۱. سیداحمد رضا خضری، تاریخ خلافت عباسی، صص ۱۵۲-۱۵۳.

۳۷۶ ق. بغداد را نیز تصرف کرد. دوران امارت شرف‌الدوله یکسره در جنگ و خونریزی با برادران و دیگر افراد خاندان بویه سپری شد و اتحاد بویهیان در هم ریخت و هر امیری برای حفظ امارت خویش در صدد براندازی دیگری بود.^۱ (بهاءالدوله ۳۷۹-۴۰۳ ق.) - شرف‌الدوله در آستانه مرگ پرسش امیرابوعلی، را به سوی فارس روانه کرد و امارت عراق را به برادر کوچکترش بهاء‌الدوله واگذار کرد. در این هنگام صمصم‌الدوله که به فرمان شرف‌الدوله کور شده بود (۳۷۹ ق.) فرصت را غنیمت شمرد و امیرابوعلی را به نزد بهاء‌الدوله فرستاد و خود بر فارس و ارجان حکومت کرد و بهاء‌الدوله نیز بر عراق و خوزستان فرمان میراند. بهاء‌الدوله خلیفه الطائع را باز داشت کرد (۳۸۱ ق) و پس از مصادره اموالش القادر بالله (۴۲۲-۳۸۱ ق) را به خلافت نشاند و موصل را از حمدانیان باز پس گرفت و در سال ۳۸۸ ق. نیز قلمرو صمصم‌الدوله را تصرف کرد و امارت متحد بویهیان را در عراق و فارس تجدید کرد. امارت بهاء‌الدوله ۲۴ سال به طول انجامید و بیشتر آن در کشمکش و زد و خورد با مخالفان گذشت. سپس امور بغداد را به نایب و جانشینش عمید‌الجیوش واگذار کرد و باقیمانده امارت خود را در فارس گذارند. غیبت طولانی بهاء‌الدوله از عراق ساعث شد که زمینه قدرت نمایی مجده خلیفه عباسی و زمینه انحطاط تدریجی آل‌بویه را فراهم شود.^۲

سلطان‌الدوله (۴۰۳-۱۵۴ ق) - پس از بهاء‌الدوله، پسرش ابوشجاع، ملقب به سلطان‌الدوله در عراق و فارس به امارت نشست. وی بصره و کرمان و عراق را میان برادران و فرزندان خود تقسیم کرد. از سال ۴۰۷ ق. ابوالفوارس که به تحریک جمعی از سران دیلم بر برادرش، سلطان‌الدوله بشورید و شیراز را تصرف کرد این دوستی به هم خورد و جنگ و خونریزی تا پایان حکومت او ادامه داشت. سپاه بغداد بر علیه او

۱. سیداحمدرضا خضری، تاریخ خلافت عباسی، ص ۱۵۴.

۲. سیداحمد رضا خضری، تاریخ خلافت عباسی، ص ۱۵۴-۱۵۳.

شورش کردند و برادر کوچکش مشرف‌الدوله را به جای او گذاشتند اما پس از دو سال کار به مصالحه کشید و دوباره حکومت را به دست گرفت. مدت کمی پس از این واقعه در سال ۴۱۵ ق. سلطان‌الدوله در ۳۲ سالگی در شیراز در گذشت. و پسرش ابوکالیجار به امارت رسید.^۱

ابوکالیجار مرزبان (۴۱۵-۴۴۰ ق.) - عmadالدین ابوکالیجار قبل از مرگ پدر امارت اهواز را داشت و پس از مرگ او روانه شیراز شد. در همین حال ابوالفوارس نیز قصد شیراز را کرد و از ابوکالیجار شکست خورد و به کرمان بازگشت و در سال ۴۱۹ ق. در کرمان در گذشت و ابوکالیجار کرمان را به قلمرو خود ضمیمه کرد؛ و تا حدودی وضعی شبیه زمان عضد‌الدوله پیش آمد. در این زمان رقیب قدرتمند و تازه‌نفس آنان یعنی سلجوقیان قدرت بسیار یافتند و با سرعتی حیرت‌انگیز بخش اعظم قلمرو آل بویه را از چنگشان بپرون آورده بودند ابوکالیجار در سال ۴۴۰ ق. درگذشت.^۲

ابونصر خسرو فیروزالملک الرحیم (۴۴۰-۴۴۷ ق.) - پس از مرگ ابوکالیجار پسر بزرگش، ابونصر خسرو فیروز، در عراق به جای او نشست و بر خلاف میل خلیفه خود را الملک الرحیم خواند. در این دوره ابومنصور پولادستون، فارس را ضبط کرد. و آتش درگیری داخلی دویاره زبانه کشید چنانکه در سال ۴۴۳ ق پولادستون، طغرل بیگ سلجوقی را به یاری طلبید و پای او و سپاهیانش را به فارس باز کرد. چندی بعد، در حالی که بغداد در آتش فتنه و درگیری میان سپاهیان ترک و دیلم و طرفداران ارسلان بساسیری - می‌سوخت، طغرل بیگ بنا به دعوت خلیفه در رمضان ۴۴۷ ق. وارد بغداد شد و الملک الرحیم را دست بسته به قلعه طبرک در ری تبعید کرد و او در همانجا در سال ۴۵۰ ق. در گذشت قلمرو او و همدان و اصفهان و ری نیز به دست ترکان

۱. سیداحمد رضا خضری، تاریخ خلافت عباسی، صص ۱۵۶-۱۵۵.

۲. سیداحمد رضا خضری، تاریخ خلافت عباسی، ص ۱۵۶.

سلجوقی افتاد.^۱

- امیران بویه در عراق و خوزستان

معزالدوله	۳۵۶-۳۳۴ ق.
عزالدوله	۳۶۷-۳۵۶ ق.
عضددالدوله	۳۷۲-۳۶۷ ق.
شرفالدوله (ابوالفوارس)	۳۷۹-۳۷۲ ق.
بهاءالدوله	۴۰۳-۳۷۹ ق.
سلطان الدوله	۴۱۲-۴۰۳ ق.
مشرفالدوله	۴۱۶-۴۱۲ ق.
جلال الدوله	۴۳۵-۴۱۶ ق.
ابوكاليجار	۴۴۰-۴۳۵ ق.
الملك الرحيم پسر ابوکالیجار	۴۴۷-۴۴۰ ق.

امیران بویه در فارس^۲ با توجه به اینکه امارت فارس و عراق در برخی اوقات به عهده یک نفر بود و شرح حال آنان در بخش اول آمده است فقط به ذکر نام امرای فارس اکتفا می کنیم.

علی(عمدادالدوله)	۳۳۸-۳۲۲ ق.
عضددالدوله	۳۷۲-۳۳۸ ق.
شرفالدوله	۳۸۰-۳۷۲ ق.
شمسالدوله	۳۸۸-۳۸۰ ق.
فیروزبهاءالدوله	۴۰۳-۳۸۸ ق.
سلطانالدوله	۴۱۲-۴۰۳ ق.

۱. سیداحمد رضا خضری، تاریخ خلافت عباسی، صص ۱۰۷-۱۰۹.

۲. سیداحمد رضا خضری، تاریخ خلافت عباسی، ص ۱۵۸.

مشرفالدوله

۴۱۵-۴۱۲ ق.

خسرو فیروزالملکالرحیم

۴۴۷-۴۴۰ ق.

۳- آل بویه در اصفهان و ری و همدان

همانطور که ذکر شد علی (عمادالدوله) از کرج، رو به اصفهان نهاد، در آن زمان حکمران اصفهان، ابوالفتح بن یاقوت بود که ششصد نفر از سپاهیانش را مردان دیلمی و گیلی تشکیل می‌دادند و چون آوازه و همت بلند علی را شنیدیدند به او پناهنه شدند و این امر، موجب ضعف و شکست سپاه ابوالفتح شد. عامل دیگر پیروزی دیلمیان پایداری آنها در جنگ بود و سپاه ابوالفتح متزلزل و ناپدیدار بود به این ترتیب علی به کمک حسن ابوالفتح بن یاقوت را شکست داد و دیلمیان اصفهان را تصرف کردند.^۲

(نقشه شماره ۱)

حسن رکن‌الدوله (۳۵۵-۳۶۶ ق.) - همانطور که در بخش بالا ذکر شد، حسن پسر بویه با حمایت علی اصفهان و ری را از چنگ وشمگیر بیرون آورد و قلمرو او با سامانیان هم مرز شد. او در سال ۳۳۳ ق. سپاه نوح بن نصر سامانی را که به فرماندهی ابوعلی محتاج به تسخیر ری آمده بود درهم شکست؛ اما چنگ و گریز میان وی و سامانیان ادامه یافت به طوریکه بخش مهمی از نیروی سیاسی و نظامی او صرف مبارزه با رقیبان گردید. رکن‌الدوله به استناد مدارک تاریخی، نیک نفس‌ترین امیر بویه بود او در سال ۳۶۶ ق. بدرود حیات گفت.^۱

مؤید‌الدوله (۳۶۶-۳۷۳ ق.) - رکن‌الدوله قلمرو خود را میان فرزندانش تقسیم کرد و حکومت اصفهان و ری و سپس همدان را به مؤید‌الدوله واگذار کرد. چندی بعد مؤید‌الدوله بر گرگان و بخش‌هایی از طبرستان دست یافت و به تدبیر صاحب بن عباد

۱. سیداحمد رضا خضری، تاریخ خلافت عباسی، ص ۱۶۰

وزیر با کفایتش آن نواحی را در اختیار داشت تا در سال ۳۷۳ ق. درگذشت.^۱ فخرالدوله (۳۶۶-۳۸۷ ق.) - ابوالحسن علی بن رکنالدوله در آستانه مرگ عضدادوله به امارت همدان و دینور و بخشی از جبال رسید اما چون جانب عزالدوله را گرفته بود مورد حمله عضدادوله قرار گرفت و به نزد قابوس زیاری رفت. پس از مرگ مؤید الدوله بزرگان دولت به اشاره صاحب بن عباد، فخرالدوله را از نیشابور فرا خواندند و جانشینی مؤید الدوله را بدلو سپردند. فخرالدوله در سال ۳۸۵ ق. پس از مرگ صاحب بن عباد اموال او و اطرافیانش را ناجوانمردانه مصادره کرد و در سال ۳۸۷ ق. با این بدنامی در قلعه ری درگذشت.

پس از مرگ فخرالدوله حکومت بویهیان در ری دچار اختلال گردید، زیرا پسران خردسال فخرالدوله توان اداره امور را نداشتند. از این روی، همسر وی سیده خاتون امور را به دست گرفت و قلمرو فخرالدوله را تقسیم کرد. وی ری را به پسر چهار ساله‌اش، مجدالدوله و همدان و کرمانشاه را به دیگر فرزند خردسالش شمسالدوله و اصفهان را به پسردائی اش ابوجعفر محمد ملقب به علاءالدوله کاکویه و اگذار کرد. سپاهیان مجدالدوله مکرر بر علیه او شورش می‌کردند و او از بیم آنان از سلطان محمود غزنوی یاری خواست. محمود به سال ۴۲۰ ق. به ری آمد و به حکومت بویهیان در آن دیار پایان داد. چندی پیش از آن نیز به سال ۴۱۴ ق. قلمرو ابوالحسن سماءالدوله آخرین حکمران بویهی در همدان و کرمانشاه به تصرف علاءالدوله کاکویه والی اصفهان درآمد و شاخه دیالمه همدان نیز مانند دیگر بویهیان برافتاد و به این ترتیب حکومت آل بویه منقرض گردید.^۲

امیران بویه در اصفهان ری و همدان

. ۳۶۶-۳۳۵ ق.

رکنالدوله حسن

۱. سیداحمد رضا خضری، تاریخ خلافت عباسی، ص ۱۶۱.

۲. سیداحمد رضا خضری، تاریخ خلافت عباسی، ص ۱۶۲.

مؤیدالدوله ابومنصور

فخرالدوله ابوالحسن علی

مجدالدوله

شمسالدوله

سماءالدوله

. ۳۶۶-۳۷۳ ق.

۳۶۶-۳۸۷ ق. فقط در همدان

۳۸۷-۴۲۰ ق. فقط در ری

۳۸۷-۴۱۲ ق. فقط در همدان

۴۱۲-۴۱۴ ق. فقط در همدان

دوران امارت ۱۱۳ ساله بویهیان همزمان با خلافت پنج تن از خلفای عباسی بود که به صورت تشریفاتی و با مقرری که از امیران بویه می‌گرفتند زندگی می‌کردند. این خلفا که جزا قامه مراسم مذهبی و تشریفاتی و امضای فرمانها، اختیار دیگری نداشتند، عبارتند از المستکفى بالله ۲۲۳-۲۳۴ ق. و المطیع الله ۲۳۴-۲۳۳ ق. و الطائع الله ۳۶۳-۳۶۴ ق. و سپس القادر بالله ۴۲۲-۳۸۱ ق. و سپس القائم با امر الله ۴۶۷-۴۲۲ ق.^۱

۱. سیداحمد رضا خضری، تاریخ خلافت عباسی، ص ۱۶۳.

شکوفایی فرهنگی در عهد آلبویه

۱-۲- شکوفایی فرهنگی در عهد آل بویه

شکوفایی فرهنگی جهان اسلام در دوران حکومت روشن اندیش آل بویه، کوششی آگاهانه برای جذب و انتقال میراث فکری تمدن باستان بود و مقصد از ”رنسانس اسلامی“ اشاره به احیای معارف و ادب قدیم و رشد فرهنگی در مهد تمدن اسلامی می‌باشد نه نو زایی یا احیای خود اسلام، بیان اصلی این نو زایی یک انسان‌گرایی فلسفی بود که میراث علمی و فلسفی دوران باستان را شعار و آرمان فرهنگی و آموزشی خود شمرد. در این رنسانس همچون رنسانس اروپایی، طرفداری شدید از فردگرایی، یعنی رواج گسترش تغایر شخصی در حوزه‌های خلاقیت ادبی و عمل سیاسی به منصة ظهرور رسید. این رنسانس در فضایی کاملاً جهان وطن پرورش یافت. بغداد، مرکز امپراطوری عباسیان و حکومت آل بویه جامع جهان اسلام و میعادگاه دانشورانی با سوابق مختلف فرهنگی و دینی از گوشه و کنار عالم بود. فلاسفه طبقه‌ای خاص خود داشتند و به واسطه تحصیل حکمت و عشق ورزیدن به خرد با یکدیگر

انس و الفت داشتند. فرمانروایان آل بویه که در اصل از ناحیه دیلم در جنوب دریای خزر برخاسته بودند توانستند در قلمرو خلافت عباسیان یک امپراطوری ایجاد کنند و به صورت محافظان خلافت در آیند. آنها که شیعیانی دارای سنت‌های سیاسی و مواریث فرهنگی ایرانی بودند به پیشرفت فلسفه و علم و نیز ترویج شعر و ادبیات صمیمانه خدمت کردند.^۱

مکاتب، مجلس دانشوران که با حضور دانش‌پژوهشان تشکیل می‌شد، مجلس وزیر، پادشاه و انجمن اخوان الصفا، انجمنی بر جسته و دارای ساختاری رسمی‌تر بود که علاوه بر شعارهای دینی و آموزشی، مقاصد اجتماعی و سیاسی انقلابی را نیز دنبال می‌کرد.

شکوفایی فرهنگی موسوم به رنسانس اسلامی با سقوط آل بویه از بین رفت و بازگردن حکومت به اهل سنت، به دست سلجوقیان، به این رویداد پایان بخشد. از شخصیت‌های نمونه انسان‌گرایی فلسفی و ادبی، قرن چهارم وزیر استاذالرئیس ابوالفضل بن عمید می‌باشد. او کار خودش را با کتابی دیوان آغاز کرد و به امیر آینده عضدادالدوله روش‌های صحیح اداره امور و فن سیاست را آموخت.

ابن عمید صاحب سبکی ممتاز در نظم و نثر و استاد بزرگ ترسل بود. او خود را پیرو افلاطون و سقراط و ارسسطو می‌دانست. ابن عمید عتیقه شناس و جمع کننده نسخه‌ی خطی بود. دل مشغولی او به فلسفه علوم او را به حوزه‌های منطق و اخلاق و سیاست و ما بعدالطبعه و همچنین ریاضیات و مهندسی کشاند، او در مکانیک دستی قوی داشت. علم مکانیک آشنایی کامل با هندسه و فیزیک را می‌طلبد و در ساختن ابزارهای نادری که به کار محاصره دشمن می‌آیند و همچنین در اختراع سلاح‌های تازه نتیجه می‌بخشد. وزیر در نبرد چالاک بود و طراحی ماهر نیز بود. حافظه شگفت‌انگیز او

۱. جول، ل، کرم، احیای فرهنگی در عهدآل بویه، انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۵ صص ۷۰ و ۸

در شعر و تبحر در علوم قرآنی و تفسیر نیز ستدونی است و بالاخره به دشوار می‌توان به گفتن این سخن وسوسه نشد که دل مشغولی‌ها و جامعیت او یادآور اثوناردو داوینچی است. (رنسانس) اسلامی از برخی جهات به رنسانس ایتالیایی قرن ۱۵ پانزدهم میلادی شبیه بود و از برخی جهات به رنسانس قرن دوازدهم. این رنسانس در مقام احیای فرهنگ کلاسیک به هر دو شبهت داشت. در بازیابی علم و فلسفه، افلاطون و ارسطو و دیگر فلاسفه به رنسانس قرن ۱۲ شباهت داشت و در انسان‌گرایی ادبیش به رنسانس ایتالیایی قرن ۱۵ شبیه بود.^۱

جوئل ل. کرم در کتاب احیای فرهنگی در عهد آل بویه، پژوهشی وسیع و مفصل در همه جنبه‌های تعلیم و تعلم اسلامی و تأثیر نهادهای آموزشی اسلامی در تعلیم و تعلم اروپایی دارد. او در این پژوهش و در ترسیم سیمای آن دوره بر سه ویژگی بر جسته تأکید کرده که عبارتند از؛ فردگرایی و جهان‌وطنی و دنیا خواهی. برخی ناقدان مدعی شدند که استفاده از این الفاظ در بردازندۀ خطرهایی از جمله منظر تاریخی نادرست و مدرن (جدید گرداندن) و اروپایی گرداندن قرن چهارم هجری است. مقصود نویسنده از فردگرایی، خود آگاهی شخص از هویت شخصی خودش به عنوان شخصی متمايز از دیگر مردمان یا گروه معرف است. یعنی: خانواده و طایفه و قبیله و ملت والخ. افراد یقیناً متعلق به شبکه‌های اجتماعی و مقید به تعهدات و وفاداری‌های متقابل‌اند و مسلمان از جمع‌گرایی و سلطه گروه به فرد و فرقه پرستی نمونه‌های بسیاری در دست است. در عصر آل بویه کفایت و لیاقت (حسب) از اصل و تبار (نسب) مهمتر شمرده شد: ابوحیان توحیدی که ظاهراً اصل و نسبی پایین داشت و پدرش خرما فروش بود، وزیر مشهور و ابوالفضل بن عمید و صاحب اسماعیل بن عباد به سعی و کوشش فردی تا بالاترین مقام ترقی کردند.^۲

۱. جوئل کرم، احیای فرهنگی در عهد آل بویه ص ۱۹.

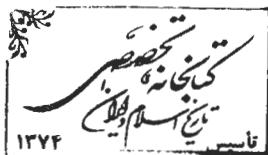
۲. جوئل، ل، کرم، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۲۱.

جهان وطنی متدالوی در قرن‌های سوم و چهارم هجری (نهم و دهم میلادی) با شکوفایی شهر نشینی همسو و همراه بود. بغداد شهری جهان وطن، میعاد گاه مردمانی از گوشه و کنار جهان و برخاسته از محیط‌های دینی و قومی مختلف و پایتخت فرهنگی امپراطوری عظیمی بود که از اسپانیا تا هند امتداد داشت.

دنیا خواهی نیز ضرورتاً مفهومی اروپایی و جدید نیست گرچه حضور گسترده و همه جاگیر آن در امروز، بی‌سابقه است. دنیا خواهی مفهومی کهن است و حتی در جوامع قبیله‌ای نیز یافت می‌شود. دین اسلام شریعت حاکم بود، اما رایحه دنیاخواهی و دیانت گریزی در مجالس و محافل فلسفی و ادبی این عصر منتشر بود.^۱

فیلسوفان در متابعت از فارابی دین را مجموعه رموزی نظاممند می‌انگاشتند که حقیقت عقلی را به زبان استعاری می‌نمایاند. دنیاخواهی در میان نثر نویسان و شاعران نیز شایع بود. صاحب بن عباد، شیفتة ولنگاری و هوسبازی، ممدوح و ولینعمت ابن حجاج شاعر بود و این شاعر استاد اشعار سخیف و هجوآمیز بود. از انسان‌گرایی ادبی، جاحظ در قرن سوم و به ابوبکر رازی و ابن مقفع و ابویوسی وراق و ابن راوندی نیز اشاره رفت. نویسنده در توجه به شکوفایی فرهنگی که در میان دو رکن بزرگ تفکر اسلامی، فارابی و ابن‌سینا، رخ داد؛ ابوحیان توحیدی را راهنمای خود قرار داده است. تمامی فرهنگ این عصر در همه وجهه آن به انگیزه رسیدن به یک رنسانس بلند مرتبه و انسان‌گرایی شکوهمند شکوفا نشد بلکه این امر در بخش خواص و در قشر بالای رهبری سیاسی پدید آمد. امیران و وزیران آل بویه مشوق آن بودند و در دربارهای درخشان خودشان آن را انجام دادند. فهرست مشهور ابن نديم از کتاب‌های موجود و رایج در بغداد، در برگیرنده همه آثاری است که برای طبقه دانش‌آموخته و طبقه متوسط و بخش شهرنشین جامعه در دسترس بود. جنبش اخوان‌الصفا و نهضت گسترده

۱. جونل، ل، کرمن، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۲۲.



اسماعیلیه نیز وجود داشتند که بر پایه یک جهان‌شناسی نو افلاطونی مبتنی بر اندیشه‌فیض و صدور، نظر مردم را به خود متوجه می‌ساختند. رساله اخوان‌الصفا، دانش‌نامه‌ای واقعی به شمار می‌رود و مشتمل بر مضامینی از آثار ارسطویی و مبانی فکری مسیحی و یهودی و همچنین عناصر فرهنگ‌های ایرانی و هندی و زرتشتی و مانوی است.

توصیف‌های روشن ابوحیان توحیدی آشکار می‌سازد که در مجالس یحیی بن عدی و شاگردش ابوسلیمان سجستانی و در محیط کلی فکری آن زمان، مسلمانان و مسیحیان و یهودیان و صابان و زرتشیان در تحصیل در مطالعه آثار پیشینیان با هم گفتگو می‌کردند و به قول ورنریگر «نیروی جامع و جهانی روزگار باستان» آنها را متعدد کرده بود.^۱

۲-۲- عصر رنسانس اسلامی

تعییر "رنسانس اسلامی" عبارتی مناسب و رساننده فهمی از آن جریان فرهنگی است که تمدن اسلامی در قرن چهارم (هجری) پشت سرگذاشت. رنسانس ایتالیا شاهد نوزایی دانش و فرهنگ و سبک ادبی کهن بود. بر این اساس واژه رنسانس تجدید حیات‌های گوناگون و دوره‌های مختلف بازگشت به معارف قدیم را در بر می‌گرفت. در جامعه اسلامی به جای واژه‌های تجدید حیات و نوزایی از تعییر تجدد برای احیای دینی استفاده می‌شد. این امر کوششی آگاهانه برای پیراستن میراث فلسفی و علمی نیاکان باستانی بوده است.^۲

به گفته فارابی، فلسفه در روزگاران قدیم در میان کلدانیان عراق وجود داشت و از آنجا به مردم مصر و از آنجا به یونان رسید. می‌گویند (امپدوکلس / انباذقلس) در دوران داود(ع) در شام نزد لقمان حکیم تحصیل کرده است و بنابر روایات فیشاگورس علوم

۱. جونل ل کرم، احیای فرهنگی در عهد آل بویه صص ۲۲-۲۴

۲. جونل، ل. کرم، احیای فرهنگی در عهدآل بویه، ص ۲۹ به نقل از آدام متر در کتاب رنسانس اسلامی Hildesheim

طبيعي و الهى را نزد شاگردان سليمان(ع) در مصر خوانده و هندسه را از مصریان آموخته است اين فلسفه حکمتی را به یونان بودند که در مشرق زمین آموخته بودند. بدین ترتیب فلاسفه اسلامی مطالعه فلسفه قدیم یونانی را "تجدید" تلقی می‌کردند و نه "بدعت". حجم خالص کتاب‌های قدیم که بازیابی و ترجمه و شرح شدند حیرت برانگیز است. این دوره شاهد ظهور ناگهانی طبقه متوسط دولتمند و متوفذی بود که با برخورداری از اشتیاق و امکانات کسب دانش و موقع اجتماعی به پرورش و نشر فرهنگ قدیم کمک کرد.^۱

در این دوره بغداد به صورت هسته مرکزی امپراطوری عظیمی درآمد که قلمرو آن از اسپانیا تا هندوستان را شامل می‌شد و اوج پیشرفت در نیمه دوم قرن چهارم و زمان حکومت روشن اندیش و تسامح پیشہ آل بویه در عراق و غرب ایران پدید آمد امیران و وزیران دیلمی ولی نعمتان نیرومند علوم و فنون بودند. عصر آل بویه بی‌گمان اوج دورانی بود که آدام متز^۲ نیز آن را "رنسانس اسلامی" می‌نامد و از بسیاری جهات دوره عظمت فرهنگ اسلامی در قرون اولیه هجری محسوب می‌شود.

نیمه دوم قرن چهارم - دوره‌ای که دو شخصیت بلند مرتبه یعنی فارابی (متوفی ۳۳۷) و ابن سینا (متوفی ۴۲۸ ه) در تسخیر خود داشتند که شهرت و آوازه آنها به اروپای قرون وسطی نیز می‌رسید. در این عصر در جهان هیچ فیلسوفی همپایه آنها نبود. متفکران آن دوره شخصیت‌هایی بودند که آوازه آنان محدود به حوزه فرهنگی خودشان باقی ماند، که از آن جمله، فیلسوف مسیحی یحیی بن عدی و عیسی بن زرعه و حسن بن سوار و ابوسليمان سجستانی که هیچ‌کدام همپایه ابن سینا و فارابی یا ابن‌رشد نبودند و ابوعلی(بن) مسکویه و ابوالحسن عامری نیز از متفکران آن دوره بودند. از این بابت

۱. جونل، ل. کرم، همان، ص ۳۳ به نقل از روزنال، میراث فرهنگی قدیم

2. A. Metz, Die Renaissance des Islams (Hildesheim 1968); English translation by S. K. Bukhsh and D. S. Margoliouth, The Renaissance of Islam (London 1927).

می‌توان یادآور شد که عصری در خشان مانند دوره رنسانس ایتالیا از این نظر نتوانست به داشتن فیلسفانی بزرگ همپایه ارسطو و افلاطون افتخار کند.^۱

عیسی بن علی و ابوعلی ابن‌سینا و محمد بن اسحاق بن وراق معروف به ابن‌نديم نيز گروهي ديگر بودند که در مجالس يحيى بن عدى و شاگردش ابوسلیمان سجستانی و در محیط کلی و فکری آن زمان در تحصیل و مطالعه آثار پیشینیان با هم گفتگو می‌کردند.

همانطور که ذکر شد در اثنای عصر رنسانس اسلامی فرد به مقامی رفیع رسید. فضای به شدت رقابت‌آمیز در بارهای امرای آل بویه سبب تعالی شخصیت فرد و پرورش درکی قوی از خودآگاهی شد. سه تن از بنیانگذاران آل بویه سرhenگان سپاه و مردانی خشن بودند؛ افرادی مصمم که ممالکی را به دست آورده و در پرتو تدبیر خویش، یک امپراطوری تأسیس کردند. وزیران آل بویه معمولاً از طبقه کاتبان بر می‌خاستند و به سبب علم و کاردانی خویش از دیگران گوی سبقت می‌ربودند. ابن عمید و ابن عباد مردانی بر جسته بودند. آنها هم دولتمرد، هم سرباز و هم دانشور بودند؛ یکی فیلسوف و دیگری متکلم و هر دو تن شاعران و نثرنویسانی ورزیده بودند و با این همه بسیار خودپرست و متکبر و تندخوا و متجاوز و تشنۀ قدرت و شهرت و کینه دوز و حسود نیز بودند. بنابراین توحیدی آنها را صادقانه و جذاب وصف می‌کند. یورش خلاق فردگرایی و گسترش جهان وطنی بنگزیر با معیارهای اجتماعی و دینی و مذهبی و آداب و رسوم تصادم داشت. نیاز به انطباق با معیارهای اجتماعی سبب افزایش تقویه و تظاهر گردید.^۲

پوشیده نگاهداشتن عقاید واقعی همواره روش متداول محافظت از خود بوده است و شیعیان در محیط سنتی مذهب ناگزیر تقویه می‌کردند. به طور مثال مسلمانی که او

۲. جوئل، ل. کرمن، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۳۴

۱. جوئل، ل. کرمن، احیای فرهنگی در عهدآل بویه، ص ۴۳.

را شافعی می‌دانستند، شاید در خفا عقاید شیعی داشت. و در اعماق درون فرد اعتقادی شخصی پرورش می‌یافت که او و جمیع کوچک از شرکای نهانی در آن سهیم‌اند. عضدالدوله نمونه اجتماع ضدین عاطفی در دوران مورد بحث است. او که پادشاهی روشن اندیش و با فرهنگ بود؛ رقیان خود را با خشمی و حشیانه مجازات می‌کرد. در این دوره، خصوصیات اجتماعی دینی و مذهبی در سطحی وسیع آشکارا دیده می‌شد. شهر بغداد در نتیجه برخورد گروه‌های رقیب - سنیان، شیعیان و سپاهیان ترک و دیلمی، محله‌های باب‌البصره و کرخ و نزاع میان مکاتب کلامی متخصص (بهشمیه و اخشیدیه) مشاجرات میان متکلمان و فیلسوفان و میان متکلمان و فقیهان و مناظرات میان طرفداران علوم اوایل و علوم عربی و مشاجرات میان نحوی‌ها و لغوی‌ها و مانند آن ویران شده بود. در این دوره به علت احساس ناتوانی انسان در رویارویی با جهان طبیعی، علوم خفیه، یعنی تنجیم و کیمیا در سطح وسیعی رواج داشت و شهرت آن در این دوره از محبوبیتش در دوره رنسانس ایتالیا کمتر نبود. خواب و تعبیر آن در میان تمام طبقات اجتماعی اهمیتی والا داشت.^۱

۳-۲- ریشه‌های شکوفایی فرهنگی

عصر آل بویه (دوره رنسانس اسلامی) دوره قوت فرهنگی و همچنین دوران فشار اقتصادی و آشفتگی اجتماعی بود. پادشاهان آل بویه و کارگزاران آنها مسؤول فساد و زوال آبادانی شهرها نبودند. علل ریش‌های این مسئله به روزگار پیش از زمامداری آنها مربوط می‌شود و این آثار در ایام به قدرت رسیدن آنها بود که کاملاً ظاهر شد. با این همه آنها موفق به مقابله با این موج نشدند و موقعیت از پیش بحرانی را بدتر کردند. بغداد جمعیتی عظیم نزدیک به نیم میلیون تن داشت و وظيفة دشوار تهیه مواد غذایی و سامان بخشیدن به آبیاری و تدارک خدمات عمومی، خارج از حیطه صلاحیت و

^۱. جوئل، ل، کرم، احیای فرهنگی در عهدآل بویه، صص ۵۷-۵۹.

مدیریت کارگزاران این شهر بود. پیش از روی کار آمدن آلبویه، این شهر بارها دستخوش آشوبها و کشمکش‌های شهری شده بود. دوران آلبویه کم و بیش شاهد پدیدارهای مشابه بود و تضاد عقیدتی میان سینیان و شیعیان برجسته‌تر شده بود و سپاهیان دیلمی و ترک آلبویه به این اختلاف دامن می‌زدند. در زیرنمای ظاهری عظمت امپراطوری جامعه‌ای بود که بر اثر مصایب از هم گسیخته بود و بار سنگین هزینه زندگی را بر دوش می‌کشید، و قحطی مکرر و بیماری‌های واگیردار و جنگ آن را به محنت مبتلا ساخته بود. عضدالدوله هرج و مرج فرآگیر را تا حدی فرونشاند. این بزرگترین فرمانروای دیلمی برای حفظ نظم و قانون با خشونت رفتار می‌کرد و با ایجاد حکومتی مقندر و با سازمان اطلاعات داخلی کار آمد موفق شد که سیر نزولی حکومت را متوقف کند. این دوره دستخوش بحران شدید اقتصادی و تورم روزافزون و افزایش مالیات و ته کشیدن ذخایر کشاورزی و قحطی و کاهش جمعیت و بازارهای کسداد بود. پس چگونه می‌توان شکوفایی همزمان علوم و هنرها را توضیح داد؟ شاید امرا و وزرای آلبویه در جلال برخاسته از فرهنگ در پی مشروعیت بخشیدن به قدرتی بودند که با زور به چنگ آورده بودند.^۱ دلیل دیگر برای شکوفایی فرهنگی در عین نابسامانی اجتماعی و اقتصادی، رقابت در کسب شهرت و افتخار بود. توسعه سریع مراکز ولایات و دربارهای محلی آنها (شیراز، ری، اصفهان و همدان)، به این رقابت و در نتیجه به پیشرفت علوم و هنرها کمک کرد. در عهد آلبویه دربارهای حکام محلی و وزیران به صورت کانون‌های فعالیت روشن اندیشی درآمد. از قرن چهارم همدان، اصفهان، ری و شیراز که پیش از آن تحت حکومت و نفوذ بغداد بودند، کانون‌های جذب فرهنگی شدند و دارالخلافه که در دوران امویان و عباسیان کانون فعالیت‌های فرهنگی بود در عهد آلبویه رونق چندانی نداشت. وجود ارتباط شخصی مستقیم میان ولی نعمت و

۱. جوئل، ل. کرم، احیای فرهنگی در عهد آلبویه، صص ۶۱ الی ۶۳.

نعمت پرورده در فرهنگ درباری، سبب تقویت فضای خلاقیت بود. شاید رفتار اقتصادی نخبگان حاکم آل بویه، از یک سو به تنگنای اقتصادی و از سوی دیگر به نحوی با نیکبختی فرهنگی مربوط باشد. همان انگیزه‌ای که فرمانروایان از جمله عضدالدوله را به ایجاد کاخ‌ها و باغ‌های مجلل واداشت؛ نیز آنها را برآن داشت تا دانشوران و ادبیان را برای زینت بخشیدن به آن مکانها به آن سوی کشند. تبدیل و گشاده دستی هم در گسترش فوق العاده فرهنگی این عصر و هم در وضع بحرانی اجتماعی و اقتصادی که در نهایت به زوال آن انجامید، تأثیری به سزا داشت.^۱

اگر تفکر روشن فکرانه طبقه حاکم نبود، امکان نداشت که عصر رنسانس اسلامی در عصر آل بویه رخ دهد. سجستانی در ستایش از فضای ایجاد شده در دوران حکومت عضدالدوله می‌نویسد که این پادشاه "سزاوار آن است که تمامی خلق و خاصه اهل دانش و فرهنگ او را تمجید و برای بقای ملک او دعا کنند. زیرا آنها را تقویت کرده و گفتارشان را منزلت بخشیده و بنداز زبان ایشان برداشته تا هر یک از آنها معتقد است فرقه خویش را بدون تقیه ابراز کند و در نتیجه آشکار شود آنچه آنها ادعا می‌کنند و معلوم شود آنچه بدان معتقدند و حق از باطل جدا شود و چنان امنیتی پدید آید که کسی با زبان تعصب دینی به دیگری هجوم نبرد."^۲

روشنگری حکام آل بویه را می‌توان به تفکرات شیعی این خاندان و طبقه حاکم و متفکران بر جسته این عصر نسبت داد. در قرون اولیه هجری تشیع بیش از تسنن به روی نفوذ جریان‌های بیگانه پنجره می‌گشود.

به طور مثال، پذیرش فلسفه نو افلاطونی مسیحی شده در مذهب اسماعیلیه به صورت امری طبیعی در آمد. تشیع امامی، به واسطه اعتقاد به امام معصوم، در نظر اول مستعد قبول عقلی نماید و حال آنکه به نحوی متناقض نما این اصل طرفدار

۲. جوئل، ل. کرم، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۶۳-۶۴

۲. جوئل، ل. کرم، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۶۴

مرجعیت ظاهراً الهام بخش طرز فکر هایی آزاداندیشانه بوده است. اعتقاد به امامی معصوم، چه در حضور و چه در غیبت به معنای آن است که سایر منابع علم در معرض تردیدند و این تردید میدان را برای برخورد آزاد اندیشه ها باز می کند و اکنون شدید حنابله نسبت به تشیع و تمام اشکال "بدعت" بود. عاظ حنبی مسلم را به توبه و پیمودن راه پاک و بی آلایش اجداد پرهیز کارشان دعوت می کردند. حملات آنها به شیعیان سرچشمه اصلی ناآرامی در شهر بغداد بود و سرانجام با تلقین آنها، مذهب اهل سنت به حاکمیت بازگشت و به دوران حکومت تشیع پایان داده شد.^۱

وزیران عمده آل بویه عبارت بودند از: ابوالفضل بن عمید، وزیر رکن الدوّله و آموزگار عضدادوّله در فارس؛ پسرش ابوالفتح بن عمید، وزیر رکن الدوّله و مدتدی هم وزیر مؤید الدوّله و بعد فخر الدوّله و ابوعبدالله ابن سعدان در خدمت صمصم الدوّله پسر عضدادوّله بود. شخص شایان توجه در تاریخ فرهنگی دوره آغازین، ابومحمد مهلبی وزیر معز الدوّله است.^۲ بختیار پسر معزالدوّله، فرمانروایی متزلزل بود و چندین وزیر داشت که هیچ یک توفیق چندانی نداشتند و مهمترین آنها ابوالفضل شیرازی و محمد بن بقیه بودند. عضدادوّله بزرگترین فرمانروای آل بویه، کم اهمیت ترین وزیران را داشت.^۳

۴-۲- روابط و مناسبات آل بویه با خلفای عباسی

روابط و مناسبات آل بویه با خلفای عباسی وضعی پیچیده داشت. آنها با آنکه شیعی بودند به ساقط کردن خلافت عباسی مبادرت نورزیدند. زیرا ملاحظاتی عملی اتخاذ چنین سیاستی را ایجاب می کرد جمعیت بغداد و به طور کلی عراق و همچنین سپاهیان ترک (سواره نظام ضروری و ملازم پیاده دیلمیان) بیشتر سنی بودند. لذا آل بویه

۱. جوئل، ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، صص ۶۴-۶۶

۲. علی اصغر نقیبی، آل بویه، ص ۱۵۸.

۳. جوئل، ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۷۵

ناگزیر بودند که میان گرایش‌های شیعی و فشار اهل سنت موازنی‌ای دقیق برقرار سازند. اصل "الناس علی دین ملوکهم" در اینجا مصدق نداشت. زیرا آل بویه از احترام گسترده مردم نسبت به مرجعیت خلیفه در عراق و به طور کلی در جهان اسلام به مثابة وسیله‌ای برای مشروعیت بخشیدن به قدرت خویش استفاده می‌کردند. آنها اجازه رسمی حکومت را از خلیفه گرفتند. آنها خود را محافظان خلیفه‌ای قلمداد می‌کردند که بازیچه دستشان بود. دلیل دیگر برای برکنار نکردن خلیفه عباسی به نفع یک علوی بر حق وجود داشت. چنان عملی قدرت خلیفه عباسی به خلاف رساندند یک علوی خلیفه‌ای علوی تبعیت کنند. گفته‌اند که معزالدوله فکر به خلافت رساندند تو قیف می‌کردند. تصور کلی آل بویه از قدرت تصور "گونه‌ای حکومت مشترک عباسی و شیعی" بود. فرمانروای آل بویه دستور داده بود که نامش را بر سکه ضرب و در خطبه نماز جمعه پس از نام خلیفه ذکر کنند. بهتر است که بگوئیم خلیفه فقط مرجعیت روحانی خویش را بدون داشتن قدرت واقعی دنیوی حفظ کرد. نفوذ خلیفه در حد انتصاباتی دینی برای سینیان بغداد و نظارت ناقص بر امور خویش محدود می‌شد. تمرکز نظارت و مدیریت سیاسی در "دارالمملکه" جدید التأسیس بغداد بود و برچیدن "دارالخلافه" پدیدار شد.^۱

وضع دشواری که خلیفه با آن مواجه بود، در اثنای بحران سال ۳۶۱ ق. آشکار شد که سربازان روم شرقی به شمال بین‌النهرین هجوم آوردند و بغداد را در معرض تهدید حمله خود قرار دادند. وقتی که بختیار برای تأمین هزینه جهاد به خلیفه روی آورد، وی پاسخ داد که این تکلیف فقط هنگامی بر عهده اوست که زمام امور دنیوی در دستش باشد به واسطه مقتضیات زمان، او فقط مبالغی ناچیز داشت که تکافوی نیازهای خودش

^۱. جوئل، ل. کرم، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۷۵

را هم نمی‌کرد و این در حالی بود که حکومت دنیوی در دست بختیار و حکام ولاست
بود.^۱

۲-۵- سیاست مذهبی آل بویه

معمولًاً گمان می‌رود که آل بویه در اصل زیدی و پیرو عقیده شیعی مسلط در موطن خویش بودند. می‌دانیم که معزالدوله یکی از علویان به نام ابوعبدالله داعی را محترم می‌شمرد و او را نقیب علویان می‌نامید. در بستر مرگ نیز ابوعبدالله بصری از زیدیان معتزلی از او عیادت کرد ولی ممکن است معزالدوله در اواخر عمر به تشیع اثنی عشری گرویده باشد او در جوار قبور ائمه اثنی عشریان دفن شد. معزالدوله سیاست آشتی مذهبی میان سنیان و شیعیان را در پیش گرفت. در عین حال او شیعیان را در لعن معاویه صریحاً مجاز دانست.^۲

وزیر معزالدوله، مهلبی (۳۵۱-۳۳۸ق) نیز متمایل به طرفداری از شیعیان اثنی عشری بود. به قدرت رسیدن آل بویه، کشمکش‌های عقیدتی را شدیدتر کرد. به طور مثال غارت محله شیعه‌نشین کرخ در سال ۳۳۸، و به آتش کشیدن شرق محله باب‌الطاق در سال ۳۴۸ که بیشتر ساکنان آن شیعه بودند. اختلاف به دو سوی دجله نیز راه یافت و تبعید بزرگان هاشمی و اعضای "احداث" (جنگجویان غیرنظمی) را به خوزستان و عمان در پی داشت. وقایع دیگر مذهبی مثل به دارآویختن حلاج که عقیده اتصال به ربویت و تأویل معنوی فرایض دینی از جمله حج را داشت در سال ۳۱۰ و دوازده سال پس از آن در سال ۳۲۲ ق دو کاتب به نام ابراهیم بن ابی عون و محمدبن علی شلمغانی (معروف به این ابی‌العزاقر) به فساد و زندقه و اعتقاد داشتن به ربویت خود، گردن آنها را با شمشیر زده و پیکرها یشان را به چوبه دار آویختند و بعدها یک بصری

۱. جوئل، ل. کرم، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص. ۷۷.

۲. جوئل، ل. کرم، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص. ۷۸.

پیرو فرقه عزاقریه ادعا کرد که تجسم شلمگانی و حامل ربویت است.^۳

در دوران به قدرت رسیدن آل بویه، امامیه فرقه شیعی مسلط در عراق و ایران بود و اصول اعتقادی آن را مفسران شاخص آن، کلینی (متوفی سال ۳۲۹ق) و ابن بابویه (متوفی سال ۳۸۱ق) و همچنین شیخ مفید معروف به ابن‌المعلم (متوفی به سال ۴۱۳ق) به طرزی فعال و نمایان تدوین کرده بودند. در حدود همین دوران بود که در پی غیبت صغراًی امام دوازدهم در سال ۲۶۰ غیبت کبرای امام نیز آغاز شد (۳۲۹ق) در این دوره بحث در باره مفهوم غیبت امام بسیار شایع بود. اعتقاد به امام غایب برای آل بویه دل‌پسند بود چون این اعتقاد آنها را قادر می‌ساخت که موقتاً خلیفه عباسی را به رسمیت بشناسند و در عین حال خود اعمال قدرت کنند بی‌آنکه مجبور به انتصاب یک مدعی علوی باشند. آنها به شیعیان امامی اجازه می‌دادند تا با پذیرفتن منصب‌هایی در اداره حکومت مقاصد خویش را پیش ببرند، بدان امید که از این راه نفوذ تسنن را کاهش دهند. در دوران معززالدوله نخستین بار مراسم یادبود عاشورای شهادت حسین بن علی با عزاداری عمومی در روز دهم محرم سال ۳۵۲ هجری‌گزار شد.^۱

بازارها تعطیل و کسب و کار متوقف شد. (سوگواری اشکبار برای در گذشتگان یکی از رسوم سنتی دیلمیان بود). در ۱۸ ذیحجه سال ۳۵۲ روز عید غدیر را با نواختن موسیقی و آذین بستن جشن گرفتند و به زیارت کاظمین و امام محمد تقی(ع) و امام موسی کاظم(ع) رفتند. در بقیه دوران معززالدوله و در اثنای حکومت پسرش، عزالدوله نیز مجالسی به مناسبت این ایام برگزار می‌شد. سنیان نیز مراسم یوم‌الغار و زیارت آرامگاه مصعب بن زیب را مرسوم کردند.

عززالدوله از تشیع امامی جانبداری می‌کرد و در مقام حاکم موصل علیه زیدیها اقدام کرد و به دنبال آن ابوعبدالله داعی به اعتراض بغداد را به مقصد طبرستان ترک

۱. جوئل، ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۸۰

گفت. در سال ۳۶۱ نیز محله کرخ غارت و به آتش کشیده شد. عضدادالدوله جانشین عزالدوله با اقتدار بیشتری حکومت کرد و بغداد کمتر دچار آشوب بود. او مانع وعظ و خطابه واعظان هر دو فرقه شد و علویان صاحب نفوذ را به فارس تبعید کرد. او کوشش‌های زیادی برای آشتی مذهبی انجام داد از جمله مزاوجت دخترش با خلیفه که خلیفه الطائع این طرح را بنتیجه گذاشت. در فارس پایگاه قدرت عضدادالدوله، اکثر جمعیت سنی بودند و اربابان دیلمی آنها بیشتر طرفدار امامیه بودند تا زیدیه. دستور خواندن نماز تراویح و نوسازی و مرمت مرقد حضرت علی^(ع) در نجف و امام حسین^(ع) در کربلا نیز در دوره او به وقوع پیوست. در دوره شرف الدوله زیدیها در صف جلو قرار گرفتند و به بغداد بازگردانده شدند. مهمترین توفیق شیعیان در عهد آل بویه، اجازه تظاهر علی به عقایدشان، بدون نیاز به تقیه بود. در این دوره تشیع امامی، بی‌آنکه مذهب رسمی حکومت اسلامی شود، مرسوم شد و اشخاص با فرهنگ و بازرگانان و دولتمدان و عمال دولتی را شیفتة خود کرد. تشیع امامی باور سایر مذاهب شیعی از جمله فرقه اسماعیلیه بود.^۱

پس از بررسی سیاست مذهبی آل بویه که نشانگر گرایشات شیعی آنها می‌باشد به بررسی میراث ملی آل بویه می‌پردازیم که چگونه آنها شیفتة میراث ایران باستان نیز بودند و به فرهنگ باستانی خود احترام می‌گذاشتند.

۶-۲- میراث ملی آل بویه

عضدادالدوله، به سنت قدیم شاهنشاهان ساسانی را احیاء و امارت آل بویه را به سلطنت تبدیل کرد و شاید این را از دربار مرداویج برگرفته باشد. اندیشه اعاده شاهنشاهی ایرانی بر مدالی نقره که در سال ۳۵۱ در ری ضرب شده منقوش است و در آن رکن‌الدوله همچون شاهنشاهان ایرانی تاج بر سر، به تصویر

۱. جوئل، ل. کرم، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، صص ۸۰-۸۲

کشیده شده و به خط پهلوی نوشته شده که "فر شاهنشاهان فزون باد" و در سال ۳۵۰ ق عضدالدوله با لقب امیر عادل نقش بر سکه زد. در زمان عضدالدوله، ابوسحاق صابی کتاب التاجی را تألیف و در نسب نامه‌ای جعلی نسب آل بویه را به بهرام گور ساسانی رساند. متنبی شاعر عرب در سال ۳۵۳ از لقب شاهنشاه برای او استفاده کرد. در سال ۳۵۹ ضرب سکه در فارس عضدالدوله را با تاج به شکل تاج شاهان ساسانی نشان می‌دهد. هم عبارت "فر شاهنشاه فزون باد" و شاه پناخسر و عمرش دراز باد و هم عبارت عربی "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" و "مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ" وجود دارد در واقع شعارهای ایران باستان و اسلامی با هم جمع شده است.^۱

۷-۲- بغداد در دوران حکومت آل بویه

بغداد در نیمة قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، در اوج قدرت آل بویه از نظر رشد شهری به حد اعلای خود رسید و در گردابی از تنزل وضع اجتماعی و اقتصادی گرفتار شد. قاهره از قرن پنجم به بعد از مرکز خلافت عباسیان سبقت گرفت. بغداد شهری یکپارچه نبود و حالتی مجزا و خود بستنده داشت و با برآورده حدود ۱,۵ میلیون نفر جمعیت داشت.^۲

پادشاهان آل بویه اشتیاق شدیدی به کاخ سازی داشتند. معزالدوله دارالمعزیه را ساخت که حدود یک میلیون دینار (دوازده یا سیزده میلیون درهم) هزینه برداشت. عضدالدوله با مرمت و نوسازی منزل سبکتکین قصری به نام دارالمملکه عضدی بنا کرد و با غهایی به آن افزود که آن هم حدود ده میلیون درهم هزینه داشت. ساخت بیمارستان عضدی در سال ۳۲۲ در بغداد با مرمت و تجدید بنای نهرها و بندها و منازل شخصی و بازارها و سدهای ساحلی و پلها همراه بود. در بغداد چهار مسجد جامع وجود داشت و

۱. جوئل، ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، صص ۸۳-۸۵

۲. جوئل، ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۸۶

این نشان از عدم تمرکز این شهر دارد. مشکل خوراک و آذوقه تأمین بهداشت، آبرسانی، منازعات اجتماعی و مذهبی، اقدامات بلند پروازانه امرا، خرج سپاهیان، کاهش محصولات کشاورزی، وضع مالیات‌های سنگین و مصادره اموال از جمله مشکلات بغداد در این دوره بود. رویکرد شیعی آل بویه به تشنجات فرقه‌ای دامن زد و غالباً به هجوم ساکنان سنی مذهب به محله‌های شیعیان منجر می‌شد. حضور عیاران در شهرها (مانند اهل فتوت) نتیجه این تشنجات می‌باشد. کمبود آب، آتش‌سوزی سال ۳۶۲ که هفده هزار نفر کشته شدند و شیوع بیماری طاعون از مشکلات آن دوره بود. در کنار تصویری تماشایی از زندگی روشن‌فکرانه و بحث‌های دانشورانه در تالارهای ادبی امیران و وزیران و فیلسوفان و لغويان و نحويان و شاعران و بسط و ترويج مشتاقانه علوم و فنون باید شیع جامعه‌ای در حال تجزیه و تلاشی را قرار داد. در حقیقت، نویسنده‌گانی مانند تنوخی و توحیدی از فساد زمانه شکایت می‌کنند درست است که (شکوه و شکایت از زمانه کاری ادبی است) اما اشک‌های توحیدی واقعی بودند او و ابوسلیمان سجستانی در شرف مرگ و گرسنگی بودند او عاقبت کتابهایش را سوزاند و هر چه تألف کرده بود مردود شمرد و انزوا گزید.^۱

با وجود مشکلات اقتصادی فراوان در بغداد مرکز خلافت آل بویه از نظر فرهنگی و تعداد علماء و بزرگان از غنی‌ترین شهرهای جهان بوده است و مروری بر وضعیت علماء و ادباء و تاریخ‌نگاران در این دوره غنای فرهنگی این دوره را آشکار می‌سازد.

۸-۲- تاریخ نگاران و علماء و ادباء در دوره آل بویه

تاریخ‌نویسی و به طور کلی تأليف کتاب در اسلام به وسیله شیعیان آغاز گردید. صحابه و تابعین از صدر اسلام، اخبار مربوط به سنت و سیره و اقوال و افعال و معجزات رسول اکرم (ص) و شرح احوال نیاکان و قبیله او و اخبار کعبه و احوال اهل

^۱ جوئل، ل. کرمن، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، صص ۹۴-۸۴

بیت و اصحاب و غیره را برای هم روایت می‌کردند و این کار را از مقوله عبادت و حفظ شعائر دین می‌شمردند. نخستین دانشمند مسلمان که تاریخ اسلام را به تفصیل جمع‌آوری کرد و نخستین کتاب معتبر را به نام *السیره النبویه* در احوال پیامبر و اختبار بعثت و غزوات تألیف کرد، مردی شیعی مذهب و ایرانی تبار به نام محمد بن اسحاق بن یسار مطلبی (م ۱۵۱ ق) بود. هر کس پس از او در سیره و مغازی، کتابی تألیف کرده مدیون اوست. اصل این کتاب به طور کامل در دست نیست، لیکن تحریری که به وسیله عبدالملک بن هشام (م ۲۱۳ ق) از آن ترتیب یافته در دست است. و به چند زبان دیگر ترجمه شده و به چاپ رسیده است. عنوان این تحریر نیز *السیره النبویه* یا *سیرة ابن هشام* است.^۱

اقدام شیعیان برای تدوین تاریخ اسلام و جمع‌آوری احادیث رسول اکرم (ص) یک واجب شرعی به شمار می‌رفت. بعد از هجرت امیر المؤمنین علی (ع) از مدینه به کوفه که تشیع هویت سیاسی پیدا کرد، اقدامات بنیادی برای تجدید حیات اسلام و نمایاندن چهره واقعی شریعت محمدی و نجات آن از دست اشرار و سودجویان به عمل آمد. عامل مؤثر تصحیح تاریخ اسلام خطبه‌های امیر المؤمنین بود که در زمان خود او جمع‌آوری شد. به علاوه کتاب الدیات، در قانون جزای اسلام، و مصحف فاطمه که به وسیله علی (ع) برای همسرش فاطمه صدیقه (س) نوشته شد بهترین کتابهایی است که در اسلام تألیف شده است. به پیروی از آن حضرت بود که سلمان فارسی و ابوذر غفاری اخبار سیره رسول الله و تاریخ زندگی او را جمع‌آوری کردند. همچنین به اشارت موافقت علی (ع) بود که یاران او به تألیف کتاب در تاریخ اسلام آغاز نمودند. عیید الله بن ابی رافع منشی امیر المؤمنین (ع) در وصایای علی و کتابی در ذکر اسامی صحابه رسول الله (ص) که در لشکرکشی‌های جمل و صفين و نهروان در رکاب علی (ع) جهاد

۱. محمد حسین مشایخ فریدنی، تاریخ نگاری شیعیان، تشیع، (سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع)، دایره المعارف تشیع، چاچخانه علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳، صص ۳۷۸-۳۷۷.

کردند و مجموعه فتاوی و قضایای علی را در کتابی دیگر مدون کرد. از دیگر یاران حضرت علی^(ع)، اصیغ بن نباته مجاشعی و سلیم بن قیس هلالی بودند که وصایای علی و فرمانها و ارشادات او را جمع آوری کردند. از آن به بعد جمع احادیث شیعه و تدوین تاریخ اسلام و سیره پیغمبر و ائمه اطهار^(ع) آغاز گردید و کتب بسیار در مناقب ائمه اثناعشر^(ع) به رشتہ تحریر در آمد.^۱

تالیف اخبار سیره و مغاری و جمع معارف اسلامی و تدوین شعب تاریخ، از احادیث و اخبار ملوک و امم و قصص و امثال و خرافات و اساطیر و اشعار عرب و انساب قبائل و مناقب ایشان، همه از عراق مخصوصاً کوفه نشأت گرفت و از عراق به سایر اقطار اسلامی راه یافت. تاریخ نگاری را عمدۀ موالی شیعه که غالباً ایرانی نژاد بودند آغاز کردند. این طبقه که خود را در جامعه خودخواه و متعصب عربی مظلوم و در اقلیت می‌دیدند از سوئی جنبش‌های شعوبی ضد عربی را تقویت می‌کردند و از سوی دیگر به تأثیف آداب و علوم اسلامی به خصوص تاریخ همت گماشتند تا از یک طرف موقع و مقام طبقه خود را در جامعه اسلامی مستحکم کنند و از طرف دیگر سوابق فرهنگی و مفاسخر ملی خود را به عرب‌ها گوشزد نمایند. نخستین سوراخ بزرگ اسلام و تشیع، ابومخنف لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف غامدی ازدی کوفی است. پدرش از اصحاب امیرالمؤمنین^(ع) و خودش از روات امام محمدباقر^(ع) و به قولی امام جعفر صادق^(ع) بود. او تاریخ قدیم و معاصر عرب را در ۳۲ تأثیف گردآورد. نوشته‌های او نه تنها تاریخ اسلام تا نیمه قرن دوم هجری بلکه دایرة معارف شیعه و سیره جامع امیرالمؤمنین و حسین بن مبارزات شیعیان تا زمان مؤلف است. ابومخنف در سال ۱۵۷ ق در کوفه وفات یافت.^۲

ابوعبیده معمر بن مثنی ثقی - بالولاء - (م ۲۰۹ق) محدث و لغوی و ادیب و مورخ

۱. محمد حسین مشایخ فریدنی، تاریخ نگاری شیعیان، ص ۳۷۹.

۲. محمد حسین مشایخ فریدنی، تاریخ نگاری شیعیان، ص ۳۸۰.

ایرانی تبار، همه روایات منظوم و منتشر قبایل عرب شمالی را در زمینه‌های مختلف جمع‌آوری کرد. شمار کتاب‌های او را حدود دویست عنوان ثبت کرده‌اند. او ضد عرب و شعوبی مسلک بود و حتی کتابی در مطاعن و مثالب عرب نوشته است. یکی دیگر از پیش‌آهنگان تاریخ نگاری در اسلام، ابوالفضل نصرین مزاحم بن سیار منقری تمیمی کوفی (م ۲۱۲ ق) است که شیعی مذهب بوده و آثارش از منابع اصلی تاریخ تشیع به شمار می‌آید. کتاب صفین او که در ایران و مصر به چاپ رسیده از اسناد معتبر تاریخی به شمار می‌رود. ابوالمنذر هشام بن محمد بن ابی‌النصرین سائب بن بشر کلبی نیز مانند پدرش، نسب‌شناس و عرب‌شناس و از بزرگان مورخان شیعه شمرده می‌شود. او اهل کوفه بود. در همان شهر متولد شد و به سال ۲۰۴ یا ۲۰۶ ق در همان شهر در گذشت. شمار تألیفات او را صد و پنجاه و اند عنوان نوشته‌اند. از مورخین شیعی ایرانی تبار که پیش کسوت مورخان اسلام و جامع تاریخ شیعه به شمار می‌آید، ابوعبدالله محمدبن عمرین واقد سهمی - بالولاء - نام داشت. او در مدینه متولد شد. هارون‌الرشید (م ۱۹۳ ق) او را قاضی بغداد کرد و این سمت را تا سال ۲۰۷ ق که وفات کرد عهده‌دار بود. او پس از مرگش ششصد جعبه بزرگ کتابهایی که تألیف کرده بود از خود باقی گذاشت. او دو مملوک نویسنده داشت که شب و روز برای او کتابت می‌کردند. بزرگترین راویان اخبار او کاتبش محمد بن سعد زهری (م ۲۳۰ ق) معروف به ابین سعد بود. از نظر محمد حسین مشایخ فریدنی، معروف‌ترین مورخ شیعی قرن سوم احمدبن اعثم کوفی (م ۳۱۴ ق) می‌باشد.^۱

”شخصیت‌های معروف اسلام و جنبش‌های انقلابی مسلمانان در قرن سوم و چهارم هجری عمدتاً رنگ تشیع داشتند. علمای کلام شیعه کوشش خود را نه در راه ابطال عقاید سینیان، بلکه برای اثبات اصل ولایت و جنبه الهی بودن امامت و اثبات

۱. محمد حسین مشایخ فریدنی، تاریخ‌نگاری شیعیان، صص ۳۸۳-۳۸۱.

مذهب اهل بیت به کار می‌بردند و در این راه از کتب و مقالات سایر مذاهب نیز آزادانه استفاده می‌کردند. نخستین شکاف فکری و سیاسی بین تشیع و تسنن بعد از ظهور دعوت اسماعیلی در شمال آفریقا به وسیله عبیدالله مهدی (م ۳۲۲ ق) و تأسیس خلافت فاطمی مصر به وسیله المعز الدین الله (م ۳۶۵ ق) پیدا شد. با بنای شهر قاهره به امر المعز و ورود او به آن شهر (م ۳۶۲ ق) و بنای مسجد جامع و مدرسه دینی الازهر نخستین دانشگاه شیعی و نخستین دانشگاه اسلامی (م ۳۶۰ ق) رسمیت تشیع اعلام شد و نام خلفاء از خطبه جامع الازهر حذف گردید و به جای آن به نام علی(ع) و اولاد او خطبه خوانده شد. این افکار و شعارها در تدوین تاریخ اسلام و شرح احوال صحابه و درایه و ارزش‌یابی حدیث اثر گذاشت. شاعرانی مانند ابوالقاسم محمدبن هانی اندلسی (م ۳۶۲ ق) و المؤید فی الدین هبةالله شیرازی (م ۴۷۰ ق) با قصاید فاخر خویش دنیای اسلام را متوجه قاهره کردند. اما شیعیان اثناعشری با دعوت فاطمیان مخالفت کردند و آنان را ملحد شمردند. و علمای اثنای عشری مثل ابوجعفر علی بن الحسین معروف به صدق و ابن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق) مصنف کتاب عيون اخبار الرضا، امالی، اکمال الدین، معانی الاخبار، کتاب التوحید و دهه کتاب دیگر در حدیث و کلام و فقه، محمد بن عمرکشی (م ۳۴۰ ق) صاحب کتاب رجال و شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) از بنیانگذاران فقه و مؤلف احوال ائمه و فضائل عزاداری شهد و احمد بن علی نجاشی کوفی صاحب کتاب رجال و کتاب الكوفه و ابوجعفر محمد (م ۴۶۰ ق) فرزند حسن معروف به شیخ طوسی مصنف کتاب الرجال و کتاب الغیبه و فهرست کتب الشیعه و اسماء المصنفین و کتاب المفصح فی الاماھ و مقتل الحسین و اخبار مختار و کتاب‌های دیگر در حدیث و تاریخ و فقه و کلام و رجال، نه تنها اصول عقاید و شعارهای شیعه اثناعشری را مشخص نمودند بلکه محور تاریخ‌نویسی شیعه را هم استوار کردند.^۱

۱. محمد حسین مشایخ فریدنی، تاریخ نگاری شیعیان، حص ۳۸۴-۳۸۳

در تمامی فروع تاریخ، از مورخان شیعی تألیفات بسیاری بر جای مانده است. در این تحقیق به ذکر اسامی مشاهیر علمای تراجم و احوال نسب شناسان و مورخان بستنده شده است.

عبدالله بن ابی رافع، کاتب امیرالمؤمنین(ع) نخستین مؤلف رجال شیعه بود و پس از او کسانی که در قرن چهارم و پنجم می‌زیستند عبارتند از:

- ۱- عبدالعزیز بن اسحاق زیدی (قرن چهارم) مؤلف طبقات الشیعه -۲- ابومحمد عبدالعزیز بن یحیی جلوی (م ۳۳۰ ق) مؤلف طبقات العرب و الشهداء -۳- عباد بن یعقوب الرواحنی (م ۳۵۰ یا ۳۵۱ ق) مؤلف معرفه الصحابه و اخبار المهدی -۴- ابوبکر بن الجعابی (م ۳۵۵ ق) مؤلف کتاب الشیعه، اخبار آل ابی طالب، طبقات اصحاب الحديث -۵- ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ ق) مؤلف الاغانی و مقاتل الطالبین -۶- ابوعبدالله محمد بن عمران مرزبانی (م ۳۵۸ ق) مؤلف معجم الشعراء -۷- ندیم یا ابن الندیم محمد بن اسحاق (م ۳۸۵ ق) مؤلف الفهرست -۸- صاحب بن عباد (م ۳۸۵ ق) مؤلف کتاب الوزراء، کتاب الریدیه و غیره -۹- شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) مؤلف کتاب الارشاد در احوال ائمه اثناعشر -۱۰- ابوالعباس سیرافی (قرن پنجم) مؤلف کتاب المصایب و کتاب الزیادات.^۱

"تاریخ نویسی شیعه نیز به وسیله اصیغ بن نباته، یار نزدیک امیرالمؤمنین(ع) آغاز شد او نخستین مورخی است که مقتل حسین(ع) یعنی شرح شهادت آن حضرت و یارانش را به تفصیل روایت کرده است. اسامی مشاهیر مورخان شیعی به شرح ذیل است ۱- ابان بن عثمان تابعی، ابوعبدالله الاحمر (م ۱۴۰ ق) استاد ابوعییده معمر بن المتنی و مؤلف تاریخ اسلام شامل فصول المبدء و المبعث و المغازی و الوفاه و السقیفه و الرده ۲- محمد بن سائب کلبی نسبه که از علماء کوفه و در عهد خود از همه کس

۱. محمد حسین مشایخ فردینی، تاریخنگاری شیعیان، ص ۳۸۹

به ایام و اخبار عرب داناتر بود.^۳ - ابو مختلف لوط بن یحیی، مؤلف فتوح و مغازی و سایر کتابهایی که نام آنها گذشت.^۴ - نصر بن مزاحم منقري^۵ - محمدبن اسحاق مطلبی، صاحب کتاب السیره النبویه و کتاب الخلفاء که در عهد خود سرآمد مورخان و محدثان بود.^۶ - هشام بن محمد کلبی معروف به ابن کلبی (م ۲۰۶ ق)^۷ - احمد بن ابی یعقوب یعقوبی معروف به ابن واضح مؤلف تاریخ یعقوبی که چند بار به چاپ رسیده و به فارسی هم ترجمه شده است.^۸ - احمد بن محمد بن خالد برق (م ۲۷۴ ق) مؤلف: اخبار الامم، انساب الامم و المغازی،^۹ - ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی (م ۲۸۳ ق)^{۱۰} - ابو عبدالله محمدبن زکریا بن دینار غلابی - بالولاء - (م ۲۹۸ ق)^{۱۱} راوی و مؤلف کتاب تاریخ.^{۱۲} - محمد بن مسعود عیاشی (قرن سوم) مؤلف سیره ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه^{۱۳} - ابو محمد احمد بن اعثم کوفی (م ح ۳۱۴ ق) مؤلف کتاب الفتوح و کتاب التاریخ.^{۱۴} - محمد بن مزید بن محمود بوشنجی (م ۳۲۵ ق) مؤلف: الهرج و المرج فی اخبار المستعين و المعتز، و کتاب عقلاء المجانین.^{۱۵} - ابو احمد جلودی بصری (م ب ۳۳۰ ق) مؤلف کتب بسیار در سیر و تاریخ که تفصیل آنها در الفهرست ابن الندیم مسطور است.^{۱۶} - ابوبکر صوفی، مؤلف کتب بسیار در تاریخ که تفصیل آنها در الفهرست ابن الندیم مسطور است.^{۱۷} - اسکافی محمد بن همام کاتب (م ۳۳۶ ق) مؤلف تاریخ الانمه، شیعی آثار او مانند تاریخ طبری در شرق و غرب مشهور بوده و از اینرو اروپائیان او را "هرودت شرق" لقب داده‌اند.^{۱۸} - ابوبکر جعابی (م ۳۵۵ ق) مؤلف اخبار آل ابی طالب، اخبار بغداد، اخبار علی بن الحسین(ع)،^{۱۹} - ابوالفرج اصفهانی که کتاب الاغانی او سند بزرگ تاریخ و حدیث و اخبار موسیقی اسلام است.^{۲۰} - حسن بن محمد بن حسن قمی (اواخر قرن چهارم) مؤلف تاریخ قم. این کتاب را حسن بن علی عبدالملک قمی به فارسی ترجمه کرده است (م ۸۶۵ ق)^{۲۱} - صاحب اسماعیل بن عباد (م ۳۸۵ ق) مؤلف کتاب الاعیاد، الوزراء، الخلائف، اخبار ابی العیناء، تاریخ الملک و اختلاف الدول،^{۲۲} - شیخ صدوق مؤلف کتاب التاریخ^{۲۳} - شمشاطی،

ابوالحسن علی بن محمد العذوی (قرن چهارم) که تاریخ طبری را مختصر کرده و تاریخ جهان را از زمان اتمام تاریخ طبری تا زمان خود بر آن افزوده است ۲۵- ابونصر عتبی محمد بن عبدالجبار (م ۴۲۷ ق) رازی خراسانی قائم مقام شمس المعالی قابوس در خراسان مؤلف تاریخ یمینی ۲۶- حاکم نیشابوری محمد بن عبدالله (م ۴۰۵ ق) مؤلف: تاریخ نیشابور و تذکره الحفاظ ۲۷- ابوسعید منصور بن الحسین آبی (منسوب به آوه، آبه) (م ۴۲۲ ق) مؤلف: نثر الددر و تاریخ ری و کتاب التاریخ، که به قول ثعالبی در تتمه الیتیمه پیش ازو کتابی به این جامعیت در تاریخ تألیف نشده است.^۱

۹-۲- علمای بزرگ دوران آل بویه

در این بخش چکیده احوالات و تأثیفات بزرگ‌ترین علمای این دوره آمده است. ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی ملقب به شیخ صدوق: که از بزرگ‌ترین علمای شیعه به حساب می‌آید (متولد ۳۲۹ ق) شیخ صدوق حدود سیصد جلد کتاب تألیف کرد و یکی از کتاب‌های او، جزء کتب اربعه عالم تشیع است (من لا يحضره الفقيه) او به دعوت رکن‌الدوله از قم به ری رفت و در سال ۳۵۵ به بغداد رفت و در سال ۳۸۱ در ری به سرای باقی شتافت.^۲

شریف رضی: ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر(ع) معروف به شریف رضی و سید رضی، از علمای بزرگ شیعه و همچون پدرش نقیب آل ابی طالب بود. او ناظر مظالم و متصدی امور حج بود. مقامش در شعر از همه شاعران آل ابی طالب و حتی قریش بالاتر بود. او در سال ۳۵۹ هـ ق متولد شد. حافظ قرآن بود و معلومات فراوانی در فقه و فرائض داشت. عالم و فاضل و نویسنده و شاعر بود. ۲۶ تألیف از شریف رضی به جا مانده که معروف‌ترین آنها کتاب نهج البلاغه است.

۱. محمد حسین مشایخ فریدنی، تاریخ‌نگاری شیعیان، صص ۳۹۱-۳۹۲.

۲. علی اصغر فقیهی، آل بویه، ص ۲۷۸.

او در سال ۴۰۶ ه.ق درگذشت.^۱

شیخ مفید: محمدبن محمدبن نعمان عکبری بغدادی ملقب به مفید و مشهور به ابن المعلم، شیخ و بزرگ و عالم فرقه امامیه بود. یکی از شاگردان او شریف مرتضی بود. شیخ مفید حدود دویست کتاب و رساله کوچک و بزرگ تألیف کرد و بسیاری از علمای شیعه سمت شاگردی او را داشتند. شیخ صدوق استاد او و سیدمرتضی و سیدمرتضی و شیخ طوسی از شاگردان او بودند. او در رمضان سال ۴۱۳ ه.ق وفات یافت.

ابوعلی مسکویه: ابوعلی احمدبن محمد مسکویه رازی اصفهانی، از نزدیکان ابوالفضل بن العمید بود. به همین دلیل قسمتی از مطالب تاریخی کتاب تجارب الامم را از قول ابن عمید و یا از پدر او نقل کرده است. مسکویه بتدریج در خدمت سلاطین آل بویه در آمد و در سلک خواص بهاءالدوله پسر عضدادوله قرار گرفت. و به علوم یونان قدیم معرفت داشت. او در علم پزشکی نیز خبیر بود و کتابهایی نیز در این زمینه تألیف کرد.^۲

شریف مرتضی: یا سید مرتضی از علمای بزرگ شیعه در عصر آل بویه است. القاب دیگر او علماله‌دی و ذوالمجدهین و ثمانی‌نی است. هفتاد کتاب از او باقی مانده است. در مورد کتاب نهج‌البلاغه بین اینکه شریف مرتضی آن را جمع کرده است یا شریف رضی برادرش، اختلاف است. در اصول و شعر و کلام و ادب سرآمد روزگار خود بود و مطابق مذهب شیعه کتابهایی تصنیف کرده است.

ابوالفضل بن العمید: وزیر معروف دوره آل بویه در نویسنده‌گی در عصر خود نظری نداشت. هیچکس در آن دوره از لغت و الفاظ و نحو و عروض و اشتقاق و حفظ دیوان‌های اشعار به پای او نمی‌رسید در تأویل و تفسیر قرآن و آشنایی به اختلافات

۱. علی اصغر فقیهی، آل بویه، ص ۲۹۸.

۲. علی اصغر فقیهی، آل بویه، ص ۳۰۶.

فقها مقام شامخی داشت. در هندسه و منطق و علوم فلسفه و الهیات کمتر کسی به پای او می‌رسید. در علم مکانیک، و ساخت ابزار و آلات عجیب و جنگی برای فتح قلعه‌ها و جنگها و در فیزیک و علم آینه‌ها و علم مناظر و مرايا و فن تصویر وقوف کامل داشت. در جنگ و فنون لشکرکشی و آرایش جنگی و بکار بردن حیله‌های جنگی فرد بی‌نظیری بود. در مقام وزارت و اطلاع از کشورداری و چاره‌جویی و برطرف کردن مشکلات گوناگون به حد کمال بود و در شیراز رموز مملکت‌داری را به عضدالدوله یاد داد. ثعالبی گفته است که ابوالفضل بن‌العمید، عماد و تکیه گاه سلطنت آل بویه و صدر وزیران ایشان و یگانه زمان بود.^۱ او در صفر سال ۳۶۰ هجری در همدان در گذشت. ابن عمید شیعه بود و به یقین در مذهب امامیه بود.

صاحب بن عباد: از وزرای معروف آل بویه که مقام علمی و ادبی بالایی داشت و کتاب‌های زیادی تألیف کرده صاحب بن عباد است. ثعالبی نقل کرده که علاقه او به امر تدریس به اندازه‌ای بود که در جبهه جنگ نیز جلسه درس تشکیل می‌داد. در مقام وزارت از لحاظ حسن تدبیر و درایت و دوراندیشی، کم نظیر بود. عضدالدوله برای او احترام زیادی قائل بود. کتابخانه صاحب در روزگار خود بی‌نظیر بود. او در سال ۳۶۰ در ری بیمار شد و در همان شهر درگذشت. جسدش به خانه او در شهر اصفهان منتقل شد.^۲

عضدالدوله: شاهنشاه: عضدالدوله پسر بزرگ و جانشین رکن‌الدوله و یکی از نامورترین شخصیت‌های فرهنگی و علمی می‌باشد. لقب عضدالدوله "بازوی دولت" را خلیفه‌المطیع به او بخشید. استادان او، ابوالفضل بن‌عمید و ابوعلی فارسی بودند. او به فن شعر آگاهی داشت و اشعاری نیز از او باقی مانده است. او برای زاهدان، فقیهان، مفسران و متکلمان و محدثان و علمای انساب و شاعران و نحویان و عروضیان و

۱. علی اصغر فقیهی، آل بویه، ص ۱۹۰.

۲. علی اصغر فقیهی، آل بویه، ص ۲۸۵.

طبییان و منجمان و ریاضی دانان و مهندسان مستمری کافی مقرر کرده بود: «ع ضدالدوله آرمان‌های پادشاهی ایرانی و یونانی مابی قدیم را تجسم بخشد».^۱

علاوه بر ع ضدالدوله از سلاطین آل بویه، شرف‌الدوله به نجوم علاقه داشت. تاج‌الدوله پسر دیگر ع ضدالدوله از ادیب‌ترین و شاعرترین افراد آل بویه بود. فناخسرو پسر ابوظاهر بن بهاء‌الدوله نیز دارای اشعاری می‌باشد خسرو فیروز ملقب به ملک عزیز پسر جلال‌الدوله نیز اشعاری دارد که با خزری چند قطعه از اشعار او را ذکر نموده است.^۲

یکی دیگر از علمای صوفی این دوران ابوحیان توحیدی است: علی بن محمد بن عباس ابوحیان توحیدی بین سال‌های ۳۱۰ و ۳۲۰ بدنسی آمد. زادگاه وی را نیشابور یا شیراز یا بغداد دانسته‌اند. آموزگاران او را ابوسعید سیرافی، علی بن عیسیٰ رمانی و ابوحامد مروروodi و ابوبکر شافعی و یحییٰ بن عدی و ابوسلیمان سجستانی ذکر کرده‌اند. توحیدی کاتب حرفه‌ای و ندیم بود. او دانشی دائره‌المعارف گونه داشت. توحیدی در عصری که می‌تواند از جهت داشتن نویسنده‌گان و دانشمندان بزرگ به خود بیالد، از نخست مرتبگان به شمار می‌رود. او مدتی نیز در ری بود و با ابن عمید معاصر بود و در دوره دیگر به خدمت صاحب بن عباد درآمد. توحیدی با توجه به عالیق فلسفیش دارای مشرب فلسفی - عرفانی بود.^۳

یکی دیگر از بر جسته‌ترین فیلسوفان این دوره یحییٰ بن عدی: ابوذکریا یحییٰ بن عدی بن حمید بن ذکریا تکریتی منطقی مسیحی یعقوبی، در سال ۲۸۰ ه.ق در شهر تکریت بدنسی آمد. ابن عدی به بغداد مهاجرت کرد و نزد فیلسوف نسطوری، متّ بن یونس و فارابی دانش آموخت. ابن عدی کار خود را با مطالعه طریقت فلسفی محمد بن

۱. جوئل، ل، کرم، همان، ص ۳۸۳.

۲. علی‌اصغر، فقیهی، آل بویه، صص ۵۳۱-۵۳۲.

۳. جوئل، ل، کرم، همان، ص ۲۹۷-۲۹۶.

ذکریای رازی، آغاز کرد و پس از درگذشت متی بن یونس و پیوستن فارابی به سیف الدوله، ابن عدی در میان نسل جدید فیلسوفان مسیحی و مسلمان شخصیتی برجسته شد از میان شاگردان او ابوعلی عیسی بن زرعه را می‌توان نام برد (۳۳۱-۳۹۸ق).

حسن بن سوار بن خماره در سال ۳۳۱ هـ ق در بغداد بدنیا آمد. او یکی از فاضلترین منطقیان عصر خود بود و نزد یحیی بن عدی که هم فیلسوف و هم طبیب بود این دو علم را فراگرفت.^۱

ابوعلی بن سمح: از شاگردان ابن عدی است و شروحی نیکو بر کتاب‌های ارسطو نوشت. نظیف رومی، نظیف المتطبب در مقام طبیب به خدمت عضدالدوله در آمد و در بیمارستان عضدی خدمت کرد. او به زبان‌های مختلف آشنایی داشت و از یونانی به عربی ترجمه می‌کرد.^۲

عیسی بن علی: نیز در سال ۳۳۴ هـ ق وفات کرد. او از خانواده و تبار ایرانی بود و پیش از گرویدن به اسلام برآیین مسیحیت بود. او نیز در منطق و علوم اولیل یگانه بود. پدرش علی بن عیسی علاقه شدیدی به تصوف داشت.^۳

ابوالحسن بدیهی: شاعر و از اصحاب یحیی بن عدی بود و در پژوهش فلسفی با او همراه بود. به گفتة توحیدی، قافیه و عروض را بدیهی به صاحب آموخت.^۴ بدیهی با ابوبکر خوارزمی رقابت دائمی داشت.

فیلسوفان و نویسندهای دیگر دوره آل بویه نیز به قرار زیر می‌باشند:

ابوسلیمان سجستانی: ابوسلیمان محمد بن طاهر بن بهرام سجستانی در حدود سال

۱. جوئل. ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۱۹۱-۱۵۷.

۲. جوئل. ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۱۹۴.

۳. جوئل. ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۱۹۶.

۴. جوئل. ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۲۰۰.

۳۰۰ ه در سیستان دیده به جهان گشود. او از فیلسوفان مسلمان دوره آل بویه است که شاگردان مسلمان به سوی او جلب می‌شدند.^۱

ابوسلیمان مقدسی: از جمله کسانی در مجلس سجستانی در باره علم نجوم شرکت می‌کرد ابوسلیمان مقدسی بود او نیز از جمله فلاسفه مسلمان می‌باشد. و پنجاه و یک رساله مشهور به رساله اخوان الصفا به او منسوب می‌باشد.^۲

ابوعبدالله بصری: از شیعیان زیدی بود. او نزد ابوهاشم جبائی و ابوعلی خلاد و ابوالحسن کرخی و ابواسحاق بن عیاش به تلمذ پرداخت. در میان شاگردان بصری، ابوعبدالله داعی از اهل بیت بود. بصری از محبان علی بن ایطالب بود اثری شیعی نوشته که کتاب التفضیل نام داشت.^۳

ابوعبدالله بن سعدان: وزیر پسر عضدادوله یعنی صمصم الدوله بود. وی مصاحب مشتاق و فرزانه دانشوران بود. او در تعديل رقابت در بین جانشینان عضدادوله تلاش فراوان کرد.^۴

ابوالوفای جوزجانی: یکی از بزرگترین ریاضی دانان مسلمان بود که در سال ۳۲۸ ق و تربیت جام، متولد شد. او در سال ۳۴۸ به بغداد مهاجرت کرد. و در سال ۳۸۸ در آنجا درگذشت. او با اتكاء به تبحرش در ریاضیات در دستگاه دولتی منزلتی رفیع یافت.^۵

ابوالحسن عامری: فیلسوف در ابتدای قرن چهارم در نیشابور بدنیا آمد. عامری فیلسوف بود و به تصوف گرایید و در باره تصوف کتاب زیادی نوشته است.^۶

۱. جوئل. ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۲۰۳.

۲. جوئل. ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۲۳۹.

۳. جوئل. ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۲۵۵.

۴. جوئل. ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۲۷۱.

۵. جوئل. ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۲۷۸.

۶. جوئل. ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، صص ۳۲۱-۳۳۱.

ابو عبدالله حسین بن محمد: اصلش از قم بود و دبیری ماکان پسر کاکی را بعهده داشت، و از طرف امیر نوح، دیوان رسائل به او سپرده شد و لقب شیخ گرفت و تا هنگام مرگ به این سمت باقی بود.

ابوعلی فارسی فسوی: او اهل فسای فارس بود و استاد نحو عضدادوله بود و کتاب الایضاح را در علم نحو و صرف تألیف کرد. و پس از مدتی نیز کتاب تکمله را نوشت کتاب ابوعلی همواره از امهات کتب نحو بحساب می‌آمد.^۱

ابن النديم: ابراهیم بن هلال صاحبی حرانی که کتاب معروف التاجی (کتاب دوله بویه و اخبار الدیلم) را بنا به امر عضدادوله نوشته است. صابی یکی از بزرگترین کاتبان آل بویه بود و بعضی مقام او را در کتابت از صاحب بن عباد بالاتر دانسته‌اند. او در شعر و نثر بلیغ بود و در علوم ریاضی مخصوصاً هندسه و هیئت توانا بود و در ساخت رصدخانه بغداد نیز همکاری داشت. صابی، صابی مذهب بود با وجود اینکه قرآن را از حفظ داشت و تمام ماه رمضان را روزه می‌گرفت. او در سال ۳۸۴ هـ ق درگذشت.^۲

ابوالحسین عبدالرحمن بن محمد رازی معروف به صوفی: یکی از استادان عضدادوله دیلمی می‌باشد که کتاب معروف صورالکواكب را در باره ۴۸ صورت فلکی نوشته است.

علی بن عباس اهوازی معروف به مجوسی: ابن‌المجوسی، کتاب کامل الصناعه را به نام عضدادوله نوشته است و از همین جهت به طب ملکی شهرت یافته است. کتاب کامل‌الصناعه از لحاظ عملی و کتاب قانون ابن‌سینا از لحاظ طب نظری دارای اهمیت هستند.^۳ احمد بن عبدالجلیل سنجری: از مشاهیر ریاضی دانان و معاریف منجمین قرن

۱. علی‌اصغر فقیهی، آل بویه، ص ۲۵۴.

۲. علی‌اصغر فقیهی، آل بویه، صص ۲۵۵-۲۵۶.

۳. علی‌اصغر فقیهی، آل بویه، ص ۲۶۷.

چهارم هجری است که در علم نجوم و حساب و هندسه و هیئت تأثیفات زیادی دارد. کتاب معروف جامع شاهی، مجموعه‌ای مرکب از پانزده رساله در علم نجوم و شاخه‌های وابسته است.^۱

حمزة اصفهانی: صاحب کتاب الموازنہ بین‌العربی و العجمی می‌باشد که در علم لغت و اصول آن است و حمزه کتاب مزبور را برای عضدالدوله تألیف کرده است.

ابوالطیب متنبی: شاعر معروفی که قصاید غرایی در مدح عضدالدوله شعر می‌گفت.

محمد بن عبدالله سلامی: نیز از شاعران معروف دربار عضدالدوله بود. ابواسحاق صابی و عبدالعزیز بن یوسف و ابن نباته و ابوالقاسم زعفرانی و ابن علاف شیرازی و ابن خلاد رامهرمزی و در نهایت وزیر معروف صاحب بن عباد نیز از شعرای معروف بوده و هر کدام در مدح عضدالدوله اشعاری سروده‌اند. از دیگر شعرای این دوره، ابوالعباس صنی، ابوسعید رستمی، ابوالحسن جرجانی و ابوالقاسم ابن ابوالعلا و ابوالحسن سلامی و ابومحمد خازن و ابودلف خزرچی و عبدالصمدبن بابک می‌باشند. ابوبکر خوارزمی نیز از بزرگترین نویسنده‌گان و مذاحان آل بویه می‌باشد. سری بن احمد رفاء (رفوگر) شاعر آل بویه متوفی به سال ۳۶۲ بود. ابن الابناری نیز شاعر و ادیب معروف دودمان عضدالدوله بود.^۲

گروهی از علماء و ادباء که با دربار رابطه نداشتند و با نهایت سختی زندگی می‌کردند و در عصر آل بویه می‌زیستند نیز بدین قرار می‌باشند:

”ابوسعید سیرافی: حسن بن عبدالله بن مربیان، متوفی در سال ۳۶۸. پدرش زردشتی بود، و خود او از ادباء و فضلای اسلامی است، در علم لغت و نحو و قرائت و فرائض (ارت) و حساب و علوم دیگر، تبحر داشت. وی فقط از دسترنج خود زندگی

۱. علی اصغر فقیهی، آل بویه، ص ۲۵۸.

۲. علی اصغر فقیهی، آل بویه، ص ۲۵۹.

می‌کرد: در هر روز ده ورقه می‌نوشت و به ده درهم می‌فروخت. ابوبکر صبغی، نیز (رنگ فروش یا رنگ کار) متوفی در سال ۳۴۴، از فقهای بزرگ شافعی، دکانش در نیشابور، مجمع حافظان قرآن و حدیث و محدثان بود، خود او رنگ می‌ساخت و در دکانش می‌فروخت. ابوسهل صعلوکی (نیشابوری) متوفی در سال ۳۶۹ پیشوای زمان خود در فقه و تفسیر و لغت و عروض و کلام و تصوف و انواع علوم دیگر که او را دریای علم گفته‌اند، وی جبهای را که در زمستان می‌پوشید، به کسی بخشید، و خود چون به مجلس درس می‌رفت، چون جبهه دیگری نداشت، جبهای زنانه در بر می‌کرد. هنگامی که نمایندگانی از طرف علمای فارس برای دیدن و مناظره کردن با او، به نیشابور آمدند، با همان جبهه زنانه به استقبال ایشان رفت، امیر سپاه به او گفت آیا برای من اهانت نیست که پیشوای شهر در جبهه زنان به استقبال علماء برود؟

ابوسحاق حربی: (از مردم مرو و از علمای نحو) ثروت بسیاری به ارث به او رسیده بود، اما همه آن را در طلب حدیث صرف کرد. وی اگر بیمار می‌شد به خانواده‌اش اظهار نمی‌داشت، در مدت سی سال فقط به روزی دو گرده نان و درسی سال دوم، به روزی یک گرده نان قناعت می‌کرد، این در صورتی بود که مادر و خواهرش، آن را برای او ببرند، و گرنه گرسنه می‌ماند و گاهی خوراکش در روز به نیمی نان و چهاردانه خرما منحصر بود. ابوالعباس دیبلی، خیاط فقیه زاهد، متوفی در سال ۳۷۳، حتی یک جرعه اب از کسی قبول نکرد، وی هر روز جمعه، یک پیراهن می‌دوخت و یک درم و دو دانگ (یک سوم درهم) می‌گرفت و به مصرف خوراک و لباس خود می‌رسانید.^۱

عبدالوهاب بن علی بغدادی: فقیه و ادیب و شاعر و کاتب، متوفی در سال ۴۲۲، از شدت فقر و گرسنگی، از بغداد به مصر کوچ کرد، در روز حرکت او، جمع کثیری از

۱. علی اصغر فقیهی، آل بویه، صص ۵۰۵-۵۰۴.

اکابر بغداد، و اصحاب محابر، به مشایعت او رفتند، عبدالوهاب به آنها گفت اگر در میان شما هر بامداد و شام، به دو گرده نان دست می‌یافتم، از شهرتان بیرون نمی‌رفتم.

احمد بن محمد بن عبد الرحمن ایپوردی: متوفی در سال ۴۲۵ محدث و فقیه شافعی که در جامع منصور بغداد، حلقة فتوا داشت و مردمی فصیح و شاعر بود. وی فقر خود را نهان می‌داشت، و بر آن شکیبا بود، هر روز، روزه می‌گرفت و با نان و نمک افطار می‌کرد، در زمستان چون جبهه‌ای نداشت که در بر کند به اصحابش می‌گفت که بواسطه ابتلا به نوعی بیماری، از پوشیدن لباس ضخیم که داخل آن را برای گرم کردن (از پنبه یا چیز دیگر) پر کرده باشد، ممنوع هستم، مقصود او بیماری فقر بود، اما اصحابش، آن را نوعی مرض، گمان می‌کردند. ابوالطیب، طاهرین عبدالله طبری، از مردم آمل مازندران، متوفی در سال ۴۵۰، محدث و صاحب تصنیفات بسیار، خود و برادرش، فقط یک عمامه و یک پیراهن داشتند، که هر گاه یکی از آن دو، آنها را می‌پوشید، دیگری، در خانه می‌ماند و هرگاه عمامه و پیراهن را می‌شستند، هر دو در خانه می‌مانندند. ابوالعباس، حسن بن سفیان شبیانی نسوی، محدث خراسان، زمانی که خود و اصحابش برای طلب حدیث، به مصر سفر کردند، در راه، از لحظه خوراک، سخت درمانده شدند، بطوری که تا سه روز، هیچ چیز برای خوردن نیافتند، چیزی را هم که بفروشند در اختیارشان نبود، ناگزیر به فکر سوال کردن از مردم (گدایی) افتادند، اما عزت نفسشان مانع از این کار می‌شد، سرانجام میان خود قرعه کشیدند و قرعه بنام شیخ اصابت کرد. ابوالحسن علی بن احمد فالی، از مردم فاله از توابع شهر ایذه در خوزستان نیز از ادباء و شعرای عصر آل بویه، می‌باشد.^۱

چند تن از علماء و ادباء که از دیلم برخاسته‌اند و در قرن چهارم زندگی می‌کردند در ذیل ذکر شده است.

۱. علی اصغر فقیهی، آل بویه، صص ۵۰۷-۵۰۶.

ابومحمد حسن بن موسی بن بغداد دیلمی، از فضلا و ادبیان بود که در سال ۳۶۳ ق در بغداد حضور داشت. ابویعلی عثمان بن حسن دیلمی، معروف به طوسی از فضلا و اهل معرفت که در سال ۳۶۷ ق درگذشت. حمزه بن عبدالعزیز دیلمی طبرستانی معروف به سلار، از فقهاء و اعاظم شیعه اثناعشری و از شاگردان شیخ مفید و دارای تألیفات متعدد است. کوشیار دیلمی گیلی، از بزرگترین علمای نجوم و هیئت قرن چهارم است. ابوالحسن مهیار بن مرزویه دیلمی، از بزرگترین شاعران قرن چهارم که دیوانش در ۴ جلد به چاپ رسیده است. مهیار قبلًاً زردهستی بود و در سال ۳۹۲ بدست شریف رضی اسلام آورد و به مذهب شیعه گروید و وفاتش در سال ۴۲۸ هجری قمری می‌باشد.^۱

همانطور که گفته شد قرن چهارم، دوران شکوفایی علم و فرهنگ و بعبارتی دوره احیای فرهنگی می‌باشد. گروهی از علماء و ادبائیان غیر از افرادی که در ابتدای بخش از آنها نام برده شد، بیشتر در محدوده جغرافیایی ایران زندگی می‌کردند، به قرار زیر می‌باشند:

"از جمله مفسران بزرگ قرن چهارم ابو زید بلخی متکلم به فیلسوف و نویسنده بزرگ ایرانی قرن چهارم است علم حدیث نیز در این دوره رونقی گرفت و محدثان بزرگی چون ابوبکر محمدبن منذرالیشاپوری و ابوبکر احمدبن الحسین بیهقی مؤلف السنن الكبير و السنن الصغیر به ظهور رسیدند در علم فقه نیز علمای نامداری پدید آمدند از آن جمله‌اند امام قفال که مذهب شافعی را در مشرق ایران رواج داد و عبدالله بن داود سجستانی که از مشاهیر ائمه حنبله بود از مترجمان کتب علمی این دوره ابوالخیر بن خمار را باید یادآور شد که از نصرانیان ایران و از اطبا، حکما و مترجمان بزرگ زبان سریانی به عربی بوده است علوم ریاضی بویژه علم نجوم و علم حساب و هندسه در

۱. علی اصغر فقیهی، آل بویه، صص ۶۵-۶۶.

این عصر رونقی گرفت مخصوصاً رصد کواكب که اهمیت یافت چنانکه، شرف‌الدوله بن عضد‌الدوله (۳۷۶-۳۷۹) رصد خانه‌یی در بغداد بنا کرد و ابوسهل کوهی در آن مرصد کواكب سبعه را رصد نمود و ابوعلی سینا از طرف علاء‌الدوله کاکویه مأمور شد مرصدی در اصفهان ترتیب دهد و او به همراهی شاگرد خود ابوعیید جوزجانی بدین کار مبادرت ورزید. ابونصر فارابی نیز در علم موسیقی کتابی ترتیب داد. از ریاضی دانان نامدار این دوره ابوالوفا محمدبن محمد بوزجانی نیشابوری است کتاب المسطی او سخت معروف است و ابوالفتح محمود اصفهانی که ترجمه کتاب المخروطات ابولونیوس را تکمیل نمود و تفسیر پر ارزشی بر آن نوشت و ابوالحسن کوشیار که کتاب‌الاضطراب او معروف است از پژوهشکار نامدار این عصر ابوالحسن احمد طبری است پژوهشکار رکن‌الدوله دیلمی که کتاب المعالجه‌البقراطیه را تدوین کرد و ابوسهل مسیحی جرجانی معاصر ابن‌سینا است که به قولی یک از استادان او در طب بوده است. در علم شیمی قاضی ابوالحسن همدانی را باید نام برد کتاب او در شیمی به نام رساله فی علم‌الکیمیاست از جغرافی دانان این عصر مسعودی صاحب مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر است دیگر ابواسحق ابراهیم‌الاصطخری صاحب‌المسالک و الممالک است. در علوم ادبی ابوالحسین احمد رازی صاحب کتاب المجمل در لغت و اسماعیل بن حماد جوهری فارابی صاحب کتاب الصلاح فی اللغه را باید نام برد.^۱

با توجه به محدودیت منابع و محدودیت زمان احتمالاً نام عده‌ای دیگر از علماء و ادباء و عده‌ای فیلسوفان این دوره از قلم افتاده است و برای رسیدن به این مطلب نیاز به پژوهش کامل و دقیق است، ولی همین تعداد بیانگر عظمت علمی - فرهنگی این دوره می‌باشد. ضمناً همانطور که در وضعیت اجتماعی آل‌بویه ذکر شد، حضور فرق و گروه‌های مختلف فکری در این دوره است که در بخش بعدی به طور مختصر به

۱. ناصرالدین شاه حسینی، تمدن و فرهنگ ایران از آغاز تا دوره پهلوی، انتشارات دانشگاه سپاهیان انقلاب، چاپ سوم، ۱۳۵۶، صص ۲۲۶-۲۲۷

بررسی فرقه‌ها و نوع عقاید آنها پرداخته می‌شود.

۱۰-۲- فرقه‌های مهم اسلامی ایران در دوران آل بویه

در سه قرن اول هجری در ایران سه شعبه از مذهب حنفی اسلام اهمیت داشته است مذاهب اهل سنت، مذاهب خوارج و مذاهب اهل تشیع.

اختلاف میان مسلمین به سه اصل اساسی متکی است اول مسأله جانشینی (خلافت - امامت)، دوم اختلاف نظر در روش فقهی (فروع - احکام)، سوم اختلاف در اصول عقاید. و هر یک از این موارد سه‌گانه سبب بحث و گفتگو و افتراق میان مسلمین شده است.

پس از رحلت پیامبر مسأله جانشینی آن حضرت مورد گفتگو قرار گرفت. هنگامی که علی(ع) سرگرم انجام دادن مراسم تدفین پیامبر بود ابوبکر در مسجد راجع به مرگ پیغمبر سخن می‌گفت، به عمر خبر رسید که انصار در سقیفه بنی‌سعده (سقیفه، محل سقف‌دار را گویند که محل اجتماعات قبیله بوده است) سرگرم تعیین جانشینی برای پیامبر هستند عمر و ابوبکر هر دو شتابان به طرف سقیفه رفته‌اند و پس از بحث‌های بسیار سرانجام به کوشش عمر، ابوبکر را به خلافت برگزیدند ولی علی و بنی‌هاشم و عده‌یی از صحابه پیامبر با او بیعت نکردند به این ترتیب پس از رحلت حضرت رسول(ص) سه دسته بر سر جانشینی ایشان در برابر یکدیگر قرار گرفتند: مهاجرین، انصار و معتقدین به امامت حضرت علی(ع). طرفداران انتخاب جانشین از میان انصار به زودی از میان رفته‌اند لیکن مهاجرین و معتقدان به امام علی(ع) در تمام دوره اسلام با یکدیگر زد و خورد داشتند. تا اواخر عهد عثمان سال ۳۵ هجری، طرفداران جانشینی علی(ع) کوششی نمی‌کردند ولی بعد از عثمان مصری‌ها علی‌ابن‌ابی‌طالب را می‌خواستند اهالی بصره متوجه طلحه شدند و کوفیها زیر را مناسب می‌دیدند سرانجام همه در باب علی همداستان شدند ولی حضرت علی(ع) در تمام این مدت از قبول پیشنهاد مردم

امتناع داشت و از آنها دوری می‌گزید و سرانجام مصلحت اسلام را پیش کشیدند و علی(ع) ناگزیر شد به مسجد آید در این وقت مردم با او بیعت کردند. چند نفری از بیعت امتناع کردند از جمله سعد بن ابی و قاص بود این افراد زمینه را برای اختلاف تازه میان بنی امية که عثمان از آنان بود و بنی هاشم که علی(ع) از ایشان بود آماده کردند سرانجام کار به جنگ شدید طولانی صفين و موضوع حکمیت کشید شاميها حکم خود را بر عمر و بن العاص قرار دادند و عراقیها، اشعت ابو موسی اشعری را به علی(ع) پیشنهاد کردند علی(ع) انتخاب ابو موسی را قبول نکرد و سوابق دشمنی او را با خود برای مردم شرح داد و عبدالله بن عباس و مالک اشتر را پیشنهاد کرد ولی اشعت مقاعد نشد و جز ابو موسی دیگری را نخواستند و با گستاخی از علی(ع) خواستند تا قرارداد را امضاء کند. مفاد آن قرار داد این بود که دو لشکر معاویه و علی(ع) برگردند و حکمین در ماه رمضان در دومه الجندل حاضر شده رأی خود را بدھند علی(ع) از صفين به کوفه بازگشت در بازگشت از صفين هنوز به کوفه نرسیده بودند که عده زیادی بر ضد صلح و قرارداد حکمیت برخاستند و آنرا کفر خواندند در مقابل عده‌ای بودند که در پیروی از علی(ع) پایداری کرده و آنها را به نقض بیعت امام و تفرقی جماعت سرزنش می‌کردند این دسته وفادار را آن روز شیعه نامیدند و به محض رسیدن علی(ع) به کوفه دسته مخالف حکمیت که بعدها خوارج نامیده شدند در حررواء بیرون کوفه به مقاومت پرداختند. علی(ع) به حررواء رفت و با شورشیان به مذاکره پرداخت و ثابت کرد که ما به حکم قرآن رضا دادیم نه به حکم اشخاص و اگر اشخاص برخلاف قرآن رأی بدھند مورد قبول نخواهد بود به این ترتیب شورشیان مقاعده شده با علی(ع) به کوفه آمدند ولی همین که شنیدند ابو موسی روانه دومه الجندل شده است دوباره با شعار (لا حکم الا الله) با حالت اجتماع از کوفه بیرون آمده و به نهروان که محلی بوده است در نشیب کوه زاگرس به ایران رفته و از این وقت خوارج نامیده شدند، به اعتبار بیرون

آمدن از کوفه یا خروج بر امام و در نهر وان عبدالله بن وهب را به امارت خویش
برگزیدند.^۱

خوارج در دوره بنی‌امیه قدرت بسیار یافتند و به دو قسمت شدند قسمتی در عراق، فارس، کرمان و دسته‌ای در جزیره‌العرب تسلط پیدا کردند اگر چه در آغاز جنبه سیاسی داشتند ولی به تدریج در مسایل اصولی و امور مربوط به مبانی معتقدات اسلامی هم وارد شدند از مهمترین بحث‌های خوارج بحث راجع به ایمان بود آنها معتقد بودند که ایمان تنها به اعتقاد نیست و کسی که به وحدانیت خداوند و نبوت پیامبر اقرار داشته باشد ولی به فرایض عمل نکند و مرتکب معاصی گردد کافر و واجب القتل است از مهمترین فرق خوارج یکی فرقه ازارقه و دیگر فرقه النجدات و دیگر الاباضیه و الصفریه است. اهمیت خوارج در تاریخ ایران بسیار است آنها در سیستان و خراسان قدرت بسیار یافتند و در سه قرن اول هجری تشکیل دسته‌های بزرگ داده و تسلط خلفا را بر ایران دشوار ساختند.

۱۱- مذاهب اهل سنت

پیش از آنکه در باره مذاهب اهل سنت نکته‌ای بیان شود، یادآور می‌شویم که اکثر مسلمانان جهان پیرو سنت و جماعت هستند و آنها را (سنی) یا (عامه) می‌گویند کلمه سنت به معنی طریق و راه راست است و چون عامه طریقه پیامبر را پیروی می‌کنند و به سنت آن حضرت رفتار می‌نمایند از این جهت ایشان را (سنی) لقب داده‌اند اهل سنت امر خلافت یعنی جانشینی پیامبر را عام می‌دانند و معتقدند که هر مسلمانی از اهل صلاح که به اکثریت رأی ارباب حل و عقد و صالحان امت به این مقام انتخاب شود اطاعت امر او بر مسلمانان واجب است و بعد از پیامبر خلفای اربعه ابوبکر، عمر، عثمان و علی(ع) را جانشین او دانند و آنها را راشدین لقب داده‌اند برخلاف اهل شیعه که

۱. ناصرالدین شاه، حسینی، تمدن و فرهنگ ایران، ص ۲۰۷

علی(ع) را خلیفه بلافصل می‌دانند.^۱

۱۲-۲- مذاهب اربعه

در قرن دوم و سوم هجری در نزد پیروان سنت و جماعت، چهار مشرب فقهی تأسیس شد که در ممالک اسلامی طرفدار بسیار دارد:

۱- مذهب حنفی: پیروان ابوحنیفه نعمان بن ثابت کابلی متولد سنه ۸۰ هجری و متوفی بسال ۱۵۰، اهالی ترکیه، هند، پاکستان، افغانستان و آسیای مرکزی از پیروان مذهب حنفی‌اند.

۲- مذهب مالکی: پیروان ابوعبدالله مالک بن انس متولد ۹۵ و متوفی بسال ۱۷۹، بیشتر مسلمانان شمال افریقا تونس و الجزیره و مراکش پیروان او هستند.

۳- مذهب شافعی: پیروان محمد بن ادريس الشافعی متولد ۱۵۰ و متوفی بسال ۲۰۴، بیشتر مسلمانان مصر، سوریه، ترکیه و عراق معتقد به این مذهب‌اند.

۴- مذهب حنبلی: پیروان احمد بن محمد حنبل مروزی متوفی بسال ۲۴۱، بیشتر مردم حجاز و نجد پیرو او هستند.^۲

۱۳-۲- فرق شیعه

”شیعه در لغت به معنی پیرو است و در قرآن مجید این کلمه به همین معنی آمده است (و ان من شیعته لا براہیم).^۳“

عنوان شیعه در ابتدا بر کسانی اطلاق می‌شد که بعد از رحلت حضرت رسول(ص) امامت را حق علی(ع) می‌دانستند و با وجود اینکه اکثر مسلمین با ابوبکر بیعت کرده بودند آنان در دوستی علی(ع) ثابت ماندند و به همین جهت شیعه علی(ع) خوانده

۱. ناصرالدین شاه حسینی، تمدن و فرهنگ ایران، ص ۲۰۸.

۲. ناصرالدین شاه حسینی، تمدن و فرهنگ ایران، صص ۲۰۸-۲۰۹.

۳. الصفات، ۸۱/۳۷

می شدند و از این جماعت بودند مقداد بن الاسود و سلمان فارسی و ابوذر غفاری و عمار بن یاسر ایشان اولین کسانی هستند که در ملت اسلام به تشیع معروف شدند و شیعه در این مورد به معنی پیروان حضرت علی^(ع) است ولی در باب اینکه بعد از هر امامی جانشین او کیست و این جانشین چه مقامی دارد میان آنها اختلافاتی رخ داد و بنابراین به فرقه‌های گوناگونی تقسیم شدند که از میان آنها سه فرقه اثنی عشریه (دوازده امامی)، اسماعیلیه و زیدیه معروف‌ترند.^۱

فرقه شیعه اثنی عشریه: یا امامیه از آن جهت به این نام معروف شده‌اند که به امامت دوازده امام یعنی علی بن ابوطالب^(ع)، حسن بن علی، حسین بن علی، و نه تن اولاد او نسل^۲ بعد از اقرار دارند. نزد شیعیان علاوه بر اصول سه‌گانه توحید و نبوت و معاد که در آن با اهل سنت و جماعت شریکند اصل امامت نیز افزووده می‌شود و در میان صفات مختص به ذات الهی برای عدل نیز اهمیت خاصی قابل هستند.

فرقه زیدیه: (پنج امامی) یعنی کسانی که بعد از حضرت سجاد در کوفه با فرزند او زید بیعت کردند. زید چون از شاگردان واصل بن عطاء معتزلی بسود در اصول تابع اعزال گردید و پیروان او همه معتزلی شدند.

فرقه اسماعیلیه: بعد از وفات امام ششم شیعیان جماعتی گفتند فرزند آن حضرت که در حیات پدر فوت کرده نمرده است و جانشین حقیقی امام ششم اوست و او نخواهد مرد مگر آنکه دنیا را در تحت امر بیاورد این فرقه را اسماعیلیه و یا به نام ابی الخطاب محمد رئیس ایشان خطابیه خوانند و آنان منشأ عمدۀ فرقه اسماعیلیه هستند. معتقدان به حفظ امامت در خاندان اسماعیل معتقدند که بعد از رحلت امام جعفر صادق^(ع) و اسماعیل امامت به محمد فرزند اسماعیل منتقل شد که سایع تام است و دور هفت بدو تمام می‌شود و بعد از او امامت در خاندان وی باقی ماند ائمه بعد از

۱. ناصرالدین شاه حسینی، تمدن و فرهنگ ایران، ص ۲۰۹

محمد به دو دسته تقسیم شدند که دسته‌ای ائمه مستور بودند و بعد از مستور نوبت به عبیدالله مهدی رسید که دعوت خود را آشکار کرد و پس از وی فرزندانش نسل‌آ بعد نسل امامند.^۱

فرقه اسماعیلیه در دعوت خود مراحل خاصی را رعایت می‌کردند و دعات آنان بر حسب درجات معین می‌شده است آخرین مرتبه در میان ایشان مقام حجت بود که از بین دعات عده معدودی می‌توانستند حائز آن رتبه شوند از میان دعات ایرانی ناصرین خسرو قبادیانی و حسن صباح این رتبه را داشتند. فرقه اسماعیلیه از آن جهت که به بحث و استدلال و فلسفه و علوم عقلی توجه داشتند در عالم اسلام اهمیت بسیار دارند. اسماعیلیه در ادب فارسی تأثیر بسیار نموده‌اند بدان جهت که به نشر کتب و رسالات فارسی اهمیت بسیار می‌دادند و از قرن چهارم به بعد کتب و اشعار و رسالات بسیار از دعات و حجج اسماعیلیه به زبان فارسی در دست است بزرگترین شاعر و نویسنده اسماعیلی ناصرخسرو است که در نیمه دوم قرن پنجم می‌زیسته است.^۲

قرامطه: وقتی که دعات اسماعیلی در اهواز برای امامت محمدبن اسماعیل و اولاد او تبلیغ می‌کردند یکی از مبلغان خود به نام حسین اهوازی را به کوفه فرستادند ولی در آنجا با مردی به نام حمدان اشعت معروف به قرمط ملاقات کرد حمدان به زودی دعوت اسماعیلیه را پذیرفت و در این راه به حسن اهوازی کمک کرد و چندان در این راه کوشش نمود که حسن اهوازی امر دعوت را در عراق به او واگذاشت حمدان سال ۲۷۶ هجری با تشکیل سپاهی از جنگجویان شروع به خونریزی و قتل مخالفان خود کرد و بیمی در دل مسلمان‌های عراق انداخت از حدود سال ۲۸۰ هجری میان حمدان و اسماعیلیه اهواز اختلاف پدید آمد و از این راه مذهب جدیدی به نام قرمطی که از شعب مذهب اسماعیلی محسوب می‌شود بوجود آمد قرامطه منسوب به حمدان هستند

۱. ناصرالدین شاه حسینی، تمدن و فرهنگ ایران، ص ۲۰۹.

۲. ناصرالدین شاه حسینی، تمدن و فرهنگ ایران، صص ۲۱۰-۲۱۱.

کلمه قرمط در لغت به معنی ریزبودن خط و نزدیکی کلمات و خطوط به یکدیگر است و می‌گویند حمدان الاشعث کوتاه بود و پاهای خود را هنگام حرکت نزدیک به یکدیگر می‌نهاد از این جهت به این لقب خوانده شد. و برخی کلمه قرمط را از لفظ نبطی کرمیته به معنی سرخ چشم دانسته‌اند قرامطه می‌گفتند محمد بن اسماعیل امام هفتم و امام زمان است و معتقد به از بین بردن مخالفان خود از سایر مذاهب اسلامی بودند زیارت قبور و بوسیدن سنگ کعبه و اعتقاد به ظواهر در مذاهب آنان حرام بود و شعار ایشان مانند اسماعیلیه پرچم سفید بود.^۱

معتزله: فرقه معتزله از اول قرن دوم هجری در اواخر عهد بنی‌امیه ظهر کردند و تا چند قرن در تمدن اسلامی تأثیر داشته‌اند مؤسس این فرقه یکی از شاگردان حسن بصری است به نام واصل بن عطا که با استاد خود بر سر سرنوشت مرتکب معااصی کبیره و تعیین حدود کفر و ایمان اختلاف نظر پیدا کرد و می‌گفت که "مرتکبان کبایر نه کافر مطلق‌اند و نه مؤمن درست بلکه مقام ایشان بین این دو مرتبه قرار دارد."

عقیده واصل بن عطا به نام "المنزله بین المزليين و اعتزال" معروف شد یعنی مرتکب کبیره نه کافر است و نه مؤمن بلکه فاسق است و فاسق از جهت فسق مستحق جهنم است و پیروان او را هم اهل اعتزال یا معتزله خوانند. حسن بصری واصل را از حلقه درس خود راند و سرانجام وی موفق شد که یکی دیگر از شاگردان حسن یعنی عمرو بن عبید بن باب را که او نیز از موالی ایرانی بود با خود یار کند و به دستیاری یکدیگر فرقه بزرگ معتزله را تأسیس نمایند عقاید معتزله در ادب فارسی تأثیر بسیار داشته و اکثر شاعران از قبیل طوسی و فخرالدین اسعد گرگانی در اشعار خود از آن یاد کرده‌اند.

۱. ناصرالدین شاه حسینی، تمدن و فرهنگ ایران، ص ۲۱۶.

فصل سوم

معماری و کتبه‌نگاری دوره آلبويه

- معماری و کتبه‌نگاری دوره آلبويه -

آلبویه به آبادانی و شهرسازی و عمارت اینه توجه زیادی نشان دادند، بطوری که بعضی از آنها هنوز خاطره دوران امارات ایشان را زنده می‌دارد. در ولایات جبال مؤیدالدوله و فخرالدوله بناهایی به وجود آوردن و وزیر معروف آنها صاحب بن عباد هم در ری و قزوین بناهای جالب بنا کرد. محله‌ای به نام طبرک با قلعه‌ای به این نام به وسیله رکن‌الدوله و مؤیدالدوله در اصفهان بوجود آمد که قلعه آن حتی در عهد صفویه نیز به عنوان مخزن نفایس و مهمات فرمانروایان مورد استفاده بود. در ری هم فخرالدوله قلعه طبرک را توسعه داد، چنانکه قلعه قدیم ری را نیز آباد کرد و با اینه تازه بیاراست. این قلعه بعدها به نام او فخرآباد خوانده شد. مقبره او هم که به نام گنبد فخرالدوله یا گنبد شاهنشاه تا مدت‌ها بعد باقی ماند از علاقه آلبويه به ایجاد عمارت حاکی بود. صاحب بن عباد در ری و قزوین بناهایی عالی ساخت و قبرش هم هنوز در اصفهان باقی است. در فارس عمادالدوله و عضدلدوله در توسعه آبادی و ایجاد اینه

تازه علاقه خاص نشان دادند. از جمله عمادالدوله قلعه کوهستانی قهندز را در نزدیک شیراز به نحو جالبی تجدید عمارت کرد اما دست ویرانگر ایام نشانی از آن باقی نگذاشت. برادرش رکن‌الدوله حسن در مدت اقامت شیراز (۳۳۸ ه) نهر رکن‌آباد را به وجود آورد که خاطره‌وی را در شعر، حافظ زنده نگهداشت.^۱

عهدالدوله نیز در میان امیران آل بویه بیشترین آبادانی و عمارت را انجام داد. چنانکه مقدسی خاطرنشان می‌کند بر نهر اهواز پل کهنه‌ای را خراب کرد و پل تازه‌ای به جای آن ساخت. در رامهرمز در پیرامون مسجد جامع بازاری بوجود آورد که زیبائیش تحسین‌انگیز بود. در فارس حوض عضدی (دریاچه سد) که وی نزدیک قلعه استخر باسدی عظیم بوجود آورد، شاهکاری بی‌مانند تلقی شد. شادروانی که در کربال مرودشت بر روی رودکر به وجود آورد، بند عضدی یا بند امیر خوانده شد و از اینه بی‌مانند آن عصر به شمار می‌آمد. سرایی که عهدالدوله در شیراز برای خود ساخت از لحاظ لوله‌کشی و آبرسانی یک شاهکار معماري عصر و از جهت اشتمال برستان‌های عالي و بناهای مشجر و اطاق‌های رنگارنگ از عجایب اینه خوانده شد و گویند سیصد و شصت اتاق در آن بنا اختصاص به مجالس امیر داشت و عضد در هر روز از سال مجلس خود را در حجره دیگر منعقد می‌کرد. از سایر بناهای عهدالدوله، گند عضدی بیرون دروازه استخر و نزدیک مصلای شیراز که ذکر شد در باب سوم گلستان سعدی هم هست. با وجود اینکه گذشت زمان از این بناهای معظم چیزی باقی نگذاشت، خاطره این عشق به آبادانی و سازندگی، سیمای عهدالدوله را تا حدی یادآور چهره شاپور اول ساسانی ساخت. بیمارستان عضدی در شیراز که در عهد ابن‌البلخی مؤلف فارستامه (۵۱۰ ق) به "خلل" افتاده بود در زمان ابوالخیر زرکوب مؤلف شیراز نامه (۷۳۴ ق) هنوز با نام "دارالشفاء" همچنان معمور مانده بود و نشانه‌ای از توجه خاص

۱. عبدالحسین، زرین کوب، تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷، چاپ پنجم، صص ۴۸۲-۴۸۱.

این پادشاه به امور عام المنفعه بود. در بغداد هم بیمارستان عضدی که ظاهراً به وسیله او تجدید عمارت شد چنان وسعت و اهمیتی یافت که تمام اینه دیگر وی را تحت الشعاع قرار داد.^۱ عضدالدوله بیست و چهار طبیب از بهترین اطبای نواحی و شهرها را برای طبایت و آموزش پزشکی به بغداد فراخواند تا در این بیمارستان به کار اشتغال ورزند.^۲ توجه عضدالدوله به احداث بیمارستان و جلب تربیت پزشکان و دانشمندان، خویشان و فرزندان او را هم به اینگونه کارها تشویق نمود. در بین امراء این خاندان که بانیان آن ظاهراً هیچ یک اهل علم و سعادت نبودند، عزالدوله بختیار آنگونه که از یتیمه‌الدهر ثعالبی بر می‌آید، شاعری پر مایه بود. عضدالدوله نیز غیر از شعر و ادب به علوم ریاضی خاصه هندسه و نجوم هم علاقه خاص نشان داد. شرفالدوله، پسر عضدالدوله، به هیئت و نجوم علاقه داشت.^۳ تاجالدوله پسر دیگر عضدالدوله نیز شاعر بود. عضدالدوله در شیراز کتابخانه بزرگی بنا کرد که موجب اعجاب مقدسی واقع شد. بنا به گفته مقدسی نسخه‌ای از کتابهایی که تا زمان وی در باره هر موضوعی و علمی تأثیف شده بود و در آنجا فراهم آورده بودند. کتاب‌های آنجا بر حسب موضوع طبقه‌بندی شده و در حجره‌ها و مخازن جداگانه‌ای ترتیب یافته بود و فهرست‌هایی از کتابها را هم برای تسهیل کار مراجعین تنظیم کرده بودند. از کتابخانه‌های معروف دیگر، کتابخانه صاحب بن عباد در ری بود که سلطان محمود غزنوی دستور سوزاندن کتب علم کلام آن را داد. یکی دیگر از کتابخانه‌های مهم آن وقت، کتابخانه ابوالفضل بن العمید در ری بود. حبسی پسر معزالدوله هم کتابخانه‌ای داشت که پانزده هزار کتاب جلد شده، غیر از کتاب‌های جلد نشده داشت. وزیران و رجال دستگاه آل بویه، عموماً دارای کتابخانه بوده‌اند از جمله ابو منصور وزیر ابوکالیجار و نواده عضدالدوله، که در آن

۱. عبدالحسین، زرین کوب، تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷، چاپ پنجم، ص ۴۸۲

۲. حسین، سلطان‌زاده، مدارس، معماری ایران دوره اسلامی، گردآورنده محمد یوسف کیانی، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶، ص

.۰۶

۳. علی‌اصغر فقیهی، آل بویه، صص ۵۳۱-۵۳۳

چهار هزار ورقه به خط ابن مقله (خوشنویس معروف) وجود داشت. شاپور وزیر بهاءالدوله پسر عضدادوله نیز در سال ۳۸۱ کتابخانه‌ای تأسیس کرد که نام دارالعلم بر آن نهاده شد که در سال ۴۵۰ ه. هنگام ورود طغرل سلجوقی سوخت و از میان رفت. کتابخانه بهاءالدوله پسر عضدادوله را بیست و نه جزء از قرآن مجید به خط ابن مقله، زینت می‌داد و جزء باقیمانده را، ابوالحسن علی بن هلال معروف به ابن بواب خوشنویس معروف آن عصر که خازن کتابخانه مزبور بود، چنان با مهارت نوشت که هیچکس نمی‌توانست میان آن و ۲۹ جزء دیگر تفاوت بگذارد. در شهرهای اصفهان و ساوه نیز کتابخانه‌های مهمی وجود داشته است.^۱

عضدادوله بین امرای آل بویه به سبب توجه به علماء مشهور است. گفته‌اند که او برای فقهاء، محدثین، متکلمین، شعراء، پزشکان، حسابداران و مهندسان مستمری تعیین کرد. عضدادوله بیست و چهار طبیب از بهترین اطبای نواحی و شهرها را برای طبابت و آموزش پزشکی به بغداد فراخواند تا در این بیمارستان به کار اشتغال ورزند.

در قرون اولیه اسلامی در شهر ری نیز علوم و فنون رونق و رواجی داشت، لکن این مهم را به عهد پایتختی، یعنی زمان بویهیان و سلجوقیان ظهوری بیشتر بود. شاهان آل بویه دانشمندان و عالمان را مورد بزرگداشت و تجلیل قرار می‌دادند، و تدریس فنون مختلف از طب و نجوم و حکمت و کلام و فقه رونقی یافت.^۲

از زمان رواج دین اسلام در ایران، در محدوده سه قرن اولیه، خط کوفی، خط نسخ و گاهی نیز خط پهلوی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. خط کوفی بیشتر برای کتبه‌ها و کتابت قرآنها و خط نسخ برای نوشتن مطالب دیگر و روزمره به کار می‌رفت در برخی کتبه‌ها نیز از خط پهلوی استفاده می‌شد ولی به علت دشواری فراگیری و کتابت کم کم منسخ شد.

۱. حسین، سلطانزاده، معماری ایران دوره اسلامی، ص ۵۷

۲. حسین کریمان، ری باستان، ص ۵۲۷

از قرن چهارم هجری از دو خط کوفی و نسخ، شش خط بوجود آمد که ابداع آن را به ابن مقله خوشنویس و هنرمند معروف این قرن نسبت می‌دهند. این شش خط که به "اقلام سته" معروفند عبارتند از: خط ثلث، محقق، ریحان، نسخ، توقيع و رقاع. هر یک از این خطوط جهت کتابت ویژه‌های به کار می‌رفته است و تا قرن هفتم هجری مهمترین خطوط "اقلام سته" بودند.

كتيبه در لغت به معنی نوشته و در اصل كتابه بوده که الف آن به "ياء" تبديل شده است و در اصطلاح معماري به نوشته‌ها يا نقوشی که بر سنگها و مصالح ديگري از جمله آجر، چوب، کاشی، گچ حک شده باشد اطلاق می‌شود. در تحقيق انجام شده منظور از كتيبه در واقع نوشتن بر قطعات سنگ در داخل بنها همچون محراب و گچبری‌ها و يا نقاشی روی گچ و کاشی‌های بنها می‌باشد.

"كتيبه‌ها از سمت راست نوشته شده که گويای راستی است و راست همانا، پهنۀ کار و کوشش و چپ جای دل است و "گوش" دل است که کلام خدا را می‌شنود و دل هم در تفکر اسلامی سمبل درون و تعقل است و همان دعوت و طلبیدن از بیرون به درون را تکراری نامکرر می‌کند."^۱

كتيبه‌ها غير از جنبه تزئيني و آرایش ساختمان، اهميت زيادي از نظر تاريخي و مذهبی دارند و می‌توانند مجھولات بسياري مربوط به بنای خاص و يا ویژگی‌های دوره هنري مربوط به خود را روشن سازند. در واقع خطوطی که در سطوح داخل و خارج بنها وجود دارند علاوه بر ذكر نام سفارش دهنده و هنرمند و قيد تاريخ ساخت و چگونگي ملحقات و متعلقات آن به ثبت کلمات و عبارات مقدس مذهبی چون آيه‌های قرآن، احاديث مذهبی، اسماء خداوند، نام رسول خدا و ائمه معصومین، يادآور وظایف دینی و اخلاقی و غیره است. علاوه بر اينها خطوط عربی و فارسي به علت خصوصيات

^۱. محمد مهدی هراتی، انواع خطوط و کتیبه‌های کهن، انتشارات پیام‌آزادی، تهران، ۱۳۷۵، ص. ۱۱

موافق و به سبب کیفیت حروف، جنبه تزئینی به خود می‌گیرد و در کنار تزئینات گیاهی و اتصال به آنها منظره زیبایی به وجود می‌آورد.^۱

کتیبه‌ها به علت دارا بودن عبارات قرآنی و احادیث و ادعیه و اشعار مذهبی و واژه‌های مقدس که بر نمای عمارتها و بنایها جلوه‌گر است وسیله تبلیغی نیرومندی را بوجود می‌آورند.

کتیبه نگار هنرمندی است که علاوه بر آگاهی و توانایی ارائه هنر خطاطی به نحوی هنرمندانه و زیبا، با رعایت کلیه اصول و تناسبات بتواند تار و پود کتیبه را طوری به هم آورد که از نظر نظم و زیبایی و وضوح و خوانایی به حد کمال برسد.

همانطور که در اول این بحث گفته شد در قرون اولیه کتیبه‌بنایها بیشتر با خط کوفی نوشته می‌شد. جرجی زیدان ریشه خط نسخ را از خط "تبطی" می‌داند و منشأ خط کوفی را از خط "سریانی" بر می‌شمرد. "خط کوفی در ابتدا به خط حیری معروف بود و آن را به شهر حیره از شهرهای عربی عراق نسبت می‌دهند و بعدها که مسلمانان در نزدیکی حیره شهر کوفه را ساختند شهرت خط حیری به خط کوفی تبدیل یافت..."^۲

بر طبق نوشتۀ دکتر زکی محمد حسن دانشمند مصری، عرب‌ها موفق شدند زبان خود را بر ممالک مفتوحه تحمیل کنند ولی در ایران نتوانستند زبان ایران باستان را از میان توده مردم براندازند و فقط ایرانیان لغت زبان فارسی را با حروف عربی نوشتند و طولی نکشید که همان کتابت و خط را یکی از موضوعات تزئینی قرار دارند. واقعاً نقش خطی و کتابت یکی از مهمترین موضوعات تزئینی فنون اسلامی به شمار می‌رود. صنعتگر ایرانی علاوه بر ثبت نام مالک و بانی ساختمان و تبرک آن با آیات

۱. عباس زمانی، خط کوفی تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ایران، مجله هنر و مردم، شماره ۱۳۸، وزارت فرهنگ و هنر، تهران، خرداد ۱۳۵۲، ص ۱۵.

۲. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، تهران، ۱۳۴۵، ص ۴۵۲.

قرآنی و ادعیه، خط را به عنوان یک موضوع تزئینی بکار برده است.^۱ پس خط کوفی از موضوعات مهم تزئینی معماری و آثار سایر رشته‌های هنر بوده و عناوین مختلف به خود گرفته است. در مقاله آقای دکتر عباس زمانی، شش نوع خط کوفی که در کتبه‌های بنایی نیز استفاده می‌شده به این شرح آمده است.

۱- کوفی ساده: حروف این نوع کوفی به صورت اصلی و بدون ملحقات یا تغییرات است ولی گاهی دسته حروف آن دراز یا پهن می‌شود و با اینکه خود یا زمینه‌اش مزین نیست، می‌تواند یک حاشیه جالب توجه را القاء نماید.

۲- کوفی گوشهدار (معقل): قطعات حروف این نوع کوفی به صورت تسمه‌ها و یا رشته‌های افقی و عمودی است و در آن معمولاً احنا وجود ندارد. به این نوع خط، خط مربع و مستطیل و بنائی نیز گفته می‌شود.

۳- کوفی برگدار (مورق): دسته حروف این نوع کوفی، بخصوص الف و لام، در انتهای فوقانی غالباً به یک برگچه سه لبی متنه می‌گردد.

۴- کوفی گل و برگدار (مزهر): این نوع کوفی غالباً در زمینه‌ای از گل و برگ و اسلیمی قرار داده می‌شود و یا انتهای حروف آن تبدیل به شاخه‌های باریک گیاهی می‌گردد. به این نوع، اگر با شاخه‌های گیاهی همراه باشد، می‌توان کوفی مشجر اطلاق کرد.

۵- کوفی گرهدار (معدن): دسته حروف این نوع کوفی در حین صعود بدور خود یا با هم گره می‌خورد. اگر دو یا چند دسته حروف با هم گره بخورد و این گره‌ها، که غالباً به صورت مربع القاء می‌گردد، تکرار شود می‌تواند مشبک نیز نامیده شود.

۶- کوفی پیچنده (معشق^۲): دسته‌های حروف این نوع کوفی در حین صعود،

۱. عباس زمانی، همان، ص ۲۳، به نقل از دکتر زکی محمد حسن، صنایع ایران، ترجمه محمد علی خلیلی، تهران، ۱۳۲۰، ص ۱۹۳-۱۹۲.

۲. عشقه: گیاهی است دارای برگهای درشت و ساقه‌های نازک که به درخت می‌پیچد.

مانند عشقه، بدور هم می‌پیچند و تقریباً شبیه کوفی گردهدار است. و ندرتاً بکار می‌رود. انواع این خطوط کوفی در آثار معماری اسلامی ایران با روش حجاری، گچبری، کاشیکاری، آجر کاری بکار رفته و یا در روی اشیاء هنری چون سفال، فلز، پارچه و غیره القاء گردیده است.

خوشنویسان قرون اولیه دوره اسلامی:

مطالعه آثار خوشنویسان بزرگ گذشته، بیانگر توجه و عنایت و ترغیب و تشویق حضرت پیامبر (ص) و خاندان عصمت و طهارت صلووات الله علیهم اجمعین، از کاتبان و خطاطان است.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز به ترویج خوشنویسی اهتمام داشتند و به قولی "سیصد و شانزده تن" از خوشنویسان را تعلیم فرمودند که از آن جمله: ابن عباس، خالد بن ابی هیاج و عبدالله بن ابی رافع را می‌توان نام برد.^۱

در مورد خوشنویسان قرن چهارم در کتاب اطلس خط آمده است که: در این دوره تعداد نساخان و وراقان بدانپایه بوده که نمی‌توان در اینجا حق مطلب را ادا کرد.^۲

در کتاب تجلی هنر در کتابت بسم الله، حدود سی و هشت حدیث در باب ترغیبات و راهنمایی‌های حضرت رسول اکرم در باب خوشنویسی نقل شده است.

- در مورد خوشنویسان قرن چهارم، تطور و تکامل و زیبایی راستین و استواری کامل خط، با نام ابن مقله همراه است. ابن مقله پس از قطع دست، ماهرانه به خطاطی ادامه داد و هنر خویش را به شاگردان بسیاری آموخت، از آن جمله دخترش و علی بن هلال معروف به ابن بواب را می‌توان نام برد.

نوشته‌های او برجسته و در کمال زیبایی و استواری است، بویژه کمان‌های رهای

۱. محمد مهدی هراتی، تجلی هنر در کتابت بسم الله، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، سال ۱۳۶۷، ص ۱۶ به نقل از دکتر مهدی بیانی

۲. حبیب‌الله فضائی، تحقیق در خطوط اسلامی، انتشارات مشعل، اصفهان، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۱۴۸.

(مرسل) پایان حروف مدور آن در نهایت زیبایی است. اگر پاره‌ای از یک صد قرآن موجود در مجموعه کتابخانه اردشیر بن شاپور، وزیر آل بویه، که به خط بهترین خوشنویسان بود از قلم وی باشد، جای شگفتی دارد. زمانی که ابن بواب در سال (۱۰۳۲ میلادی) وفات کرد، شریف مرتضی و بسیاری دیگر از ادباء و علماء برای او مرثیه‌ای سروند.

از خوشنویسان دیگر این دوره می‌توان عباس بن محمد بن العباس المصاحف القزوینی را نام برد.

از دیگر خوشنویسان این دوره، عثمان بن وراق می‌باشد.

از معماران و کتبه‌نگاران این دوره که نامشان از کتبه‌ها بدست آمده است به این ترتیب می‌باشد.

معمار، الحسن بن علی معمار برج لاجیم که در سال ۴۱۳ هـ ق ساخته شده است.

معمار بنای پیر علمدار که دارای کتبه کوفی ارزشمندی است، علی بن محمد بن حسین بن شاه البناء در سال ۴۱۷ هـ ق می‌باشد.

نام دو معمار و کتبه نگار که در اواخر قرن پنجم و در اوایل قرن ششم در کتبه مسجد قدمگاه علی بن موسی الرضا در فراشاه یزد و همچنین در مقبره علی بن موسی الرضا در مشهد بدست آمده است، یکی استاد مهم‌ما علی بن (جواهر له) یا (جوهولا) و دیگری عبدالله بن احمد مریه می‌باشد.^۱

در مورد محتوای کتبه‌ها و نوع خطوط آن در بخش‌های آتش همراه با توضیح بناهای مربوط ارائه خواهد شد.

۱. یوسف کبانی، معماری ایران دوره اسلامی، مقاله استاد یحیی ذکا، معماران، استادکاران دوره اسلامی، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶، ص ۴۳۹.

۱-۳-۱- بنای دوره آل بویه در فارس

۱-۱-۳- بندامیر

بند امیر واقع در ۱۵ کیلومتری جنوب تخت جمشید، در دوران سلطنت آل بویه و به فرمان عضدالدوله بنا شده است. این بند ترکیب پل و سد می‌باشد که علاوه بر ایجاد امکان آبیاری زمین‌های اطراف و به حرکت در آوردن آسیاب‌های آبی به عنوان پل هم مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

مورخان و جغرافی نویسانی مانند مقدسی و ابن بلخی، در قرن چهارم و ششم هجری، در کتاب‌های خود در باره این پل - بند مطالب با ارزشی نوشته‌اند.

پل - بندامیر دارای ۱۰۳ متر طول، ۷,۵ متر عرض و ۳۸۰ متر ارتفاع و سیزده دهانه یا چشمه است. پایه‌های پل، سنگی و دارای پیش‌آمدگی‌هایی به شکل مثلث است، مصالح ساختمانی پل، سنگ آهک و آجر و ملاط آن ساروج است و از بستهای آهنی در اتصال سنگها استفاده شده است. عده‌ای از محققان عقیده دارند که پل - بند امیر روی شالوده پل ساسانی بنا شده است.^۱ (تصویر ۱)

۱-۲-۲- مزار شاه میر علی حمزه

این مقبره که امروز در کنار خیابان دروازه قرآن شیراز قرار دارد، در گذشته خارج از محدوده شهر قرار داشته است. ساختمان اصلی بقیه را به عضدالدوله دیلمی نسبت می‌دهند، گفته‌اند که چهار تن از پادشاهان آل بویه در این بقیه مدفونند.^۲

ساختمان اصلی مقبره که به یکی از نوادگان حضرت امام موسی کاظم(ع) منسوب است در دوران مختلف و در دوره صفویه و پس از آن نیز مکرر بازسازی و تعمیر شده

۱. محمد یوسف، کیانی، تاریخ هنر معماری ایران دوره اسلامی، ص ۴۶

۲. کامبیز حاجی قاسم، یادگاری از گذشته، مزار شاه میر علی حمزه، نشریه صفحه، انتشارات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ششم، هفتم و هشتم، سال ۷۱، ص ۱۰۱.

است. (تصاویر ۲ و ۳)

۳-۱-۳- مسجد جامع نیریز

مسجد جامع نیریز یکی از مساجد اولیه اسلام است که با نقشه یک ایوانی در حدود سال ۳۶۳ هجری بنا شده است. این مسجد از نظر معماری و شیوه ساخت همانند دیگر آثار معماری صدر اسلام ایران و متأثر از معماری عهد ساسانی است. (تصویر ۴)

ایوان رفیع و بلند آن از نظر تناسبات و نوع پوشش به بناهای قبل از اسلام شباهت دارد. (تصاویر ۵ و ۶)

مسجد مذبور دارای منارهای آجری است که همزمان با مسجد ساخته شده و همچنین دارای محراب گچبری شده بسیار زیبایی است که در سال ۳۶۳ هجری به بنای مسجد افزوده شده است.^۱ (تصاویر ۷ الی ۸)

همه کتیبه‌ها در ضلع عقب ایوان جمع است یعنی در میان محراب و در اطراف آن، مهمترین آنها خطوطی است در میان محراب که در ضلع راست به نسبت تماشا کننده واقع گردیده است.

”تاریخ محراب اول فی سنہ ثلث و سنتین و ثلث مائے“

و ”دوم فی سنہ سنتین و اربعمائے“

و ”سوم فی سنہ سنتین و خمسمائے مع السقف“

و ”چهارم امرالمولی عmadالملک والدوله و ... عز نصره فی جمادی الثانیه.“

تاریخ محراب اول ۳۶۲ و تاریخ محراب دوم ۴۶۰ و تاریخ محراب سوم ۵۶۰ است و همین سال اخیر تاریخ مرمت بام مسجد است. محراب چهارم بامر مولی عmadالملک والد [وله والدین] ... در ماه جمادی الثانیه ... ساخته شده، عدد سال از میان

^۱. محمد یوسف، کیانی، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، انتشارات سمت، سال ۱۳۷۴، ص ۴۴.

رفته است زیرا که دو سطر اخیر چون مجاور با زمین بوده ضایع گشته و هنگام تعمیر در عوض خطوط نقوش هندسی جای داده‌اند.^۱

۳-۴- کتیبه عضدالدوله در تخت جمشید

در کاخ کوچک داریوش (تچر - تalar آئینه)، علاوه بر نوشته‌های میخی به نام داریوش و خشایارشاه و اردشیر سوم که نمودار مراحل مختلف ساختمانی کاخ مزبور می‌باشد، نوشته‌های متعددی هم به خطوط پهلوی و کوفی و ثلث و نسخ و نستعلیق بر سنگ‌های مستحکم کاخ نامبرده حک شده است و امتیاز مخصوصی به کاخ کوچک داریوش بخشیده است.

از جمله این کتیبه‌ها نیز نوشته‌هایی است که در دوران امرای آل بویه، در این کاخ حک شده است که بر ضلع جنوبی تخته سنگ بدنهٔ شرقی در گاهی بین ایوان و تalar دو نبشتهٔ پهلوی مربوط به زمان شاپور دوم ساسانی می‌باشد.

”در سمت چپ دو نبشتهٔ پهلوی فوق نبشتهٔ زیر در ۸ سطر کوتاه بخط کوفی نقر گردیده است:

بسم الله حضره الامير الجليل عضدالدوله فناخسر و بن الحسن سنه اربع و اربعين و
ثلمائه في منصرفه مظفر امن فتح اصبهان و اسره ابن ماكان و كسره جيش خراسان و
احضر من قرامافى هذه الاثار من الكتابه. (تصویر ۹)

از نوشتهٔ بالا بر می‌آید که امیر عضدالدوله دیلمی در سال ۳۳۴ هجری پس از پیروز گشتن در اصفهان و اسیر نمودن پسر ماکان و شکست دادن لشگر خراسان هنگام عبور از تخت جمشید در آنجا توقف نموده و شخصی را که نبشته‌های تخت جمشید را می‌خواند بدانجا احضار کرده است:

كتبيه كوفي ديگر بنام عضدالدوله بر ديوارة داخل پنجره مجاور کتبيه‌های فوق

۱. آندره گدار، آثار ایران، ص ۳۶۶.

(پنجره سمت مشرق در گاهی بین ایوان و تalar) منقور است که بشرح زیر خوانده می‌شود و بر اطلاعات حاصل از کتیبه سابق تا حدی می‌افزاید: حضره‌الامیر ابوشجاع عضددالدوله ایده‌الله فی صفر سنہ اربع و اربعین و ثلثماںہ و قری لہ ما فی هذه الاثار من الكتابه قراہ علی بن السری الكتاب الکرخی و مار سعند الموبد الکازرونی.^۱

بطوریکه ملاحظه می‌شود خواننده کتیبه‌های تخت جمشید در محضر امیر عضددالدوله شخصی بنام علی فرزند سری (کاتب کرخی) بوده و مشارالیه نزد موبد کازرونی تمرين خواندن نبسته‌های مزبور را می‌کرده است.

یک کتیبه کوفی هم بنام پسر عضددالدوله بر بدنه جانب چپ در گاهی مزبور محاذی کتیبه‌های پهلوی و نبسته عضددالدوله در ۷ سطر منقور است که سطر اول آنرا آسیب بسیار رسانیده‌اند و متن کامل آن بدین قرار می‌باشد:

بسم الله الامير الجليل افتخار الملء بهاء الدوله و ضياء الملء و غياث الامه ابونصر بن عضددالدوله و تاج الملء حرس الله امارته و ادام سلطانه هذالموضع متصيداً مع عسکر عظيماً و معه امير الامراء ابو منصورين بهاء الدوله و ضياء الملء و غياث الامه اطال الله بقاهمما في سنہ اثنین و تسعین و ثلثماںہ. (تصویر ۱۰)

از کتیبه فوق بر می‌آید که ابونصر پسر عضددالدوله باتفاق فرزند خود ابو منصور هنگام شکار با همراهی عده زیادی از لشکریانش در سال ۳۹۲ هجری به تخت جمشید آمده او قاتی را در آنجا گذرانیده‌اند.^۲

در محل دیگر دیوار پنجره سابق‌الذکر (نخستین پنجره بین ایوان و تalar - از جانب مشرق) کتیبه زیر در شش سطر بخط نسخ نقر گردیده است:

۱. سید محمد تقی مصطفوی، اقلیم پارس (آثار تاریخی و اماکن باستانی فارس، گنجینه ایران(ه)، سلسله انتشارات انجمن آثار و مقاشر فرهنگی، سال ۱۳۷۵، ص ۳۳۸.

۲. سید محمد تقی، مصطفوی، اقلیم پارس، ص ۳۴۰-۳۴۹.

حضر شاهنشاه المعظم ملک الملوك محیی دین و غیاث عبادالله و قسمیم خلیفه‌الله ابوکالیجار بن سلطان الدوله معزامیرالمؤمنین اطال الله بقاہ هذالمکان روز بهمن من ماه ابان سنه ثمان و ثلثین و اربع مائه متوجهها بالطالع الا سعد الى کرمان و کان حضره فی سنه ثمان عشره و اربع مائه و هی سنه الفتح بفاروق.

کتبیه بالا حکایت از دو بار حضور ابوکالیجار در تخت جمشید می‌نماید یکی در سال ۴۳۸ هجری که عازم کرمان بوده و کتبیه فوق را نوشته است و یکبار در بیست سال پیش از آن به سال ۴۱۸ در آنجا حضور داشته است. (تصویر ۱۱)

۳-۵-۱- مسجد جامع سیراف

این شهر سه تا چهار قرن بندر عمده پارس به شمار می‌رفته و یکی از بزرگترین مراکز تجارتی خلیج فارس بوده است سلیمان و ابوزید حسن سیرافی از این شهر برخاسته و کشتی ران و تاجر بوده‌اند. اصطخری در قرن دهم میلادی بعد از شیراز، سیراف را مهمترین شهر پارس می‌داند. پس از انقراض سلسله آل بویه شهر سیراف رو به خرابی و انحطاط گذاشت.^۱

سیراف تا سال ۳۷۷ یا ۳۶۷ هـ ق عظمت خود را حفظ کرد در این تاریخ زلزله شدیدی که مدت یک هفته ادامه یافت، به کلی ویران گردید و قسمتی از سواحل به دریا افتاد. خرابه سر در داخلی مسجد امام حسن بر ارتفاع غربی سیراف نمایان است. در سال ۱۸۵۷ از کلیه عمارت‌این شهر فقط یک مسجد باقی مانده بود ولی آنهم در شرف خرابی و انهدام است. تعداد زیادی هم سنگ قبر با کتبیه‌های کوفی پیدا شده، یکی از این سنگ‌ها که به موزه بریتانیا برده شده تاریخ آنرا اوآخر قرن دهم میلادی تعیین کرده‌اند. از مسجد واقع در منتهی‌الیه غربی بندر طاهری که به مسجد امام حسن

۱. احمد اقتداری، آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی شماره ۶۵، چاپ روابت، ۱۳۷۵، ص ۲۳۱.

معروف است فقط یک سردر باقی مانده که با سنگ‌تراشی و گچ‌بری و آجر کاری طریفی ساخته شده بود. و آنچه از آن باقی مانده معرف ذوق و هنر سنگ‌کاری و گچ‌بری و آجر کاری آن است.^۱

۲-۳- معماری آل بویه در اصفهان و یزد و کرمان

در دوره دیالمه، اصفهان، به پایتختی یکی از مردان نامدار آن سلسله، حسن رکن‌الدوله برگزیده شد و او در بسط و توسعه شهر اصفهان کوشش بسیار به خرج داد. به دستور او بارویی به دور شهر ساختند که محیط آن ۲۱ هزار گام بوده است. حسن قبل از مرگ عضدالدوله را ولیعهد و وارث ملک خویش معرفی کرد و حکومت اصفهان را به ابومنصور مؤیدالدوله واگذار کرد. وزیر معروف او صاحبین عباد می‌باشد که مردی کریم و فاضل بود و در ری و اصفهان ادبی و فضلا در گرد او جمع می‌شدند. بناهای یزد مربوط به دوره علاءالدوله و گرشاسب بن علی بن فرامرز بن علاءالدوله از دودمان کاکوئیان (آل بویه) می‌باشد که در ادامه بحث به آنها پرداخته می‌شود. در شهر کرمان که مدتی ابوالفوارس شیردل یا شرف‌الدوله تا سال ۴۱۹ و پس از او ابوکالیجار تا سال ۴۴۰ حکومت می‌کردند، بنای قابل توجهی باقی نمانده است. یکی از علل این امر دور بودن کرمان از مرکز قدرت یعنی بغداد و شیراز می‌باشد و علت دیگر زلزله‌های کرمان است که بیشتر بناهای باستانی این شهر را ویران کرده است.

۳-۱- مسجد جامع اصفهان

کاوش‌هایی که عمدها از نوامبر سال ۱۹۷۱ و ژوئن ۱۹۷۳ انجام گرفت، متجه به شناسایی اقدامات دوران حکومت آل بویه شد. در کاوش‌های بعدی که در نوامبر ۱۹۷۳

۱. احمد اقتداری، آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، ص ۳۴۷

و سال بعد از آن انجام شد، دو ستون دیگر از ستون‌های شیوه آل بویه شناسایی شد. قسمت اعظم این ستونها سالم بوده و ظاهراً تا قسمت سر ستون (ارتفاع ۴۵،۵) قابل تشخیص هستند؛ بخشی از این دو ستون در داخل دیوار جدیدی که بعداً ساخته شده قرار گرفته و با تغییرات بعدی پنهان شده بودند. پس از بررسی‌های دقیق محل "پروفسور شراتر" توانست وجود ستون‌های دیگری را به اشکال ترکیبی شبداری مانند مورد شناسایی قرار دهد. این ستونها نیز از نوع "شیوه آل بویه" بوده و در قسمت خارجی دیوار خشتی محیطی قرار گرفته است.^۱

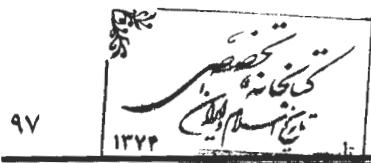
چنان بنظر می‌رسد که توسعه چهار قسمت پوشیده را که از صحن جدا شده باید به دوره آل بویه نسبت داد. ستون‌های مدور معظم ردیف بیرونی قبلی در نتیجه این تغییرات مبدل به ردیف دوم شده است. علاوه بر غنای معماری مسجد و ستون‌های سه برگی و چهاربرگی مسجد، بعلاوه یک ستون مرکب چند برگی در مسجد مجلسی، جنبه ابتکاری و با روح بودن معماری دوران آل بویه و بیش از همه در تدبیری که برای گوشة حیاط مسجد اندیشیده‌اند، به حد اعلى می‌رساند.^۲ (تصاویر ۱۲ الی ۱۹)

۳-۲-۲-مسجد جورجیر اصفهان

مسجد جورجیر اصفهان نام بنایی است که در قرن چهارم به دستور صاحب بن عباد وزیر مؤیدالدوله و فخرالدوله دیلمی کنار گذر بازار رنگرزها، در بازار قدیم اصفهان ساخته شده است. در منابع و کتب مربوط به دوره صفویه از خرابه‌های آن یاد می‌شود و به دستور حکیم داود، پزشک دربار شاه عباس دوم مسجد حکیم فعلی بر روی این خرابه‌ها ساخته و سر در قدیمی در شمال بنای جدید همچنان حفاظت

۱. اوژن گالدیری، مسجد جامع اصفهان، ترجمه عبدالله جبل عاملی مرکز میراث فرهنگی اصفهان، ۱۳۷۰، ص ۱۵-۱۴.

۲. اوژن گالدیری، مسجد جمعه اصفهان در دوره آل بویه، ترجمه حسینعلی سلطان‌زاده پسیان، انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، ص ۱۹.



می‌گردد و یکی از پنج ورودی آن محسوب می‌شود.^(تصویر ۲۰) سر در مسجد جورجیر که با آجر ساخته شده است دارای تزئینات آجری می‌باشد و در بعضی قسمتها از ترکیب گچ با آجر جهت تکمیل نقوش و از بین بردن خطوط اضافی و به نمایش گذاشتن نقوش اصلی استفاده شده است.^(تصویر ۲۰) فرم قرارگیری جرزها در کنار هم با سطوح عقب رفته و پیش آمده، موجب ایجاد تنوع، و سایه روشن زیبایی در سطح بدن شده است. در بالای در، نیم گنبدی با قطر دهانه ۲,۷۰ متر و ارتفاع نزدیک به هفت متر با دو فیلپوش در دو طرف، پنجره‌ای را در میان گرفته‌اند. یازده شکنج دورادور قوس اصلی، آذین‌هایی را که یادآور شعاع‌های نوری است، بوجود آورده است.

۳-۲-۳- نقوش سر در مسجد جامع جورجیر

- ۱- نقوش خطی، که به وسیله آجر با روکش گچ اجرا شده و بعضی از آنها نقوش هفت شاخه می‌باشند که شبیه شمعدان‌های هفت شاخه می‌باشند.
- ۲- کتیبه‌های خط کوفی بالای شکل‌های هفت شاخه (در داخل فرورفتگی دیوارها) تکرار شده است. در این کتیبه‌ها از پایین به بالا عباراتی خوانده می‌شود بجز خطوط بالایی که خوانا نیست.
- ۳- طرح‌های گل و برگ و لاله مانند. در بالای هر کتیبه کوچک دو شاخه گل در کادرهای مستطیل عمودی با طرحی خلاصه و خشن با خطوطی محدود نقش بسته که تشکیل گل‌های سه پر را می‌دهند.
- ۴- در فیلپوش‌های طاق سر در به نقوشی شبیه به شمعدان‌های سه شاخه مقرنس‌های نائین بر می‌خوریم.^۲

۱. شهلا افشار نادری، سر در مسجد جورجیر اصفهان، مجموعه مقالات گنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ارگ به، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، سال ۱۳۷۴، جلد پنجم، ص ۲۰۷.

۲. برای توضیحات بیشتر ر.ک: شهلا افشار نادری، سر در مسجد جورجیر، ص ۲۱۶.

۵- نقوش پرنده و درخت: در پایین جرز بیرونی، پهلوی چپ سر در یک جفت پرنده در دو ردیف بالای یکدیگر وزیر یک درخت به چشم می‌خورند.

۶- غنچه‌ها با اجرای برجسته

در بالای خطوطی شکسته، چهار شاخه که هر کدام از آنها متصل به یک غنچه با اجرای محدب است، وجود دارد. همین نقش در منارة مسجد جامع نائین روی محور مایل و هر جفت شکل مانند جفت اشکدان‌های متکی به هم دیده می‌شود.^۱

۷- بالها یا تزئینات گیاهی

پیشینهٔ تاریخی این نقوش اگر به فرم بال تلقی شود به دوره ساسانی و حتی قبل از آن بر می‌گردد که طرحی نمادین از بال شاهین و حمایت یزدان آسمانی است.

کتیبهٔ کوفی بزرگ سر در، از سه قسمت تشکیل شده است که دو قسمت به ابعاد ۴۳×۱۱۶ سانتی‌متر در دیوارهای دو طرف درب، هنوز باقیست. قسمت وسط کتیبهٔ (بالای در) امروزه دیگر وجود ندارد و جای خالی آن به ابعاد ۲۷۰×۶۰ سانتی‌متر در بالای کادر کلیل بچشم می‌آید متن باقیمانده کتیبه بدین ترتیب خوانده می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحيم ... بالقسط لاله الا هو الله

بنابراین قسمت کمبود، شهد الله الا هو الملیک و اولو العلم قائمًا می‌باشد، که معلوم نیست در چه زمانی و چگونه از بین رفته. کامل آیه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم شهد الله انه لا الله الا هو والملک و اولو العلم قائمًا
بالقسط لا الله الا الله لا هو العزيز الحكيم.^۲

این کتیبه به خط کوفی، مربوط به بعد از قرن پنجم هـ ق نگاشته شده است. نمونه دیگر این خط را در کتیبه‌ای از مسجد جامع شوش می‌توان یافت. چند اصلی سر درب از نوع شپدرا کند است. شکنجها (دالبرهای) دورادور این

۱. شهلا افشار نادری، سر در مسجد جورجیر، ص ۲۲۰.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۸.

چند نمای آنرا بسیار زیبا و دلپذیر کرده. تعداد شکنجها یا زده تا و همگی نیم‌دایره و مرکز آنها لبۀ چند می‌باشد، بجز دالبر میانی که روی تیزه قرار گرفته و مرکزش کمی بالاتر از همه قرار دارد.

شکی نیست که شکنجها در نگاه اول بیننده را با خود به دوران ساسانی برده و او را در برابر کاخ تیسفون مدان بن زمین نشانیده و پس از آن طاقچه کاخ بیشاپور را برایش تداعی می‌کند.

در حال حاضر، به عنوان کهن‌ترین نمونه از قوس شبدی کند با تزئین شکنج در داخل کشور طاق‌های مسجد جامع فهرج می‌باشد.^۱

۴-۲-۳- پل شهرستان

قدیمی‌ترین پل‌های زاینده رود، پل شهرستان است که در بلوک جی و حدود چهار کیلومتری مشرق شهر اصفهان قرار دارد، از دو جاده‌ای که در شمال و جنوب بستر زاینده رود از مغرب به مشرق کشیده می‌شود می‌توان از پل شاهی (پل خواجو) به این پل رسید، پل شهرستان بر روی صخره طبیعی بستر رودخانه بنا شده و ارتفاع آن از کف رودخانه جلب توجه می‌کند، عرض پل در هیچ نقطه به پنج متر نمی‌رسد و فقط کاروانها از روی آن عبور می‌کنند، امروز آنرا منحصراً پل شهرستان می‌نامند ولی در روزگاران قدیم جسر حسین و پل جی هم نامیده می‌شد. از نویسنده‌گان قدیم مفضل بن سعدبن حسین ما فروختی اصفهانی در کتاب خود بنام محسان اصفهان از این پل بنام جسر حسین یاد کرده است. و قصوري را که نزدیک این پل بنا شده بود مانند قصر خصیب و قصر مغیره و قصر یحیی ستوده است.

بعقیده برخی از مورخین و باستانشناسان پل شهرستان دارای اساس و بنیاد ساسانی است، در دوره دیلمیان و سلجوقیان تنها پل مهم زاینده رود در داخل شهر اصفهان بوده

۱. شهلا افشار نادری، سر در مسجد جورجیر، صص ۲۲۶-۲۲۷

است.^۱

۳-۲-۵- مسجد جامع نایین

مسجد جامع نایین از بناهای صدر اسلام و دوره آل بویه می‌باشد. این مسجد مانند تاریخانه دامغان و مسجد جامع نیریز دارای طاق‌های هلالی بوده است که در دوره‌های بعدی به طاق‌های بلند جناغی تبدیل شده‌اند. (تصاویر ۲۱ الی ۲۴)

تزئینات مسجد، نیز یادآور نقوش دوره ساسانی است. کتیبه زیبای خط کوفی آن نیز از نوع خطوط قرن چهارم هجری است. (تصاویر ۲۵ الی ۳۳)

مسجد جامع نایین دارای منبر نفیس و درب زیبای منبت‌کاری است که منبر دارای کتیبه‌ای با تاریخ ۷۱۱ هجری و به خط نسخ است. (تصاویر ۳۴ الی ۳۷)

در مرآه البلاط چنین آمده است: "گویند مسجد جامع نایین را خلیفة اموی عمر بن عبدالعزیز ساخته است، چند خشت که اسمی خلفا در آن ثبت شده موجود است." ولی با توجه با خصوصیات معماری مسجد و نظر برخی از محققان به نظر می‌رسد که مسجد جامع در اواخر قرن سوم یا در قرن چهارم هجری ساخته شده است.^۲

مهم‌ترین فضای مسجد شبستان‌هایی است که به صورت عمیق در سه طرف و با عمق کم (معادل یک دهانه) در طرف چهارم صحن قرار گرفته‌اند. عمیق‌ترین و بزرگ‌ترین شبستان در جهت قبله واقع شده که تقریباً در وسط آن محراب قرار گرفته است. این محراب در امتداد محور تقارن مسجد قرار دارد. در جبهه رو به روی جبهه قبله، صفحه‌ای به عمق یک دهانه وجود دارد که کف آن در حدود ۱،۵ متر بالاتر از کف صحن است. جبهه قبله و سمت رو به روی آن هر کدام پنج دهانه در مجاورت صحن

۱. لطف‌الله هزرف، معماری ایران، بقلم ۳۳ پژوهشگر ایرانی، گردآورنده آسیه جوادی، چاپ خوش، سال ۱۳۶۳، ص ۴۸۴-۴۸۳.

۲. محمد یوسف، کیانی، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، ص ۴۳.

۳. حسین سلطان‌زاده، نایین شهر هزاره‌های تاریخی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۱۶۴، به نقل از مرآه البلاط (ج ۴، ص ۲۰۳۹)

دارند. و دهانه وسط آنها از دیگر دهانه‌ها بزرگتر و با ارتفاع بیشتری است. دو جبهه دیگر مسجد هر کدام دارای چهار دهانه طاق می‌باشند که همه آنها دارای اهمیت یکسانی می‌باشند. این مسجد فاقد ایوان و گنبد خانه است و منار چند ضلعی مسجد در کنار ورودی مسجد می‌باشد. این مسجد قبله دارای ۶ ورودی بوده و سه ورودی مهم‌تر در جبهه جنوبی‌غربی می‌باشد.

یک شبستان زمستانی در زیر صحن و بخشی از شبستان در طبقه همکف قرار دارد. ویژگی‌های مسجد نشان می‌دهد که طرح نخستین آن متعلق به اواخر قرن سوم یا قرن چهارم هجری است. بر اساس شواهد موجود آشکار است که بخش‌هایی از بنا در طول تاریخ اضافه و دگرگون شده است.^۱

سطح نماهای داخلی مسجد با آجر پوشیده شده است. سطح بیرونی جرزهای واقع در بدنه حیاط با نقش‌هایی نسبتاً ساده اما زیبا تزئین شده است.(تصویر ۲۴) سقف برخی از طاقها بويژه طاق‌های شبستان دارای آجرکاری زیبا و متنوع می‌باشد.

بر روی چند ستون واقع در شبستان قبله و نیز محراب نوعی گچبری وجود دارد که آن را شبیه به گچبری‌های ساسانی دانسته‌اند. در محراب سه طاق‌نما وجود دارد که یکی بالای دیگری است و هر یک از دو طاق نمای بالاتر بر روی دو ستون نما قرار دارد و دارای ترتیبات گچی با نقوش گیاهی و هندسی است.(تصاویر ۴۰ الی ۴۴)

۳-۲-۶- کتیبه‌های مسجد جامع نائین^۲

در مسجد جامع نائین دو نوع کتیبه وجود دارد که یکی از آن گچبری است و دومی با رنگ روی گچ ترسیم شده است. کتیبه‌هایی که با رنگ ترسیم شده است متعلق

۱. حسین سلطان‌زاده، نایین شهر هزاره‌های تاریخی، ص ۱۷۰.

۲. عبدالله، قوچانی، بررسی کتیبه‌های تاریخی مجموعه نظر و مسجد جامع نائین، مجله اثر، شماره ۲۶ و ۲۷، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، سال ۱۳۷۵، ص ۱۳۸.

به قرن پنجم هجری و به خط کوفی است و کلاً بر روی سر در ورودی مسجد از داخل می‌باشد. این کتیبه‌ها در حال پاک شدن است و امید است که به زودی بازسازی شود. در قسمت سمت چپ ورودی (داخل مسجد) جمله "الجبروت لله" دیده می‌شود (تصویر ۲۷) و در بالای سر در (تصویر ۲۶) جمله "لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ" محمد رسول الله صلی الله علیه و علیه السلام نوشته شده است. در بالای این جملات کتیبه‌ای دیده می‌شود که احتمال دارد قسمتی از آیة ۴ سوره الفتح باشد و اگر چنین است پس شروع کتیبه باید چند متر از سمت راست شروع شود که ابتدای سوره الفتح است، نشان دهنده آنچه باقیمانده است از این کتیبه و نشان دهنده قسمتها بی از همه کتیبه کلمه به کلمه است، متن آیه مذکور که شبیه به نوشته‌های این کتیبه است چنین می‌باشد:

... السموات والارض و كان الله علیما حکیما (تصاویر ۲۵ و ۲۶)

کتیبه‌های دیگر مسجد که گچبری است و در اطراف بالای محراب قرار دارد به قرن چهارم هجری تعلق دارد. در گذشته گچبری‌های این مسجد با گچبری‌های موجود در سامره مقایسه شده است. و به آن تاریخ حدود ۳۵۰ ه.ق. داده شده، ولی اکنون نوع خط کوفی آن و انتهای حروف الف و لام آن با خط کوفی موجود در مسجد نظرن (۳۸۹ ه.ق.) مقایسه می‌کنیم و بخصوص کلمه "الله" موجود در مسجد جامع نائین و کلمه "الله" موجود در کتیبه مسجد نظرن و بخصوص فاصله و تزیین میان دو لام کلمه (الله) می‌توان گفت که گچبری‌های مسجد جامع نائین همزمان با مسجد جامع نظرن است یعنی حدود ۳۸۹ ه.ق. است.

کتیبه‌های گچبری شده مسجد عمدتاً قرآنی است بجز در قسمت بالای محراب قسمتی از کتیبه در پشت منبر قرار گرفته است. متن این نوشته‌ها چنین است:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى الْأَطْيَبِينَ الطَّاهِرِينَ الْآخِيَارِ

در سه قسمت دیگر آیة ۱۸ سوره التوبه "انما يعمـر مساجـد الله ... " و آیة ۱۳۷

سوره البقره "فَسِيْكَفِيكُهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ" گچبری شده است.

۷-۲-۳- تزئینات مسجد جامع نایین

تزئینات برگ مو: ساده‌ترین مثال‌های برگ مو در پوشش گچبری شده ستونها یافت می‌شوند که کاملاً سالم مانده و حالت منحصر به فردی در هنر قرون نخست دوره اسلامی دارند. (تصویر ۳۸)

تزئینات مدور دارای تزئینات گیاهی - برگ‌های دارای گل‌های پنج پره و قرص حاشیه‌دار مرکز و تزئینات برگچه‌ای می‌باشد. (تصویر ۳۹)

تزئینات برگ اقنتيون برگ اقنتيون از عناصر رایج در تزئینات مورد استفاده در گچبری‌های نایین بوده است. با مقایسه برگ‌های مشابه در سامرا، برگ اقنتيون نایین توجه انسان را به لحاظ‌های متفاوت جلب می‌کند و ناشی از تقسیمات دارای شکاف‌های ژرفی است که این نقوش واجد آن هستند.^۱

۸-۲-۳- مسجد محمدیه نایین

در محمدیه نایین نزدیک یزد و شرق اصفهان، دو مسجد کوچک منسوب به قرن‌های چهارم و پنجم هـ ق وجود دارد. این مساجد نوع دیگری از نقشه مساجد را به ما معرفی می‌کنند که از ترکیب جدید عناصر معماری ایرانی یعنی چهار طاقی و ایوان به وجود آمده‌اند.

در مسجد نیریز یک ایوان با طاق گهواره‌ای را شاهد بودیم، ولی در محمدیه با استفاده از عناصر قبلی، نقشهٔ جدیدی ترکیب یافته است.

۱- قسمت شرقی: در این قسمت تالار مستطیل با سقف گهواره‌ای قرار دارد که کاملاً رو به مسیر عمومی باز می‌شود و همچون ایوانی، نقش جلوخان و ورودی را در

۱. اس فلاری، مسجد نایین، ترجمه کلودکرباسی، مجله اثر شماره ۲۲ و ۲۳، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، سال ۱۳۸۵، ص ۱۵۱-۱۶۷

کل بنا بازی می‌کند.

۲- قسمت مرکزی: تالار مریع گنبداری است که در نقشه، با چهار پیش آمدگی جرزها خود را مشخص می‌کند. این قسمت در سمت جبهه جنوبی (سمت قبله) بسته شده و محراب را در دل خود جای داده است. شرق و غرب این تالار به ایوان‌های طرفین و شمال آن به حیاط یا صحن مسجد راه باز می‌کند. ورودی شمالی مسجد نیز در جلوی این قسمت قرار دارد.^۱

۳-۲-۹- کتبه‌های محمدیه نایین

مسجد محمدیه نایین دارای کتبه‌های مختلف است. کل کتبه‌های این مسجد با رنگ روی گچ و با خط کوفی ترسیم شده است در قسمت ساقه گنبد کوچک آن آیه ۱۸ سوره التوبه "انما يعمر مساجد الله ... " ترسیم شده است و در چهار قسمت مسجد نام عشره مبشره به اضافه جمله "بسم الله الرحمن الرحيم" ترسیم شده است که قسمتی از آن از بین رفته است.

در کتبه‌ها جملات زیر دیده می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحيم خير الناس بعد رسول الله

[أبو بكر الصديق ثم عمر بن الخطاب ثم عثمان بن عفان ثم علي بن أبي طالب ثم
طلحه بن عبيدة الله ثم الزبير بن العوام ثم سعد بن أبي وقاص ثم سعيد بن زيد ثم عبد الرحمن

...

نوشته شده است در ضمن نام کامل عبدالرحمن بن عوف و نام ابو عبیده بن الجراح به علت نبودن جای کافی در بالا نوشته نشده است و احتمال دارد بقیه نامها در قسمت بالای محراب آمده است که آن قسمت دارای نوشته‌های زیادی می‌باشد ولی به علت اینکه به مرور زمان رنگ آن در حال پاک شدن است چیزی از آن مشخص نیست.

^۱. حسين زمرشیدی، مسجد در معماری ایران، انتشارات کیهان، چاپ اول، زمستان ۷۴، ص ۱۵۳.

در قسمت رو بروی محراب تاریخ ساخت مسجد و یا ترسیم کتیبه‌ها با رنگ نوشته شده است که در حال پاک شدن است و امیدوار است که بزودی جهت بازسازی و تثبیت این کتیبه و کتیبه‌های بالای محراب مسجد اقدام شود.

تاریخ این کتیبه سال ۴۶۹ هـ ق است که قبل از تاریخ مذکور جملاتی نوشته شده است

نوشته‌های تاریخ به شکل زیر خوانده می‌شود:

سنه تسع و ستين و اربعمائه ۴۶۹ هـ ق.

البته به علت پاک شدن رنگ کتیبه و عدم مشخص بودن دقیق نوشه‌های آن احتمال دارد که طرح مذکور صد درصد مطابق با اصل نباشد.^۱

۱۰-۲-۳- مسجد جامع نظر

در ورای باغستان‌های سرسبز مرکز شهر نظر، مناره‌ای سر به فلک کشیده، و گنبدی هرمی شکل در کنار آن توجه هر تازه واردی را به خود جلب می‌کند این مناره بخشی از مجموعه بسیار نفیس مسجد جمعه و دیگری آرامگاه عالم ربانی شیخ نورالدین عبدالصمد اصفهانی نظری است، که بخش‌هایی از آن از دستبرد مصون نمانده و در نتیجه زینت بخش موزه‌های کشورهای بیگانه گردیده است.

مسجد دارای سه ورودی است یکی جنوبی و دو شمالی که ورودی‌های شمالی هم سطح حیاط بوده ولی ورودی جنوبی دلان نسبتاً وسیعی است به طول ۱۶۸۲ متر که با دوازده پله وسیع به سطح کوچه جنوبی می‌رسد و این اختلاف سطح موجب گردیده که بخش جنوبی مسجد در گودی قرار گیرد.

در کتیبه سر در جنوبی مسجد با حروف مینایی فیروزه رنگ بر متنی زرد و روشن و مات (به طریقه متداول در عهد مغول) جملات زیر خوانده می‌شود:

۱. عبدالله قوچانی، بررسی کتیبه‌های تاریخی...، ص ۱۴۰-۱۳۸.

بسم الله الرحمن الرحيم، امر بعمارات المسجد في المسجد المولى المعظم و الصاحب الاعظم دستور ممالك العالم الممهد قواعد الخير و الكرم خواجه زين الدنيا و الدين خليفه بن حسين الماستري بمساعدة الصدر المعظم شمس الدين محمد بن علي النطري في سنته اربع و سبعماه.

در این کتیبه علاوه بر نام بانی و ساعی و تاریخ ساخت جمله "امر بعمارات المسجد في المسجد" خود روشنگر مراتب زیر است:

بنای مسجد در این مکان ابتدا به ساکن نبوده و بانی این زمین را به علت وجود جای کافی بدین امر اختصاص نداده است زیرا مجموعه مسجد کنونی به پیرامون مسجدی دیگر بنا گردیده است. گرچه وجود تنگناها و گند آجری عهد دیلمی خود مبین این امر است ولی ترتیب کار چنان داده شده که تمامی این بناها در ظاهر مجموعه واحدی را نشان می‌دهند.^۱

در دیوار جنوبی ایوان محرابی نمایان است که در طرفین این محراب دو ورودی شبستان بزرگ قراردارد که فقط ورودی سمت راست مستقیماً به شبستان می‌پیوندد. لچکی ورودیها را حاشیه گل و بوته، گچبری و کلمات محمد به خط کوفی به رنگ قهقهه‌ای که به صورت نقشی در آمده، فرا گرفته است.

در بالای محراب نقوش گل و بوته و در زیر آنکه لچکی‌های محراب است تکرار کلمه علی به خط کوفی و به دیوار محراب جمله انا مدینه العلم و علی باها به رنگ قهقهه‌ای در زمینه سفید گچبری شده است.

در تعمیرات اساسی مسجد به ویژه ایوان جنوبی که در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ انجام گرفت با لایه‌برداری نمونه‌ای از پوشش گچی ایوان وجود پنج لایه پوشش گچ مشخص گردید. (تصاویر ۴۱ و ۴۲)

۱. سیدحسین، اعظم واقفی، میراث فرهنگی نظری، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۵۶.

۱۱-۲-۳- گنبد دوره دilmی

همانگونه که اشاره شد در انتهای ایوان جنوبی دو ورودی تعییه شده که ایوان را به شبستان پشت آن متصل می‌کند. از ظواهر امر چنین استنباط می‌گردد که این شبستان هشت ضلعی که گنبدی آجری بر آن استوار گردیده جزیی از مجموعه احداثی دوره ایلخانان مغول است. حال آنکه حقیقت امر چنین نبوده، و با توجه به چگونگی موقعیت مکانی شبستان این موضوع کاملاً آشکار می‌گردد. زیرا شبستان بر محور ایوان‌های جنوبی و شمالی صحن واقع گردیده و فقط ورودی سمت راست شبستان (از ایوان جنوبی) در امتداد محور شبستان قرار گرفته است. با رجوع به موضوع کاملاً روشن می‌گردد. گرچه در مجموعه ناصری نسخه خطی و سفرنامه نظام‌الملک از محراب کاشی و کتیبه‌های گچبری این شبستان یاد شده ولی اکنون جز منبری شش پله که با سنگ و سایر مصالح ساختمانی بنا شده و روی آن را پوششی از گچ فراگرفته، اثری از تزئینات یاد شده در داخل شبستان به چشم نمی‌خورد زیرا محراب کاشی آن در اواخر دوره قاجاریه به سرقت رفته است.^۱

از نظر گدار انحراف محور شبستان امری تفتی نبوده و در اثر ضرورت و برای رفع اشکال صورت گرفته است.^۲ شاید کاوش‌های بعدی که منجر به کشف حقیقت گردید با توجه به این نظریه بوده است. در سال‌های اخیر مسئولین امور باستان‌شناسی در صدد تعمیر شبستان بر می‌آیند به هنگام تخریب گچکاری‌های شکاف برداشته بدنه شبستان با کتیبه‌ای آجری به خط کوفی در قسمت پای طاق ضلع شرقی مواجه می‌گردند که با وجود از بین رفتن بخش بزرگی از کتیبه باز جمله "تسع و ثمانین و ثلثمائه" در آن تشخیص داده می‌شود.^۳ این کتیبه با ارزش خود روشنگر

۱. سیدحسین، اعظم واقفی، میراث فرهنگی نظر، ص ۷۴.

۲. آندره گدار، آثار ایران، جلد اول، ص ۳۸.

۳. کتیبه مذکور در ۱۳۵۲، ۱۲، ۱۴ کشف گردید.

مجھولاتی چند به شرح زیر می‌باشد. (تصاویر ۴۳ و ۴۴)

- ۱- این شبستان در اواخر قرن چهارم هجری^۱ بر همان محوری که امروزه مشاهده می‌گردد، بنا شده است.
- ۲- این گنبد که در سال ۳۸۹ هجری بنا شده است و قدیمی‌ترین گنبد تاریخ دار منطقه به شمار می‌آید.^۲
- ۳- بخش‌های مختلف مسجد در اوایل قرن هشتم یعنی تقریباً ۳۱۵ سال بعد در این محل بنا نهاده می‌شود. متنهای در عمل نقشه کار را چنان پیاده می‌نمایند که شبستان قدیمی نیز جزو این مجموعه شده و با آن هماهنگی نسبی پیدا می‌کند متنهای با توجه به شرایط زمانی و مکانی محل، مسجد را بر محور جداگانه‌ای بنا می‌نمایند.
- ۴- سقف گنبدی این شبستان آجری یک پوشه مدور به محیط ۲۶ متر می‌باشد که بر ساقه هشت ترک آن که به ارتفاع ۲ متر است، استوار گردیده.

متن کتیبه مسجد جامع نظر

قسمت اعظم کتیبه داخل مسجد که شامل ۱۸ سوره آل عمران می‌باشد (شهد الله انه لا اله الا الله و الملائكة ...) ریخته و از بین رفته است. چند جمله مبهم نیز وجود دارد و در انتها باقیمانده سوره اخلاص به شرح زیر است: [ب] کن له کفوأ أحد.

۱۲-۲-۳- بقعة دوازده امام یزد

نژدیک به حسینیه محله فهادان یزد گنبد منفردی که قدیمی‌ترین بنای موجود در یزد و متعلق به سال ۴۲۹ هجری می‌باشد. (تصویر ۴۵ الی ۴۷) این بنا از لحاظ سبک و تکنیک ساختمانی و نقش و نگار و کتیبه کوفی رنگی، دارای اهمیت ویژه در تاریخ معماری اسلامی می‌باشد. کتیبه رنگی موجود بر دیوار گچی دیوار شرقی نشان می‌دهد

۱. در زمان ابو جعفر علاء‌الدوله کاکوبیه حاکم اصفهان که دایی مجدد‌الدوله دیلمی بوده است.

۲. سید حسین، اعظم واقعی، میراث فرهنگی نظر، ص ۶۸

که این بنا به دستور دو برادر به نام‌های ابویعقوب و ابومسعود بر پا شد. مشخص نیست که تغییر نام بنا به دوازده امام مربوط به چه دوره‌ای می‌باشد. بر اساس کتبه موجود در آن توسط ابومسعود بهشتی و ابویعقوب اسحق فرزند نیال که از سرهنگان دستگاه حکومت علاءالدوله بوده‌اند، ساخته شده است. (تصاویر ۴۸ الی ۵۱)

آثاری که داخل گنبد دیده می‌شود عبارت است از :

۱- کتبه کوفی ترثیتی از رنگ، بالای سر در گاه نمای غربی که در حاشیه‌ای از نقوش گل و بوته قرار دارد. متن کتبه بدین قرار است: (تصاویر ۵۵ الی ۶۰)

”ما امر بینا هذا القبه المباركه ... ابوالنجم و الاسفهسالار الجليل... ابویعقوب بدر و اسحق ابنایال مولينا [امیرالمؤمنین] منین ابتغاء مرضاه الله و ثوابه. فی شهر رمضان سنہ تسع و عشرين و اربع مائه“.^۱

۲- قسمتی از بدنه دیوار محراب کاشی معرق و علی‌الظاهر از الحالات قرن هشتم هجری است و سنگ قبر فخرالدین اسفنجردی به اندازه ۹۲×۶۰ که در محراب نصب است و عبارات سنگ قبر به خط ثلث و نسخ و کوفی بدین صورت است. (تصاویر ۵۲ الی ۵۴)

حاشیه اول: آیه الكرسى (سوره بقره آیه: ۲۵۵)

حاشیه دوم: دوازده امام است.

پیشانی به خط کوفی: کل نفس ذائقه الموت

هلال محراب نما: صلوات الله عليهم اجمعين.

متن: هذا مرقد الشیخ الربانی ولی الله الوالی بايز الوقت فخرالمله و الدين ... الا سفنجردی قدس الله روحه توفی فی عشرين محرم سنہ و سبع و عشرين و سبعمائه.“
دور محراب از کاشی معرق گل و بوته‌دار پوشیده شده است.

۱. ایرج، افشار، یادگارهای بزد، انتشار انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و خانه کتاب بزد، جلد دوم، تهران، ۱۳۷۴، ص ۳۱۴

- ۳- کتیبه کوفی از رنگ بر بالای سر در ورودی (شمالی) که سوره بقره آیه: ۱۶۳ است. **وَالْحَكْمُ لِلَّهِ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ**. قسمتی از آن ریخته است.
- ۴- کتیبه کوفی از رنگ بر درگاه نمای شرقی سوره الغافر(المؤمن) آیه: ۶۵ بوده و بعد از **إِلَّا هُوَ** از آن ریخته است.

۱۳-۲- مسجد جامع عتیق یزد

بنای مسجد که در داخل حصار قدیم یزد قرار داشت، توسط گرشاسب بن علی بن فرامرز بن علاءالدوله کالیجار از دودمان کاکوئیان (آل بویه) بنا شد. این شخص در سال ۵۰۴ ه به حکومت یزد رسید و در سال ۵۲۷ ه.ق. وفات کرد.^۱

جعفری در تاریخ یزد چنین گفته است که: **”مسجد جمیع قدیم از استحداث کرشاسب بن علی بن فرامرز علاءالدوله و در مسجد سنت متصل آن و کتابخانه و جماعت خانه و غرفه های نیکو دارد.“**

پس از بنای اصلی مسجد قدیم، ساختمان دیگری در همان قرن در محوطه مسجد بوجود آمده و آن جماعت خانه‌ای است که دختران فرامرزین علی کاکوئی بنا کردند. از قسمت‌های دیگری که در تاریخ یزد ذکر شده است، دو غرفه یکی امیر شمس الدین قاضی و دیگری امیر بلغدر ساخته شده است.^۲ (تصاویر ۶۱ الی ۶۴)

۱۴-۲- گنبد علی

در بالای تپه‌ای مشرف به شهر قدیم ابرقو بنایی تاریخی موسوم به گنبد علی قرارداد که قدیمی‌ترین و سالم‌ترین بنای آن ناحیه محسوب می‌شود زیرا در ساخت آن دقیت کافی شده و از لحاظ تکنیک ساختمانی در دوره خود اثری ارزشمند است. (تصویر ۶۵)

۱. ایرج فشار، یادگارهای یزد، ص ۱۱۱.

۲. ایرج فشار، یادگارهای یزد، ص ۷۴.

این بنا آرامگاهی هشت گوش است که گنبد مدوری دارد و تمام بنا از سنگ ساخته شده است. در گذشته روی گنبد را با آجر، روکش نازکی کرده بودند، در خارج از گنبد بالای درگاه و زیر طاقچه‌های فوقانی (قرنیز)، از طرف خارج، دو کتیبه نواری شکل به خط کوفی دیده می‌شود. حروف این کتیبه‌ها از آجر تراشیده شده‌اند، سپس نظیر بنای گنبد قابوس به کمک ملاط ساروج آنرا اندود نموده و شکل داده‌اند. داخل بنا محرابی وجود دارد که از گچ ساخته شده است و آثار قبرها از میان رفته است. در آنجا که طاق گنبد شروع می‌شود و تزئینات برجسته‌ای به شکل طاقی‌های کوچک و در هر طرف دو طاقک نمایان است. کتیبه‌ای که در زیر قرنیز خارجی بنا قرار گرفته نام یکی از کسانی که در آنجا دفن شده‌اند و نام سازنده و تاریخ احداث بنا را به دست می‌دهد. کتیبه خارج گنبد حاکی از نام یکی از صاحبان مقبره است و نام سازنده و تاریخ بنا هم در این کتیبه ثبت است.^۱ (تصویر ۶۶)

”بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذِهِ التَّرْبَةُ لِلأَمِيرِ الْأَجْلِ السَّعِيدِ الْمَاضِيِّ عَمِيدِ الدِّينِ، ”شَمْسُ الدُّولَةِ أَبِي عَلَى هَزارِ سَبِّ بْنِ سَيفِ الدُّولَةِ [بْنِ] الْحَسَنِ نَصَرِبْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْفَيْرُوزَانِ [نُورِ] اللَّهِ قَبْرُهُمَا وَغَفْرَلَهُمَا مَا أَمْرَبَنَاهُ أَبْنَهُ الْفَيْرُوزَانُ فِي سَنَةِ ثَمَانِ وَارْبِيعِينَ وَارْبِيعَ، مَائَهُ حَسْبَنَا اللَّهُ“.

کتیبه دیگر مربوط به شخصی است که بعد در این برج دفن گشته (تصاویر ۶۷ و ۶۸) ”وَبِوالِدَتِهِ السَّيِّدِ الْجَلِيلِ ... رَحْمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِمَا“.

بنابراین بانی گنبد علی فیروزان است که آنرا برای مزار پدر و مادر خود ساخته است، در عبارات کتیبه‌ها ابهامی بنظر می‌رسد که تعجب‌آور است. از یک طرف چون در کتیبه بزرگ فقط نام عمیدالدین شمس‌الدوله برده شده است شخص می‌پندارد که برج منحصراً برای او ساخته شده است و کتیبه دوم را بعداً هنگام

۱. آندره گدار، یدا گدار، ... آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، انتشارات آستان قدس، ص ۲۲۲.

وفات سیده بر آن افزوهداند ولی کتیبه مدور بدون ذکر اسم شخص ثانی اشاره بوجود دو قبر می‌کند. ”تورالله قبرهما“.

اسم سیده را نتوانستیم در کتیبه بخوانیم، اما عمیدالدین شمسالدوله ظاهراً نوء نصر بن حسن بن فیروزان دیلمی صاحب اشکور بوده است که در تاریخ نواحی شمال ایران در قرن چهارم هجری شهرتی بسزا دارد. ابن نصر که از خاندانی معروف و از دودمان حكام ولایات شمال بشمار می‌رفت مردی جاهطلب بود که با چند تن از پادشاهان دیلمی قرابت داشت و در خدمت آنها بسر می‌برد و بهمه آنها همچنین به محمود غزنوی و قابوس بن وشمگیر خیانت ورزید و عاقبت در زیر زنجیر قابوس در قلعه استوناوند وفات یافت. البته از احوال اععقاب او چیزی معلوم نیست ولی می‌توان حدس زد که هنگام تسلط قابوس بر گیلان از اشکور گریخته به پناه خویشاوندان دیلمی خود، یعنی خاندان کاکویه رفته‌اند دودمان کاکویه از سال ۳۹۸ تا ۴۴۳ (۱۰۰۷-۱۰۵۱) بر همدان و اصفهان حکمرانی کرده‌اند. در تاریخی که عمیدالدین شمسالدوله در ابرقو وفات کرد ظهیرالدین ابومنصور فرامرز دومین سلطان کاکویه که از سال ۴۳۸ تابع طغول بیک سلجوقی شده بود از حکومت اصفهان خلع و در عوض در سنه ۴۴۳ به حکمرانی یزد و ابرقو نصب گردیده بود.^۱

وجود بقعه‌ای به سبک بقاع شمالی ایران در یکی از ولایات مرکزی امری عجیب بنظر می‌آید ولی از آنجا که بانی بقوعه عمیدالدین شمسالدوله و دودمان او از دیلمیان بوده است این تعجب بر طرف می‌شود.

۳-۲-۱۵- قدمگاه علی بن موسی الرضا(ع) فراشا

قدمگاه از آثار نفیس تاریخی یزد، مجموعه بنایی است بر کنار جاده تفت به ده شیر و در مرکز فراشا قرار دارد.(تصویر ۶۹)

^۱. آندره گدار، آثار ایران، ص ۲۲۵-۲۲۶

مردم آن را قدمگاه حضرت ثامن‌الائمه می‌دانند. بنابر کتیبه‌ای که در محراب آن نصب است، بنا در سال ۵۱۲ به امر گرشاسب بن علی (۴۸۸-۵۱۳) ه از امرای کاکویه دیلمی بر پا شده است و در آن دوره به مسجد مشهد علی بن موسی‌الرضا شهرت داشته است.

اصل بنا چهار ضلعی و هر ضلع در قسمت داخل، هشت متر می‌باشد. در ارتفاع قریب به سه متر بنا به هشت ضلعی بدل شده و بر سر آن گنبد آجری قرار گرفته است. بنا دارای کتیبه تاریخ‌دار و یادگارهایی است که معرفی می‌شوند.^۱

۱- در پیرامون زیر گنبد سوره الفتح، به خط کوفی گل دار تزئینی به عرض شصت سانتی‌متر در گچ کنده و کتیبه کرده‌اند. بر روی حروف رنگ سیاه و قهوه‌ای کشیده‌اند. بالای بسم الله الرحمن الرحيم عبارتی بوده است که فعلاً "امر بعمارة هذ..." آن باقی است و مابقی را شکسته‌اند. احتمالاً رنگ‌های کتیبه گچ‌کاری از آثار تصرفاتی است که در عصر مغول انجام شده است. (تصویر ۷۰)

۲- کتیبه خط کوفی، بالای سر محراب به علت سائیدگی قابل خواندن نیست. در بدنه داخلی تزئینات رنگی دیگر هم بوده که روی آن با گچ پوشیده شده است. (تصویر ۷۱)

۳- در داخل محراب یک قطعه سنگ مرمر به اندازه ۱۱۶×۶۰ سانتی‌متر نصب است که بسیار هنرمندانه و ظریف تراشیده شده است. بر روی قاب چوبی آن کتیبه‌ای به خط کوفی قرار داشته که به علت خوردن موریانه قابل خواندن نیست و چوب محکم و به رنگ قهوه‌ای تند است.

سنگ محراب دارای دو ردیف حاشیه است. (تصویر ۷۲)
حاشیه اول (سوره الشوری آیه: ۲۳)

۱. ابرج افشار، یادگارهای بزد، ص ۳۸۳

حاشیه دوم (بسم الله الرحمن الرحيم) با نام دوازده امام

متن - خط اول: سورة احزاب آیه: ۳۳

خط دوم: لا إله إلا الله محمد رسول الله(ص) و در زیر آن علی ولی الله(ع) به خط
جدیدتر احداث شده است.

خط سوم: بسم الله الرحمن الرحيم، قد افلح المؤمنون...

خط چهارم به بعد: بسم الله الرحمن الرحيم قد افلح المؤمنون...

امر بعمارة هذا المسجد المعروف بمشهد على بن موسى الرضي عليهما السلام
العبد المذنب الفقير الى رحمة الله تعالى گرشاراسب بن على فرامرز ابن علاء الدولة
تقبل الله منه في شهور سنه اثنى عشره و خمس مائه. عمل عبدالله بن احمد مریه (؟)
و استعملها على بن جواهر له (۸)...“.

(دو یا سه کلمه شکسته است). - انتهای حروف کتیبه‌های کوفی محراب به
صورت لبه برگشته است.

۴- یادگارهایی با مرکب سیاه بر گچ اصلی دیوار توسط اشخاص مختلف در
سال‌های ۵۷۹ هـ و ۶۹۶ هـ نوشته شده که در زیر گچ پوشیده شده است و
بخش‌هایی از آن در جایی که گچ‌ها پوسته شده‌اند نمایان است.

۳-۳- آثار معماری آل بویه در ری، طبرستان، همدان

همانطور که در انتهای فصل دوم از قول آرتور پوپ گفته شد: شهر ری یکی از
پایتخت‌های فرهنگ جهان بود و در کتابخانه صاحب عباد بیشتر از تمام کتابخانه‌های
اروپا کتاب وجود داشت و اقبال مردم ری به ترویج و تعمیم فرهنگ بیشتر از مردم
دیگر بلاد بود. کتابخانه معروف دیگر مربوط به ابوالفضل بن العمید بود و پسر معزالدوله
نیز کتابخانه عظیمی داشت. مدارس و خانقاوهای دیگری که ذکر آنها در این

بخش می‌آید در ری وجود داشته که اکثر آنها به دستور طغرل سلجوقی ویران می‌شود. بنای مهم شهر ری به شرح زیر می‌باشد.

۳-۱- قلعه طبرک ری

یکی از اماکن مهم ری که در قرون اولیه اسلامی محور وقایع ری بوده و ذکر و شهرتی فراوان داشته قلعه طبرک است. در مورد وجہ تسمیه طبرک در حبیب السیر آمده: "کاف طبرک کاف تصغیر است، و معنی طبر به لغت عبری کوه" و سید ظهیرالدین مرعشی در تاریخ طبرستان گفته است که به زبان طبری، طبرکوه را گویند. در مراه البلدان نیز طبرک را به معنی کوه کوچک معنی کرده است.^۱

نشانی‌هایی که از محل قلعه طبرک در منابع مختلف ثبت شده، روشن می‌کند که این قلعه بر فراز کوه نقاره خانه در شمال تقی‌آباد کنونی، در فاصله‌ای نزدیک به دو کیلومتر در جنوب غربی بی‌شهریانو، در پای کوه بزرگ ری، واقع بوده است. این قلعه در سال ۵۸۸ به امر طغرل سوم خراب و با خاک یکسان شد و دیگر اثری از آن به جای نماند.

"از بام قلعه طبرک، که در کنار جامع مهدی قرار داشته بام تمام خانه‌های ری دیده می‌شده و قلعه بر همه بامها اشرف داشته است."^۲

همانطور که ذکر شد شهر ری یکی از پایتخت‌های آل بویه بوده است. و شاهان در جایی از شهر که هم از نظر دفاعی و هم آب و هوا مناسب‌تر بود، قصر و دارالامارة خود را احداث می‌کردند. دارالامارة فخرالدوله پسر رکن‌الدوله نیز با توجه به این ویژگی‌ها، در محل دز رشکان در شمال ری واقع بوده است. در فرهنگ آندراج چنین ذکر شده: "فخرالدوله دیلمی بر گرد کوه ری حصاری کشیده، در آن عمارت و قصور

۱. حسین، کریمان، ری باستان، انتشارات دانشگاه ملی ایران، چاپ دوم، ۱۳۵۴، ص ۴۸۱.

۲. حسین، کریمان، ری باستان، ص ۴۹۳.

مینو قرار داده آنرا فخرآباد نام نهاده ...” مراد از این کوه همان کوه رشکان (میان کارخانه گلیسیرین و کارخانه سیمان) و محله فخرآباد ظاهراً تا خانه صاحب بن عباد (در شمالغربی ابن بابویه) امتداد می‌یافته است.

”از بنای معروف، قصر سیدآباد مربوط به سیده شیرین به زن فخرالدوله و مادر مجلدالدوله می‌باشد که در سال ۳۹۴ ه در ری بنا کرده بود. احتمالاً این بنا در محله فخرآباد بوده است.“^۱

آخر رستم: در راه الصدور راوندی ذکر شده است که: ”سلطان مسعود بن محمدبن ملکشاه از رابط برفت و به در ری به آخر رستم فرود آمد.“^۲
سرای صاحب بن عباد: صاحب بن عباد در شهر ری در محله فخرآباد سرایی مجلل و با شکوه داشت که در سال ۶۱۳ ه سال تأثیف تاریخ طبرستان توسط ابن اسفندیار به صورت تلی عظیم باقی مانده بود.^۳

خانه علی کامه: علی کامه دیلم از سرداران صحنه سیاست به زمان آل بویه در ری و مازندران بوده است. در تاریخ گزیده چنین ذکر شده است: ”طغرل ری دارالملک ساخت. در ری بسرای علی کامه دیلم نزول کرد. آنجا نهان خانه‌ای یافت، بسیاری خواسته از او بپرون آورد...“^۴

در مورد مقابر امرای دیلمی در ری نیز در کتب تاریخی موارد مختلفی ذکر شده است. ابودلف مقدسی در احسن التقاسیم، از گنبدهایی که دیالمه بر روی مزار خود در ری ساخته بودند. یاد کرده است.^۵ این گنبدها در دامن کوه ری واقع بوده‌اند. آندره گدار، کوهسار نقاره خانه را در گورستان ری و عهد دیلمیان و سلجوقیان می‌دانسته

۱. حسین، کریمان، ری باستان، ص ۳۵۴.

۲. حسین کریمان، ری باستان، (به تقلیل از راه الصدور، ص ۲۳۵ س ۲)، ص ۳۵۴.

۳. حسین، کریمان، ری باستان، ص ۶۱.

۴. حسین، کریمان، ری باستان، ص ۴۳۷.

۵. حسین، کریمان، ری باستان، ص ۲۱۰.

است.^۱ (تصاویر ۷۳ الی ۷۷)

آقای مصطفوی در مقاله‌ای چنین گفته‌اند: یکی از سنن دیرین ایرانیان پیش از اسلام، یعنی دفن اموات در کوهستان در اوایل دوره اسلامی باقی و معمول مانده بود. به این جهت کوهسارهای کوچکی که بطور مجزا در جنوب طبرک یعنی کوه مشرف به تپه آباد و دنباله کوه طبرک که به کوه بی بی شهربانو معروف است، تماماً محل قبرستان‌های شهری در عهد آل بویه و سلجوقی بوده است. همچنین در مجاورت کارخانه سیمان، چهار بنای مکعب شکل سنگی و ساده است. طول و عرض و ارتفاع هر یک از این چهار بنا حدود چهار متر است و وسط آنها مانند تنور یا چاه حفره‌ای خالی وجود دارد.^۲ (تصاویر ۷۸ الی ۸۱)

در کتاب ایران تأثیف دونالد ولبر چنین ذکر شده است: "... حدود پنجاه قطعه پارچه ابریشمی نفیس در حفريات ری بدست آمده است که جمله با صور حیوان و انسان و ترئینات دیگر مزین است...".^۳

در تاریخ عمومی هنرهای مصور از این پارچه‌ها بدین طریق ذکر شده است: "زیهایی که چند سال قبل در ری در داخل قبور پیدا شد و متعلق به عهد دیالمه بود، نقوش انسان را نشان می‌دهد که بال دارد و روی عقابهای سوار است و به آسمان می‌رود."^۴

آقای مصطفوی در مورد حفاری‌های نقاره خانه چنین نوشت‌اند: "در محل نقاره خانه و تپه‌گبری ضمن حفاری‌های غیر علمی آن زمان استخوان اموات و قطعات پارچه‌های ذیقیمت عهد دیلمیان را یافته‌اند... در حدود سال ۱۳۰۰ حفاران تجاری ری به قبرهایی بر می‌خوردند که اجساد مردگان را با کفنهای روبرو و روپوشها و تابوت مخصوص

۱. گزارش‌های باستان‌شناسی، جلد سوم، مقاله بی شهربانو، ص ۳۵.

۲. حسین کریمان، ری باستان، ص ۲۲.

۳. حسین، کریمان، ری باستان، ص ۳۸.

۴. حسین، کریمان، ری باستان، ص ۲۶۴.

در آنها گذارده بودند... قبرهای بهتر و معتبرتر در بالای دامنه کوه واقع بود و مردگانی که در قسمت پایین کوه بخاک سپرده بودند مقام کمتری داشتند و بر روی قبرشان اطاق‌های کوچک که غالباً مزین به گچبری بود ساخته بودند. ... در ۵۰ متری قبرها، قبری هویدا می‌گردد که در آن علاوه بر مقداری پارچه‌های کفن و روپوش و لباس و غیره فرشی از نوع گلیم هم بوده است. فرش مذکور دارای زمینه سیاه و سفید و حاشیه قرمز با کتیبه‌های کوفی بوده است. ضمناً علاوه بر مقبره اصلی، دهليزها و سردادهایی در آن ایجاد کرده اجساد دیگری در آن نهاده بودند. پارچه‌هایی که در برمردگان بود یا لباس مخصوص اموات بود، یا به صورت شهداء لباس اصلی را بر تن داشتند. بر روی قطعات پارچه‌ها کلمات العفو و الرحمه به خط کوفی خوانده می‌شد. در عهد دیلمیان جسد را با کفن و روپوش و تابوت و در برخی موارد بدون تابوت در قبرهایی که در سنگ کوه تراشید بودند نهاده. جهت قبرها هم بر طبق آیین اسلام بوده است.^۱

و در مقاله دیگری چنین آمده است: "... بقایای ساختمان‌های سنگی معظم کوهسار امین‌آباد که در ۲۵ سال قبل براثر کشف پارچه‌های ذیقیمت قرون اولیه اسلام معلوم شد مدفن سلاطین آل بویه است، و پارچه‌های مزبور در نتیجه بی‌خبری و بی‌اطلاعی خودمان و بیداری عتیقه شناسان خارجی با کمال سهولت از ایران بدر رفت و شهرت و سر و صدای زیادی راه انداخت از همین مقابر است که آیین اسلام توأم با سنن ایرانیان قدیم در آنها نمودار می‌باشد".^۲

۳-۲-۳- آرامگاه حضرت عبدالعظیم و امامزاده حمزه

حضرت عبدالعظیم فرزند عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب است و ظاهراً به فرمان حضرت امام علی النقی(ع) در دوره خلافت المعزت بالله

۱. حسین کریمان، همان، ص ۳۷۷.

۲. همان، ۳۷۷، به نقل از اطلاعات ماهانه شماره ۴۸، سال ۱۳۳۰.

از سامره از راه طبرستان به ری هجرت کردند. ایشان در سال ۲۵۰ چند سال پیش از شهادت حضرت امام علی النقی(ع) روی در نقاب خاک کشیدند.^۱ (تصاویر ۸۲ الی ۸۵) بقعه حضرت عبدالعظیم در اعصار مختلف مورد بنا و مرمت و تعمیر نیکو کاران قرار می‌گرفته است.

نسب جلیله حضرت امامزاده حمزه به امام موسی بن جعفر(ع) متنه می‌شود. مرحوم حاج شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان از قول فخرالمحققین آقا جمال الدین در مزار چنین نقل کرده است: "... در بعضی اخبار مذکور آمده است که امامزاده عبدالعظیم در اوقات توقف در ری از منزل پنهان بیرون می‌آمد، و قبری که در مقابل قبر اوست و راه در میان است زیارت می‌کرد، وی فرمود که این قبر مردی از اولاد موسی بن جعفر(ع) است و الحال قبری در آنجاست که به امامزاده حمزه فرزند امام موسی(ع) منسوب است، و ظاهراً آنستکه همان قبری باشد که امامزاده عبدالعظیم زیارت آن می‌نمود."^۲

۳-۳-۳- امامزاده طاهر

مرقد امامزاده طاهر و امامزاده مطهر نیز در جوار حضرت عبدالعظیم واقع است و مطهر فرزند طاهر است. شیخ ابونصر بخاری در کتاب سرالانسان نقل نموده که این بزرگوار از کسانی است که در شهر ری وارد شد او را پسری مطهر نام بود و نسب را به حضرت علی بن حسین می‌رساند.

۳-۴- بقعه امامزاده عبدالله

مرقد مشهور موجود را باید از آن ابوعبدالله حسین بن عبدالله بن عباس متوفی به سال ۳۱۹ ه دانست. از بنای قدیمی آن چیزی مشخص نمی‌باشد. بنای فعلی به

۱. حاج شیخ عباس، قمی، کلیات مفاتیح الجنان، ص ۵۶۷

۲. حسین کریمان، ری باستان، ص ۳۸۵

تشخیص نگارنده کتاب ری باستان از آثار دوره صفوی می‌باشد.

۳-۳-۵- بقعه بی بی شهربانو

در شمال امین‌آباد بر فراز صخره‌ای کوهستانی، بنایی با گنبد مینایی واقع است. این بنا را مردم محل آرامگاه بی بی شهر بانو دختر یزد گرد سوم و زوجه حضرت امام حسین(ع) و مادر امام چهارم می‌دانند. در کتاب قابوسنامه و در عيون الاخبارالرضا به نقل از ابن بابویه و ابن خلکان در احوال حضرت سجاد(ع) و تاریخ حبیب السیر و در روضه الصفا و در تاریخ جهان آرا ثبت شده که علی زین العابدین(ع) از شاه زنان بنت شهریار عجم (دختر کسری یزدجرد) بوده است.^۱ مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار، جلد یازدهم آورده است که مادر حضرت زین العابدین(ع) دختر یزدگرد بوده است.

در این باب که مدفن بی بی شهربانو، متعلق به مادر امام سجاد(ع) باشد، سندي در دست نیست. چنانکه شیخ صدوق که خود در ری می‌زیسته و عيون اخبارالرضا را برای صاحب عباد که او نیز در این شهر مقیم بوده فراهم آورده است تصريح کرده که این بانو هنگام زدن امام در گذشته است.

در جنه‌النعمیم وسفینه‌البحار نیز اقوالی ثبت شده است که شاید بتوان گفت: این محل دخمه‌ای از بزرگان زرتشتی بوده است، و برای آنکه مسلمانان آن‌جا را خراب نکنند، آنرا بعروض ایرانی خاندان نبوت نسبت داده‌اند و به بنای آن نیز در افزودند. (تصاویر ۸۶ الی ۸۸)

بخش گنبد خانه اصلی آن به دوره آل بویه نسبت داده می‌شود و احتمالاً این بخش روی بنای ساسانی ساخته شده است. این قسمت در گوشة جنوب‌شرقي مجموعه قرار دارد و مشتمل بر بنای چهارگوش منظم و استوار سنگی با پوشش ضربی سنگ و آجر می‌باشد، از عهد آل بویه و قسمت حرم و اطاق طویل جنوبی آن از دوران ساسانی و

دیوارهای خارجی صحن همزمان با بنای سنگی، عهد آل بویه و عصر سلجوقیان می‌باشد و در قرون بعدی بوسیله احداث رواق و دیوارها و اطاقهای مختلف، بقعه را به صورت کنونی در آورده است.^۱ (تصویر ۸۹)

۶-۳-۳- بقعة ابن بابویه

ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی و ملقب به صدوق است. کتاب من لایحضره الفقيه، یکی از کتب چهارگانه ارکان بناء معارف شیعه است. ”بنای مربوط به بقعة ابن بابویه از آثار عهد فتحعلی شاه قاجار به نظر می‌رسد و هیچ اثر و نوشته قدیمی در آن دیده نمی‌شود...“^۲

مقبره محمد بن حسن شیباني و هشام بن عبدالله راضی: که در قرن دوم هجری فوت کرده‌اند، احتمالاً در دوره آل بویه بقوعه و بنایی داشته‌اند.

۷-۳-۳- مقبره مرداویج زیاری

از بزرگان و رجال سیاسی، ظاهرآ نخستین امیر بزرگ که در ری به خاک سپرده شد مرداویج زیاری بوده است که در سال ۳۲۳ ه در اصفهان در حمام به قتل رسید و تابوتش را برای دفن به ری حمل کردند و او را در مشرق ری، حدود امین‌آباد فعلی و جنوب آن به خاک سپرdenد.^۳

صاحب احسن التقاسیم در وصف قباب عالیه ملوک دیلم در ری، اشاره‌ای به گنبد مرداویج و رکن‌الدوله دارد. سال تأییف احسن التقاسیم ۳۷۵ ه است و تا این تاریخ از شاهان دیلم ظاهرآ تنها مرداویج و رکن‌الدوله در ری مدفون شده بودند.^۴

در باب مقابر آل بویه در مجلل التواریخ بدین شرح آمده است.

۱. کبیری، محمد علی، بقعة بی بی شهریار، تحقیق درس آشنایی با بنایی پیش از اسلام، راهنمای دکتر علی اصغر میرفتح و مهندس میترا آزاد، مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی، سال تحصیلی ۱۳۷۹، ص ۸۶

۲. حسین، کریمان، ری باستان، ص ۲۱۰

۳. حسین، کریمان، ری باستان، ص ۲۱

عمادالدوله در شیراز بمرد و آنجا مدفون است.

رکنالدوله، بعضی گویند به ری مدفون است و بعضی گویند به کومنان.

حافظ ابرو در مجلل التواریخ و بسیاری از مورخان محل فوت و مقبره وی را در ری می دانند.^۱ مقبره رکنالدوله در زمان تألیف مجلل التواریخ (۵۲۰ ه) نیز در ری مجهول است.

معزالدوله در بغداد بمرد و آنجا مدفونست.

عزالدوله در جنگ کشته شد و موضع دفن معلوم نیست.

عضوالدوله در بغداد فوت کرد، بعضی گویند به عراق دفن گردید و در نجف مدفونست.

مؤیدالدوله بر گرگان فرمان یافت.

فخرالدوله به ری وفات یافت و همانجا مدفون است.

مجدالدوله شاهنشاه به ری به گنبد شاهنشاه نهان است.

شمسالدوله به ظاهر در همدان مرد و همانجا مدفون است.

سلطانالدوله به شیراز مرد و در آنجا مدفون است.

همانطور که به مقاله آقای مصطفوی اشاره شد از نظر ایشان: بنای نقاره خانه و ویرانهای برج در بالای تپه گبری مشرف به امینآباد، همان محلی است که در حدود سال ۱۳۰۰ شمسی پارچه‌های عهد دیلمی با نقش ساسانی و خطوط کوفی بدست آمده و معلوم گردید که این برجها مقابر شاهان آخر سلسله دیلمی بوده است.^۲

۳-۳-۸- گنبد فخرالدوله

بنا به گفته صاحب مجلل التواریخ، ری به زمان منوچهر در فاصله میان ری برین

۱. حسین، کریمان، ری باستان، ص ۴۴۸

۲. حسین، کریمان، ری باستان، ص ۴۵۰

و محمدیه یعنی در مشرق باروی شرقی نقشة کرپرتر، و مغرب تقی آباد واقع بوده است و بنا بر قول ابن اسفندیار، گنبد فخرالدوله در شمال این محل قرار داشته است. به گفته نظام الملک در سیاست نامه، استودانی که توانگر زرتشتی بر فراز کوه طبرک پی افگند بر بالای گنبد فخرالدوله نهاده و بدان مشرف بوده است.^۱

در نقشة ترسیمی کرپرتر، در این محل برجی به رمز (F) نشان داده شده و خود وی در شرح آن نوشته: "برجی است که از سنگ ساخته‌اند، و به گرد آن کتیبه‌ای است به خط کوفی".^۲

در مجمل التواریخ آمده است که "فخرالدوله به ری وفات یافت و همانجا مدفون است، مجددالدوله شاهنشاه به ری به گنبد شاهنشاه است".^۳ و روشن می‌سازد که مجددالدوله را نیز پس از مرگ در همین گنبد به خاک سپرده‌اند.

از برج سنگی با کتیبه‌ای به خط کوفی که کرپرتر در نقشة خود به آن اشاره کرده است. دو فرانسوی به نام فلاندن و کست نیز از روی آن تصویری کشیده‌اند و ذکر کرده‌اند که تمامی برج از سنگ بوده است.

دیولافوآ نیز در سفرنامه خود چنین گفت: "پس از تماشای دخمهٔ کبرها به برج دیگری رفتیم که دارای کتیبه‌ای به خط کوفی بود".^۴ اگر نسبت این برج سنگی را به فخرالدوله قطعی ندانیم، تردیدی نیست که گنبد فخرالدوله در همان حدود بنا شده بود.

۳-۹- برج نقاره خانه

برج کوچکی که در بالای کوه نقاره خانه مشهود است، در جنوب‌شرقی محل گنبد

۱. حسین، کریمان، ری باستان، ص ۴۵۲

۲. حسین، کریمان، ری باستان، ص ۴۵۳

۳. حسین، کریمان، ری باستان، ص ۴۵۳

۴. حسین کریمان، همان، ص ۱۳۶

فخرالدوله واقع است. آقای مصطفوی در تعریف این برج چنین نوشت‌اند: برج کوچکی در محل نقاره خانه بالای دامنه کوه قرار دارد که از سنگ و گچ و آجر ساخته شده، تصور می‌رود مربوط به عهد سلجوقيان باشد و مانع نیست که بینديشيم که قبری از عهد ديلميان در کوه بوده است. تزئيناتی از کاشیهای معروف به طلایی در حاشیه بالای این برج وجود داشت که سی و چند سال پيش کنده شده است.“

۱۰-۳-۳- محراب مکشوفه مسجد ری

این محراب توسط هیئت حفاری موزه متروپولیتن در حفاریهای ری از یک مسجد کشف و به موزه ملی انتقال داده شد. محراب یک لوح مستطیل شکل به ابعاد ۸۹×۷۰ سانتی متر است و قسمت‌هایی از آن گچبری بر جسته و قسمت‌هایی نیز گچبری عمقی دارد. محراب دارای یک طاق‌نما با قوس تیزه‌دار است که بر روی دو ستون نما با سرستونهایی که از سه برگ تشکیل شده قرار گرفته است. محراب دارای یک قاب آژده کاری شده و دو حاشیه کتیبه‌دار می‌باشد. بر بالای محراب یک پیشانی بلند با نقوش گچبری بر جسته یک طرح که تکرار گردیده به چشم می‌خورد. (تصاویر ۹۰ الی ۹۱)

۱۱-۳-۳- کتیبه‌های محراب

این کتیبه‌ها که به روش بر جسته با عمق کم (کم بر جسته) گچبری شده‌اند، به تفکیک عبارتند از:

حاشیه ۱) با خط کوفی بر زمینه نقوش گل و برگ اسلامی نوشته شده و کتیبه‌ها با نقوش ترکیب نشده‌اند. متن کتیبه آیه ۵۶ و ... از سوره احزاب است.

حاشیه ۲) ابتدا و انتهای حروف کوفی کتیبه به برگچه‌های سه لبی ختم می‌شود در این حاشیه سوره توحید و هم چنین آیه ۱۸ از سوره آل عمران تا "بالقسط" نوشته شده است. بر سینه طاق‌نما لا اله الا الله نوشته شده است.

بر حاشیه قوس طاق‌نما "قل الہکم الہ واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم" نوشته

شده است. در موزه ایران باستان نیز قطعات زیادی از مسجد و مدرسه در قرن چهارم و پنجم موجود است که در تصاویر ۹۶ الی ۹۲ آمده است. و قابل مقایسه با ترینیات کتیبه‌ای مسجد سرمهج کرمانشاه می‌باشند. (تصاویر ۹۷ الی ۹۸)

۱۲-۳-۳- برج رسگت

برج رسگت در شرق زیر آب در قریه رسگت واقع است.

این برج هم بنائی آجری و مدور و دارای سقف مخروط است، قطر داخلیش ۴،۵۷ متر است. طاقچه بلندی دارد که از دو جانب مقرنس آجری مزین بنقوش گچبری بر آن تعییه کرده‌اند، در زیر آن کتیبه زیبایی بخط کوفی گچبری شده که دو ثلث از میان رفته است، حروف کشیده سفید و متن آن برنگ کشیده است این عبارت را می‌توان خواند: "بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله أحد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً أحد"

"بسم الله الرحمن الرحيم كل نفس ذاته الموت..."

در بالای در کتیبه گچی دیگری هست که همچنین که بسیار آسیب دیده و مرکب از چهار سطر است، سه سطر اول و نصف سطر چهارم کوفی گلدار است شبیه به خط کتیبه بالا، نصف اخیر سطر چهارم خط پهلوی است. (تصویر ۹۹ و ۱۰۰) متن کوفی را با خط عمودی دو بخش کرده‌اند یکی عبارات قرآنی و دیگر مطالب تاریخی، خط عمود دیگری قسمت پهلوی را از کوفی جدا می‌کند.

قسمت اول از متن کوفی را می‌توان چنین نقل کرد.

"لا إله إلا الله مخلصاً محمداً رسول الله صادقاً".

چنانکه ملاحظه می‌شود شهادتین اسلامی است "لا إله إلا الله محمد رسول الله" در میان عبارت لفظ مخلصاً را وارد کرده‌اند و در آخر آن کلمه صادقاً را جای داده‌اند، این دو کلمه در کتیبه‌ها معمول نبوده ولی در محاوره عادی ایرانیان رایج است و وقتی بکار

برده می‌شود که بخواهند تصدیقی را مؤکد نمایند، یکی از آنها از خلوص قلب و دیگری از صدق قول حکایت می‌کند، پس عبارت کتیبه چنین شروع می‌شود: "لَا إِلَهَ إِلَّا
اللهُ مُحَلِّصاً مُحَمَّداً رَسُولَ اللهِ صَادِقاً"!^۱

قسمت تاریخی کتیبه چنین شروع می‌شود: **هَذِهِ الْبَقْعَةُ ...** بعد از این دو کلمه عبارت واضح نیست بعضی معتقدند که عبارت چنین است:

"**هَذِهِ الْبَقْعَةُ لِهِرْمَزِ دِيَارٍ ...**" اما نمی‌توان باور کرد که نام صاحب بقعه را بدون القاب ذکر کرده باشند، غیر از این هم اشکالات دیگر هست. اما تاریخ کتیبه ظاهراً در پایان عبارت کوفی حروف آخر کلمه مانه را می‌شود تمیز داد و جز آن چیزی بر جای نیست، حال اگر لفظ مقدم را شوال بدانیم فاصله میان شوال و حروف آخر مانه بقدرتی کم می‌شود که طبعاً باید آنرا اربعمائه دانست زیرا که عدد دیگر جا نمی‌گیرد، قراین فنی حکایت می‌کند که ثلثمائه یاخسمائه هم نتواند بود، بنابراین ممکن است اربعمائه باشد.

چون این بنای قریه رسگت از لحاظ معماری با برج‌های رادکان غربی و لاچیم هم عصر است و در همان ناحیه و جزء همان دسته ابنيه قرار گرفته است و از جمله همان ساختمان‌های اسلامی است که دارای کتیبه پهلوی هستند پس محققاً مثل دو برج مذکور قبر یکی از ملوک باوندی باید باشد که از قابوس بن وشمگیر گریخته و در فاصله ۳۹۷ و ۴۶۶ هجری در کوهستان بسر می‌بردهاند.

۳-۳-۱۳- برج لاچیم

برج لاچیم در سواد کوه و شرق جاده فیروزکوه به قائم شهر (علی‌آباد) قرار دارد. از زیر آب به لاچیم که در شمال شرقی آن است برای پیاده تقریباً شش ساعت راه است. محلی است بسیار جذاب و به نظر می‌رسد که باید مرتبأ صعود کرد. از گردنهای مرتفع

۱. آندره گدار، آثار ایران، ص ۲۸۳

می‌گذریم و کمی بعد ناگهان در زیرپای خود، در اقیانوسی از سبزی و خرمی با نوعی شبیه جزیره روی رو می‌شویم لخت و صعب‌العبور که از سه طرف بر سه آبراهه مشرف است. بر قله این محل برجی زیبا و تنها، در کنار دسته‌ای از درختان به پاسداری ایستاده است.

برج که احتمالاً مدفن یک شورشی یا امیر است عمارتی است مدور که از داخل سقفی گنبدی و از خارج بامی به شکل مخروط دارد، یعنی بگونه معماری بسیار رایج که در نقاط شمالی ایران مدت‌های مديدة معمول بوده است. برج با آجرهای تراشیده ساخته شده که محیط آن در پایه ۲۶۸۰ متر و قطر شبستان داخلی ۵،۴۷ متر است. از دری به پهنه‌ای ۱،۱۲ متر که در سمت شرق قرار گرفته می‌توان داخل بنا شد (تصویر ۱۰۱). قسمت فوقانی بنا با صفحی از طاقکهای کوچک بشکل کنگره آذین شده است، در زیر این طاقکها دو کتیبه‌ای که اشاره شد قرار گرفته‌اند (تصاویر ۱۰۲ الی ۱۰۳). کتیبه‌ها با آجر تراشیده و برنگ قرمز بر زمینه گچ سفید خودنمایی می‌کنند.

مفad کتیبه‌ای که بخط پهلوی نوشته شده هنوز کشف نشده است. کتیبه کوفی که به جز قسمت غربی آن - که سایش درختان مجاور به بخشی از آن صدمه زده - بقیه کاملاً سالم مانده و بخوبی می‌توان خواند، نام و لقب کسی را که مقبره برای او ساخته شده در اختیار ما می‌گذارد.^۱

ما نتوانستیم نام شخصیتی را که "امر به بنای" این برج کرده بخوانیم. تاریخ و نام سازنده بنا به کمک آنچه باقی مانده است تقریباً بطور مسلم بازسازی شد (تصویر ۱۰۲).

بسم الله الرحمن الرحيم هذا قبر القيم الکيا الجليل ابى الفوارس شهریار بن العباس بن شهریار مولى امير المؤمنین رحمه الله امر ببنائه ... فی سنہ ثلاث عشرہ و

۱. آندره گدار، آثار ایران، ص ۲۷۵-۲۷۶.

اربعمائه عمل الحسن بن علی.

بنابراین برج لاجیم دقیقاً همزمان با برج رادکان غربی می‌باشد که ساختمان آن در ۴۰۷ق (۱۰۱۶-۱۰۱۷م) آغاز و در ۴۱۱ (۱۰۲۰-۱۰۲۱م) به پایان رسیده است. این بنا نیز به دوره‌ای تعلق دارد که در حد فاصل میان سقوط اولین سلسله و ظهور دومین سلسله سلاطین باوندی قرار دارد. طی این دوره که حدود هفتاد سال به طول انجامید (از ۳۹۷ تا ۴۶۶ هجری = ۱۰۰۶ تا ۱۰۷۳ میلادی) قابوس بن شمشیر و جانشینانش (از دودمان آل زیار) بر این خطه حکم می‌راندند ولی آنها فقط بر دشت حاکم بودند و باوندیها در کوهستان پناه گرفته و در صدد بازگشت به قدرت بودند.

باوندیها دقیقاً در این منطقه پر فراز و نشیب که در جنوب ساری، پایتخت قدیمی آنها، قرار دارد اقامت گزیده بودند. آرامگاه یکی از آنان یعنی اسپهبد ابو جعفر محمد بن وندرین باوند. در رادکان و در همین منطقه قرار دارد. تاریخ برج لاجیم در کتیبه نوشته شده است.

۳-۴-۳- برج رادگان

برج رادگان که در جنوب جرجان و آبادی رادگان به تقلید از بنای گنبد قابوس با آجر ساخته شده است، آرامگاه یکی از اسپهبدان آل باوند و فرمانروایان محلی است که بر طبق کتیبه متعلق به آغاز قرن پنجم (سال ۴۰۷-۴۱۱) هجری است و به طوریکه از متن کتیبه کوفی آن بر می‌آید، ساختمان بنای نامبرده در سال ۴۰۷ هجری توسط اسپهبد ابو جعفر آغاز و تا سال ۴۱۱ هجری اتمام آن بطول انجامید. این بنا که به صورت برج مدوری ساخته شده دارای گنبد مخروطی آجری است که آجرهای آن مانند آجر پوشش گنبد مخروطی گنبد قابوس می‌باشد با این تفاوت که آجر ریشه‌دار پوشش گنبد برج رادگان به مقیاس کوچکتری تهیه شده لیکن از جهات پختگی و رنگ و استحکام نظیر آجرهای گنبد قابوس است، تفاوت دیگر آن با بنای گنبد قابوس در این است که

روزنہ این برج بر خلاف روزنه شرقی گند قابوس که در بدنه مخروط ساخته شده، در بدنه مدور برج احداث گشته است و ضمناً از نظر آثار تزئینی هم بر گند قابوس رجحان دارد، زیرا در این بنا تزئین گچبری هم علاوه بر تزئین آجری موجود است. این برج که در محل بنام قلعه کبری هم نامیده می‌شود و بر فراز تپه‌ای قرار گرفته است دارای موقعیت طبیعی مخصوصی است، بطوریکه اطراف آنرا مناظر زیبایی احاطه نموده است و چون تا اندازه‌ای از گزند و تجاوز محفوظ مانده چندان دچار خرابی نشده است، شاهکار صنعتی این بنا نیز ساختمان گند مخروطی صیقلی و هموار آن می‌باشد، قاعده مخروط و طره زیرین و دو رشته تزئین و کتیبه کوفی گچی آن جزء تزئینات غالب توجه قرن پنجم هجری به شمار می‌رود، و همچنین ساختمان سر در آن از نظر فن معماری بی‌اهمیت نمی‌باشد، بدین جهت بنای رادگان را عده‌ای تقلید صرف از ساختمان عظیم گند قابوس می‌دانند، و این نظریه با بررسی و تطبیق شکل ساختمان و طرز آجر چینی و به ویژه ساختمان مخروط گند تا اندازه‌ای صحیح و قریب به یقین است، و می‌توان معتقد شد که اگر چه معمار بنا صرفاً در ساختمان برج رادگان از گند قابوس تقلید و متابعت ننموده است، لیکن تا حدی معماری گند در طرز ساختمان و معماری رادگان موثر شده است و کارگران بنا نتوانسته‌اند از تقلید آن صرف نظر نمایند بدین رو بايستی ساختمان گند قابوس را به منزله سرمشق بناء برج رادگان و سایر ابنيه تاریخی مازندران بدانیم.^۱ (تصاویر ۱۰۴ الی ۱۰۶)

۳-۱۵- مسجد اسپیه مزگت^۲ در دهکده کیش خاله دیناچال

این مسجد کهن که باید آن را یکی از عجایب هفتگانه بناهای تاریخی گیلان دانست، بر دست راست رودخانه دیناچال است و در حدود یک کیلومتر و نیم از جاده

۱. نصرت‌الله مشکوتوی، جرجان، گند قابوس، مقاله مجله هنر و مردم، شماره ۵۱، ص ۳۹.

۲. بکسر الف و فتح باء و ميم و كاف، به معنی سفید مسجد است. بارهای این مسجد را به نام آق مسجد و گروهی به نام مسجد عبدالهی می‌نامند. احتمال دارد عبداله نامی آن را مرمت کرده باشد.

ماشین رو آستارا به انزلی فاصله دارد و طرف شرق جاده افتاده است. این بنا که امروز روی در خرابی و فنا دارد، باید روزی در محلی آباد و معروف بنا شده باشد، اما در هیچیک از کتب تاریخی محلی و سفرنامه‌های خارجیان و ایرانیان، نامی از این مسجد نیامده است. عجیب‌تر اینکه رابینو نیز این بنای تاریخی را از قلم انداخته است، با اینکه درختان متبرک و قدماهها نیز در کتاب او فهرست شده است.^۱

این مسجد چون در مرداب است. مردم بی‌تمیز جز به طمع گنج به سر وقت آن نیامده‌اند و در تاریکی شب و گاهی در روز روشن باکلنك نوک‌تیز بنیاد و شالوده آن را کنده و سست کرده‌اند. طبیعت بی‌رحم گیلان نیز در خرابی آن سهم بسزائی داشته و دارد. درختان جنگلی عظیم بر بام آن رسته و ریشه‌های خود را چون گوهای که میان کنده چوبی گذارند، میان دیوارها فرو برده و آنها را دوشقه کرده‌اند. رودخانه سیلابی دیناچال نیز، قسمت جنوبی آن را کنده و برده و پاره‌ای از پایه‌ها که اجزای آنها را یکدیگر هنوز جدا نشده، در آب رودخانه افتاده است. بارندگی و رطوبت نیز گچکاری و سفید کاری و گچبریهای آن را فرسوده کرده و از میان برده است. با این همه این بنا چون پهلوانی سالم‌مند بر پای ایستاده و ناظر لابالیگری و بی‌دقیهای ماست.^۲ (تصاویر

(۱۰۷ و ۱۰۸)

علوم نیست بانی این بنا کیست. تا جایی که می‌دانیم، سلاطین قدیم، زورمند بر این بخش از مملکت ما دست نداشته‌اند و تا سنه هزار هجری که این صفحات جزء حکومت مرکزی به شمار آمده است، حکام محلی یا خاندان در این صفحات حکمران بوده‌اند. اینان نیز هیچگاه به فکر آباد کردن حوزه حکومت خود نبوده‌اند و اگر یکی از آنان در دین داشته، قدرت مالی به او اجازه ساختن چنین بنائی عظیم را نمی‌داده است. وضع بنا و کتیبه کوفی ساده آن گواهان صادق بر قدمت بنا هستند، اما هر دو خاموش

۱. متوجه ستد، از آستانه استرآباد، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، شماره ۷۰، سال ۱۳۴۹، ص ۷۰.

۲. متوجه ستد، از آستانه استرآباد، ص ۷۰.

به ما می‌نگرند و نشانی از بانی نمی‌دهند. مصالح اصلی بنای این مسجد، آجرهایی به ابعاد $۲۳ \times ۲۳ \times ۶$ سانتی‌متر است. قطر دیوار آن ۱۷۵ سانتی‌متر و گوشه‌ای از این بنا که یک ضلع آن ۱۶۷۵ متر است، فعلاً بر پای است و دیوار یکی از دهليزهای مسجد است. (تصویر ۱۰۹) بر دیوار شمالی همین دهليز است که پنج شش متر کتیبه کوفی ساده باقی مانده و کلمات "لِم يَخْشَى إِلَّا اللَّهُ فَعْسَى أَوْلَئِكَ الَّذِينَ يَكُونُوا مِنَ الْمُهَدِّدِينَ"^۱ روشن خوانده می‌شود. (تصاویر ۱۰۹ الی ۱۱۴) در دنباله این آیه بدون شک نام بانی می‌آمده است که امروز هیچ‌گونه اثری از آن باقی نیست. این کتیبه که ابتدای آن در همین دهليز بوده، روزی چهار دهليز اطراف را ترئین می‌داده است. از ارتفاع دهليزها نیز کج‌بری عجیبی به ارتفاع یک متر داشته، که فعلاً دو متر از این ازاره، بر دیوار شمالی هویدا است. شاید بتوان از آنچه که باقی مانده، حدس زد که این بنا شامل یک رواق در وسط و چهار دهليز در چهار طرف بوده است. در ورودی تقریباً شمالی است و وارد دهليز شمال می‌شود و عرض آن بالغ بر ۱۶۰ سانتی‌متر است. ارتفاع طاق دهليزها از کف کنونی ۵۷۰ سانتی‌متر است. یک طرف دهليزها، دیوار خارجی مسجد و یک طرف آنها پایه‌هایی هشت ضلعی است که محیط آنها به ۵۵۰ سانتی‌متر می‌رسد. پایه‌هایی که در چهار کنج است، زائدی دارد که در روی نقشه نشان داده شده است. فاصله میان دو پایه‌ای که یکی از آنها زائد دارد ۲۳۰ سانتی‌متر و فاصله میان دو پایه اصلی ۲۸۰ سانتی‌متر است. بالای هر دو پایه، طاقی با هلال شکسته زده شده است. و سقف دهليزها بر دیوارهای خارجی و این پایه‌ها استوار است. عرض هر یک از دهليزها به ۳۶۰ سانتی‌متر می‌رسد. شاید روزی رواق میان نیز سقفی گنبدی داشته است. آنچه که از کتیبه دندانه‌ها باقی مانده است حاکی از این امر نیست. سقف سراسر بنا، سفال پوش بوده است. اما به خلاف بامهای سفال پوش امروزی گیلان، سفال آنها با ملاط بر روی

۱. سوره توبه، آیه ۱۸.

طاقها چسبانده شده است و اندازه آنها به ۵۰×۳۶ سانتی متر می‌رسد.^۱

۱۶-۳-۳- مسجد جامع قروه

یکی از بنای‌های تاریخی ارزشمند منطقه ابهر رود، مسجد جامع قروه است. روستای قروه در کیلومتر ۱۵ جاده ترانزیتی ابهر - تاکستان قرار دارد. معماری صخره‌ای این روستا بسیار جالب و در خور مطالعه و معرفی بوده و قابل مقایسه با معماری صخره‌ای علمکنندی می‌باشد. هنوز آثار و بقایای منازلی که در دل کوه کنده شده‌اند با منظرة بدیعی خودنمایی می‌کند. در قلب این روستا یکی از آثار ارزشمند دوران اولیه اسلامی (قرن پنجم هجری قمری) جای گرفته است. این مسجد همانند برخی از مساجد دوران آل بویه به سبک چهار طاقی ساخته شده و گندب بسیار زیبایی بر اضلاع چهارگانه به واسطه چهار فیلپوش استوار گردیده است. (تصویر ۱۱۵) پلان اصلی مجموعه به جهت تغییرات ناشی از ریزش احتمالی شبستانها مستلزم حفاری علمی است. مسجد کنونی عبارت است از یک شبستان گنبددار و دو شبستان در طرفین آن که شبستانهای اخیر از مصالح خشت و آجرهای حاصله از تخریب دیوارهای قدیمی ساخته شده و دارای سقفی از تیرچوبی است. و هنوز آثار و بقایای شبستانهای اصلی و ملحقات بنا در نمای بیرونی مسجد دیده می‌شود که از مدارک مطمئن در امر بازسازی خواهد بود. شبستان اصلی مسجد از آجر ساخته شده و دو نوع آجر در آن به خدمت گرفته شده است. از پی‌تا زیر فیلپوشها از آجرهای بزرگتر به ابعاد $۳۱/۵ \times ۳۱/۵$ سانتی متر و سپس به جهت اجرای تزئینات در فیلپوشها و پوسته گندب از آجرهای کوچکتر به ابعاد $۵ \times ۲۱/۵$ سانتی متر استفاده شده است. (تصویر ۱۱۶) پا طاق فیلپوشها بر روی تخته اشباع شده قطوری که با دیوار ۴۵ درجه زاویه دارد قرار داده شده و سپس قوس پنج او هفت تنده با ساقه بلند اجرا شده، به طوریکه چهار فیلپوش متناویاً با چهار

^۱. منوچهر ستوده، از آثارنا تا استرآباد، ص ۷۲.

طاق‌نما که از نظر سبک و ابعاد یکسان است، پلان مربع شبستان را به دایره تبدیل نموده، فیلپوشها و طاق‌نماها عموماً به تزئینات آجری و هندسی مزین است. بالای آنها طاق‌نماهای کوچکتری که قوس پنج او هفت کند با ساقه بلند دارد، متوالیاً قرار گرفته، پا طاق عرقچین گنبد را تشکیل می‌دهد.

تزئینات مسجد جامع قروه علی‌رغم تحمل آسیب‌های کلی و بسیار زیاد جالب توجه است و به طور کلی، از آنجه که باقی مانده حدائق دو دوره تزئیناتی در این بنا قابل تشخیص است.

آثار و بقایای نقاشیهای روی گچ در زیر کتیبه فعلی با رنگ کمتری قابل تشخیص است و نقوش دارای طرحهای گیاهی و اسلیمی است. احتمالاً این تزئینات متعلق به دوران آل بویه می‌باشد. (تصویر ۱۱۶ الی ۱۱۷)

محراب مسجد که با گود کردن جرز جنوبی ایجاد گردیده، به شدت تخریب شده، اما هنوز آثار مقرنسهای گچی در قسمتی از بالای محراب باقی مانده است. این محراب مزین به کتیبه جالبی به خط نسخ است و حکایت از احداث آن در سال ۴۱۳ هجری قمری دارد. کتیبه دیگری در زیر فیلپوشها به عرض ۵۰ سانتی‌متر در گردآگرد بنا به خط بسیار زیبای ثلث نوشته شده که تاریخ تعمیرات را سال ۵۸۵ هجری قمری معرفی می‌نماید. کتیبه سومی در زیر عرقچین گنبد نوشته شده. (تصاویر ۱۱۸ الی ۱۲۱)

من حیث المجموع مسجد جامع قروه از آثار بسیار ارزشمند اوایل قرن پنجم هجری قمری است که قابل مقایسه با شبستانهای مسجد جامع قزوین و سجاس می‌باشد و مستلزم و مستحق حفاریهای علمی است.^۱ لازم به ذکر است که در حفاری‌های مسجد جامع قزوین نیز بخش‌هایی مربوط به دوران آل بویه به دست آمده است.

۱. هوشنگ، ثبوتی، تاریخ زنجان، چاپ توان، زنجان، ۱۳۶۵، صص ۲۰۴-۲۰۳.

۱۷-۳-۳- محراب مسجد جامع قروه

محراب نیز در سنه شهور ثلث عشر و اربعماهه یعنی ۴۱۳ هجری مقارن با سلطنت آل بویه ساخته شده است.

این محراب دارای کادر مستطیل شکل که دارای یک طاق نماست. داخل طاق‌نما به صورت برگه‌ای طاق‌بندی و تزئین شده است.

تعداد برگه‌ها ۱۲ عدد بوده و داخل طاق‌نما و خارج آن با رنگ‌های مختلف رنگ‌آمیزی شده که رنگ‌های لاجوردی و فیروزه‌ای و قهوه‌ای و سیاه در آن قابل تشخیص است محراب فاقد ستون است و در جایی که ستون واقع می‌شده در سمت راست به صورت پنج و طرف چپ با کاهگل پر شده است. احتمالاً هر دو طرف محراب حالت پنج داشته است.

آفای صمیمی در توصیف محراب نوشته‌اند: "قسمت بالای محراب را به صورت برگ چnar که سبک زمان آل بویه است طاق‌بند و مزین کرده‌اند. لچکی بالای محراب با نقاشی تیره رنگ کهنه که تصور می‌رود در اصل سبز بوده است، نقاشی شده است و روی آن آثار کتیبه قدیمی تا حدی موجود و مشهود است."^۱

کتیبه‌های محراب: کتیبه‌ها و نقوش ترثیئی محراب کلاً با رنگ‌های مختلف درست شده و کتیبه‌های محراب به خط کوفی و نسخ نوشته شده‌اند. این کتیبه‌ها که با رنگ نوشته شده‌اند، متأسفانه بر اثر طبله شدن و پاک شدن رنگ‌ها قابل خواندن نیستند. کتیبه کوفی شجری محراب که حاشیه محراب را فراگرفته با رنگ‌آبی لاجوردی نوشته شده است.

آفای صمیمی کتیبه‌های لچکی‌های بالای محراب را خوانده‌اند و نوشته‌اند: "مفاد کتیبه حاکی بر این است که ساختمان مسجد در سال ۴۱۳ هجری آغاز گردیده است:

۱. علی سجادی، سیر تحول محراب در معماری اسلامی ایران از آغاز تا حملة مغول، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۵، صص ۹۰-۹۱

امر به بناء هذا المسجد ... الطايبه، مشهود ثلث عشره و اربع مائه رحمه الله صالحین
المسجد الجامع المتيقه ... و ناصرين محمد التميمى فى شهرا الله... فى الدارين آمين
يا رب العالمين.

۱۸-۳-۳- کتیبه خط کوفی مسجد جامع ساوه

در نیمة دوم قرن چهارم در عهد بوئیان، شهرهای قزوین و ابهر و زنجان و ساوه و
آوه و شلتبه و خوار از شهرهای ری و قم و دماوند و شهر زور از نواحی آن بوده‌اند.
چنانکه مقدسی در احسن التعالیم آورده است: "للری، قم، آوه، ساوه، قزوین، ابهر،
زنجان، شلتبه و یمه ... دماوند و شهر زور ..."^۱

قدیمی‌ترین خط کوفی مسجد جامع ساوه که در انبار مسجد نگاهداری می‌شود
عبارت است از کتیبه‌ای که با رنگ بر روی گچ نوشته شده است. متاسفانه تنها قسمتی
از یک کلمه باقی مانده است. (تصویر ۱۲۲ و ۱۲۳)

با توجه به شکل این کلمه "مولب" به احتمال زیاد جزیی از آیه ۲۸۶ سوره البقره
است که در گچبری‌های دوره‌های بعد نیز آمده است این کلمه که "مولانا" است در
رسم الخط‌های معمول قرآنی، "مولینا" نوشته می‌شود.

خط کوفی استفاده شده در این کتیبه با مقایسه نمونه خطی که در صفحه ۱۴ کتاب
گنجینه خطوط در افغانستان، منسوب به ابن مقله، احتمالاً به قرن چهارم هجری تعلق
دارد.^۲ (تصویر ۱۲۴)

در تصویر ۱۲۵ نیز بخشی از محراب مکشوفه مسجد جامع ساوه که مربوط به
قرون اولیه اسلامی می‌باشد ارائه شده است.
در جداول زیر خلاصه فصل سوم ارائه شده است.

۱. حسین کریمان، ری باستان، جلد دوم، ص ۴۷۳.

۲. ابوالفضل فراهانی، عبدالله قوجانی، مسجد جامع ساوه، مؤسسه انتشارات تعاون سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰، ص ۷۱.

جدول شماره یک: بناهای دوره آل بویه و نوع کتیبه بکار رفته در آنها

محل	ردیف	نام بنا	کاربری	کتیبه	نوع خط	متن کتیبه
	۱	مسجد جامع اصفهان	مسجد	از بین رفته	-	
	۲	مسجد جورجیر اصفهان	مسجد	دارد	کوفی	سوره آل عمران آیه ۱۸ (بعدازقرن ۵)
	۳	پل شهرستان	پل	-	-	
بناهای دوره آل بویه و اصفهان و یزد	۴	مسجد جامع نایین	مسجد	دارد	کوفی	۱۴ آیه سوره فتح آیه ۱۸ سوره توبه آیه ۱۳۷ سوره بقره الجبروت الله صلوات
	۵	مسجد محمدیه نایین	مسجد	دارد	کوفی	آیه ۱۸ سوره توبه حدیث عشره مبشره
	۶	مسجد جامع نظر	مسجد	دارد	کوفی	سوره آیه ۱۸ آل عمران سوره اخلاص
	۷	بقمه دوازده امام	مقبره	دارد	کوفی ترثیئی	سوره بقره آیه ۱۵۳ سوره الفافر (مؤمن) آیه ۶۵
	۸	مسجد جامع یزد	مسجد	آل بویه ندارد		
	۹	گنبد علی	مقبره	دارد	کوفی	سوره بقره آیه ۱۵۳ سوره الفافر (مؤمن) آیه ۶۵
	۱۰	قدمگاه علی بن موسی الرضا	مسجد	دارد	کوفی گلدار	نام متوفی سازنده و تاریخ احداث بنا

			قلمه حکومتی مسکونی	قلمه طبرک	۱۱
		ویران		قصر سیدآباد آخر رستم سرای صاحب بن عباد خانه علی کامه	۱۲
کتیبه تاریخی و یاد مانی (نام بانی بقعه)	کوفی	دارد	آرامگاه	مقابر آل بویه در کوهسار نقارخانه	۱۳
-	-	ندارد	آرامگاه	بقعه حضرت عبدالعظیم	۱۴
-	-	ندارد	مقبره	بقعه بی بی شهربانو	۱۵
-	-	-	-	بقعه ابن بابویه	۱۶
	کوفی	داشته است	مقبره	گبد فخرالدوله	۱۷
	-	-	-	برج نقاره خانه	۱۸
آیه ۵۶ و از سوره احزاب سوره توحید آیه ۱۸ سوره آل عمران لا اله الا الله	کوفی	دارد	مسجد ویران	مسجد ری (محراب مکشوف)	۱۹
لا الا الله مخلصاً محمداً ص رسول الله صادقاً	کوفی	دارد	مقبره	برج رسگت	۲۰
سوره اخلاص و سوره انبیا آیه ۳۶ کتیبه های تاریخی «هذه البقعة ...» پهلوی مشخص نیست.	پهلوی و کوفی	دارد	مقبره	برج لاجیم	۲۱
کتیبه تاریخ و نام سازنده تاریخ و نام سفارش دهنده	کوفی	دارد	مقبره	برج رادکان	۲۲
سوره توبه آیه ۱۸	کوفی	دارد	مسجد	مسجد اسپیه مزگت	۲۳

			ندارد	سد و پل	پل - بند امیر	۲۴
			ندارد	مقبره	مزارشاه میر علی حمزه	۲۵
حدیث عشره مشهده	کوفی	دارد	مسجد	مسجد جامع نیریز		۲۶
یادمان تاریخی و دوازده امام	کوفی	از بین رفته	مسجد	مسجد جامع سیراف		۲۷
صلوات بر ۱۴ معمصوم		-	-	کتبه عضدالدolle در تخت چمشید		۲۸
متون تاریخ بنای مسجد- آیه‌ها خوانده نشده‌اند.	کوفی شجری	دارد	مسجد	مسجد جامع قروه		۲۹
		آل بویه	مسجد	مسجد جامع قزوین		۳۰
احتمالاً آیه ۲۸۶ سوره بقره (در انبار)	کوفی	آل بویه	مسجد	مسجد جامع ساوه		۳۱
-	کوفی	ندارد دارد	مسجد	مسجد جامع کاشان		۳۲

نتیجه‌گیری

امراي آل بويء از خاندانی شجاع و از طوایف دilmی شیر ذیل آوند بودند که بر اثر سختی روزگار به خدمت بزرگان منطقه گیل و دilm چون مرداویج و اسفار و ماکان در آمدند. آنها بر اثر شجاعت و تدبیر اصفهان، شیراز، خوزستان و تا نزدیکی کرمان را تصرف کردند. و در سال ۳۳۴ ه.ق. بغداد را فتح کردند و بدین ترتیب برای اولین بار یکی از سلسله‌های ایرانی با تفکرات شیعی توانست عراق و دارالخلافه عباسی و بخش بزرگی از کشور ایران را زیر سلطه خود بگیرد و بیش از یک قرن تعیین‌کننده سیاست‌های دستگاه خلافت عباسی باشد.

با توجه به وسعت منطقه و همکاری سه برادر هر کدام بخشن بزرگی از متصروفات را رهبری می‌کردند. بنیانگذار دولت بويء در منطقه فارس عمالالدوله بود و تصرف اصفهان و ری به دست حسن رکنالدوله و تسلط احمد بر کرمان و خوزستان و دارالخلافه بغداد نیز با هدایت علی صورت پذیرفت.

امیران بويء در عراق و خوزستان پس از احمد (معزالدوله) به ترتیب عزالدوله -

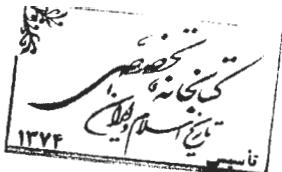
عضدالدوله، شرف الدوله بهاءالدوله، سلطان الدوله، مشرف الدوله، جلال الدوله و ابو کالیجار، و الملک الرحیم پسر ابوکالیجار بودند که از سال ۳۳۴ ه.ق تا ۴۴۷ ه.ق.در آنجا حکومت کردند.

امیران بویه در فارس پس از علی (عمادالدوله) به ترتیب عضدالدوله، شرف الدوله، شمس الدوله، بهاءالدوله، سلطان الدوله، مشرف الدوله، خسرو فیروز الملک الرحیم از سال ۳۲۲ ه.ق. تا سال ۴۴۷ ه.ق. می باشند.

امرای آل بویه در اصفهان و ری و همدان، پس از حسن رکن الدوله، مؤیدالدوله ابو منصور و فخرالدوله ابوالحسن علی (فقط همدان) - مجدوالدوله (فقط ری)، شمس الدوله و سماءالدوله (همدان) می باشد که از سال ۳۳۵ تا ۴۲۰ ه.ق. می باشند. پارهای از مورخان، ابوعلی برادر فولاد ستون (پسر ابوکالیجار) را آخرین فرمانروای آل بویه دانستند که مدت چهل سال زندگی کرد و نوبندهان فارس و کرمانشاهان در حوزه امارت او بود و سلاطین سلجوقی او را عزیز می داشتند و در سال ۴۸۷ وفات یافت. او هیچگونه استقلال و قدرتی نداشت و پادشاهان سلجوقی رعایت حال او را می کردند تا از آن محل گذران کند^۴.

بدین ترتیب و لایات ری، اصفهان، شیراز، شوش، استخر، گرگان، سیراف، کرمان عده ترین مراکز و شهرهای این دوران بودند. مراکز عمده سفال و شیشه و فلزکاری در طبرستان و ری و بافت پارچه در ری و شوش و شوشتار بودند.

از لحاظ شهر هایی که در عصر آل بویه به شیعه اختصاص داشت. شهر قم در درجه اول قرار دارد دین اسلام با مذهب تشیع وارد آن شد. شهر دیگر کرج ابودلف احتمالاً کروهروд فعلی نزدیک اراک و آوه (بین قم و ساوه)، تفرش، فراهان، و شهر ری در مازندران نزدیک ساری به نام (بروزن برد) و شهرهای آمل و ساوه نیز از مراکز شیعه



بودند. در شهرهای بزرگ همچون ری محله‌هایی مخصوص شیعیان وجود داشت مانند محله مسلخگاه در ری و محله کرخ در بغداد و محله‌ای نیز در شهر فزوین به شیعه اختصاص داشت.

نکته بارز و نقطه قوت حکومت روشن اندیش آل بویه، حضور علماء و ادباء و تاریخ نگاران بیشماری در این دوره می‌باشد که این دوره را به دوره احیای فرهنگی و علمی و حتی هنری تبدیل کرده است.

در دوره آل بویه مرکز حکومت یعنی شهر بغداد مرکز امپراتوری عظیمی بود که قلمرو آن از اسپانیا تا هندوستان را شامل می‌شد و میعادگاه دانشورانی با سوابق مختلف فرهنگی و حتی دینی از گوشه و کنار عالم بود. آل بویه که شیعیانی آزاد اندیش و دارای ستها و مواریث فرهنگی ایرانی بودند به پیشرفت فلسفه و علم و ترویج شعر و ادبیات صمیمانه خدمت کردند. توسعه سریع مراکز و لایات و دربار محلی مانند شیراز و ری و اصفهان و همدان به این رقابت و پیشرفت علوم و هنرها کمک کرد.

حضور فلسفه بزرگ جهانی در این دوره همچون فارابی، ابن سینا و دانشمندانی چون زکریای رازی که قرنها اقتدار علمی خود را در جهان حفظ کردند همچون نگینی بر تارک این دوره می‌درخشد و در مقایسه با رنسانس ایتالیا که فاقد چنین فیلسوفان و دانشمندان بزرگ جهانی بود، عرضه اندام می‌کند.^۱

تعداد بیشمار فضلا و ادباء و تاریخنگاران و دانشمندان که درفصل دوم به اختصار در مورد آنها و تأثیفاتشان توضیحاتی داده شده، بیانگر این مطلب است که بیشترین حجم تولیدات فرهنگی و حتی علمی جهان اسلام در این دوره بوده است و می‌توان ادعا کرد که دیگر هیچ دوره‌ای از این نظر به پای آن نرسیده است.

از نظر تولیدات کتابهای تفسیر و حدیث شیعه نیز این دوره نگین افتخار فرهنگ

^۱ جوبل، ل، کرمه، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه محمد حنایی کاشانی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۵، صص ۷۰-۷۱

شیعه می‌باشد. حضور مفسران شیعی مانند، کلینی، ابن‌بابویه یا شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی شریف مرتضی شریف رضی گواه این مدعای است.

آغاز تاریخ نگاری عالم اسلام و بویژه تاریخ شیعه نیز در این دوره بوسیله شیعیان ایرانی الاصل آغاز گشت. تأثیف کتب اربعه عالم تشیع و بویژه گرد آوری نهج البلاغه توسط شریف رضی (سید رضی) از افتخارات این دوره است.^۱

حضور وزرای دانشمند آل بویه از جمله ابن عمید که شیعه مذهب بود و در فلسفه، ادبیات، علوم، ریاضیات و علم مکانیک که به اختراع سلاحها و ابزار و ادوات می‌انجامید و در طراحی و علم مناظر و مرايا بی نظیر بود. او همچنین جنگجوی بی همتایی نیز بود و در نقشه‌های جنگی و دفاعی باعث پیروزی‌های درخشان آل بویه گردید.

در این دوره برای نخستین بار یاد بود عاشوراء، شهادت حسین بن علی با عزاداری عمومی در دهم محرم سال ۳۵۲ ه.ق. برگزار شد.

- زیارت مشاهد متبرکه و ساخت حرم حضرت امام حسین و حضرت علی (ع) نیز به دستور امرای آل بویه انجام گرفت. آل بویه به شیعیان امامی اجازه می‌دادند تا با پذیرفتن منصبهایی در اداره حکومت مقاصد خویش را پیش ببرند، بدان امید که راه نفوذ تسنن را کاهش دهند

مهم ترین توفیق شیعیان در عهد آل بویه اجازه ظاهر علنی به عقایدشان بدون نیاز به تدقیق بود. در این دوره تشیع امامی بی آنکه مذهب رسمی حکومت اعلام شود، مرسوم شد و اشخاص با فرهنگ و بازرگانان و عمل دولتی را شیفته خود کرد. علنی کردن شعارهای شیعه نیز در این دوره اتفاق افتاد گفتن جمله حسی علی خیر العمل در اذان و شهادت به ولايت علی (ع) در اذان به این دوره، مربوط

^۱ محمد حسین مشایخ فریدنی، تاریخ نگاری شیعیان - سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع، دایره المعارف تشیع، چاپخانه علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳، صص ۳۷۷-۳۷۸

می‌شود. فرقه‌های مهم اسلامی در ایران در زمان آل بویه از سه شعبه بزرگ اهل تشیع، اهل سنت و خوارج بودند. خوارج بیشتر در سیستان و کرمان و برخی در فارس و عراق بودند مذاهب اهل سنت شامل مذهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی بودند و مذاهب شیعه نیز سه فرقه اثنی عشری، اسماعیلیه و زیدیه بودند. دوره آل بویه در بغداد تشیع امامی مذهب مسلط بود.

آل بویه به آبادانی و شهر سازی توجه زیادی نشان دادند. ساختن بناهای عام المنفعه مانند سدها و بندها و پل‌ها، و تأسیسات آبرسانی هم چون نهر رکن آباد شیراز و ساخت بیمارستان‌ها و جذب پزشکان معروف در آنها و ساخت قلعه‌های حکومتی از جمله قلعه طبرک در ری و در اصفهان و قهنه‌ز شیراز و ساخت بقاع متبرکه همچون کربلا و نجف و مقابر در ری و فارس و ساخت کاروانسراهای بیشماری در مسیر راه زائران کربلا و وجود کتابخانه‌های معظم مانند کتابخانه عضدالدوله در شیراز و کتابخانه‌های ری که از تمام کتابخانه‌های قاره اروپا بیشتر کتاب داشت. کتابخانه اصفهان و ساوه نیز از کتابخانه‌های مهم آن دوران بود.

و در کتابخانه بهاءالدوله پسر عضدالدوله بیست و نه جز از قرآن به خط ابن مقله وجود داشت و جزء سی ام را ابن بوآب (ابوالحسن علی بن هلال) نوشته بود. در مورد ویژگیهای سبکی معماری آل بویه میتوان گفت که هنوز اقتدار معماري ساساني جلوه گری می‌کند بطوری که به سختی می‌توان معماری قرون اولیه و معماري ساساني را از یکدیگر تمیز داد. چهار طاقی و گنبد بنای مقبره بی شهربانو مربوط به دوره آل بویه از نظر مواد و مصالح، تکنیک ساخت و تنشیبات کاملاً مشابه چهار طاقی‌های بناهای ساسانی است و این ابهام را بر جای می‌گذارد که احتمالاً بر روی یک بنای ساسانی و با همان شیوه و مواد ساخته شده است و یا اینکه اصل بنای ساسانی بوده و در قرن چهارم مرمت شده است. در جداول شماره ۱ الی ۳ نام بناهای این دوره با نوع کاربری آنها مشخص شده است.

اولین عنصر وحدت بخش و شاخص هنر و معماری اسلامی حضور کتیبه‌های کوفی در بناهای قرون اولیه است. یکی از علل شکوفایی این هنر بویژه در ایران این بود که پس از قرنها ممنوعیت در باب سواد آمیزی و کتابت در پیش از اسلام برای طبقات عادی مردم ایران، به سبب تشویق اسلام به خواندن ونوشتن و فرا گرفتن علوم، در ایرانیان انگیزه نیرومندی برای آموختن علم و کتاب بوجود آمد.

کتیبه در اصطلاح معماری به نوشته‌ها و یا نقوشی که بر سنگها و مصالح دیگری از جمله آجر، چوب، کاشی، گچ حک شده باشد اطلاق می‌شود. در تحقیق انجام شده منظور از کتیبه در واقع نوشتن بر قطعات سنگ در داخل بناها همچون محراب و گچبری‌ها و یا نفاسی روی گچ و کاشی‌های بنا می‌باشد.

کتیبه‌ها غیر از جنبه ترئینی و آرایش ساختمان، اهمیت زیادی از نظر تاریخی و مذهبی دارند و می‌توانند مجھولات بسیاری مربوط به بنای خاص و یا ویژگی‌های دوره هنری مخصوص به خود را روشن سازند. در واقع خطوطی که در سطوح داخل و خارج بناها وجود دارند علاوه بر ذکر نام سفارش دهنده و هنرمند و قید تاریخ ساخت و چگونگی ملحقات و متعلقات آن به ثبت کلمات و عبارات مقدس مذهبی چون آیه‌های قرآن، احادیث مذهبی، اسماء خداوند، نام رسول خدا و ائمه معصومین، یاد آور وظایف دینی و اخلاقی وغیره است. علاوه بر اینها خطوط عربی و فارسی به علت خصوصیات موافق و به سبب کیفیت حروف، جنبه ترئینی به خود می‌گیرد و در کنار ترئینات گیاهی و اتصال به آنها منظرة زیبایی به وجود می‌آورد.

عامل مهم دیگر سفارش قرآن کریم به علم آموزی است. آیات ۴ و ۵ سوره علق که خداوند می‌فرماید «الذی علم بالقلم علم الانسان مالم يعلم» به این نکته اشاره می‌کند در حقیقت ۴ آیه اول سوره علق، اولین آیه‌هایی بود که به حضرت رسول اکرم نازل شد و اهمیت سوادآموزی و علم را در بالاترین مقام قرار می‌دهد.

وجود احادیث بیشمار و تأکید حضرت ختمی مرتبت و حضرت مولای متقیان که

خود اولین استاد هنر خوشنویسی در عالم اسلام است، تأثیر بسزایی در توجه مسلمانان به خط و خطاطی داشته است.

عامل دیگر در رشد و توسعه این هنر، ممنوعیت نماز خواندن در برابر تصاویر و اشکال می‌باشد از حضرت امام موسی بن جعفر نقل است که می‌فرمایند خواندن نماز در مقابل قبله‌ای که در آن آیات قرآن یا اذکار خداوند باشد اشکالی ندارد و در مورد مسجدی که با رنگ یا گچ در دیوار قبله نقش و نگار (اشکال غیر طبیعی) داشته باشد. فرمودند: مانعی ندارد.^۱

در مورد خوشنویسان قرن چهارم در کتاب اطلس خط آمده است که : در این دوره تعداد نساخان و وراقان بدانپایه بوده که نمی‌توان در اینجا حق مطلب را ادا کرد.^۲

در کتاب تجلی هنر در کتابت بسم الله، حدود سی و هشت حدیث در باب ترغیبات و راهنمایی‌های حضرت رسول اکرم در باب خوشنویسی نقل شده است.

همچنین در مورد خوشنویسان قرن چهارم. تطور و تکامل وزیبایی راستین و استواری کامل خط بر مبنای مقیاسی متین، با نام ابن مقله همراه است. او هنرمند شیرازی بود که بارها به عنوان وزیر در دربار خدمت کرد و سرانجام در سال ۹۴۰ قمری (نیمه اول قرن چهارم) در زندان در گذشت یا به قتل رسید. ابوحیان توحیدی می‌گوید: "ابن مقله پیغمبر خط است؛ همچنان که زنبور عسل در ساختن خانه‌های مسدس خود ملهم شده، دست او هم خط را قالب ریزی کرده است.

ابن مقله پس از قطع دست، ماهرانه به خطاطی ادامه داد و هنر خویش را به شاگردان بسیاری آموخت. خط کوفی از موضوعات مهم ترینی معماری و آثار سایر رشته‌های هنر بوده و عنوانین مختلف به خود گرفته است.

انواع خطوط کوفی در آثار معماری اسلامی ایران با روش حجاری، گچ بری،

۱. ج. ۱۵ اواسیل الشیعه

۲. حبیب الله فضائلی، تحقیق در خطوط اسلامی، انتشارات مشعل، اصفهان چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص. ۱۴۸.

کاشیکاری، آجر کاری بکار رفته و یا در روی اشیاء هنری چون سفال، فلز، پارچه و غیره القاء گردیده است.

بیشترین ماده بکار برده شد. در ساخت کتیبه‌های این دوره، گچ می‌باشد به این معنی که بیشترین آنها کتیبه‌های گچی می‌باشند و در تزئینات دیگر نیز گچبری بیشترین نوع تزئین بکار رفته در بناها بود. بیشترین خط بکار رفته در کتیبه بناها، خط کوفی می‌باشد بجز در بنای برج لاجیم که کتیبه خط پهلوی به کار برده شده است.

اولین محراب کتیبه‌دار که مربوط به این دوره است، محراب مسجد جامع نائین است. در این کتیبه، آغاز و انتهای هر حرفی به صورت برگی در آمده است که گاهی در بالای برگ و یا در پایین آن به یک برگچه سه لبی تبدیل شده است. سابقه این برگچه‌ها به دوران ساسانی بر می‌گردد. (نظیر آن در پلاک گچی مکشوفه از نیشابور به کار رفته است) محراب دیگری که مکشوفه از مسجدی می‌باشد و موزه ایران باستان نگهداری می‌شود. علاوه بر کوفی گلدار دارای کتیبه کوفی دیگری است که زمینه آن را گل و برگهای اسلامی تشکیل می‌دهند.

ترکیب کتیبه با نقوش گل و برگ از اواسط قرن چهارم شروع شده است. در اوایل قرن پنجم انتهای حروف کتیبه‌ها به شکل درخت در می‌آید که به کوفی مشجر موسوم است. اولین نمونه آن را بر نمای محراب مسجد جامع قروه (مورخ ۴۱۹ هـ) می‌بینیم. با طرح کوفی مشجر با رنگ آبی لا جوردي روی گچ، علاوه بر محراب مسجد جامع قروه در پای گنبد دوازده امام در یزد، و در پای گنبد مسجد قدمگاه فراشا نیز مشاهده می‌شود.

در محراب سنگی قدمگاه علی بن موسی الرضا نوعی خط کوفی معقد می‌بینیم که انتهای حروف (ک) و (ن) و (ح) و (واو) به صورت سر مرغابی به پایین خم شده است که در بعضی خم شدگی زیاد است و در بعضی حروف کم است و بر روی حروف (واو) و (را) حرف (ح) به صورت (S) انگلیسی ظاهر شده است و بعضی

حروف از جمله (ه) وسط یا آخر جمله به صورت کله گنجشک نوشته شده است.
در این میان اسماء جلاله نیز به صورت خطوط کوفی تزئینی در داخل بناها
استفاده شده است.

همینطور نام مبارک دوازده امام نیز مانند کتبیه عضدالدوله در تخت جمشید بکار
رفته است. در انتهای چند کتبیه شرح ساخت بنا و حامیان و سازندگان بنا آمده است. از
جمله آنها می‌توان به کتبیه‌های مسجد قروه، قدمگاه علی بن موس الرضا، لاجیم،
رسگت... اشاره داشت.

بخش دیگر کتبیه‌های مذهبی به کار برد احادیث در کتبیه‌ها اشاره دارد که بعنوان
نمونه در حاشیه محراب مسجد جامع نیریز قسمتی از حدیث عشره مبشر نوشته شده
است این حدیث از قول نبی اکرم نوشته شده و این حدیث از احادیث اهل سنت است.
وجود این حدیث حاکی از این است که در دوران قدرت آل بویه با وجود تسلط
عقیده شیعی، مذاهب دیگر نیز با آسودگی به حیات خود ادامه می‌دادند و عقیده حاکم
به زور به مردم تحمیل نمی‌شد.

شکوفایی فرهنگی در دوران اولیه اسلامی با سقوط آل بویه رو به افول نهاد و
بازگرداندن حکومت توسط سلجوقیان به اهل سنت به این رویداد تسری بخشد.

”پایان“

کتابنامه

- ۱- افشار، ایرج، یادگارهای یزد، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و خانه کتاب یزد، جلد اول و دوم، ۱۳۷۴.
- ۲- افشار نادری، شهلا، سردر مسجد جورجیر اصفهان، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ایران جلد پنجم، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴.
- ۳- اقتداری، احمد، آثار شهرهای باستانی، سواحل و جزایر خلیج فارس عمان، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران شماره ۶۵، چاپ دوم، سال ۱۳۷۵.
- ۴- اعظم واقعی، سید حسین، میراث فرهنگی نظر، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۵- پوپ، آرتور، شاهکارهای هنر ایران، ترجمه دکتر پرویز ناتل خانلری، بنگاه مطبوعاتی صفوی علیشاه تهران، ۱۳۳۸.
- ۶- ثبوتی، هوشنگ، تاریخ زنجان، چاپ توانا، زنجان، ۱۳۶۵.

- حاجی قاسم، کامبیز، یادگاری از گذشته، مزار شاه میر علی خمزم، نشریه صفحه، انتشارات دانشکده معماری و شهر سازی دانشگاه شهید بهشتی شماره ۶ و ۷ و ۸ تهران سال ۱۳۷۱.
- خضری، سید احمد رضا، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۸.
- زمانی، عباس، خط کوفی تزئینی در آثار تاریخی اسلامی، مقاله هنر و مردم، شماره ۹ تهران، سال ۱۳۵۲.
- زمرشیدی، حسین، مسجد و معماری ایران، انتشارات کیهان، چاپ اول، تهران زمستان ۱۳۷۴.
- ستوده، منوچهر، از آستانه استارآباد، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۴۹.
- سجادی، علی، سیر تحول محراب در معماری اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۵.
- سلطانزاده، حسین، مدارس، معماری ایران دوره اسلامی، گرد آوری محمد یوسف کیانی، جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۶۶.
- سلطانزاده، حسین، نایین شهر هزاره‌های تاریخی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، سال ۱۳۷۴.
- شاه حسینی، ناصرالدین، تمدن و فرهنگ ایران، انتشارات دانشگاه سپاهیان انقلاب تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۶.
- شیمل، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، مؤسسه انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸.
- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۵۶.
- طباطبایی، علامه سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، کانون انتشارات محمدی، تهران، ۱۳۵۶.

- ۱۹- فراهانی، ابوالفضل، قوچانی، عبد الله، مسجد جامع ساوه، مؤسسه انتشارات بنیاد تعاون سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰.
- ۲۰- فقیهی، علی اصغر، آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر، انتشارات صبا تهران سال ۱۳۶۵.
- ۲۱- فلاری، اس، مسجد نایین، ترجمه کلود کرباسی، مجله اثر، شماره ۲۲ و ۲۳ انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران ۱۳۷۵.
- ۲۲- قوچانی، عبدالله، بررسی کتبیه‌های تاریخی مجموعه نطنز و مسجد جامع نایین، مجله اثر، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، شماره ۲۶ و ۲۷، تهران سال ۱۳۷۵.
- ۲۳- کریمان، حسین، ری باستان، انتشارات دانشگاه ملی ایران، چاپ دوم، ۱۳۵۴.
- ۲۴- کرمر، جوئل، ل، احیاء فرهنگی در عهد آل بویه، انسان‌گرایی عصر رنسانس اسلامی، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۲۵- گدار، آندره یداگدار، ماکسیم سیرو، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، سال ۱۳۶۶.
- ۲۶- گالدیری، اوژینو، مسجد جمعه اصفهان در دوره آل بویه، ترجمه حسینعلی سلطانزاده پسیان انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، تهران. بی تا.
- ۲۷- گالدیری، اوژن، مسجد جمعه اصفهان، ترجمه عبدالله جبل عاملی، میراث فرهنگی اصفهان، ۱۳۷۰.
- ۲۸- مشایخ فریدنی، محمد حسین، تاریخ نگاری شیعیان سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع، دائرالمعارف تشیع، چاپخانه علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۳.
- ۲۹- مشکوتی، نصرت الله، جرجان، گنبد قابوس، مقاله هنر و مردم، شماره ۵۱ سال ۱۳۵۴.

- ۳۰- مصطفوی، سید محمد تقی، اقلیم پارسی، آثار تاریخی و اماکن باستانی فارس، گنجینه ایران سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵.
- ۳۱- هراتی، محمد مهدی، انواع خطوط کتیبه‌های کهن، هنر آیه نگاری قرآن کریم، انتشارات پیام آزادی، تهران، ۱۳۷۵.
- ۳۲- هراتی، محمد مهدی، تجلی هنر در کتابت الله، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۷.
- ۳۳- هنرف، لطف الله، آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، انتشارات گلهای اصفهان، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- ۳۴- هنرف، لطف الله، آثار تاریخی جی کتاب معماری ایران، بقلم سی و سه پژوهشگر ایرانی گرد آورنده، آسیه جوادی، چاپ خوش تهران سال ۱۳۶۳.

فهرست تصاویر

تصویر ۱- پل بند امیر - (عضدالدوله) در فارس - مأخذ اطلس تاریخ ایران

تصویر ۲- بقعه شاه میرعلی حمزه در شیراز - مأخذ اطلس کتاب شیراز

تصویر ۳- منظره داخلی بقعه شاه میرعلی حمزه در شیراز - مأخذ کتاب شیراز

تصویر ۴- نقشه مسجد جامع نیریز - مأخذ شماره ۳۰

تصویر ۵- ایوان مسجد جامع نیریز - مأخذ کتاب فارس ناشر- بنیاد فارس‌شناسی

تصویر ۶- ایوان اصلی مسجد جامع نیریز - آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان فارس

تصویر ۷- مسجد جمعه نیریز - آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان فارس

تصویر ۸- محراب مسجد جمعه نیریز - آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان فارس

تصویر ۹- کتیبه آل بویه در تخت جمشید - شروین خسروی

تصویر ۱۰- کتیبه آل بویه در تخت جمشید - شروین خسروی

تصویر ۱۱- کتیبه آل بویه در تخت جمشید - شروین خسروی

تصویر ۱۲- موقعیت مسجد جامع اصفهان دوره عباسی - مأخذ شماره ۲۶

- تصویر ۱۳ - موقعیت مسجد جامع اصفهان در دوره آل بویه - مأخذ شماره ۲۶
- تصویر ۱۴ - نقشه مسجد جمیع اصفهان - مأخذ شماره ۲۶
- تصویر ۱۵ و ۱۶ - تصویر مسجد جمیع اصفهان - عکس از نگارنده
- تصویر ۱۷ و ۱۸ - ستونهای دوران آل بویه مسجد جمیع اصفهان - عکس از نگارنده
- تصویر ۱۹ - گنبد جنوبی مسجد جمیع اصفهان - مأخذ کتاب شیراز
- تصویر ۲۰ - سردر مسجد جامع جورجیر اصفهان - نگارنده
- تصویر ۲۱ - جبهه اصلی مسجد جامع نایین - نگارنده
- تصویر ۲۲ - نمای ورودی مسجد جامع نایین - نگارنده
- تصویر ۲۳ - نقشه مسجد جامع نایین - مأخذ شماره ۱۴
- تصویر ۲۴ - نماهای داخل حیاط مسجد جامع نایین - مأخذ شماره ۱۴
- تصویر ۲۵ - کتیبه مسجد جامع نایین نقاشی - سعید خودداری نائینی
- تصویر ۲۶ - کتیبه مسجد جامع نایین - سعید خودداری نائینی
- تصویر ۲۷ - کتیبه مسجد جامع نایین (نقاشی) سعید خودداری نائینی
- تصاویر ۲۸ و ۲۹ - تزئینات و خطوط کوفی شبستان اصلی مسجد جامع نایین - نگارنده
- تصاویر ۳۰ و ۳۱ - تزئینات و خطوط کوفی شبستان اصلی مسجد جامع نایین - نگارنده
- تصاویر ۳۲ و ۳۳ - تزئینات محراب و شبستان اصلی نایین - نگارنده
- تصاویر ۳۴ و ۳۵ - تزئینات محراب شبستان اصلی نایین - نگارنده
- تصویر ۳۶ - تویزه گچبری - مأخذ شماره ۲۱
- تصویر ۳۷ - تزئینات گچبری - مأخذ شماره ۲۱
- تصویر ۳۸ - تزئینات گچبری - مأخذ شماره ۲۱
- تصویر ۳۹ - تزئینات گچبری - مأخذ شماره ۲۱
- تصویر ۴۰ - نقوش گچبری مسجد جامع نایین - مأخذ شماره ۲۱
- تصویر ۴۱ - نمای بیرونی مسجد جامع نظر - مأخذ شماره ۴

- تصویر ۴۲ - نقشه مسجد جامع نظر (بخش دیلمی) - مأخذ شماره ۴
- تصویر ۴۳ - کتیبه گند دیلمی مسجد جامع نظر - زهرا سادات لاریجانی
- تصویر ۴۵ - تزئینات بقعه دوازده امام یزد - نگارنده
- تصویر ۴۶ - بقعه یزد - نگارنده
- تصویر ۴۷ - نمای درونی دوازده امام - مأخذ شماره ۱
- تصاویر ۴۸ - خطوط کوفی قرآنی در بقعه دوازده امام یزد - نگارنده
- تصاویر ۵۰ - خطوط کوفی قرآنی در زیر گند دوازده امام یزد - نگارنده
- تصویر ۵۲ - نقوش تزئینی محراب بقعه دوازده امام یزد - نگارنده
- تصویر ۵۳ - نمای کلی محراب دوازده امام - اداره میراث استان یزد
- تصویر ۵۴ - سنگ قبر الحاقی بقعه دوازده امام - اداره میراث استان یزد
- تصویر ۵۵ - خطوط کوفی رنگی و نقوش در بقعه دوازده امام - اداره میراث استان یزد
- تصویر ۵۶ - خطوط کوفی رنگی و نقوش در بقعه دوازده امام - اداره میراث استان یزد
- تصویر ۵۷ - نقوش تزئینی بقعه دوازده امام - اداره میراث استان یزد
- تصویر ۵۸ - نقوش تزئینی بقعه دوازده امام - اداره میراث استان یزد
- تصویر ۵۹ - نقوش تزئینی بقعه دوازده امام - اداره میراث استان یزد
- تصویر ۶۰ - نقوش تزئینی بقعه دوازده امام - اداره میراث استان یزد
- تصویر ۶۱ - مسجد جامع عتیق یزد - نگارنده
- تصویر ۶۲ - سردر ورودی مسجد جامع عتیق یزد - نگارنده
- تصویر ۶۳ - نقشه مسجد جامع یزد با توجه به دوران آل بویه - مأخذ شماره ۱
- تصویر ۶۴ - بازسازی مسجد دوران آل بویه یزد - مأخذ شماره ۱
- تصویر ۶۵ - نمای گند علی در ابر قو - عکس از آقای خدارحمی
- تصویر ۶۶ - کتیبه گند علی در ابر قو - عکس از آقای خدارحمی
- تصویر ۶۷ - کتیبه گند بزرگ گند علی - مأخذ شماره ۲۵

- تصویر ۶۸ - کتیبه سردر گنبد علی - مأخذ شماره ۲۵
 تصویر ۶۹ - نمای قدمگاه فراشا در یزد - آرشیو سازمان میراث فرهنگی
 تصویر ۷۰ - کتیبه قدمگاه فراشا - مأخذ شماره ۱
 تصویر ۷۱ - کتیبه خط کوفی قدمگاه فراشا - مأخذ شماره ۱
 تصویر ۷۲ - محراب قدمگاه فراشا - مأخذ شماره ۱
 تصویر ۷۳ - تصاویر آرامگاه شاهان آل بویه در شهر ری - نگارنده
 تصویر ۷۶ - نقشه قرارگیری مدفن شخصیتهای بزرگ اسلامی در ری - مأخذ شماره ۲۳
 تصویر ۷۷ - نقشه آرامگاه شاهان آل بویه در نقاره‌خانه - مأخذ شماره ۲۳
 تصاویر ۷۸ - تصویر برج سنگ و آجر در بالای مقبره شاهان آل بویه - مأخذ شماره ۲۳
 تصویر ۸۰ - برج از میان رفته ری که دارای خط و کتیبه کوفی بوده است - مأخذ شماره ۲۳
 تصویر ۸۲ - دیوار دوره دیلمی مقبره حضرت عبدالعظیم - نگارنده
 تصویر ۸۴ - کتیبه دیوار دوره دیلمی حضرت عبدالعظیم - نگارنده
 تصویر ۸۵ - کتیبه دیوار دوره دیلمی حضرت عبدالعظیم - نگارنده
 تصویر ۸۶ - گنبد قاجاری و گنبد آل بویه مقبره بی بی شهربانو - نگارنده
 تصویر ۸۷ - گنبد آل بویه مقبره بی بی شهربانو - نگارنده
 تصویر ۸۸ - داخل گنبد دیلمی مقبره بی بی شهربانو - نگارنده
 تصویر ۸۹ - نقشه بقعه بی بی شهربانو در شهر ری - نگارنده
 تصویر ۹۱ - محراب مسجد ری (آل بویه) - در موزه ایران باستان - نگارنده
 تصویر ۹۲ - تزئینات کتیبه مکشوفه مسجد قرن چهارم در ری (موزه ایران باستان) - نگارنده
 تصویر ۹۳ - تزئینات کتیبه مکشوفه مسجد قرن چهارم در ری (موزه ایران باستان) -

نگارنده

تصویر ۹۴ - تزئینات کتیبه مکشوفه مسجد قرن چهارم در ری (موزه ایران باستان) -
نگارنده

تصاویر ۹۵ - تزئینات کتیبه مکشوفه دیوار مسجد مدرسه ری (موزه ایران باستان) -
نگارنده

تصاویر ۹۷ - تزئینات کتیبه‌ای قرن چهارم مسجد سرمح کرمانشاه (موزه ایران باستان) -
نگارنده

تصویر ۹۹ - کتیبه برج رسگت - مأخذ شماره ۲۴

تصویر ۱۰۰ - برج رسگت - آرشیو سازمان میراث فرهنگی

تصویر ۱۰۱ - برج لاجیم - آرشیو سازمان میراث فرهنگی

تصویر ۱۰۲ - کتیبه مضاعف برج لاجیم - اطلس تاریخ ایران

تصویر ۱۰۳ - متن کتیبه برج لاجیم - مأخذ شماره ۲۵

تصویر ۱۰۴ - نمای برج رادکان - آرشیو سازمان میراث فرهنگی کشور

تصویر ۱۰۵ - کتیبه برج رادکان - آرشیو سازمان میراث فرهنگی کشور

تصویر ۱۰۶ - کتیبه برج رادکان - مأخذ شماره ۹

تصویر ۱۰۷ - مسجد اسپیه مزگت - میراث فرهنگی استان گیلان

تصویر ۱۰۸ - مسجد اسپیه مزگت - میراث فرهنگی استان گیلان

تصاویر ۱۰۹ الی ۱۱۴ - کتیبه کوفی اسپیه مزگت - مأخذ شماره ۱۱

تصویر ۱۱۵ - نمای گنبد خانه مسجد قروه - هنگامه آل آقا

تصویر ۱۱۶ - زیر گنبد مسجد قروه - هنگامه آل آقا

تصویر ۱۱۹ - محراب مسجد جامع قروه - آرشیو سازمان میراث فرهنگی کشور

تصاویر ۱۱۷ و ۱۱۸ - نقوش تزئینی و گوشہ‌سازی در گنبد خانه مسجد جامع قروه -
هنگامه آل آقا

تصاویر ۱۲۰ - تزئینات آجری و کتیبه‌های مسجد جامع قروه - آرشیو سازمان میراث فرهنگی کشور

تصویر ۱۲۱ - کتیبه خط کوفی مسجد جامع قروه - آرشیو سازمان میراث فرهنگی کشور

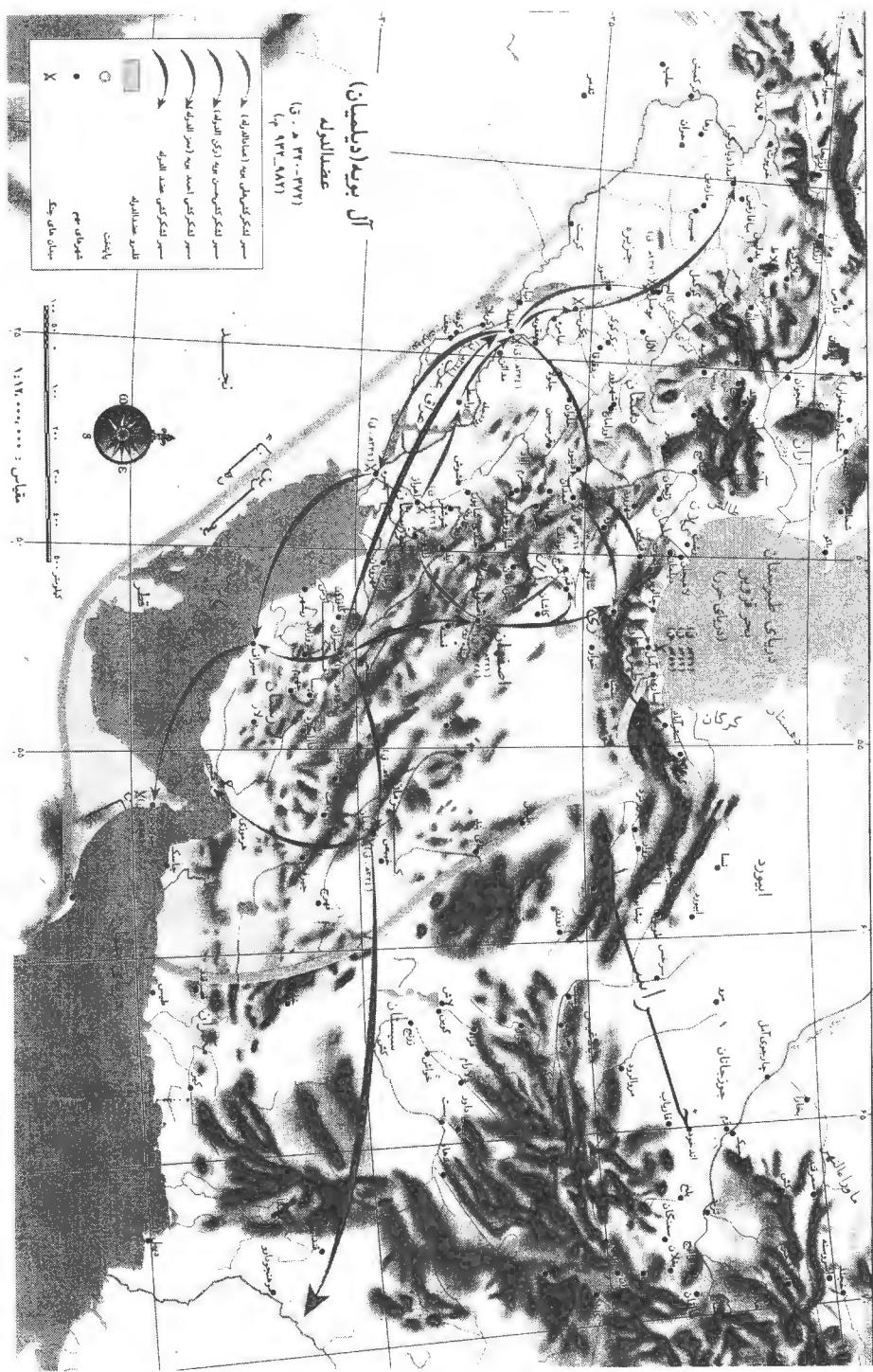
تصاویر ۱۲۲ و ۱۲۳ - طرح کتیبه کوفی مکشوفه در مسجد جامع ساوه - مأخذ شماره ۱۹

تصویر ۱۲۴ - طرح خط کوفی قرن چهارم منسوب به ابن مقله - مأخذ شماره ۱۹

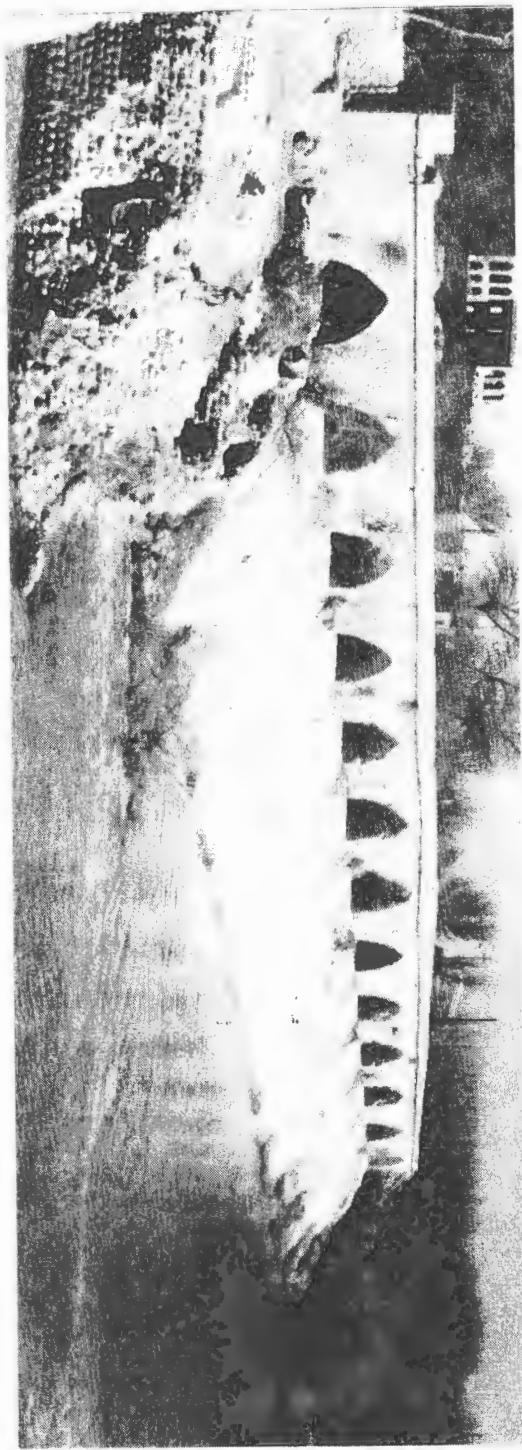
تصویر ۱۲۵ - قطعات محراب مکشوفه در شبستان جنوبی - مأخذ شماره ۱۹

تصاویر

نقشه شماره یک - متصروفات آل بویه و مسیرهای لشکر کشی آنان



تصویر ۱ - پل پندر امیر عضدالدّوله دیلمی در فارس



مانند: کتاب اطلس تاریخ ایران

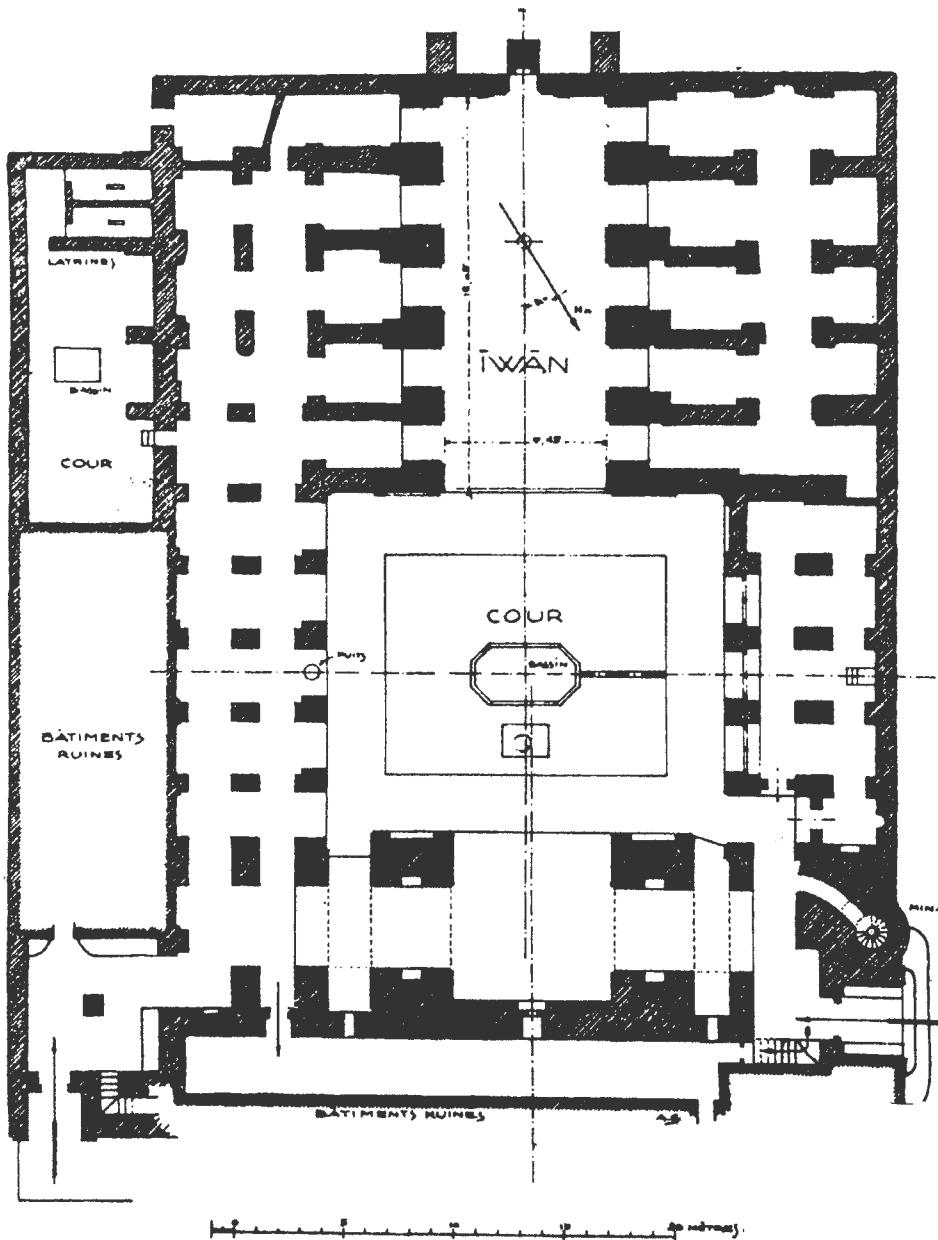


تصویر ۲- بقعة شاه میر علی بن حمزه در شیراز- اصل بنا مربوط به دوره دیلمی

تصویر ۳- منظره داخلی بقعة شاه میر علی حمزه شیراز

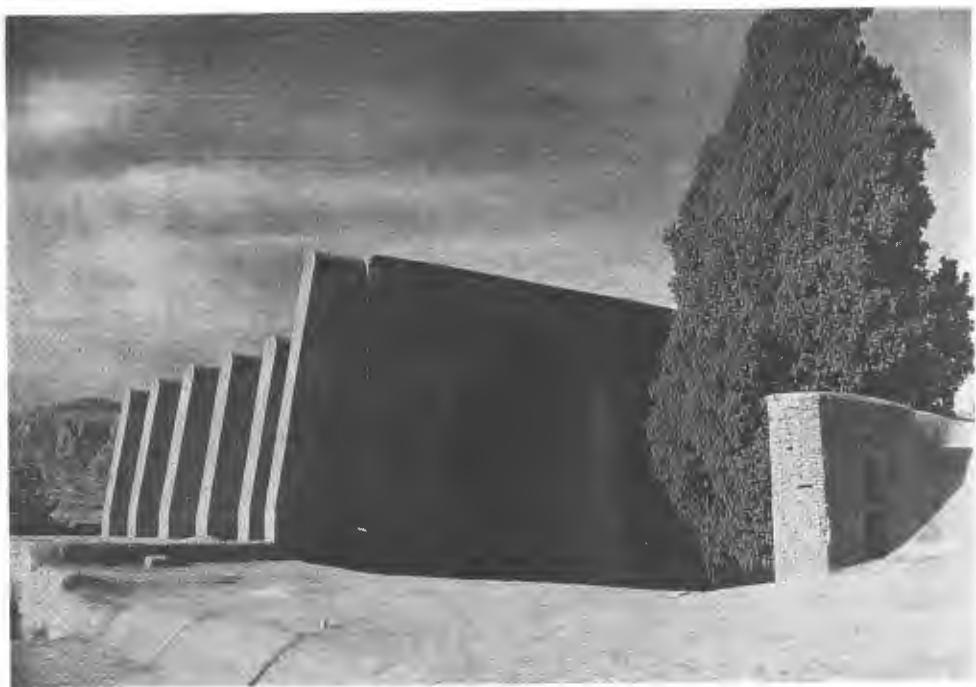


مأخذ: کتاب شیراز- محمد صادقی فساپی



تصویر ۴- نقشه مسجد جامع نیز

مأخذ: کتاب اقلیم پارس



تصویر ۵- ایوان مسجد جمعه نیریز

مأخذ: کتاب اقلیم پارس

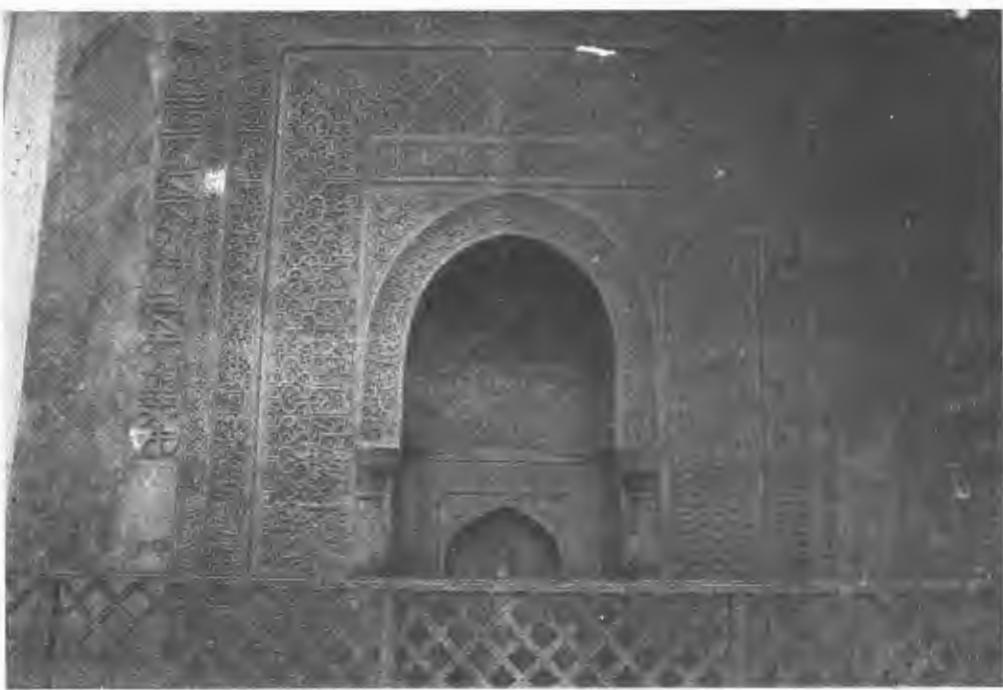


تصویر ۶- ایوان اصلی مسجد جامع نیریز



تصویر ۷- نمای داخلی مسجد جمعه نیریز

مأخذ: میراث فرهنگی استان فارس



تصویر ۸-بخشی از محراب مسجد جامع نیریز

مأخذ: میراث فرهنگی استان فارس

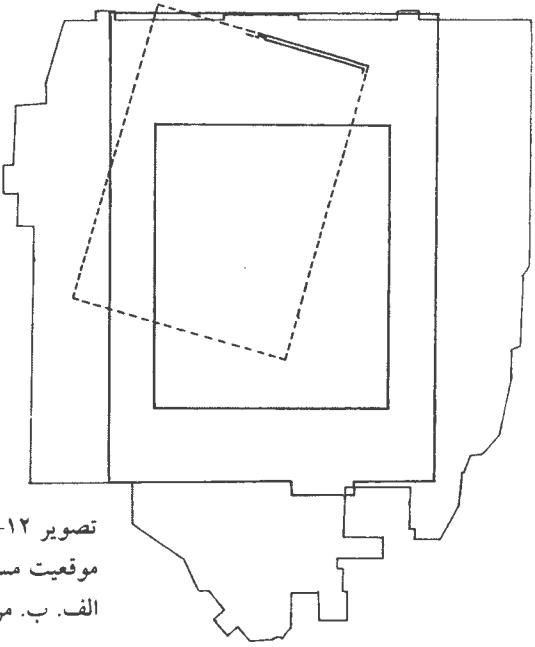


تصویر ۹- کتیبه عضدالدوله دیلمی در تخت جمشید

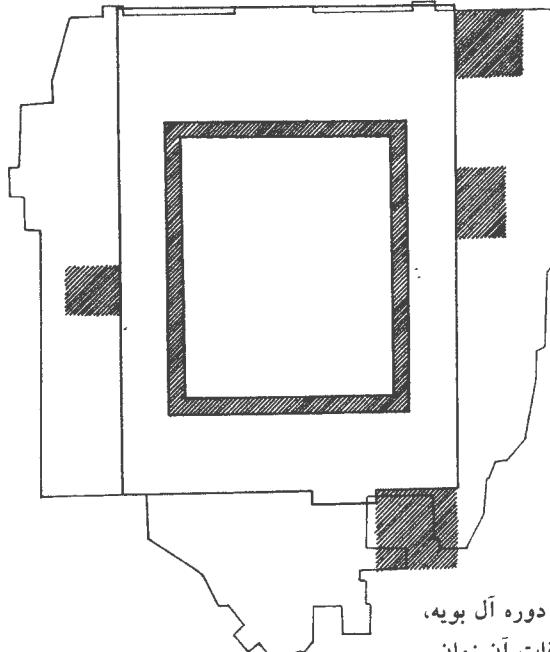
تصویر ۱۱- کتیبه‌های شاهان آل بویه در تخت جمشید



عکاس: آقای شروین خسروی

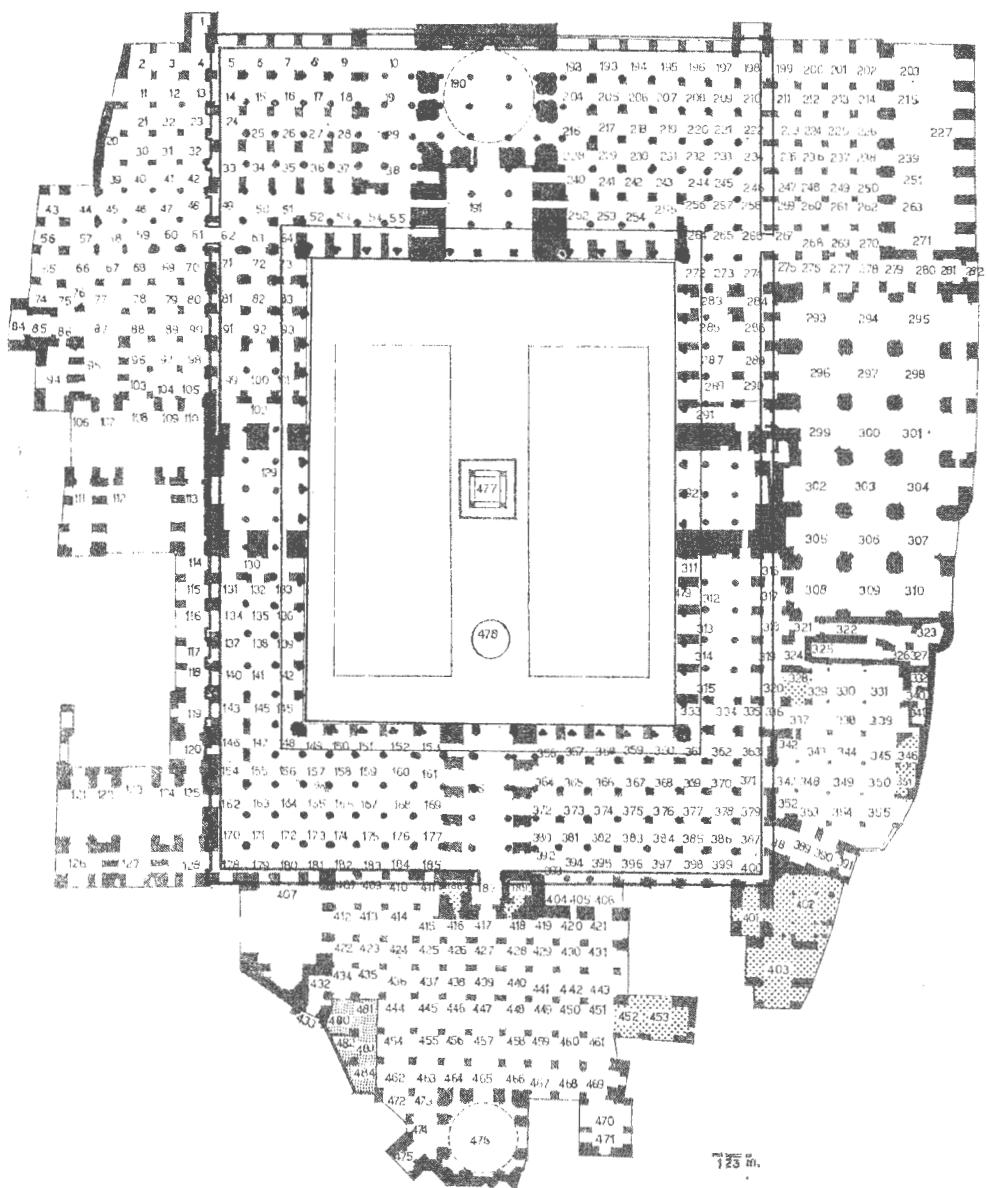


تصویر ۱۲- مرحله اولیه دوره عباسی (قرن ۹-۸).
موقعیت مسجد اولیه قرن دوم به صورت نقطه چین است.
الف. ب. مراحل مختلف ساختمان اصلی مسجد.



تصویر ۱۳- مسجد در دوره آل بویه،
بعد از گسترش و الحاقات آن زمان.
(مسجد جمعه اصفهان)

مأخذ: کتاب مسجد جمعه اصفهان



تصویر ۱۴ - مسجد جمعه اصفهان

مأخذ: کتاب مسجد جمعه اصفهان

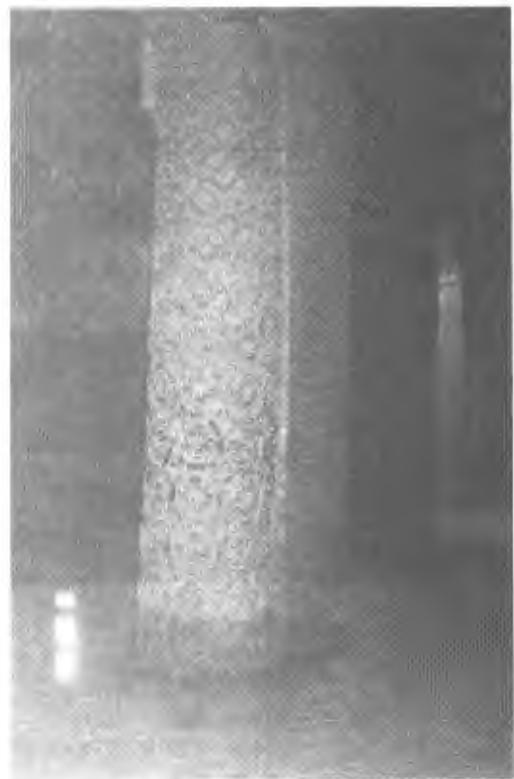


تصویر ۱۵ - مسجد جامع اصفهان



تصویر ۱۶ - مسجد جامع اصفهان

عکاس: نگارنده

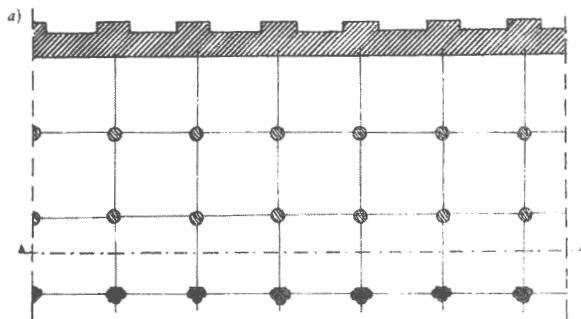


تصویر ۱۷- ستون‌های مسجد جمعه اصفهان در دوره آل بویه

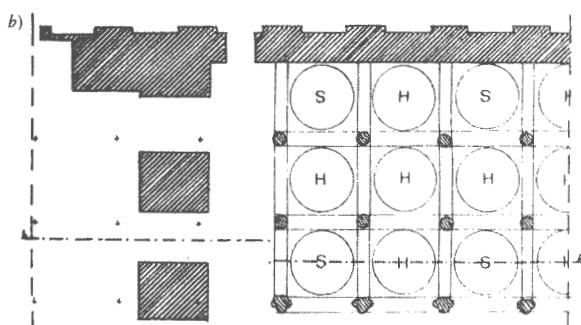
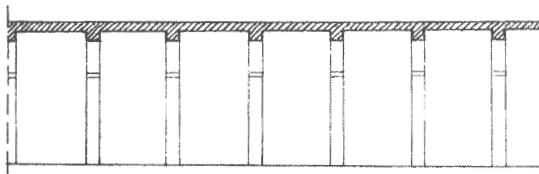


تصویر ۱۸- ستون‌های مسجد جمعه اصفهان در دوره آل بویه

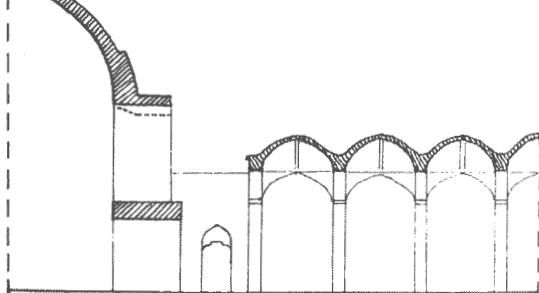
عکاس: نگارنده



الف

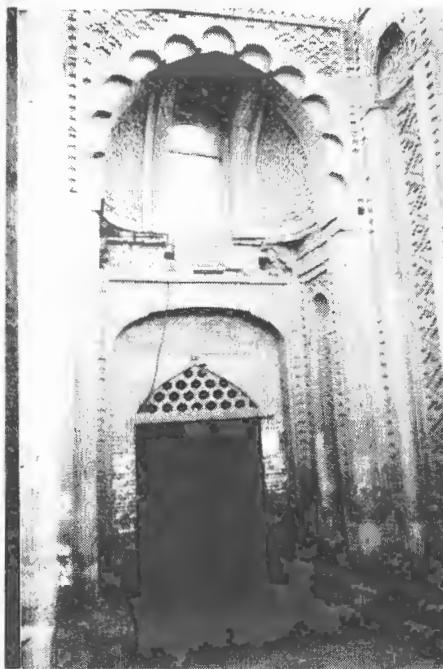


ب



مأخذ: کتاب مسجد جمعه اصفهان

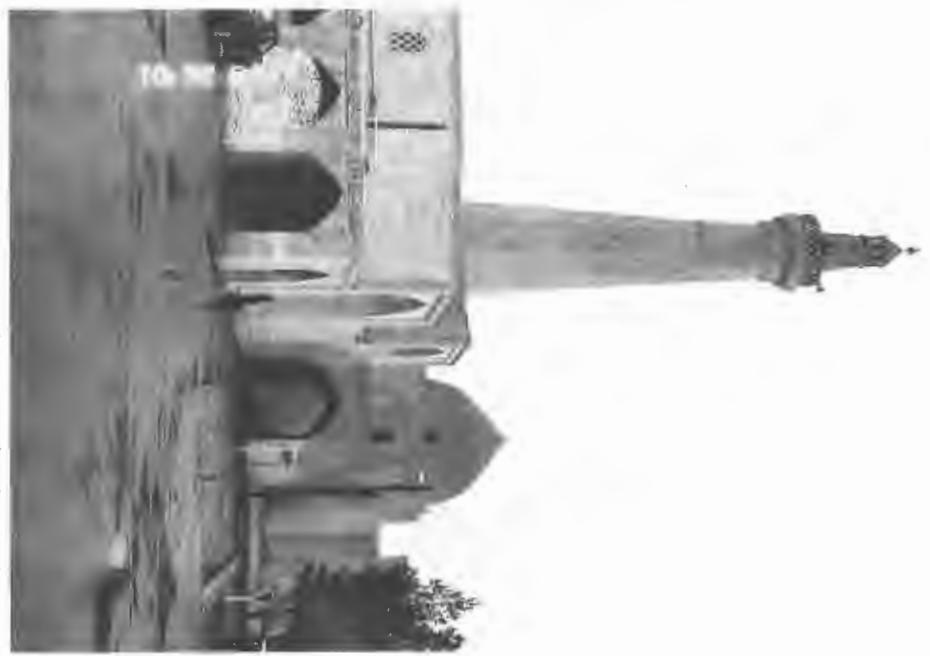
تصویر ۱۹ - مسجد جمعه اصفهان:
مراحل مختلف ساختمان
الف. اولین مرحله مربوط به دوره عباسی
و گسترش آن در دوره آل بویه.
ب. احداث ایوان شرقی و رواق‌های
اطراف آن و پوشش شبستان‌ها به
صورت طاق و چشم.
ج. پوشش رواق کناری معروف به اتاق
شماره ۱۰۲ (احتمالاً مربوط به قرن ۱۵
میلادی)
د. تجدید ساختمان اتاق جنوب شرقی.



تصویر ۲۰ - سر در ورودی مسجد جورجی اصفهان



عکاس: نگارنده

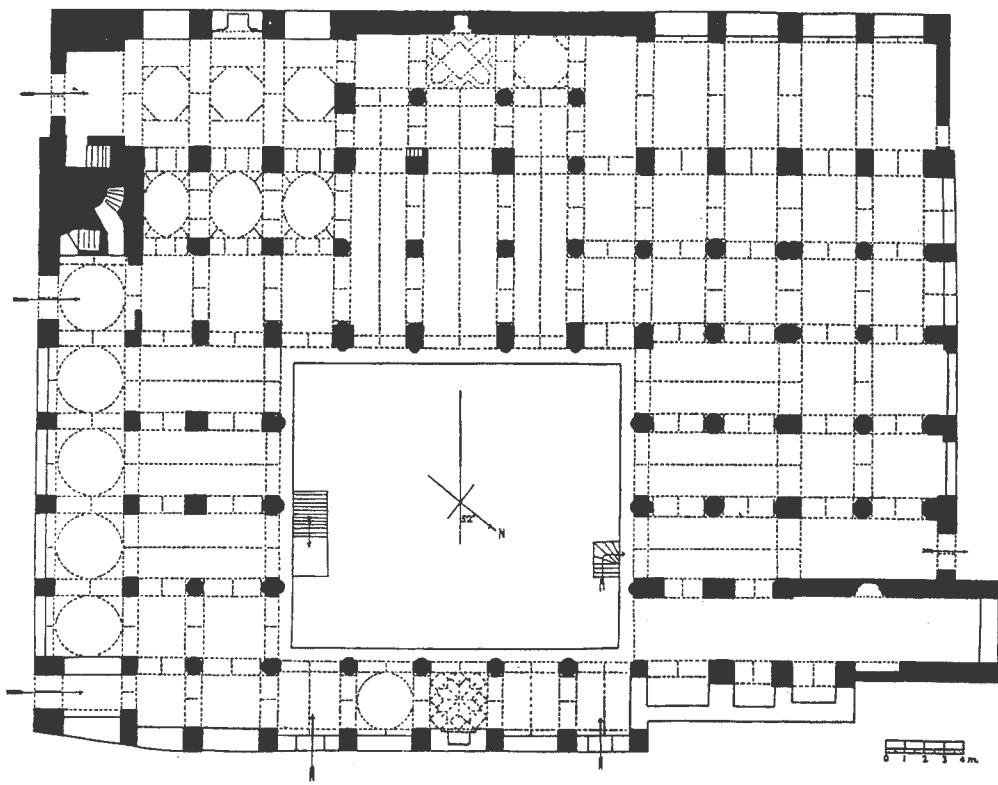


تصویر ۲۱ - جبهه اصلی مسجد جامع ناین



تصویر ۲۲ - نمای درودی مسجد جامع ناین

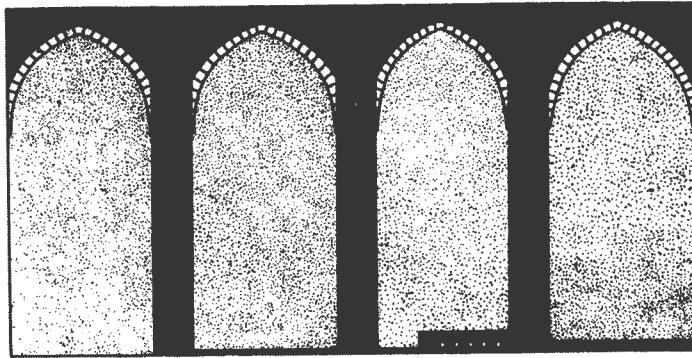
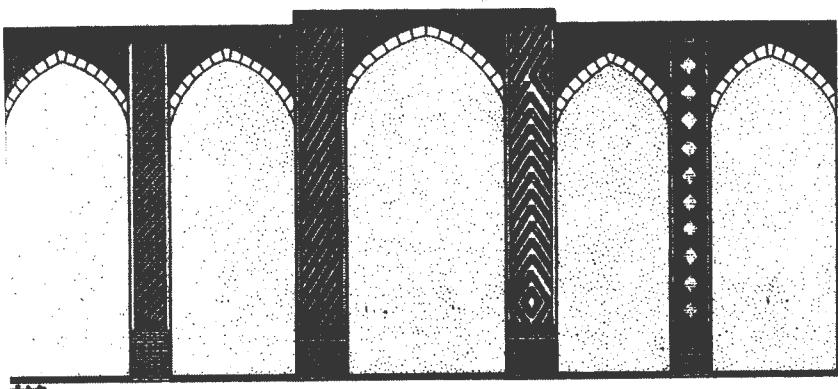
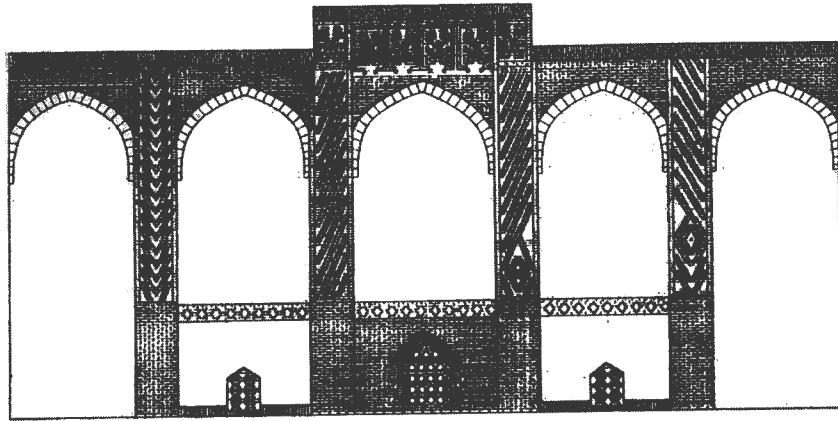
عکاس: سید رده



Drawn by Eric Schroeder.

تصویر ۲۳ - نقشه مسجد جامع نایین

مأخذ: کتاب نایین شهر هزاره های تاریخی



تصویر ۲۴ - نماهای داخلی حیاط مسجد جامع نایین

مأخذ: کتاب نایین شهر هزاره‌های تاریخی



تصویر ۲۵ - کتیبه (سورة توبه آیه ۱۸)



عکاس: سعید خودداری نائینی

تصویر ۲۶ - لا اله الا الله



تصویر ۲۷- کتیبه خط کوفی نقاشی در مسجد جامع نائین- الجبروت الله

عکاس: نگارنده



تصویر ۲۸- تزئینات و خطوط کوفی شبستان اصلی مسجد ناین



تصویر ۲۹- تزئینات و خطوط کوفی شبستان اصلی مسجد ناین

عکاس: نگارنده

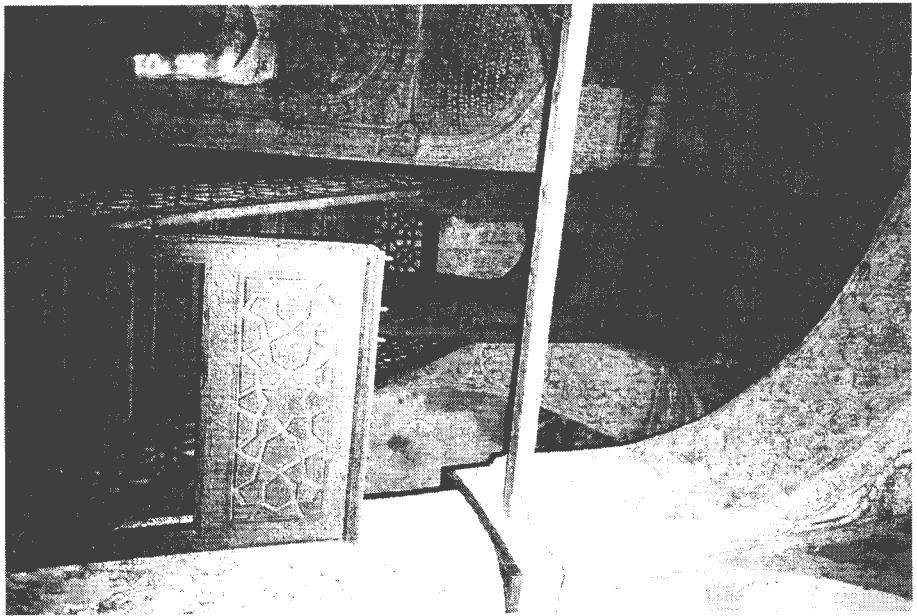
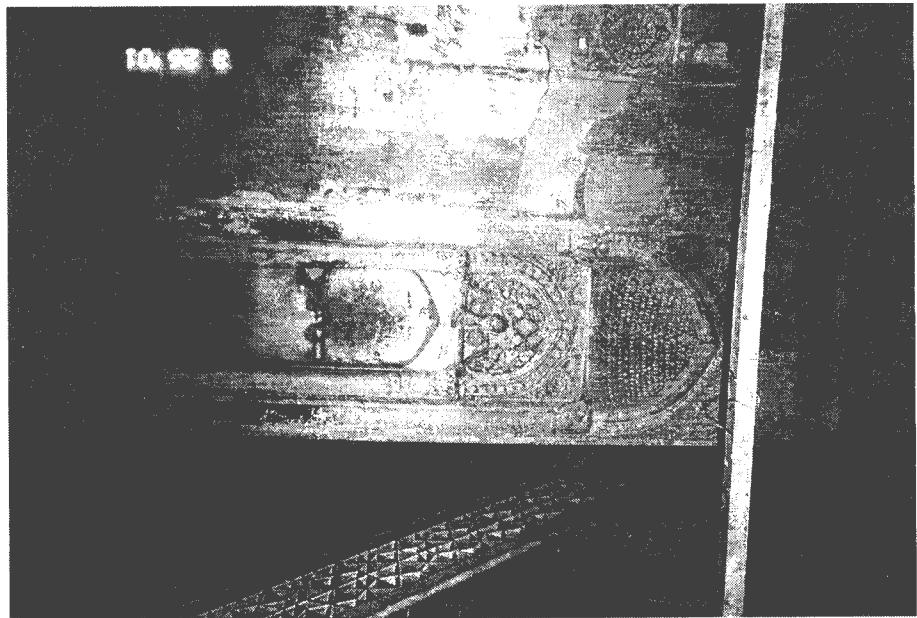


تصویر ۳۰- کتیبه‌های خط کوفی در مسجد نایین



تصویر ۳۱- کتیبه‌های خط کوفی در مسجد نایین
عکاس: نگارنده

تصویر ۳۲ و ۳۳ - تزئینات محراب و شبستان اصلی مسجد جامع نایین



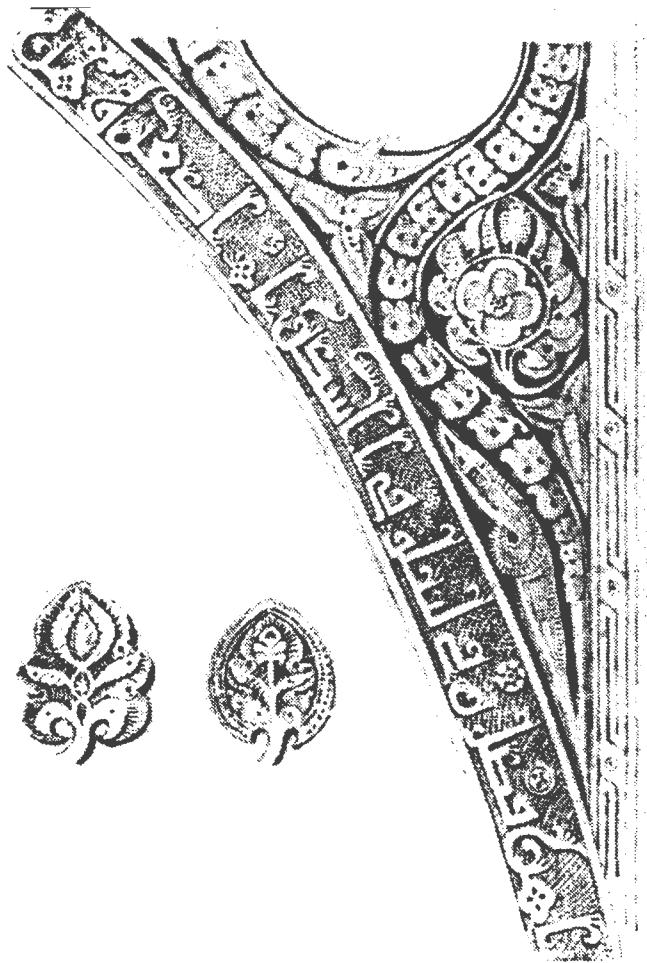
عکاس: گارنده



تصاویر ۳۴ و ۳۵- تزئینات و کتیبه خط کوفی مسجد جامع ناین



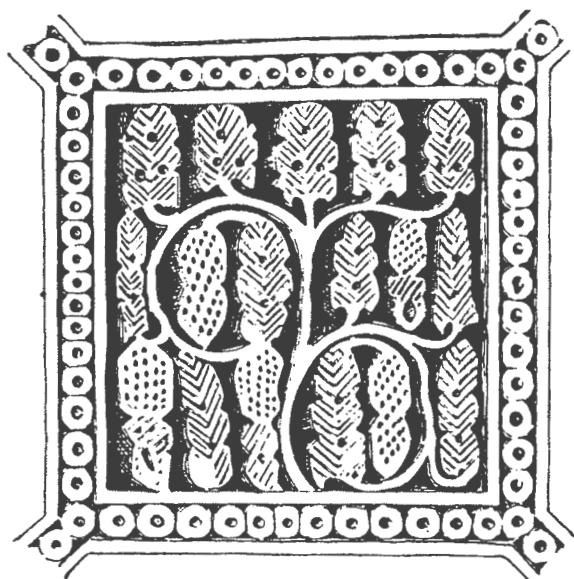
عکاس: نگارنده

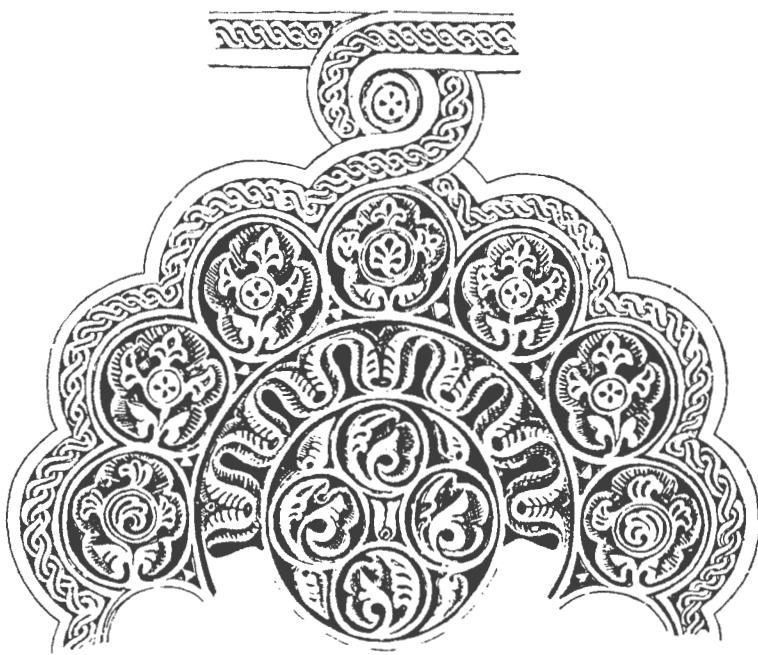


تصویر ۳۶- نقوش گچبری و کتیبه گچی مسجد جامع نایین

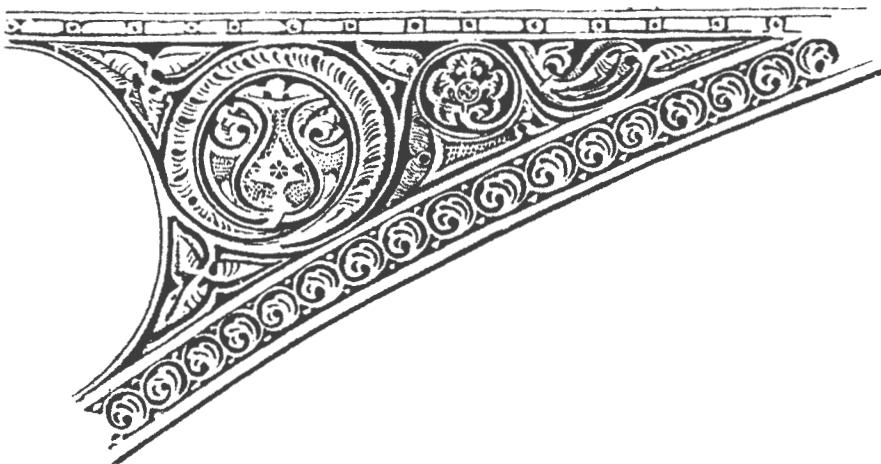


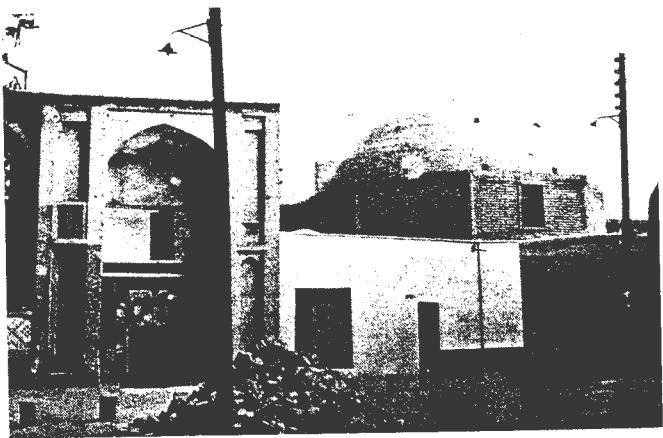
تصویر ۳۷ و ۳۸ - نقوش گچبری مسجد جامع نایین



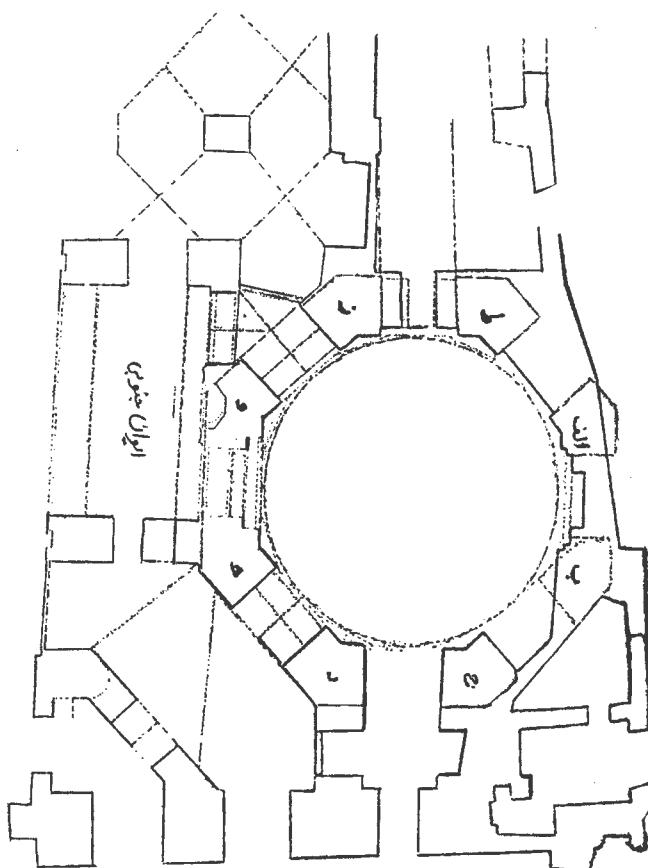


تصویر ۳۹ و ۴۰ - نقوش گچبری مسجد جامع نایین





تصویر ۴۱- نمای بیرونی گنبد آجری مسجد جامع نظرز



تصویر ۴۲- مسجد جامع نظرز- گنبد آجری مربوط به عهد دیلمی

مأخذ: کتاب میراث فرهنگی نظرز



تصویر ۴۳- تزئینات کتیبه‌ای مسجد جامع نظر



تصویر ۴۴- کتیبه گند آل بوبه مسجد جامع نظر

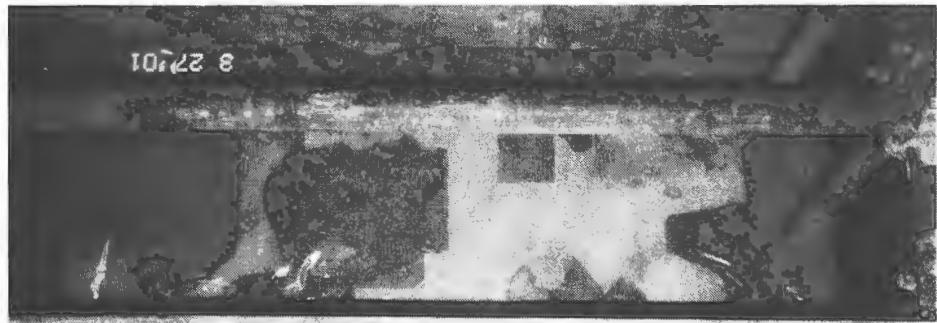
عکاس: زهرا سادات لاریجانی

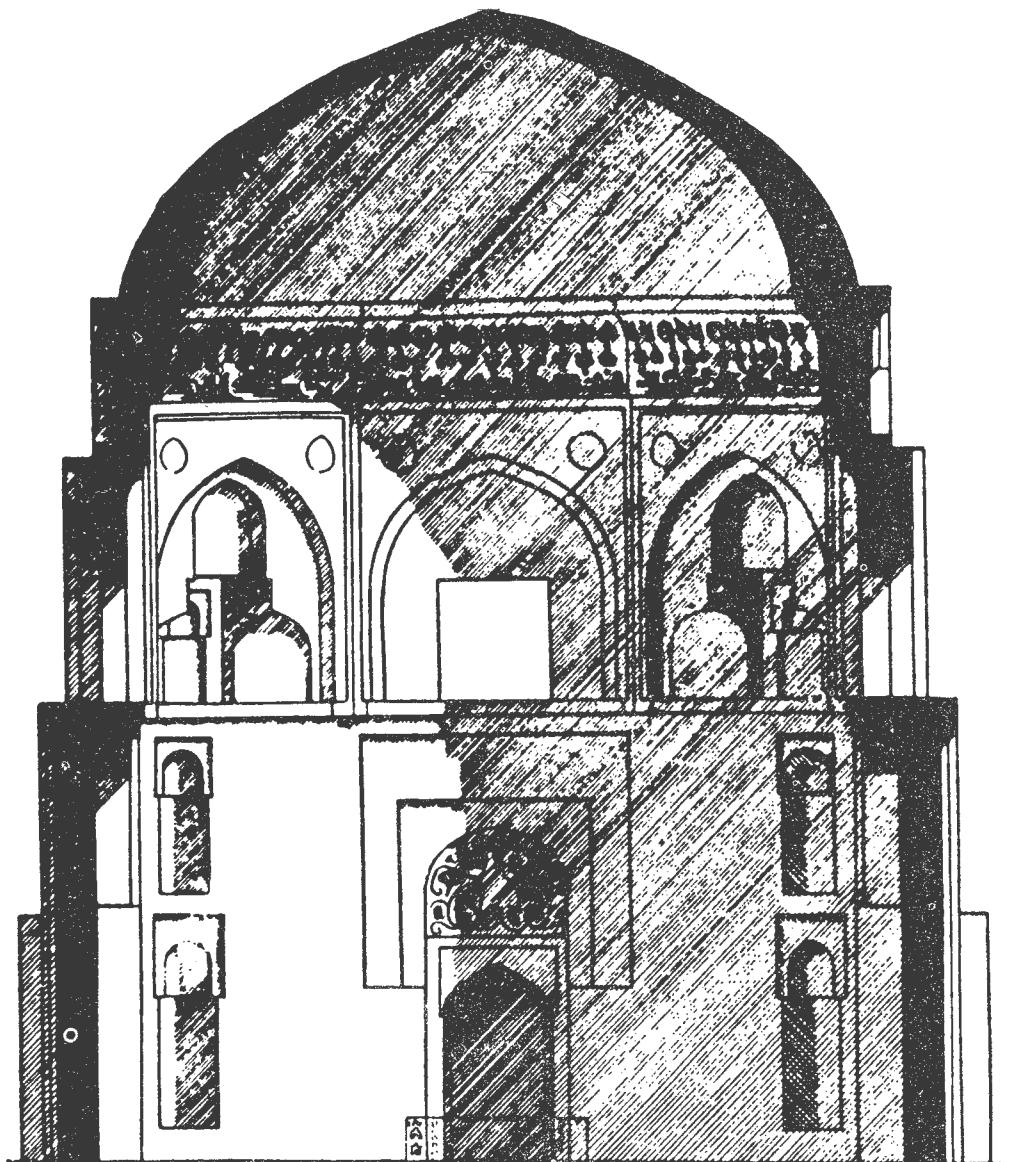
۱۰۰٪ بیانیه

۳۰ مارچ ۲۰۰۵ء پہنچا۔ ۳۰ مارچ ۲۰۰۵ء پہنچا۔



۳۰ مارچ ۲۰۰۵ء پہنچا۔ ۳۰ مارچ ۲۰۰۵ء پہنچا۔





تصویر ۴۷- نمای درونی دوازده امام

مأخذ: کتاب یادگارهای برد



تصاویر ۴۸ و ۴۹ - خطوط کوفی قرآنی در بقعه دوازده امام یزد



عکاس: نگارنده



تصاویر ۵۰ و ۵۱- خطوط کوفی قرآنی در بقعة دوازده امام یزد



عکاس: نگارنده



تصویر ۵۲- نقش تزئینی محراب بقعة دوازده امام یزد



تصویر ۵۴- سنگ قبر الحاقی بقعة دوازده امام



تصویر ۵۳- نمای کلی محراب دوازده امام

عکاس: نگارنده



تصاویر ۵۵ و ۵۶ - خط کوفی رنگی در طاقچه بقعة دوازده امام



عکس از میراث فرهنگی یزد



تصاویر ۵۷ و ۵۸ - گچبری نقاشی بقعة دوازده امام یزد



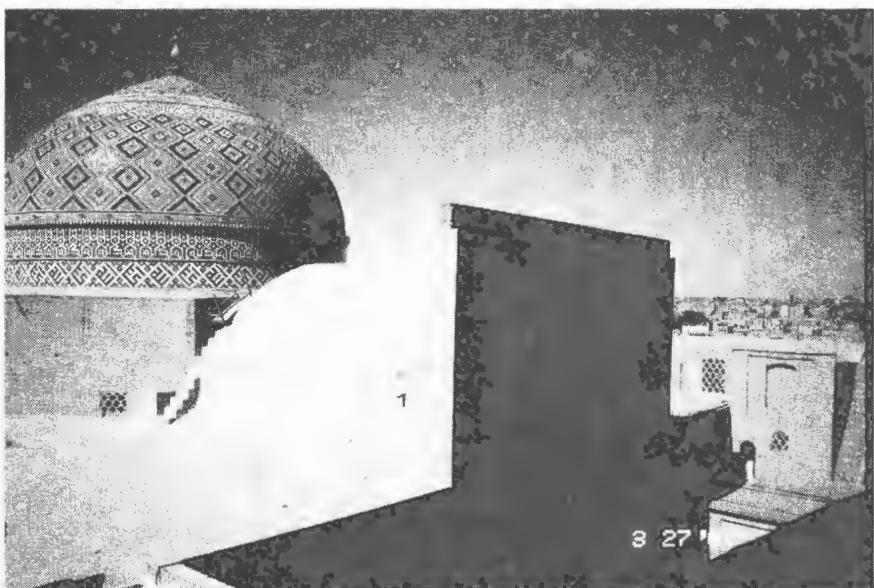
عکس از میراث فرهنگی یزد



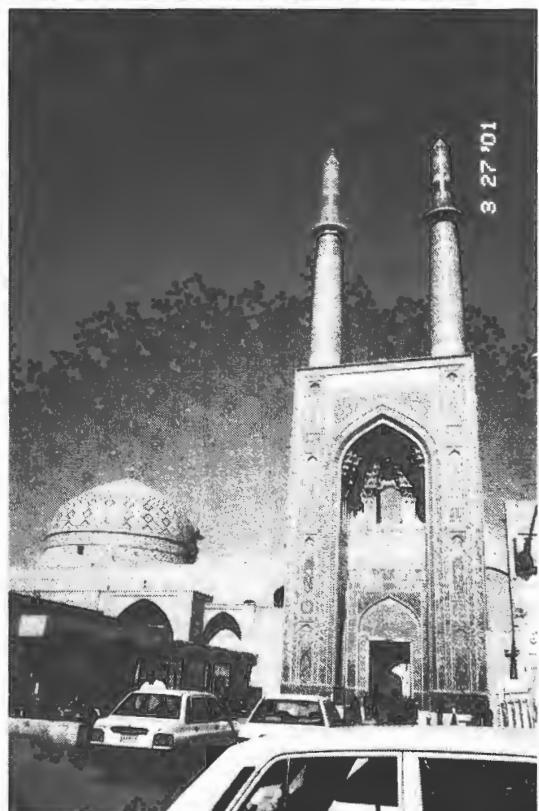
تصاویر ۵۹ و ۶۰ - خط کوفی نقاشی بقعه دوازده امام یزد



عکس از میراث فرهنگی یزد

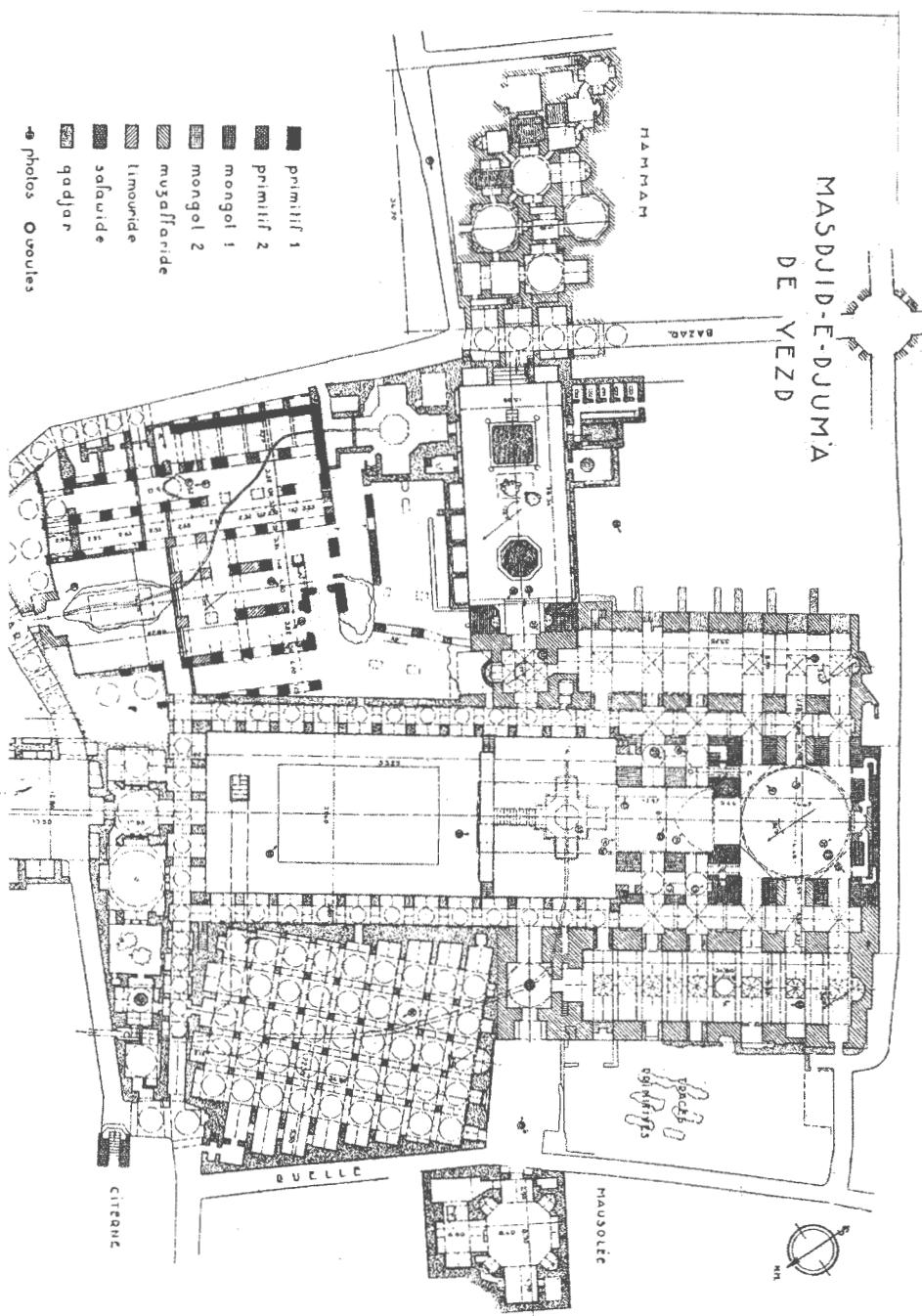


تصاویر ۶۱ و ۶۲ - مسجد جامع عتیق یزد



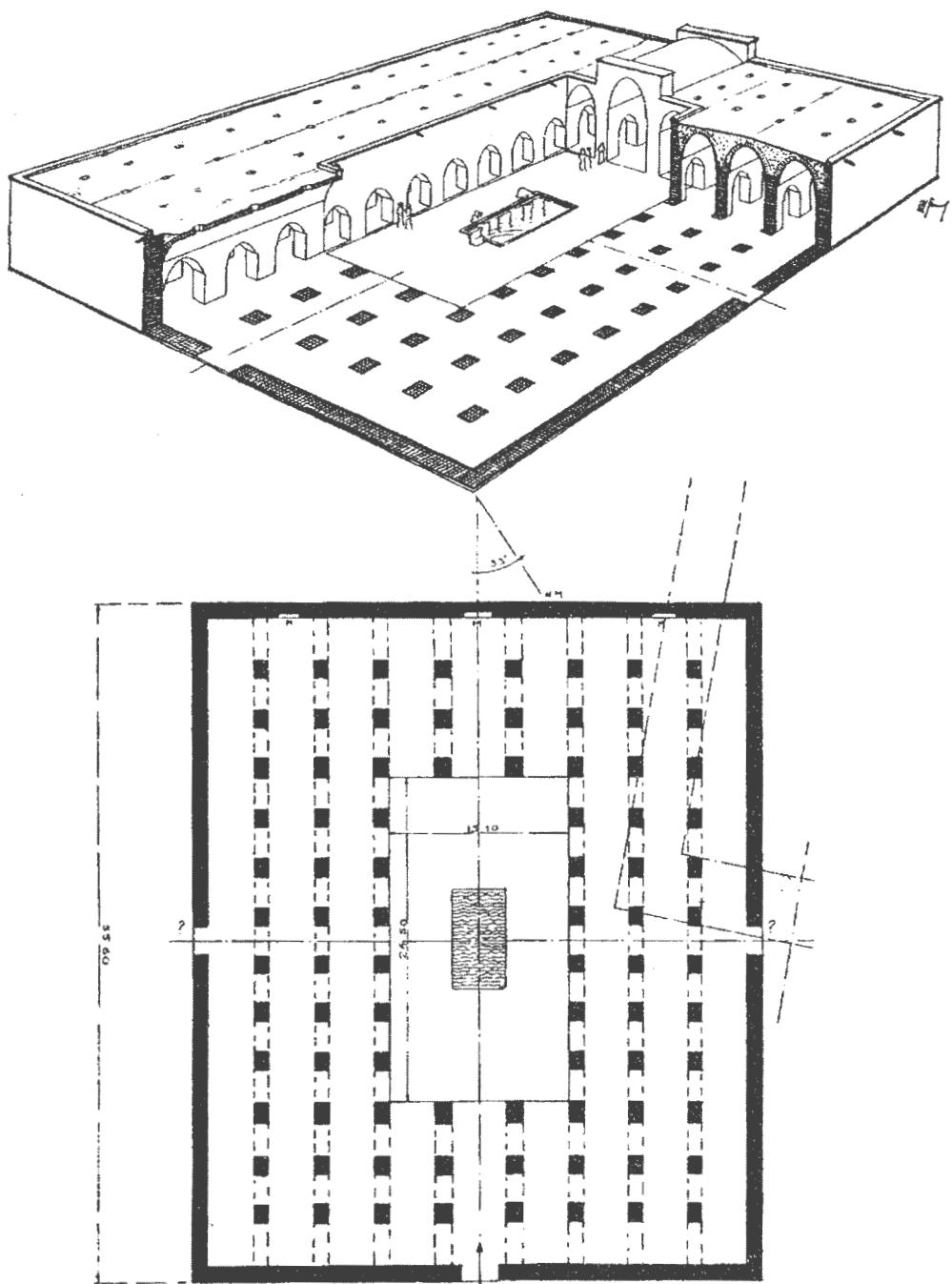
عکاس: نگارنده

MASJID-E-DJUM'A
DE YEZD



تصویر ۳۳ - نقشه مسجد جامع یزد با توجه به بخش دوران آن دوره

مانند: کتاب یادگارهای یزد



تصویر ۶۴- بازسازی مسجد دوران آل بویه یزد

مأخذ: کتاب یادگارهای یزد

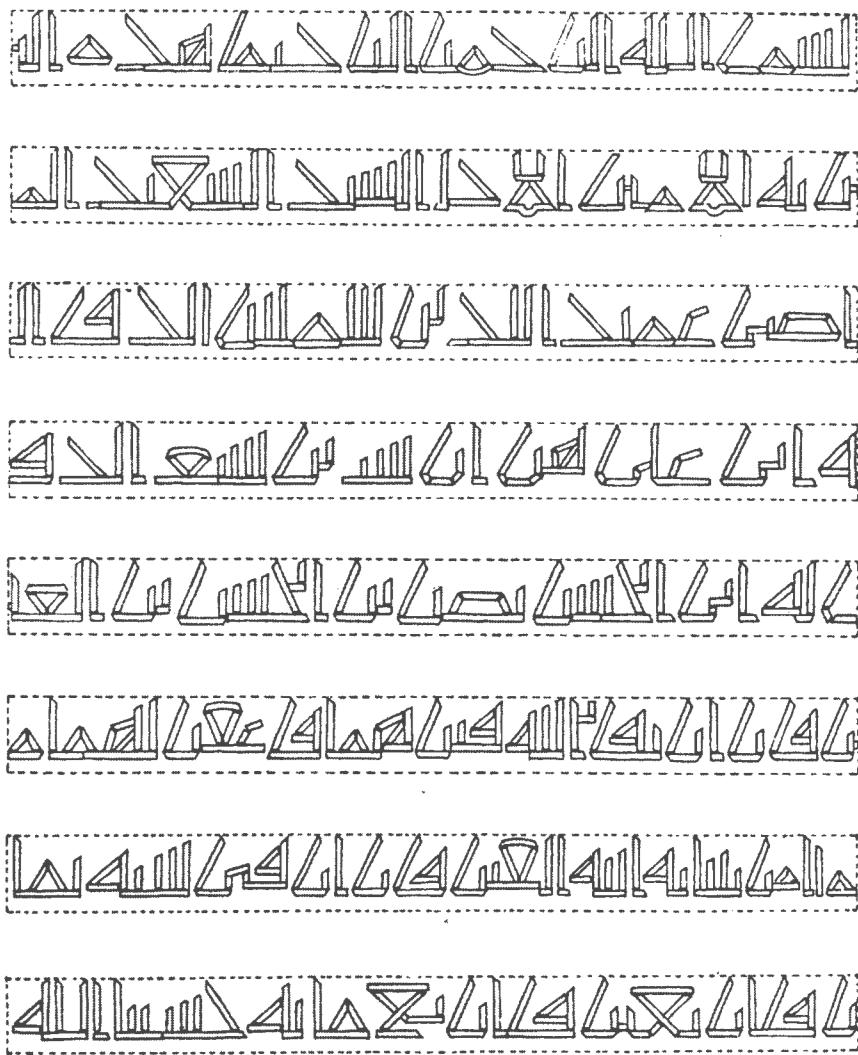


تصویر ۶۵- نمای گند علی در ابرقو



تصویر ۶۶- کتیبه گند علی در ابرقو

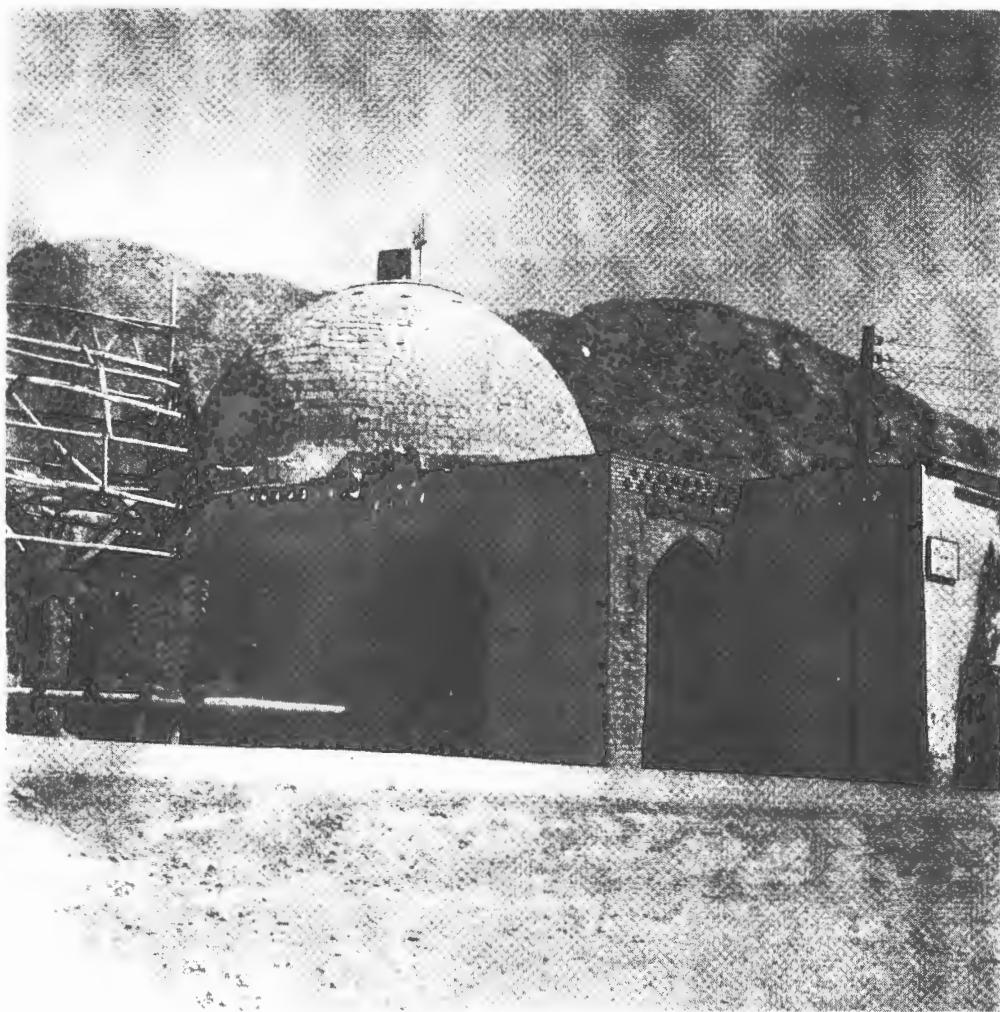
عکاس: فرید خدار حمی



تصویر ۶۷- کتیبه بزرگ گنبد علی

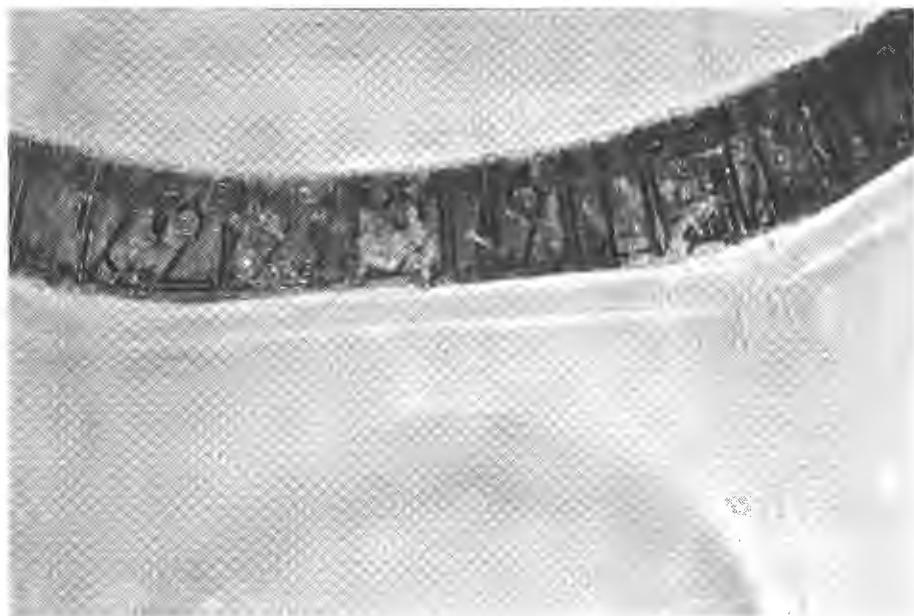


تصویر ۶۸- کتیبه سردر گنبد علی

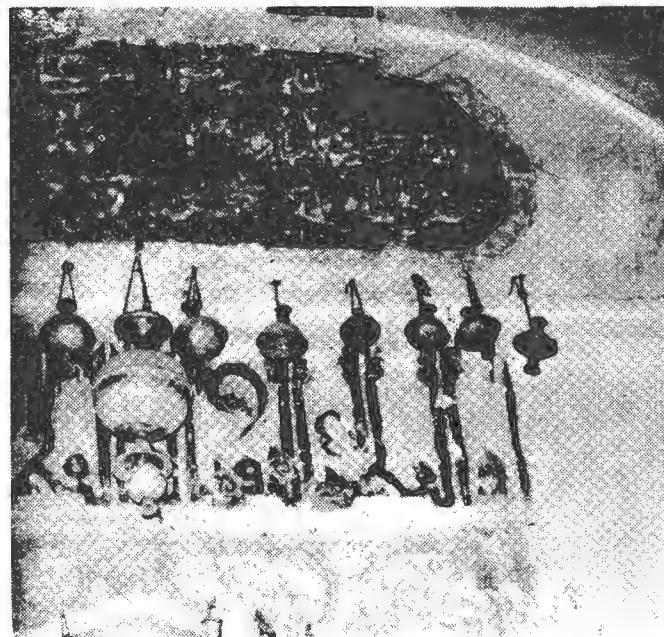


تصویر ۶۹- مسجد قدیمگاه فراشا یزد

مأخذ: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی

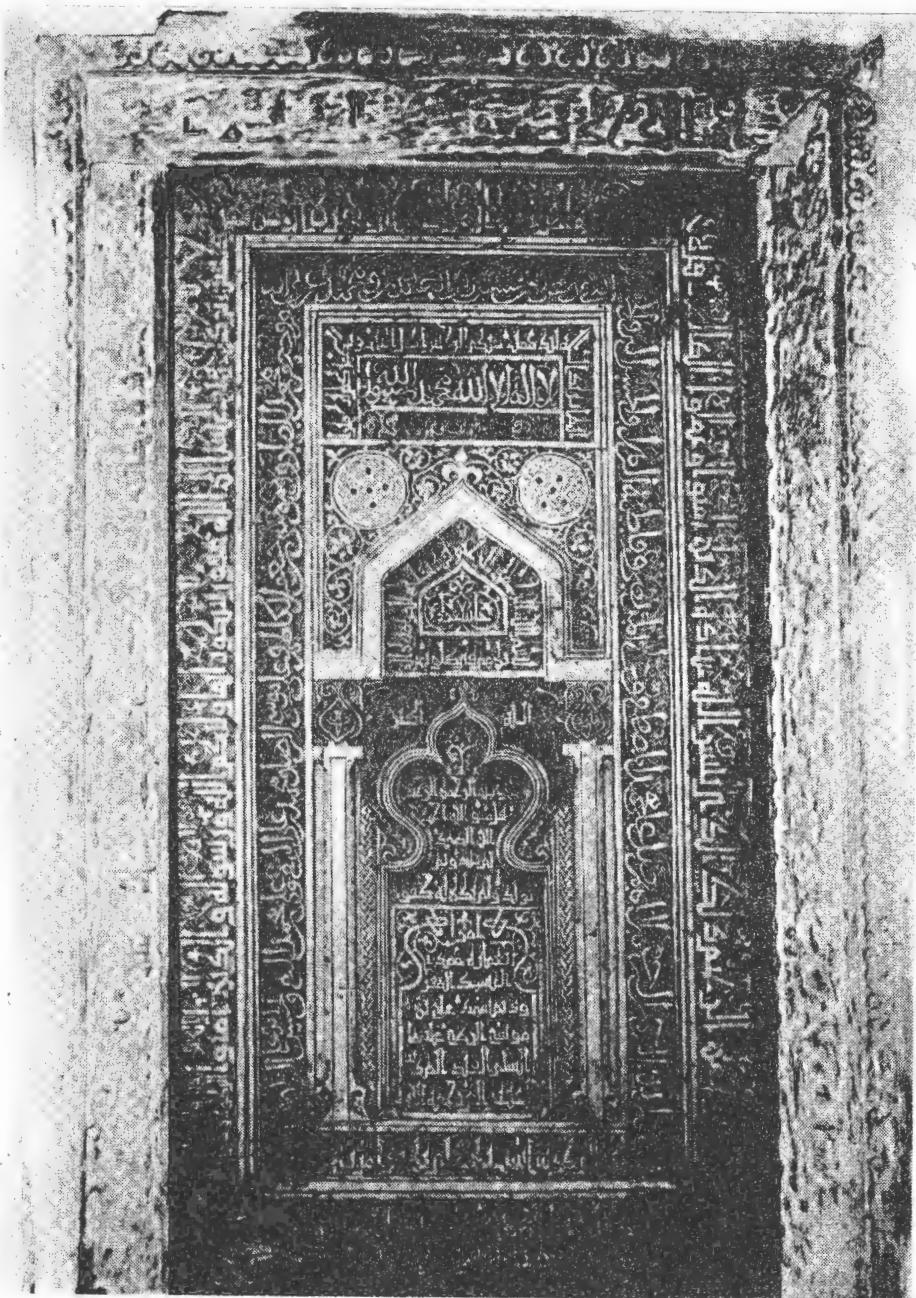


تصویر ۷۰- کتیبه خط کوفی قدمگاه فراشا



تصویر ۷۱- کتیبه بالای محراب قدمگاه فراشا

مأخذ: کتاب یادگارهای یزد



تصویر ۷۲- محراب سنگی قدمگاه فراشا با تاریخ ۵۱۲ هق

مأخذ: کتاب یادگارهای بزد



تصویر ۷۳- مقابر آل بویه
بر فراز کوه نقارخانه

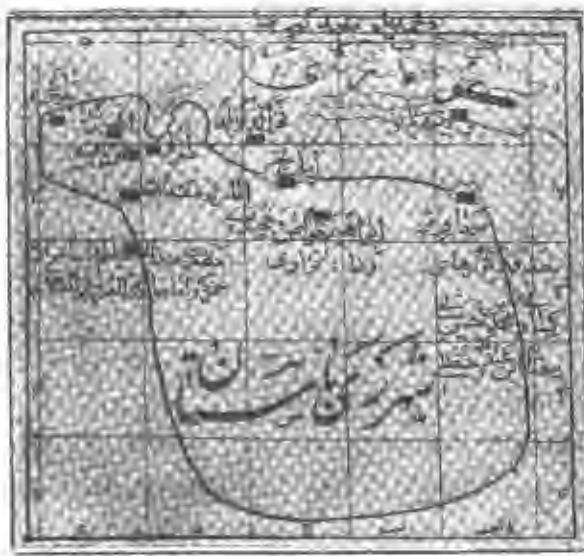


تصویر ۷۴- مقبره آل بویه
و بخشی از قلعه طبرک

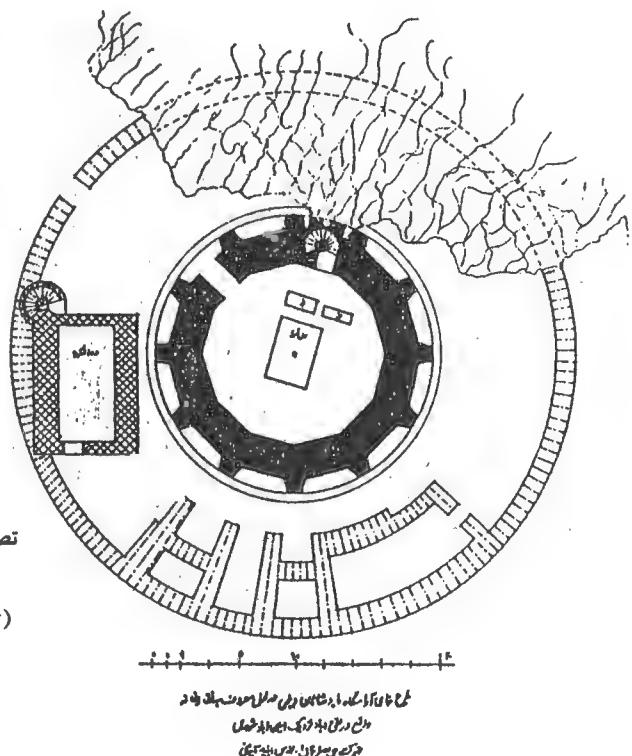


تصویر ۷۵- آرامگاه شاهان
آل بویه در شهر ری

عکاس: نگارنده



تصویر ۷۶- مدفن شخصیت‌های بزرگ اسلامی در ری



تصویر ۷۷- نقشه آرامگاه شاهان آل بویه

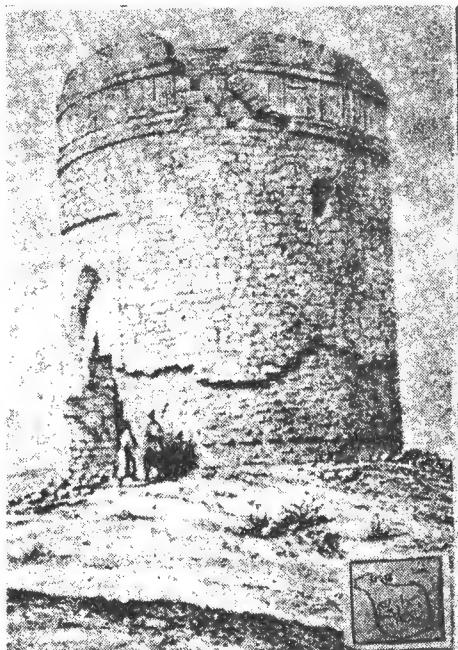
مأخذ: کتاب ری یاستان



تصویر ۷۹- برج تاریخی
بالای مقبره شاهان آل بویه
پس از تعمیر



تصویر ۷۸- برج سنگ گچ و آجر
در بالای کوهسار نقاره خانه (ری)
پیش از تعمیر



تصویر ۸۰ و ۸۱- برج از میان رفته ری که دارای خط و کتیبه کوفی بوده است

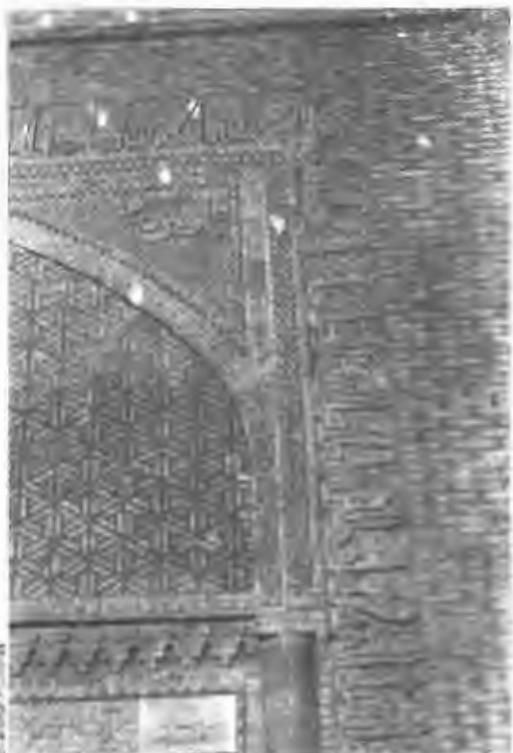
مأخذ: کتاب ری باستان



تصویر ۸۲ و ۸۳- دیوار دوره دیلمی مقبرة حضرت عبدالعظیم



عکاس: نگارنده



تصویر ۸۴ و ۸۵- تزئینات کتیبه‌ای دوره دیلمی
مقبرة حضرت عبدالعظيم

عکاس: نگارنده

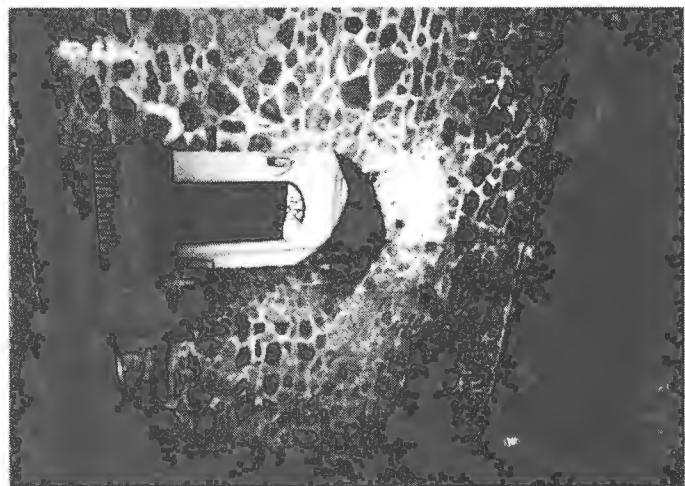


تصویر ۷۶- گنبد قاجاری و گنبد آل یونه مقبره بیت شهربانو در شهر ری

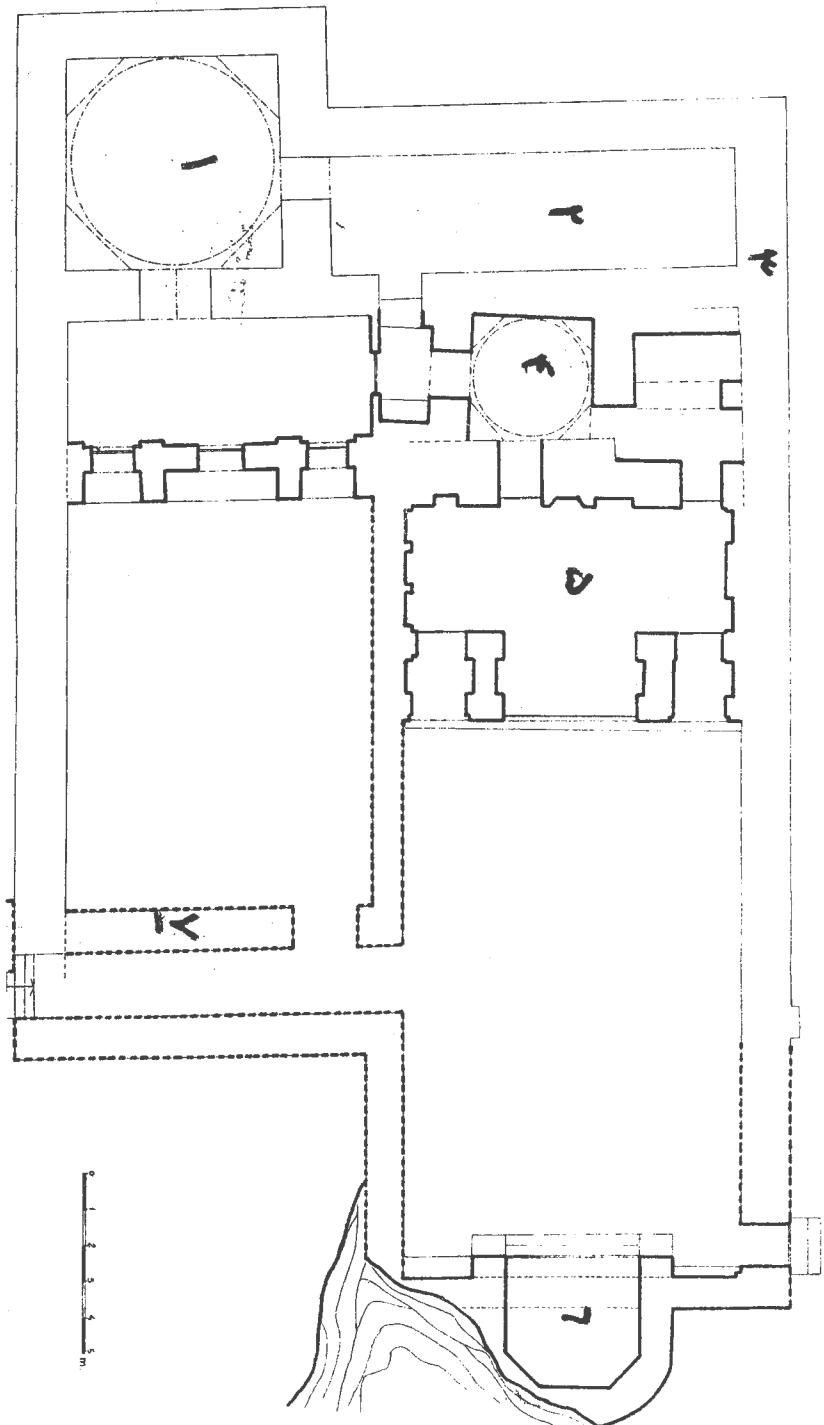


تصویر ۷۷- گنبد دوران دیلمی

عکس: گارنده

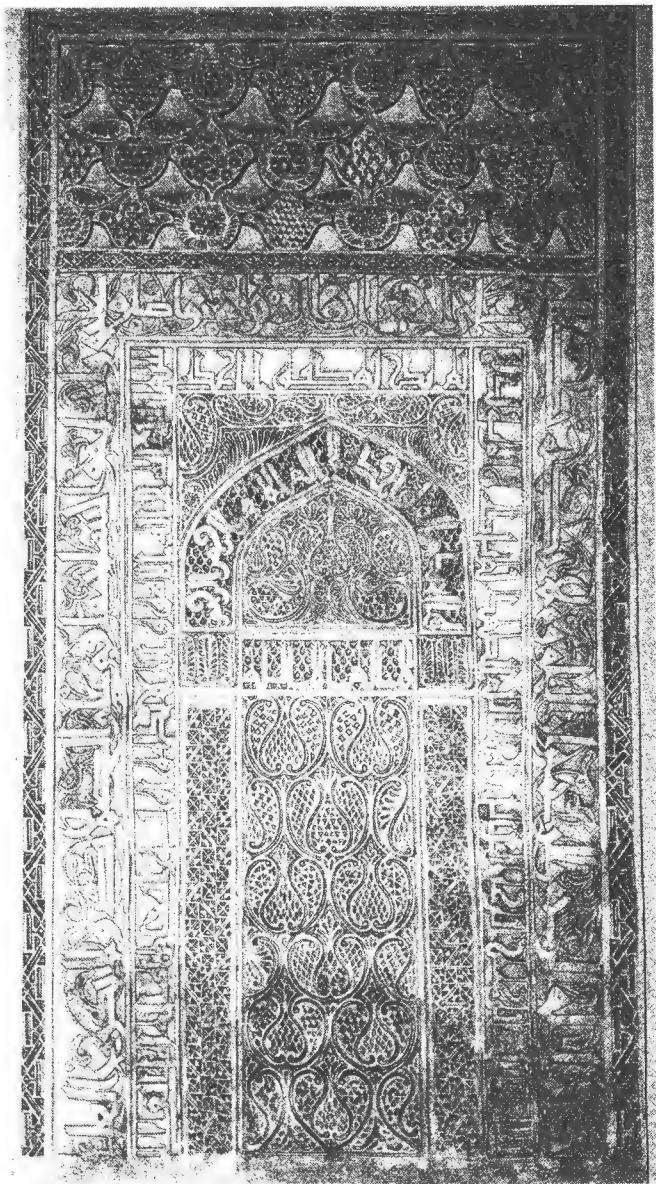


تصویر ۷۸



مأخذ: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی

تصویر ۸۹- نقشه پقعه بی بی شهر بازو در شهر ری
۱- گنبد آل بویه ۲- دلمباز دیلیمیان ۳- دیوار ساسانی ۴- حرم ساسانی ۵- مسجد قاجاریه ۶- مسجد قاباریه ۷- دیوار جدید الاحاد



تصویر ۹۰- محراب گچبری سده چهارم تا ششم هجری، طول ۱/۷۰ عرض ۷۹ سانتی متر
کتیبه‌ها: آیه ۵۹ الاحزاب ، ۱۸ ال عمران، ۱۶۳ البقره و حدیثی از پیامبر اسلام

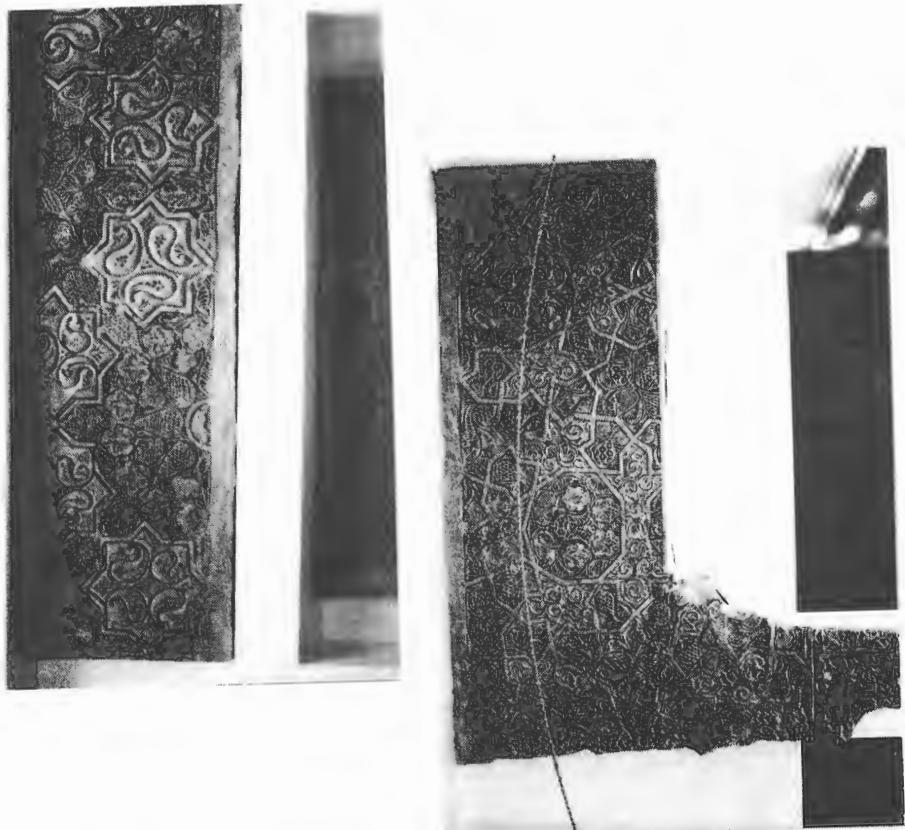
مأخذ: کتاب سیر تحول محراب در معماری اسلامی



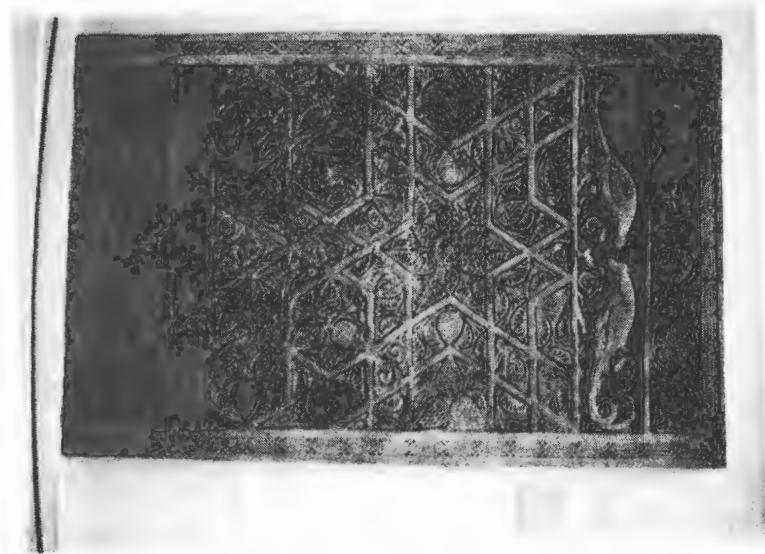
تصویر ۹۱- محراب گچبری مکشوفه در ری - موزه ملی ایران

عکاس: نگارنده

تصاویر ۹۲، ۹۳ و ۹۶ - تزیینات کتیبه‌ای مکشوفه مسجد فرن چهارم در ری



عکاس: بکر زده





تصاویر ۹۵ و ۹۶- تزئینات کتیبه‌ای دیوار مسجد ری قرن سوم و چهارم



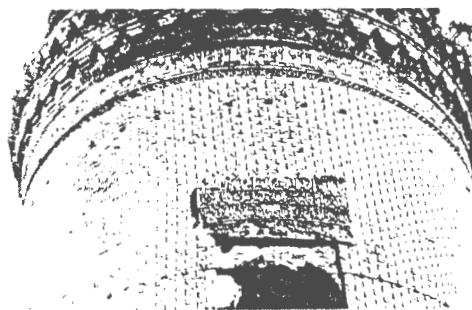
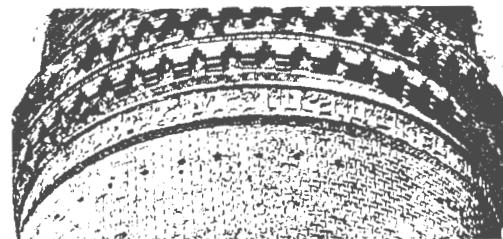
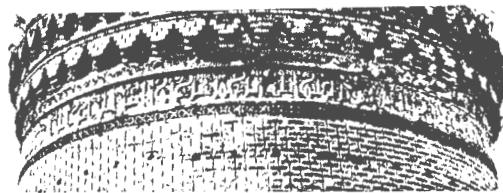
عکاس: نگارنده



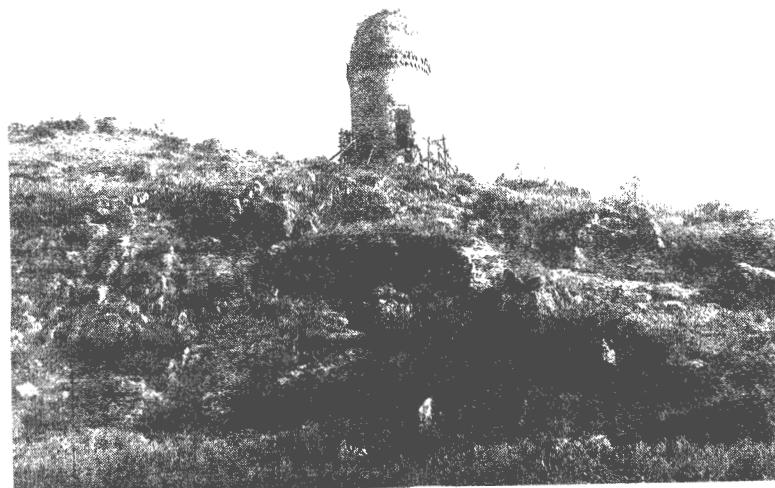
تصاویر ۹۷ و ۹۸- تزئینات کتیبه‌ای مسجد سرمهج کرمانشاه (هتر شیعی)
دوران حسنیه بروزکانی - ۳۶۹-۳۴۸ هق



عکاس: نگارنده



تصویر ۹۹- کتیبه برج رسگت



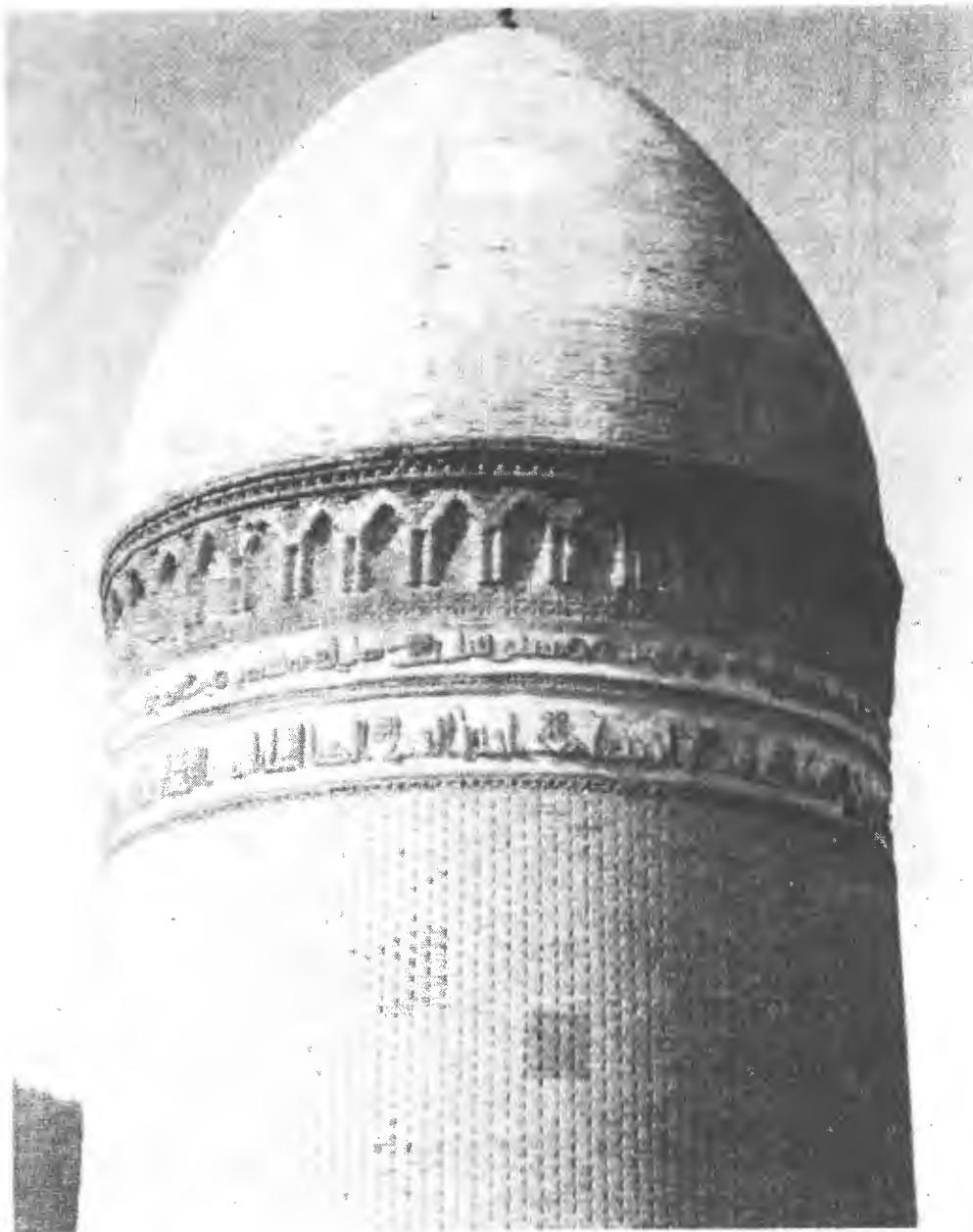
تصویر ۱۰۰- برج رسگت

مأخذ: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی ک.س



تصویر ۱۰۱- برج لاجیم

مأخذ: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور



تصویر ۱۰۲ - کتیبه برج لاجیم

مأخذ: اطلس تاریخ ایران

الله اعلم بالملائكة والspirits

لهم اجعلنا ملائكة في الدار

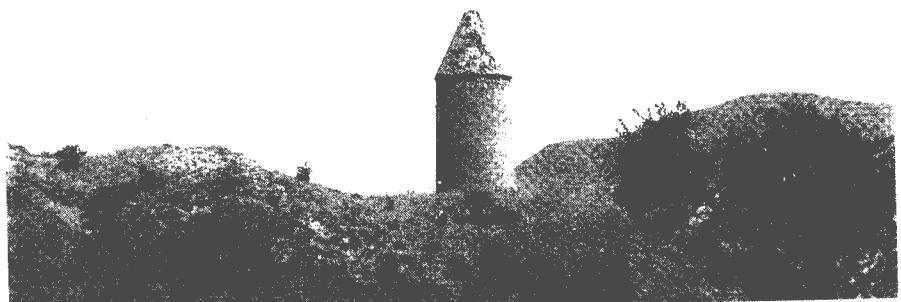
لهم اجعلنا ملائكة في الدار

Axe on la porte —

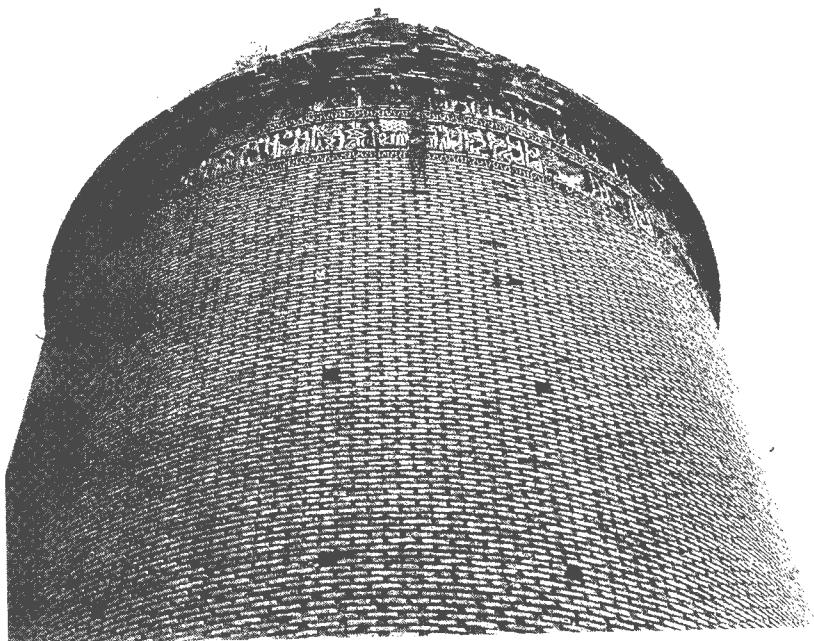
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ عَلٰی سَمٰوٰتِي وَعَلٰی اَرْضِي

الْمَدْنَى الْمَدْنَى الْمَدْنَى

تصویر ۱۰۳ - کتبه مضاعف برج لاچم



تصاویر ۱۰۴ و ۱۰۵- برج رادکان



مأخذ: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی



تصویر ۱۰۶- کتیبه برج رادکان



تصویر ۱۰۷- اسپیه مزگت یا سفید مسجد دیناخال‌چای (مسجد دوران آل بویه)

تصویر ۱۰۸- ترثیبات دیوارهای مسجد



مأخذ: میراث فرهنگی استان گیلان- شروین خسروی



تصویر ۱۰۹ - دهليز آق مسجد (سفید مسجد)
که دارای کتیبه خط کوفی می باشد.



مأخذ: میراث فرهنگی استان گیلان - شروین خسروی



تصویر ۱۱۲- کتیبه خط کوفی

تصویر ۱۱۱- کتیبه خط کوفی سفید مسجد



تصویر ۱۱۳- کتیبه گچبری خط کوفی



مأخذ: میراث فرهنگی استان گیلان

میراث اسلام

میراث اسلام

تصویر ۱۱۶ - طرح خط کیمی کوفی اسپیه مرگت دینا خال چای

تصویر ۱۱۵- نمای گنبد مسجد قروه



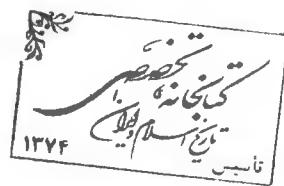
تصویر ۱۱۶- نمای داخلی گنبد مسجد قروه



تصویر ۱۱۷- گوشه سازی و تزئینات داخلی قروه



عکاس: هنگامه آل آقا



تصویر ۱۱۹- محراب مسجد جامع قروه

تصویر ۱۱۸

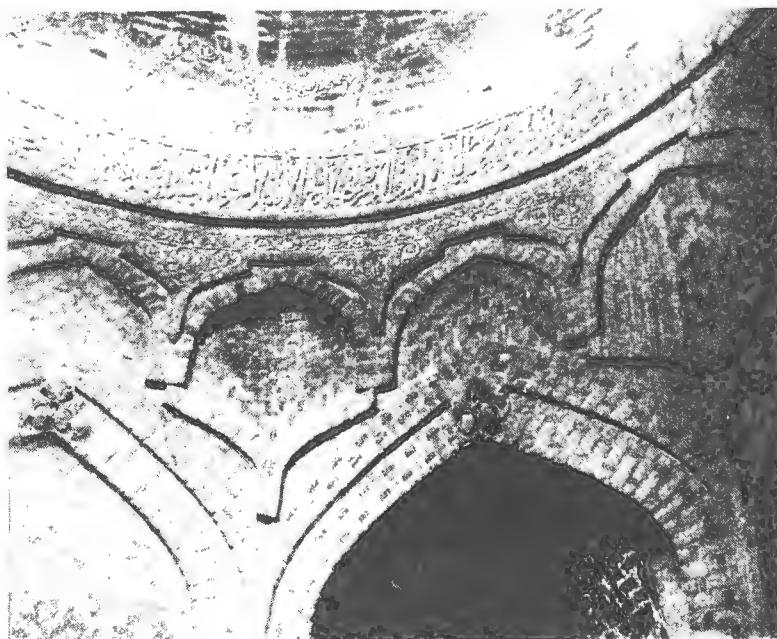


عکاس: هنگامه آل آقا

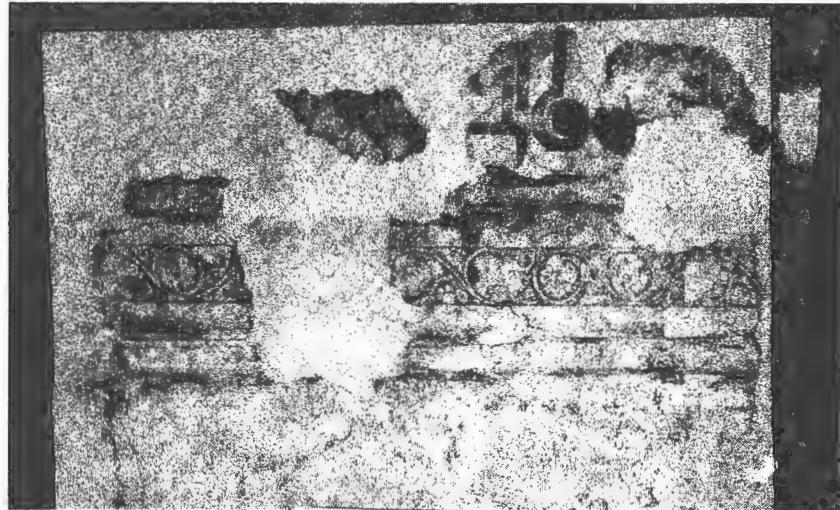
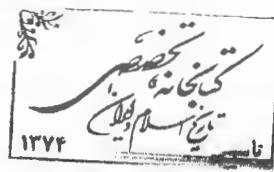


تصویر ۱۲۰- خط کوفی و تزئینات قرن چهارم مسجد جامع قروه

تصویر ۱۲۱- نقوش تزئینی و گوشه‌سازی در گنبد خانه مسجد جامع قروه



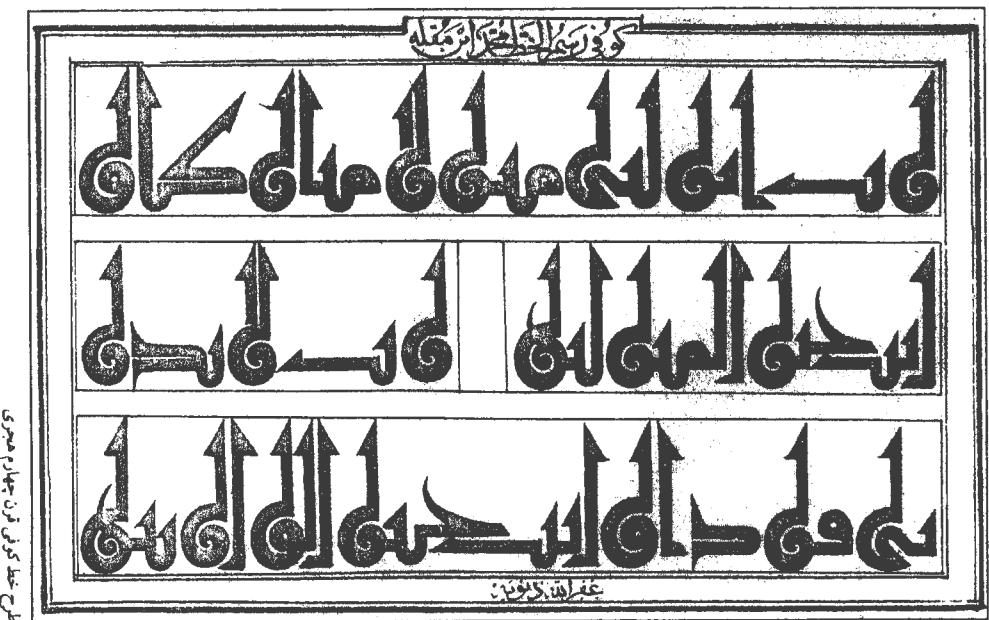
مأخذ: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور



تصاویر ۱۲۲ و ۱۲۳ - گچبری مکشوفه مسجد جامع ساوه



مأخذ: کتاب مسجد جامع ساوه

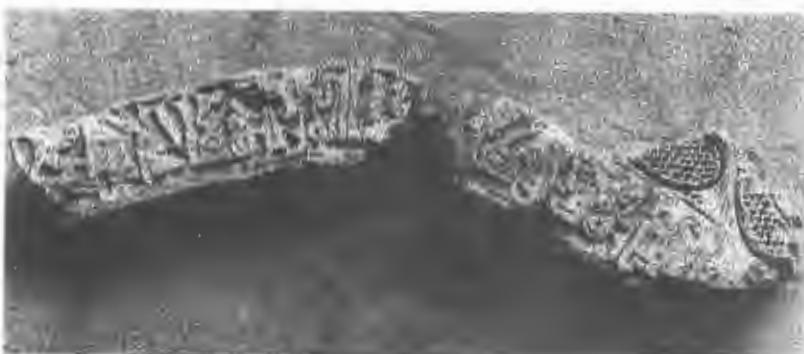


تصویر ۱۲۴ - نمونه خط ابن مقله

مأخذ: کتاب مسجد جامع ساوه

اے

تختهٔ خاص
کی خانهٔ خاص



تصویر ۱۲۵ - گچبری‌های مکشوفهٔ محراب مسجد جامع ساوه

مأخذ: کتاب مسجد جامع ساوه